

نشریه تخصصی مالیات

همراه با مردم، همصدا با نخبگان

مؤدکی

سال اول بهمن ۱۴۰۱، ۱۱۲ صفحه، شماره ۳، قیمت ۱۰۰،۰۰۰ تومان

نشست نخبگان اقتصادی کشور
با رئیس کل سازمان امور مالیاتی

همفکری برای ایران

” بررسی وضعیت حکمرانی داده و ظرفیت فناوری مالی در مالیات ستانی

” تجزیه و تحلیل داده های بزرگ و ارتباط آن با حسابرسی مالیاتی

” جزئیات درآمدهای مالیاتی دولت در لایحه بودجه ۱۴۰۲؛

” نحوه ارتباط نظام مالیات بر مجموع درآمد با یارانه ها

” نقش مالیات در تقویت پول ملی و مهار تورم

موافقان و مخالفان

مالیات بر عایدی سرمایه
چه می گویند

اکسیر تورم یا مالیات بر عقل

تجربه اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده
خانه و خودرو لوکس پیش روی ماست



دکتر مهدی صادقی شاهدانی
مدیران گوش شنوا
داشته باشند



دکتر احمد توکلی
حلقه مفقوده
مالیات ستانی



کاملترین و جامع ترین کتاب قوانین مالیاتی



از ویژگی های کتاب و نرم افزار :

- مشاهده تمام بخشنامه ها و آیین نامه ها و دستورالعمل ها و سایر مقرره ها از ابتدای ابلاغ قوانین تا کنون ذیل ماده مرتبط ■ قابلیت اتصال به نرم افزار همراه یار مالیاتی به کمک فناوری QR CODE
- سیر تحول قوانین و مقررات مالیاتی ■ به روز رسانی آنی تمام بخشنامه ها و مقررات مرتبط
- جستجوی سریع و پیشرفته قوانین و مقررات از طریق شماره، بازه تاریخی، بخشی از موضوع، بخشی از متن و...

برای تهیه کتاب با شماره تلفن های ذیل تماس حاصل فرمایید

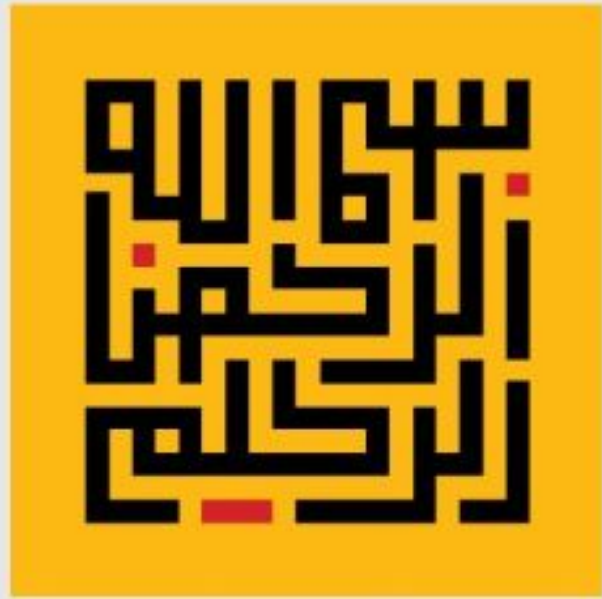
۰۲۱۸۸۹۳۲۰۸۶

۰۹۱۲۲۷۶۰۹۵۸

جامعه مشاوران رسمی مالیاتی ایران با اتخاذ روش های نوین و پیاده سازی فنون تدریس خلاقانه و نوآورانه با داشتن مجموعه ایی از اساتید مجرب و خبره مالیاتی آمادگی همکاری در زمینه آموزش و تدریس مباحث مالیاتی با نهادها و ارگان ها و اصناف و اتحادیه های مردمی را دارد .

ادرس سایت : IACTC.IR

HAMRAHYAAR.COM





گفت و گو

بررسی وضعیت ارتباط سازمان امور مالیاتی با نخبگان در گفت و گو با آقای دکتر مهدی صادقی شاهدانی: ۸۲
پارادوکس الگوهای غربی و زیرساخت های ناقص بومی! ۸۶



آموزش

دیوان عدالت اداری و مردم ۸۹



فرهنگ و مالیات

کار تون ۹۲
منوچهر فرهنگ او را پدر علم اقتصاد ایران می دانند ۹۳
جدول کلمات ۹۳
کار یکا تور ۹۴



نشت

نیازمند نگرشی نو ۳۸
سوداگری خوب! ۳۹
بررسی وضعیت حکمرانی داده و ظرفیت فناوری های مالی در مالیات سنانی ۴۲
گامی مبارک با دغدغه های فراوان ۴۶
۳ مسیر اثر گذاری ابزارهای مالیاتی بر کاهش تورم ۴۷
نشست نخبگان اقتصادی کشور با رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور! ۵۰



پرونده

عایدی سرمایه در ایستگاه بهار ستان ۵۳
خلاصه طرح مالیات بر سوداگری ۵۴
خلاصه نظر موافقان طرح مالیات بر عایدی سرمایه! ۵۶
خلاصه نظر مخالفان طرح مالیات بر عایدی سرمایه! ۵۷
مالیات بر عقل ۵۸
نه به مالیات تورم ۶۰
بخش خصوصی درباره مالیات بر عایدی سرمایه چه می گوید ۶۲
دلایل تصویب مالیات بر عایدی سرمایه ۶۶
طرحی خوب با چشم اندازی بد ۷۴
نرخ مالیات بر عایدی سرمایه در اروپا ۷۷
چگونه اجرا می شود مالیات بر عایدی سرمایه در آمریکا ۷۹
نرخ مالیات بر عایدی سرمایه در بریتانیا ۸۱

ترجمه

خشخت خام ۹۶
افزایش سه برابری نرخ مالیات بر عایدی سرمایه در کنیا ۹۷
جنگ اقتصادی چین و آمریکا ۹۸
تصویر واقعی از اثرات اقتصادی سیاست مالیاتی ۱۰۴
فرصت رقابتی کردن رژیم مالیاتی هند در سطح جهانی ۱۰۶
مالیات نامرئی ۱۰۸



یادداشت

تبیین زوایای پیدا و پنهان مالیات بر عایدی سرمایه ۴
خبر ۶
جزئیات درآمدهای مالیاتی دولت در لایحه بودجه ۱۴۰۲ ۸
خبر و نظر ۱۰
حلقه مغفوقه مالیات سنانی ۱۲
پیش بینی درآمدهای مالیاتی در سال آینده ۱۳
کیفیت مالیات سنانی در ایران، از رویا تا واقعیت ۱۴
فاصله شاخص های مالیات سنانی در ایران با وضعیت مطلوب ۱۵
نگاهی به چالش های جرم مالیاتی ۱۶
نقدی بر یک نامه اداری ۱۸
پایان سوداگری و آغاز عدالت اجتماعی و مالیاتی ۱۹
تأثیر منفی تورم بر مالیات سنانی ۲۰
کارگران و کارمندان سپر فرارهای مالیاتی ۲۱
مالیات سنانی غیر هوشمند: تقویت فشار بر مردم ۲۲
کودکان امروز مودیان فردا ۲۳
درآمد شگفت انگیز گمشده مالیات ۲۴
پراید در دایره دریافت مالیات از خودروهایی لاکچری! ۲۵



گزارش

نحوه ارتباط نظام مالیات بر مجموع در آمد با نظام یارانه ها: ۲۶
نگاهی به تجربه ارتباط مالیات با درآمد و یارانه در برخی کشورها ۳۴
تجزیه و تحلیل داده های بزرگ و ارتباط آن با حساسی مالیاتی ۳۶



مودی

مدیر مسئول:
دکتر مرتضی روحی

سرمدیر:
حسین فرامرزی

مدیر اجرایی:
حامد بزدانی

تحریریه:

روح ا... میرزائی، مصطفی زارع، احمد فرامرزی، علی اصغر عاملی، عباس رزاقی، سارا نوروز، قادر محرمی، پروانه پور کاووسی، سیده فاطمه سعیدی، سیبورا رضائی، حسین نیساری

تحلیل گران:

دکتر احمد توکلی، دکتر علی نصیری اقدم، دکتر محمود جامساز، محسن حاجی بابایی، محمد نوری، دکتر رحانه عامری، حبیب اله سعیدی، سیاوش غیبی پور، کامران مرندی، حمید حاج اسماعیلی، نیما امیر شکاری، محمد رضا مرکزی، حامد فاسمی، احمن نعمت بخش، زهرا صفدری، داریوش آقا زاده، سید مهران عربی زنجانی، دکتر موحدی بک نظر، دکتر پریسا مهاجری، غلامرضا سلامی، دکتر رعنائی، دکتر عزیزی، دکتر فاضل مریدی، حمیدرضا هادی پور، ندا بابادی، مهدی رنجبر، دکتر باریزی، دکتر علی عسکری، دکتر علی اکبر عرب مازار، دکتر ادیب، دکتر تیمور رحمانی، دکتر رضا امیدی پور، حمید رضا صالحی، حمید حسینی، ابوالفضل اسدی.

نشانی: خیابان خیام - خیابان صور اسرافیل - ساختمان آموزش و پژوهش سازمان امور مالیاتی - طبقه دوم - دبیر خانه هیات تشخیص صلاحیت مشاوران رسمی مالیاتی ایران

آدرس ایمیل: JOURNAL.TAX.2022@GMAIL.COM

تلفن: ۰۲۱-۳۸۴۹۴۲۰۸



گام‌های بلند

دکتر مرتضی روحی

شغل مناسب و هدر رفت ظرفیت موجود گردیده است.

در راستای استفاده از توان دانش آموختگان رشته های مطلوب برای عضویت در جامعیتین با پیگیری و تایید دستورالعمل تبصره ۲ ماده ۲۸ اساسنامه جامعه مشاوران رسمی مالیاتی توسط وزیر محترم وزارت امور اقتصادی و درایی و رئیس سازمان امور مالیاتی کشور یکی از شرایط سخت ورود به جامعه یاد شده که همان ده سال سابقه کار مرتبط را با گذراندن دوره آموزشی و کارورزی مرتفع گردید که این مهم با قراردادهای جامعه مشاوران رسمی با دانشگاه ها و مراکز علمی و آموزشی در بسط و گسترش دانش مالیاتی و در نتیجه افزایش اعضای جامعه و انجام رسالت جامعیتین بستر مناسبی را فراهم آورده است. عضویت در مجامع یاد شده اولاً فرصت شغلی مناسبی به عنوان و کالت مالیاتی و خدمت رسانی مالیاتی را برای دانش آموختگان رشته های مرتبط فراهم می آورد و دوماً به دولت در اجرای سیاست های جلوگیری از فرار مالیاتی و گزارش تخلفات مرتکبان جرم مالیاتی با عنایت به ماده ۲۷۶ قانون مالیات های مستقیم کمک می نماید و سوم اینکه ضرورت امر آشنایی مودیان با تکالیف قانونی در راستای مصوبات جدید مجلس شورای اسلامی کمک می نماید.

در راستای ضمانت اجرایی دستورالعمل ابلاغی، تسهیل فضای کسب و کار، شفافیت در اجرایی شدن دستورالعمل یاد شده و جلوگیری از اعمال سلیقه در صدور کارت عضویت به عنوان مجوز فعالیت در مجامع حرفه ای بر روی درگاه ملی صدور مجوز های کسب و کار قرار گرفته است و با پیگیری دبیر خانه هیات تشخیص صلاحیت تمامی فرآیندها به صورت الکترونیکی تعریف گردید و اکنون امکان درخواست، بارگزاری مدارک، رفع نواقص احتمالی و پیگیری متقاضیان پیش بینی گردیده است که در صورت داشتن شرایط عضویت، صدور کارت عضویت در جامعه مشاوران رسمی مالیاتی بعد از تصویب در هیات تشخیص صلاحیت طی ۲۰ روز کاری بایستی صادر شود در غیر اینصورت تبصره ۱۸ قانون بودجه ۱۴۰۱ که به مردم اجازه می دهد در صورت عدم صدور مجوز از سوی دستگاه ها از طریق درگاه ملی کسب و کار خود را شروع کنند عملیاتی خواهد شد. که یکی از دستاوردهای بسیار ارزشمند حوزه تسهیل صدور مجوز ها در نظام مقدس جمهوری اسلامی به شمار می رود.

مجامع حرفه ای زیر مجموعه وزارت امور اقتصادی و دارایی که قرار است بر اساس ماده ۲۸ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷ و موضوع بند ۴ ماده ۲ قانون مالیات مستقیم مصوب سال ۱۳۶۶ مجلس شورای اسلامی که اساسنامه آنها توسط هیات محترم وزیران تصویب گردیده است کار کردهایی در راستای اعتلای دوبرال هزینه ای و درآمد وزارت متبوع ایفا نماید. به طوری که این مجامع از دیدگاه قانونگذار بایستی در راستای تبصره ۲ ماده ۲۱۹ و ماده ۲۷۲ قانون مالیات های مستقیم سایر قوانین مرتبط در حوزه درآمدی به کمک اقتصاد کشور بیایند تا ضمن همراهی در شفافیت اقتصادی و سرعت در ارائه خدمات به فعالان اقتصادی در امر برنامه ریزی و اظهار نظر در خصوص امکان اجرایی شدن قوانین مرتبط مالی و مالیاتی در کمیسیون های تخصصی مجلس شورای اسلامی و تطبیق قوانین و استانداردهای مالی و مالیاتی با قوانین مجامع حرفه ای بین المللی نیز ایفای نقش نمایند که این امر به دلیل مشارکت نخبگان عملیاتی این حوزه در اجرایی شدن مصوبات نیز کمک شایانی خواهد نمود و فی الواقع گام های بلند انقلاب اسلامی و ایجاد الگوی مناسب اقتصاد اسلامی بر مبنای مردمی سازی در نظام جمهوری اسلامی محقق خواهد ساخت.

اکنون با وجود تعداد کثیری از دانش آموختگان رشته های حسابداری، اقتصاد، حقوق و مدیریت که به عنوان رشته های مطلوب برای عضویت و فعالیت در جامعه مشاوران رسمی مالیاتی و جامعه حسابداران رسمی هستند اما از این ظرفیت استفاده حداقلی هم نشده است که به عنوان یکی از ضعف های اساسی در راستای نحوه جذب و به کار گیری این ظرفیت جوان تحصیل کرده در جامعیتین به شمار می رود به عبارتی استفاده از ظرفیت افرادی که دارای فهم مالی هستند و تنها با یک دوره آموزش کوتاه مدت و کار گاهی به فهم مالیاتی مشترک با سازمان خواهند رسید مواجه هستیم. با واکاوی در اساسنامه و شرایط نحوه عضویت مشخص شد که قرار دادن شرایط سخت عضویت همچون داشتن ده سال سابقه مرتبط یکی از اصلی ترین دلایل عدم رونق جامعیتین است که این امر باعث تشکیل گروه هایی شده است که هیچ منشاء قانونی نداشته و هیچ نظارتی بر فعالیت آنها وجود ندارد و در نهایت این امر باعث فاصله گرفتن از اهداف تعیین شده توسط قانونگذار، کم شدن متقاضیان رشته های یاد شده در دانشگاه به دلیل عدم وجود

تبیین زوایای پیدا و پنهان مالیات بر عایدی سرمایه

از مسائل فنی تا گرفتاری برای مردم

دکتر علی نصیری اقدم | عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

معتقدم که مدیریت اصلاحات، مدیریت نیروهایی است که نگاه محافظه کارانه به موضوع دارند با نیروهایی که جوان و بلندپرواز هستند. هنر حرکت در بین اینهاست که چطور می‌تواند تحول کنیم، ولی ملاحظاتی روی زمین کشور را در نظر بگیریم. برنامه ارائه شده من برای اینکه این حرف خودم را نشان بدهم چه هست؟ اول یک تصویر کلان از طرح ارائه می‌دهم، بعد راجع به حکمرانی صحبت می‌کنم و بعد در رابطه با ضمیمه اجرای کانتکستی که ما می‌خواهیم در آن، این مالیات را اجرا کنیم، صحبت خواهیم کرد. در آخر راجع به پیوند طراحی با اجرا صحبت می‌کنم. این دو تا به هیچ وجه از هم مستقل نیستند. من نمی‌توانم بگویم شما برو هر چی طراحی کردی، من چطور می‌توانم اجرا کنم، اما می‌خواهم بگویم اگر ملاحظاتی را در نظر بگیریم تصویر کلانی که در ذهنم دارم از این داستان چه هست؟ داستان از این قرار بود که گفتیم باید مالیات عایدی سرمایه داشته باشیم. بعضی از دوستان نگاهشان، نگاه تنظیم‌گرانه بود؛ به تعبیری که در ایران رایج شده و مادر ادبیات به آن بیشتر نگاه تشبیتی یا تخصیصی می‌گوئیم. هر دو را بسته به هدفمان می‌توانیم دنبال کنیم. بعضی از افراد هم نگاهشان توزیع درآمد بود و نگاهشان این بود که توزیع درآمد را باید از طریق مالیات بر درآمد اصلاح کنیم، یکی از اقسام آن سی‌جی‌تی است.

بعد سؤال می‌شد که روی کدام دارایی برویم و برقرار کنیم. از روی کدام دارایی مالیات بگیریم. گفته شد که اگر بروی روی ملک بنشینیم، اتفاقی که رخ می‌دهد این است که مردم پولشان را می‌برند توی ارز، می‌برند توی طلا و می‌برند توی خودرو و اینجا عملاً تو ملک را دچار رکود کرده‌ای. ارز و طلا و اینها را ایجاد زمینه کردی برای اینکه حباب پیدا کنند و یک عده‌ای که بیشتر دارند، بیشتر منتفع شوند. باید این انتقال پایه یا حرکت پایه مالیاتی یا انتقال جریان درآمدی از یک پایه به پایه دیگر توسط مؤدیان رخ بدهد. فیش در سال ۹۸۱ در رساله دکترایش این دستگاه را تجربه کرد. این رساله دکترای فیش است. در ته آن می‌گوید اقتصاد ظروف مرتبطه است و تعادل در آن ظروف مرتبطه معنا پیدا می‌کند و شما اگر یک جا کالایت را کم کنی، از طریق ظروف مرتبطه تعادل همه قیمت‌ها را به هم می‌زند؛ و اگر یک جا فشار بیاوری، از یک جای دیگر بیرون می‌زند؛ بنابراین شما نمی‌توانی این را راحت کنی. ما باید حواسمان به این امر باشد.

گفتم عایدی یکی از اقسام درآمد است، ما مشکلی که داریم این است که باید مالیات بر مجموعه درآمدهای افراد داشته باشیم و عایدی هم می‌آید انجام می‌نشیند، ولی ما وقتی مجموعه درآمد افراد را داشته باشیم، آن گین هم تکلیفش روشن است، اما به هر دلیلی، حالا آمادگی نداریم، شرایطش نیست، پیش‌نویس لایحه‌اش تنظیم نشده یا هر چیزی، ما بیاییم یک شبه مالیات بر مجموعه درآمد ادرسی سی‌جی‌تی بکاریم، برای اینکه بتوانیم سی‌جی‌تی را اجرا کنیم.

گفتند برای این باید چه کار کنیم؟ منطق سامانه صدور صورتحساب الکترونیکی به هر طریق ممکن است. چه خود فرد، چه کارخوان، چه شخص ثالث و... بالاخره صورتحساب الکترونیکی برای همه چیز باید صادر شود. گفتیم فایده‌اش چه هست، گفتند مثل صید ترال می‌ماند. شما تور را طوری پهن و در طول دریا حرکت می‌کنی که هر کس در آن وسط باشد، گیر می‌افتد. اسم این را من می‌گذارم درآمد اتفاقی و می‌گویم هر کس خودش آمد حساب کرد، کرد. نکرد من یک تور صید

ترال دارم می‌اندازم و همه شما را داخل تور می‌اندازم. بنابراین سی‌جی‌تی شد یک مالیاتی که می‌خواهد با همه درگیر شود. چطور درگیر شود، من به لسان خود طرحی که نوشته شده خواهم گفت که معنایش چه هست. اینجا یک مسئله‌ای ایجاد شد و آن هم این بود که ما ارزیابی مبتنی بر ریسک را گفتیم اینجا نمی‌شود. چه کار کنیم؟ برویم به سمت تمام شماری سطح محور؛ یعنی هر کس هر جا هر معامله‌ای انجام داد، ما در لحظه معامله به نحوی در معامله حضور داشته باشیم و آن را در اختیار ما بگذارد و بعد هم ما برایشان اظهارنامه تولید می‌کنیم؛ این همان فقهی است که من از تصویر کلان این برنامه دارم که ما برای اینکه مشخصاً بتوانیم از ملک مالیات عایدی سرمایه بگیریم و برای اینکه بتوانیم سرریز آن را روی سایر دارایی‌ها کنترل کنیم و برای اینکه بتوانیم سرریز آن را روی سایر قسمت‌های اقتصاد کنترل کنیم، آمده‌ایم یک تمام شماری معاملات درست کرده‌ایم که من اسم این را مدل حکمرانی معاملات گذاشته‌ام. بنابراین من حقیقتاً موافق نیستم که ما می‌گوییم مردم در این طرح درگیر نمی‌شوند یا یک درصد درگیر می‌شوند. اینطور نیست، همه بالقوه مستعد درگیر شدن در این طرح هستند.

در این طرح چه چیزهایی آمده است؟

در این طرح گفته من شاخص را تجاری یا غیر تجاری می‌گویم. حساب‌ها یا تجاری اند یا غیر تجاری اند. کار پوשה‌ها یا تجاری اند یا غیر تجاری. می‌آیم تبادل اطلاعات حساب می‌کنم با بانک مرکزی و بعد ایجاد تناظر می‌کنم همانطور که توضیح دادم آن شکلش بهتر بود، میان اطلاعات کارپوשה‌ها و تراکنش‌های بانکی؛ یعنی تک‌تک تراکنش‌هایی که در نظام بانکی انجام می‌شود اما باید یک مابازای مالیاتی این طرف داشته باشیم. حالا در داخل سازمان با همان سقف حقوق‌ها همه این انطباق‌ها را برقرار کنیم و بگوئیم اگر تک‌تک معاملات در این اقتصاد دارد در حوزه دارایی رخ می‌دهد و البته در ابزارهای پرداخت مثل ارز و بعد هم در سایر معاملات، مثل بورس و... همه اینها باید مابازای تراکنشی‌اش مشخص باشد. بعد هر تراکنشی هم درآمد است. من موارد خاصی که بانک مرکزی دارد که مثلاً این بابت تسهیلات بوده، این بابت فلان چیز بوده، بعد یک اختصاص شناسه یکتا می‌دهیم به این داستان، اینها که من دارم توصیف می‌کنم نمی‌گوئیم غلط است، می‌خواهم بگویم که اصلاً داستان چطور می‌شود و اعلام مجموع ورودی و خروجی هر حساب و اجازه دادن به اینکه به ریز هر حساب دسترسی پیدا کنیم؛ یعنی هر تراکنشی که انجام شده را اگر من سازمان بخواهم باید در اختیار من قرار گیرد.

یک نکته خیلی مهم وجود دارد؛ اینکه آقایان و خانم‌ها، امکان حذف ممیز از سیستم مالیاتی وجود ندارد. نحوه مدیریت ممیز و نحوه تعامل ما قابل مدیریت است. ممکن است یک روزی ما بشویم اسپانیایی ۴ میلیونی یا دانمارک ۷ میلیونی با یک بلوغ تکنولوژیکی خیلی بالا و آن وقت بگوئیم همه چیز برای ما شفاف است و هیچ کس هم در صدد نارضایتی، تغییر دولت یا فلان چیز نیست و همه رضایت دارند و یکی از پازل‌های دنیاست که چطور در یک کشور بالای ۵۰ درصدشان را مالیات می‌گیرند، ولی مردم همچنان آنجا زندگی می‌کنند، این خیلی فشارش زیاد است. باور کنید فشارش زیاد است که من بگویم به شما ۳۰ میلیون حقوق می‌دهم و ۱۵ میلیون بابت مالیات به من پس بده، من نمی‌دانم آنجا چه خدماتی می‌دهند که این را پاگیر

کرده‌اند آنجا بابت مهد کودک خدمات می‌دهند، بابت نگهداری پدر و مادرش خدمات می‌دهند، بابت مرخصی زن و بچه‌اش خدمات می‌دهند. او می‌بیند می‌صرفد که اینجا مالیات بدهد و تمکین کنم. بنابراین شاید یک روزی ما بتوانیم دامنه عملیات ممیز را خیلی کاهش بدهیم و این آرزوی ماست، ولی امروز با آن روز یک مسیر طولانی فاصله داریم. ۲۰ ماه و ۱۸ ماه و اینها واقعا نمی‌توانیم این را اجرا کنیم، چرا که مسئله را تقلیل بدهیم به یک سامانه، یک مسئله فنی می‌شود، ولی اگر مسئله را یک پدیده اجتماعی بدانیم، اصلاً امکان ندارد.

یک آسیبی هم که در جوتگرایی ما وجود دارد، این است که خیلی زود موضوعات اجتماعی را به مسائل فنی تعمیم می‌دهیم. می‌گوییم اینکه کاری ندارد، من سامانه‌اش را درست کردم برای اینها هم کارپوשה درست کردم، از فلانی هم ۴ تا صورتحساب گرفته‌ام و داستان حل شده است، اما مسئله مالیات‌ستانی در این سطح قابل جمع و جور کردن نیست. بعد می‌آیم و انتقال اوراق بهادار و حق سهام و سهام‌الشرکه و تقسیم سود و اینها را می‌گوئیم اطلاعاتش را به من بدهید. من اینها را لازم دارم.

یکی ممکن است بگوید مگر تو نگفتی عایدی سهام معاف است، پس برای چه می‌خواهی از بورس اطلاعات بگیریم؟ برای آن صید ترال؛ برای این لازم دارم که وقتی می‌خواهم درآمد اتفاقی را حساب کنم، باید بروم تورم را یک جوری پهن کنم روی اقتصاد که همه معاملات را در تور خودم بیاورم و بعد آن وقت کار راحت می‌شود. باز اینجا خیلی بار بوروکراتیک دارد. می‌گوید هر کسی در دستگاه‌ها هر کاری کرد، یک صورتحساب عجالتاً لطف کند. سود می‌دهی، یک صورتحساب در سامانه بده؛ مثلاً یک شرکتی چقدر سهامدار دارد و می‌خواهد سود توزیع کند. چقدر باید صورتحساب الکترونیک صادر کنند؟ ما وقتی این را تقلیل می‌دهیم به یک مسئله فنی می‌گوییم کاری ندارد یک الگوریتم است، می‌نویسیم، اینجا تعریف می‌کنیم سهم هر کس چه است، اجرا می‌کنیم توی سیستم و شب می‌رویم خانه می‌خوابیم، صبح که می‌آییم مدل اجرا شده و همه صورتحساب‌ها صادر شده است.

ما الان برای اینکه بتوانیم همه تراکنش‌ها و معاملات را توی تور خودمان ببندیم، فقط در حوزه دولت سامانه‌ای داریم به نام ستاد. من درگیرش بودم؛ در فرایند مصوبات قانونی‌اش وقتی که دولت بودم، واقعا ببینید عملکردش چه هست؟ اگر آن نتوانسته اجرا کند، من شاخ در آورده‌ام، بال در آورده‌ام، چی شده که آنجا نمی‌شده اجرا کنی و من الان ادعا می‌کنم که می‌توانم؛ یعنی می‌خواهم بگویم از نظر اطلاعاتی و بوروکراتیک چیزی کسر نبوده، پشتوانه دولت هم پشتشان بوده؛ اگر چه در ابتدا اختلاف نظر‌هایی وجود داشته، ولی بعد آمدیم و کم کم زیر بار آن رفتیم.

شما الان می‌خواهی از دانشگاه یک مدرک فارغ‌التحصیلی به صورت الکترونیک بگیریم، ۲ سال در این سامانه‌ها باید وقت بگذاری.

اینجا بلوغ تکنولوژیکی وقتی می‌گوییم یعنی همین چی شده که همه سامانه‌های ما دچار مسئله‌اند و اینجا می‌گوییم می‌خواهیم یک سامانه‌ای بالا بیاوریم که همه مسائل فنی، اقتصادی و اجتماعی ما را جلوی چشم‌مان بیاورد. بعد می‌گوید صورتحساب الکترونیک برای همه وجود پرداختی. حالا من همه را ننوشتم. می‌گوید خواستی دیه بدهی صورتحساب باید بدهی. آیا اینجا مردم درگیر نمی‌شوند؟



استرداد و وثیقه باید صورتحساب الکترونیک صادر شود. مهریه و شیربها هم بعداً اضافه می‌شود. می‌خواهم بگویم که واقعا این طوری نیست که مردم بی ارتباط باشند با این سامانه. واقعا این طوری نیست که بار کار، خیلی بار سبکی باشد. بار سنگینی است که برداشته شده و می‌خواهم بگویم این مدل چه هست و بعد بگویم آیا می‌شود اجرایش کرد و کسی الکی دارد مخالفت می‌کند و هیچ کس هم نمی‌داند برای چه دارد با سی جی تی مخالفت می‌کند. بعد می‌گوید ما یک ماده ۱۴۸-۱۴۷ داشتیم که یک عمر است توی هزینه‌های قابل قبول مالیاتی با آن مشکل داریم. آن راهم من می‌گویم کسی اگر نوب سامانه بود، قبول می‌کنم. اگر خواستی استهلاک و زیان تسعیر هم صادر کنی، باز باید بیایی از طریق کارپوشه تجاری اقدام کنی؛ یعنی یک سامانه‌ای صبح با آن خواب بیدار می‌شوی و همزمان که زیر سماور را روشن می‌کنی، کارپوشه تو باز است تا شب که می‌خواهی سماور را خاموش کنی؛ بنابراین ما اینظوری باید با کارپوشه‌ها باشیم و زندگی کنیم.

اینها متن قانون است و ممکن است من فعل و فاعل آن را جلو و عقب برده باشم، ولی برای اینکه از عین متن طرح در آورده‌ام، اینها را گفتم.

تکلیف اشخاص ثالث به صدور صورتحساب الکترونیک که این را توضیح دادم، من با این قسمت کاملاً موافقم و این قسمت، جزو کارهای کاملاً برجسته این طرح است که ما از اطلاعات اشخاص ثالث استفاده کنیم.

تکلیف تمامی اشخاص تجاری و غیر تجاری برای صدور صورتحساب الکترونیک برای تنظیم هر گونه معامله از طریق اسناد مالیاتی. چند سال پیش که این موضوع را بررسی می‌کردم، تقریباً ۶۰ درصد دعاوی ما در قوه قضاییه مربوط به اسناد عادی است؛ یعنی ۹ میلیون از ۱۶ میلیون بود.

این کار به لحاظ لجستیک و ارتباط با مردم، بسیار کار سنگینی است و ارتباطات زیادی دارد. درست است که ما به آن بگوییم می‌خواهیم بازی را طوری بچینیم که از یک درصد مالیات بگیریم، حرف این است، ولی شما برای اینکه این بازی را بچینی و از آن یک درصد مالیات بگیری، داری با کل جامعه درگیر می‌شوی؛ جز بحث اشخاص ثالث.

نکته بعدی که دوستان می‌توانند به من پاسخ بدهند و من هم این را قبول می‌کنم که اینها اکثرشان ارتباط با سی جی تی ندارند. اینها برای پوشش لایه PIT هست. من این را می‌پذیرم؛ اینطور هست؛ منتها ما با آن تصویر کلان برویم، سی جی تی را وصل کرده‌ایم به PIT. بنابراین شما به ناچار مجبور شده‌اید که همه را وارد این بحث کنید.

من تک تک اینها را قبول دارم، افراد باید مشخص باشند؛ اینکه حساب تجاری برای چه کسی و حساب شخصی برای چه کسی است؟ تاجر باید از غیر تاجر مشخص باشد، همه اینها را

من قبول دارم، اما قبول داشتن تک تک این اصلاحات به این معنا نیست که جمیع این اصلاحات با همدیگر قابل پذیرش و اجرپذیر است.

نکته بعدی آنکه به اطلاعات اشخاص ثالث است که این جزو قسمت‌های درخشان این طرح محسوب می‌شود و باید بیشتر روی آن کار و تقویتش کرد و برای اجرای PIT هم ما کاری جز این نمی‌توانیم انجام دهیم. همین الان توی قانون اگر اشتباه نکنم این مفهوم وجود دارد؛ این طوری نیست که ما الان کشف کرده باشیم که اظهارنامه پیش فرض وجود دارد، البته این را هم بگویم، یک مسئله‌ای که همیشه وجود داشته این بوده که آیا ما در کشوری که به لحاظ اطلاعاتی شکاف زیاد اطلاعاتی داریم، آن چیزی که در دستمان هست را منتشر کنیم یا نکنیم.

این یک اختلاف نظر است. من می‌گویم تا وقتی که دستمان پر نشده، خیلی نباید دستمان را رو کنیم؛ چون به محض اینکه تو دستت را رو کنی، او رودست می‌زند؛ چون می‌فهمد که چقدر دست تو خالی است. این کشگران ما باهوش هستند و به انگیزه‌ها واکنش نشان می‌دهند. اگر واقعاً به جایی رسیدیم که دیدیم می‌توانیم، الان چرا ما می‌گوییم ما می‌آییم و اظهارنامه تولید می‌کنیم، چون فرض کردیم این تعرفه اجرا شده، اگر اجرا نشود چی؟ اگر اجرا شود و شما دستت پر باشد و اظهارنامه صادر کنی، کسی به تو می‌گوید چرا اظهارنامه صادر کردی؟ پس چرا می‌آیی یک توقعی ایجاد می‌کنی که بعد نمی‌توانی به آن پاسخ بدهی؟

درگیر شدن وسیع مردم در بستر اجرا

ما یک ملاحظات خاصی در کشورمان داریم. واقعاً مقایسه آن با کشوری مثل دانمارک مع الفارق است.

آقای بوتارک می‌گوید یکی از مشکلات مادر تعریف پول، این است که شما هر چیزی به عنوان پول تعریف کردی، حتماً یک بدلی پیدا می‌کند. اگر شما همین مفهوم ساده‌ای را که آقای بوتارک می‌گوید بفهمی و درک کنی که در یک اقتصادی داریم صحبت می‌کنیم که حساب سرمایه‌اش باز است، یعنی راحت پول بیرون می‌رود و راحت پول وارد می‌شود، هیچ محدودیتی نیست. اگر این را داشتیم می‌توانستیم راحت نرخ ارز را کنترل کنیم. ما این را نداریم؛ بنابراین این می‌توانیم در بازارهای اطراف که هیچ کدام سی جی تی ندارند پول‌ها آنجا منتقل شود. بعد ما چه کار می‌خواهیم انجام دهیم؟ بازار موزی و دولتی شدن این اقتصاد با فشارهای بیش از حد، یک تهدید جدی است؛ اینکه من می‌آیم و تراکنش را با معامله چفت می‌کنم، مواردی بوده که در نظام رسمی کار می‌کنم. من می‌خواهم بگویم به ضرر کسانی است که شفاف هستند، چرا؟ چون کسانی که شفاف بودند از قبل هم مالیاتشان را می‌دادند. حالا هم می‌بینند من که مالیات می‌دادم، بیایم داخل سامانه ثبت کنم و مالیاتم را بدهم، اما آنها که نمی‌دادند، اما حالا دیگر راحت‌تر نمی‌دهند. حالا دیگر ابزارهای پرداخت افول پیدا می‌کند، کلاس سازمان مالیاتی بگوید در بازار آهن وقتی مالیات بر ارزش افزوده را اجرا کردیم، چی شد و چطوری ابزارهای پرداخت و تراکنش‌ها از معاملات حذف شدند و ما هیچ راهی به آن نداشتیم. اگر کسی داخل سیستم کار نکرد، ما چه بر خوردی می‌کنیم؟

هیچ مخالفتی با چک کردن تراکنش‌ها ندارم، حاکمیت باید بر عرصه عمومی‌اش حکمرانی کند، اما این را بداند مردم اگر بخواهند همان یک درصدی که برای ما خیلی مهم هستند، اتفاقاً آنها هم بیشتر بلندند که چطوری در لاین موزی حرکت کنند؟؟؟ ما تبادل داده بین المللی نداریم. خیلی از اقتصادهایی که می‌گویند این کار را کردند، آن کار را کردند، برایشان فرقی ندارد نصیری در بانکی در دانمارک حساب داشته باشد یا در سوئد، آنها تبادل اطلاعات دارند. ما با کدام یک از کشورها تبادل اطلاعات داریم؟ تقریباً یا تحقیقاً با هیچ کشوری. این حرکت در اقتصاد موزی را آسان می‌کند.

این موضوع فقط فنی نیست که بگوییم من الان می‌گویم که

مثلاً این سفته بازی دارد ایجاد تورم می‌کند و من فردا اگر بدون تورم زدایی مالیات را بگیرم همه سر جایشان می‌نشینند. نه، همه سر جایشان نمی‌نشینند. اتفاقاً آن یک درصد تریبون دارد، قدرت دارد، تعیین کننده است، من خیلی از گرایش‌هایم به گرایش‌های پس‌پروزی نزدیک است. ماها می‌گوییم اصلاً قیمتی که در بازار تعیین می‌شود، قیمت عرضه و تقاضا نیست. به تعبیر ما آنها اصلاً ساکت نمی‌نشینند و اتفاقاً خودش می‌رود توی چشم ۹۹ درصد از یک طرف دارایی‌هایشان را خارج می‌کنند و از یک طرف قیمتی می‌گذارند که خیلی بالا باشد و از طرف دیگر هم خیلی از دریافتی‌هایشان را به ابزارهای پرداخت دیگر انجام می‌دهند و ما هیچ کاری نمی‌توانیم انجام بدهیم. وقتی این کار را می‌کنیم، قافیه به ما تنگ می‌شود و می‌گوییم بیایم زمین‌های کشاورزی را معاف کنیم. اگر زن دانشی و بچه دانشی و اگر دقیق طرح را بگوییم، بالای ۱۸ سال بود، آن وقت من تا ۴ تا به تو معافیت می‌دهم و مجبور هستم معافیت روی معافیت بیآوریم. وقتی یک چیزی را دارید ترازش را به هم می‌زنید، این تعادل را در کل سیستم به هم می‌زنند و اگر سیستم چند تعادلی باشد، ممکن است ما داریم تعادل بدتری سقوط پیدا کنیم و پیامد آن چی است؟ مشروعیت زدایی از نظام مالیاتی و دشوار کردن مالیات‌ستانی است.

مورد دوم، خارج کردن عایدی سهم از بازار سرمایه است، از پایه این نوع مالیات است که باز من فکر می‌کنم این مبتنی بر بی‌توجهی به برقراری تعادل عمومی در نظام اقتصادی است.

منطقش به این ترتیب است که من خریدار در بازار ثانویه ملک، اگر انگیزه‌های خریدم را در ملک از دست بدهم، چه می‌شود. آن کسی که در بازار اولیه تولید می‌کند، او هم دیگر بازار خودش را را کند خواهد یافت و وقتی او بازار خودش را را کند می‌بیند، نه فقط تولید ملک و عرضه ملک در سال‌های آتی مخدوش می‌شود و توزیع درآمد ما به مراتب بدتر می‌شود و کسری خانه بیشتر می‌شود، بلکه تقاضاهایی که در لایه‌های قبلی صنایع وجود دارد، به هم می‌خورد و خیلی‌هایشان در بورس هستند، من که در بورس فولاد تولید می‌کنم، من که سیمان تولید می‌کنم، من که لوازم لوله تولید می‌کنم و شیشه تولید می‌کنم، آنجا اگر ببینم محصول من فروش نمی‌رود، نیاز به سرمایه ندارم. حالا فرض کنید سرمایه بر فرض محال توی بورس رفت، نتیجه‌اش چه می‌شود؟ می‌شود حباب دارایی‌ها و ایجاد تورم از کانال حباب دارایی‌ها و آخرش هم بازدهی بازارها طی یک بازدهی ۲۰ ساله است.

نکته آخر در حوزه تعادلی که به نکات بیشتری می‌شود اشاره کرد، وصل کردن این به ماده ۱۳۱ و دیدن تصاعدی نظام مالیاتی است. من توصیه نمی‌کنم در شروع کاری توی این مسیر برویم. این کار ما را پیچیده می‌کند؛ البته همان راکدهای اصلاح شده ۱۳۱ هم افراد خیلی زود در دامن سقف ۲۵ درصد می‌افتند؛ چون تا ۵۰۰ میلیون معاف است؛ بنابراین کسی در لایه نرخ ۱۵ و ۲۰ می‌افتد و همه می‌روند در ۲۵ درصد؛ بنابراین کسی در یک نرخ بالا را می‌گیرد؟؟؟ و این باز دارندگی‌اش خیلی زیاد است و کار اجرا را سخت می‌کند.

توصیه من این است که اگر می‌خواهیم کاری پیش ببریم، ساده‌ترین کار ممکن را انجام بدهیم. همانطور که در ارزش افزوده از ۳ درصد شروع کردیم و همه آرمان‌هایمان را یک دفعه نیآوریم بگذاریم توی سیستم، اینجا با یک نرخ ۵ درصد یا ۱۰ درصد شروع کنیم. ما این همه تورم تجربه کردیم، این هم روی آنها. اجازه بدهید سیستم جا بیفتد، منطق آن کار کند و سیستم بچرخد، بعد که دیدیم سیستم کار می‌کند، الان ۹ درصد و ۱۰ درصد در ارزش افزوده کار سختی نیست و خیلی‌ها متوجه نمی‌شوند، ولی اگر از الان ۲۰ درصد ۲۵ درصد بدون تغییر تورمی بخواهیم مالیات بگیریم، همه پس می‌زنند. اطلاعات اشخاص ثالث را هر چه اینجاد داریم بیشتر تقویت کنیم و از تشخیص‌های مبتنی بر ریسک غافل نشویم.

من فکر می‌کنم با این روش می‌توانیم سی جی تی را اجرا کنیم.

فراموش نشود!

تجارت نیوز: ۳۱ مرداد ۱۴۰۱ فساد ۹۲ هزار میلیارد تومانی فولاد مبارکه نتیجه گزارش ۳۰۰ صفحه‌ای تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی از شرکت فولاد مبارکه است. بر اساس این گزارش، حداقل ۱۲۰۰ تخلف در فعالیت‌های فولاد مبارکه در فاصله سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ کشف و این تخلفات ابعاد و زمینه‌های گسترده‌ای از رانت و فساد تا هدیه و پرداخت پول بی‌رویه به نهادها و ...



خبرهای برگزیده



ایستنا، بانک مرکزی: هزار تومنی و دو هزار تومنی‌های جدید صفرهایش حذف نشد، کم رنگش کرده‌ایم.



روزنامه دنیای اقتصاد: دستور ویژه پوتین به استاندارانش درباره ایران (برای تامین نیازهای کالایی به سمت ایران حرکت کنند)؛ جلیل جلالی فر بازرگان ایرانی فعال در روسیه به روزنامه ایران گفت: بخش قابل توجهی از هیات‌هایی که از ایران به روسیه رفته‌اند بی برنامه بودند و همین امر سبب شده خروجی اقتصادی هم نداشته باشند و واقعیت این است که ما هیچ وقت تامین کننده خوبی نبوده‌ایم.

تورم سال آینده!

روزنامه خراسان: پیش‌بینی مرکز پژوهش‌های مجلس از تورم بالای ۴۰ درصد در سال آینده.

خبرگزاری تسنیم: وزیر اقتصاد با تأکید بر اینکه وقتی تورم ۶۰ درصدی تحویل گرفتیم، تورم ۴۰ درصد یک بهبود به شمار می‌آید.

دنیای اقتصاد: رئیس سازمان برنامه و بودجه: سال آینده کسری بودجه و تورم بالای ۴۰ درصد نخواهیم داشت.



وزارت اقتصاد: براساس اعلام وزارت امور اقتصادی و دارایی و مرکز اطلاعات مالی، به هیچ وجه عضویت در نهاد (FATF) محوریت فعالیت این مرکز در دولت مردمی قرار ندارد.



فروش داروهای کمیاب در قبال خرید داروهای کم مصرف!

به گزارش خبرنگار اجتماعی خبرگزاری تسنیم: فروش داروهای سهمیه‌ای و خاص در قبال خرید سایر داروها که به «سبد فروشی» نیز شهرت دارد، یکی از مشکلاتی است که در پی بروز کمیاب‌های دارویی تشدید شده، و داروخانه‌داران را با مشکلاتی روبرو می‌کند. در پی کمیاب شدن برخی از داروها، شرکت‌های پخش، داروهای کمیاب را به شرطی به داروخانه‌هایی فروشد که در کنار آن، داروهای کم مصرف یا بی مصرف و یا مکمل‌ها را خریداری کنند.



نامه‌نگاری نماینده با شورای رقابت

ایلنا نوشت: یازده نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به شورای رقابت نامه نوشته و در بخشی از نامه خود خواستار شدند: با استناد به قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و به ویژه مواد ۵۸ و ۶۱ از آن شورا انتظار می‌رود از اختیارات قانونی خود غفلت نکرده و ضمن توقف فوری رویه ضد رقابتی کنونی عرضه خودرو در بورس کالا و مجازات مدیران متخلف نسبت به سود عودت اضافه درآمد صورت گرفته در معاملات اخیر بورس کالا تدبیر لازم اعمال شود.

خرید ۱۰۰ میلیونی کارت‌های ملی



به گزارش ایسنا، روزنامه آرمان امروز درباره کاسبی جدید دلالت نوشت: شاید مشابه چنین درخواستی از سوی کاسبان و افراد گروه‌های مختلف نیز مطرح شود. فارغ از آنکه تسری چنین رویکردی در جامعه نشان دهنده عمق فاجعه اقتصادی است که تمامی گروه‌های جامعه را به سمت دلالتی و استفاده از رانت ناشی از اقتصادی دستوری سوق داده و تداوم آن با این وضعیت اجتناب ناپذیر خواهد بود اما اینکه این افراد با کارت

ملی چه درآمدی کسب می‌کنند که حاضرند بابت آن ۱۰۰ میلیون بپردازند، موضوعی است که بررسی‌ها از رانتی بزرگ در بورس کالا حکایت دارد. چرا که علیرغم سودی که خودروسازان از عرضه محصولات خود در بورس کالا می‌کنند، اما عدم عرضه مناسب و محدودیت خرید، چاره‌ای جز خرید و فروش کارت ملی افراد دهک‌های پایین جامعه را باقی نمی‌گذارد.

■ اقتصاد نیوز - طبق لایحه بودجه ۱۴۰۲، میزان افزایش حقوق‌ها در ۱۴۰۲ مشخص شد: در لایحه بودجه ۱۴۰۲، دولت برای حقوق کارکنان افزایش ۲۰ درصدی را نسبت به سال گذشته به صورت متوسط در نظر گرفته است که در صورت تصویب مجلس شورای اسلامی این میزان افزایش، سال آینده اعمال خواهد شد.

ثروتمندترین شخص ایران کیست و در سال ۱۴۰۰ چقدر مالیات پرداخت کرده است؟؟!

بیشترین مالیات تاریخ آمریکا برای ایلان ماسک «ثروتمندترین شخص آمریکا» رقم خورد.

آی‌تی ایران: ایلان ماسک، مدیرعامل شرکت‌های «تسلا» و «اسپیس ایکس» با انتشار توییتی اعلام کرد برای سال ۲۰۲۱ میلادی، بالغ بر ۱۱ میلیارد دلار مالیات پرداخت خواهد کرد.



■ رکورد بالاترین نرخ یک دلار آمریکا را در دی ماه سال ۱۴۰۱، در طول تاریخ پولی ایران شکستیم و رئیس بانک مرکزی را به محمدرضا فرزین سپردیم...؟!

■ تجارت نیوز نوشت: سود عرضه بورس خودرو به جیب چه کسانی می‌رود؟

نگاهی ساده به ارقام نشان می‌دهد که خودروسازان بیشترین سود را از عرضه خودرو داشته‌اند؛ یعنی کارخانه‌های خودرو سازی داخلی به واسطه این عرضه‌ها می‌توانند زیان‌دهی خود را کاهش دهند و حتی بدهی‌های معوقه خود را به موقع پرداخت کنند.

■ افشای تخلفات مالی «آجرلو» در استقلال

خبرگزاری مهر: قربانزاده رئیس‌سازمان خصوصی سازی گفت: آنچه که خود آجرلو امضا کرده اتفاق نیفتاده؛ طوریکه برای تیم بستن و برای پرداخت بدهی‌ها از پول حاصل از پذیره نویسی هزینه کرده که از نظر من قابل پذیرش نیست.



جزئیات درآمدهای مالیاتی دولت در لایحه بودجه ۱۴۰۲؛

کاهش ۷ درصدی مالیات واحدهای تولیدی

۸۹۰ میلیارد تومان و معافیت مالیاتی (جمعی - خرجی) ۲۰۰ میلیارد تومان تعیین شده است.

پیش بینی حقوق ورودی ۸۹ هزار میلیارد تومانی گمرک

در بخش مالیات بر واردات حقوق ورودی سایر کالاها (موضوع بند ب ماده ۱۵ آیین نامه اجرایی قانون امور گمرکی) ۸۹.۳ هزار میلیارد تومان، حقوق ورودی خودرو ۳۱.۹ هزار میلیارد تومان و حقوق ورودی واردات گوشی های موبایل ساخته شده خارجی یا قیمت بیش از ۶۰۰ دلار (بند ط تبصره ۷) هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده است.

پیش بینی مالیات ۱۳ هزار میلیارد تومانی نقل و انتقال خودرو

در حوزه مالیات بر کالاها و خدمات، مالیات بر فروش فرآورده های نفتی ۷ هزار میلیارد تومان، عوارض خروج مسافر از مرزهای کشور ۳ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان، مالیات بر فروش سیگار ۶ هزار و ۲۸۰ میلیارد تومان، مالیات بر نقل و انتقال اتومبیل ۱۳ هزار میلیارد تومان و مالیات بر ارزش افزوده ۱۵۹.۵ هزار میلیارد تومان تعیین شده است.

کارمندان دولت نیز ۳۰ هزار میلیارد تومان مالیات پرداخت خواهند کرد.

بر اساس لایحه بودجه سال ۱۴۰۲، مجموع درآمدهای مالیاتی ۸۳۸ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده است. از این رقم سهم مالیات اشخاص حقوقی ۲۹۶ هزار میلیارد تومان، مالیات بر درآمدها ۱۲۲ هزار میلیارد تومان، مالیات بر ثروت ۳۷۶ هزار میلیارد تومان، مالیات بر واردات ۱۲۹ هزار میلیارد تومان و مالیات بر کالاها و خدمات ۲۵۲ هزار میلیارد تومان تعیین شده است.

در بخش مالیات اشخاص حقوقی، مالیات اشخاص حقوقی غیر دولتی ۲۵۸ هزار میلیارد تومان و مالیات علی الحساب اشخاص حقوقی دولتی (وصول ماهانه بیم دوازدهم رقم) ۱۴ هزار میلیارد تومان و مالیات عملکرد شرکت های دولتی ۲۰ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده است.

سهم مشاغل ۴۱ هزار میلیارد تومان تعیین شد در حوزه مالیات بر درآمدها، مالیات بخش کارکنان بخش عمومی ۳۰.۹ هزار میلیارد تومان، مالیات بخش کارکنان بخش خصوصی ۳۹.۶ هزار میلیارد تومان، مالیات مشاغل ۴۱.۲ هزار میلیارد تومان، مالیات مستغلات ۹.۱ هزار میلیارد تومان، مالیات های متفرقه در آمد

مهم ترین عده مالیاتی در بودجه سال آینده کاهش ۷ درصدی مالیات واحدهای تولیدی است که از ۲۵ درصد پیش بینی شده در قانون با کاهش ۵ درصدی در سال ۱۴۰۱ و ۷ درصدی در بودجه پیشنهادی دولت به ۱۸ درصد در سال آینده رسیده است.

دولت سیزدهم در کنار تمرکز بر افزایش سهم مالیات از درآمدهای عمومی دولت، کاهش فشار بر بخش مولد اقتصادی را نیز دنبال کرده و به همین دلیل در رویکردی بی سابقه هم در سال جاری ۵ درصد از مالیات تولیدکنندگان کاهش پیدا کرد بلکه این رویه برای دومین سال متوالی از سوی دولت در بودجه ۱۴۰۲ پیشنهاد شد و مشوق کاهش ۷ درصدی مالیات واحدهای تولیدی به تصویب دولت رسیده است.

از مجموع ۹۷۸ هزار میلیارد تومان درآمدهای عمومی دولت در لایحه بودجه سال ۱۴۰۲، سهم درآمدهای مالیاتی و گمرکی بالغ بر ۸۴ درصد و به میزان ۸۲۶ هزار میلیارد تومان پیشنهاد شده که این رقم از کل منابع عمومی کل کشور به حدود ۴۲ درصد رسیده است.

بر اساس لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ برای نقل و انتقال سهام ۹ هزار میلیارد تومان، برای خودروهای گران قیمت ۷ هزار میلیارد تومان در آمد مالیاتی در نظر گرفته شده است، همچنین

مالیات ۷ هزار میلیارد تومانی خودروهای گران قیمت

در بخش مالیات بر ثروت، مالیات بر اربت ۳ هزار و ۲۶۸ میلیارد تومان، مالیات نقل و انتقال سهام، ۹ هزار و ۱۶۱ میلیارد تومان، مالیات نقل و انتقال املاک ۷ هزار و ۸۲۳ میلیارد تومان، مالیات بر واحدهای مسکونی گران قیمت، ۷۰۶ میلیارد تومان، مالیات بر انواع خودروهای سواری و وانت دو کابین دارای شماره انتظامی شخصی گران قیمت، ۷ هزار میلیارد تومان و در آمد حاصل از مالیات بر واحدهای مسکونی خالی از سکنه ۲ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده است.





سهم مالیات در بودجه ۱۴۰۲

بر اساس بودجه ۱۴۰۲، با توجه به پیش‌بینی درآمد ۸۳۸ هزار و ۶۰۹ میلیارد تومان مالیات، سهم مالیات از درآمدهای دولت برای سال آینده ۷۲ درصد خواهد بود

میزان مالیات سالانه خانه‌ها و باغ‌های با ارزش بیش از ۲۰ میلیارد تومان، دو در هزار خواهد بود و بر عهده مالکانی است که در ابتدای هر سال این اموال را در مالکیت خود داشته باشند



عوارض خروج از مرزهای هوایی به ازای هر نفر ۴۰۰ هزار تومان تعیین شده است که این نرخ برای سفر دوم ۵۰ درصد و برای سفر سوم و بیشتر به میزان ۱۰۰ درصد افزایش خواهد یافت



از سال ۱۴۰۲ به قیمت خرده‌فروشی هر نخ سیگار با نشان ایرانی مبلغ ۵۰ تومان، تولید داخل با نشان بین‌المللی ۱۰۰ تومان و هر بسته تنباکوی قلیان ۲۰ هزار تومان مالیات دریافت می‌شود



معافیت مالیات حقوق تا هفت میلیون تومان (درآمد سالانه ۸۴ میلیون تومان) تعیین شده است، بعد از تعیین میزان حقوقی که معاف از مالیات است، نرخ مالیات به صورت پله‌ای تعیین می‌شود



خودروهای لوکس که قیمت روز آن‌ها بیش از یک میلیارد و پانصد میلیون تومان است نسبت به مازاد بر این مبلغ مشمول مالیات سالانه خودرو به نرخ یک درصد می‌شوند



قیمت نقدی بنز تک و کمپرسی تک تابستان 96

▲ محمد مقدم @ آگوست 31, 2017 📍 دیدگاهها بسته هستند

بر اساس اعلام سازمان فروش ایران خودرو دیرل قیمت نقدی بنز تک باری ۲۰۲ میلیون تومان و برای بنز کمپرسی تک ۲۰۶ میلیون تومان می باشد. بنزهای تک با مدل ۱۹۲۲ و موتور ۲۴۰ اسب بخاری بنز عرضه می شوند. برای اطلاعات بیشتر قیمت کامیون را ببیند.



تسنیم: فروش کامیون ۲۳۰ میلیون تومان ارزان تر از بازار آزاد در بورس ...

نظر:

چند ساله پیش، همین کامیون ها زیر ۲۳۰ میلیون بود ???

اقتصاد ۱۰۰

-دیر کل انجمن صنایع لوازم خانگی ایران بایبان اینکه نهاده های تولید لوازم خانگی متوسط ۳۰ درصد گران شده، گفت: در شرایطی که نرخ ارز ساعتی تغییر می کند، صدور مجوز افزایش قیمت ماه ها طول می کشد.

نظر:

چرا مسئولین جهت تسریع و رفع بروکراسی اداری جهت گرانی هر چه سریع تر لوازم خانگی اقدامی نمی کنند ???



افزایش قیمت

سر خود از ۳ تا ۱۲ درصد از آهنگ های این محصولات بومیه!



TAS'IM

تسنیم: معطلی ۱۰ روزه محموله های صادراتی به روسیه در مرز آستارا.

بازاری، مدیر کل دفتر ترویج تجارت سازمان توسعه تجارت ایران گفت: سالهاست که می خواهیم پلی دیگر در کنار پل قبلی برای بهبود وضعیت تردد ایجاد کنیم اما با وجود اینکه دولت مذاکراتی با مقامات روسی در این زمینه داشته اما به نتیجه نرسیده است.

نظر:

نگاه به شرق بدون داشتن چشم ...

اعدام به علت ایجاد تورم
تاریخ: رئیس کل بانک مرکزی که به اتهام
محاربه در سال ۵۹ اعدام شد! یوسف خوش کیش،
سپیده دم ۲۴ مرداد سال ۱۳۵۹ اعدام شد. یکی از
جرم‌های وی ایجاد تورم و شناور نکردن ارز بوده است.

نظر:
سال ۱۳۵۹ ام آرزوست...



اقتصاد کلان: بر اساس پیشنهاد ارائه شده از سوی دولت در
قالب لایحه بودجه سال ۱۴۰۲، سقف معافیت مالیاتی حقوق به
هفت میلیون تومان در ماه افزایش یافت.

نظر:
بهتر این نیست که سقف معافیت از مالیات حقوق کارمندان و
کارگران را با شاخص خط فقر با پیش بینی سال ۱۴۰۲ که خیر
و ابدا... بلکه زیر میزان شاخص خط فقر در سال ۱۴۰۱ در نظر
بگیریم...

فردای
اقتصاد: قیمت گوشت باز هم
گران شد

رئیس اتحادیه گوشت گوسفندی نیز چند وقت
پیش از افزایش قیمت گوشت قرمز خبر داد و اعلام
کرد که علت افزایش قیمت گوشت قرمز کمبود عرضه
دام، صادرات و قاچاق دام است. قیمت هر کیلو شقه گوسفندی
۳۱۸ هزار تومان، ران باراسته و ران با گردن ۳۳۸ هزار تومان،
ران خالی ۳۵۸ هزار تومان، سردست با دنده ۳۳۸ هزار تومان،
کف دست بدون دنده ۳۵۸ هزار تومان، ماهیچه اعلا ۳۹۸ هزار
تومان، راسته گوسفندی ۳۳۸ مخلوط گوساله ۳۰۸ هزار تومان،
سردست گوساله ۳۰۸ هزار تومان، مغز ران گوساله ۳۲۸ هزار
تومان و ماهیچه گوساله ۳۴۸ هزار تومان است.

نظر:
چه طوره که رئیس اتحادیه گوشت از قاچاق
دام اطلاع دارد! اما قاچاقچی را
نمیشناسیم؟



FARS Mohammadi Ali Rajabi



احمد توکلی |
رئیس هیات مدیره دیده
بان شفافیت و عدالت

حلقه مفقوده مالیات ستانی

دولت‌ها نیازمند به منابع مالی جدید برای انجام مسئولیت‌ها و تعهدات اقتصادی و ارائه خدمات مطلوب هستند که بر اساس منابع طبیعی موجود در کشورها، تعاملات درون و برون مرزی و... میسر می‌شود. تامین منابع مالی دولت از محل درآمدهای مالیاتی یکی از پایه‌های جدیدی است که ایران بعد از محدود شدن درآمدهای نفتی به دنبال تحریم و مشکلات پیش رو بر روی آن تمرکز کرد، به نحوی که به گفته کارشناسان حدود ۶۰ درصد از درآمدهای دولت در سال آینده بر اساس مالیات ستانی و از طریق دریافت مالیات در سال‌های گذشته و طرح‌ها و مودیان جدید در سال آینده تامین می‌شود. کسری مدام بودجه از سالیان بسیار دور رویکردی تازه و جدید نیست، اما محدودیت حضور ایران در بازارهای صادراتی نفت و اعمال تحریم‌ها باعث شده است تا از درآمدهای ارزی که کمک موثری در تامین درآمدهای کشور بود محروم بمانیم، هر چند تامین در آمد از طریق مالیات در اکثر کشورهای جهان که فاقد ظرفیت‌هایی مانند نفت، گاز و دیگر منابع طبیعی هستند، روشی مرسوم است که با تکنولوژی‌های جدید نظام مالیاتی عجین شده و در سایه ارائه خدمات مطلوب دولت در قبال دریافت مالیات‌های مردمی روندی رو به رشد و افزایشی را طی می‌کند. اما ایران هنوز در مرحله طی کردن مراحل نخستین مالیات ستانی و توسعه آن در حوزه‌های مختلف به سر می‌برد و با توجه به تفاوت‌های قوانین و فرهنگ‌ها و... نیازمند بومی‌سازی اجرای قوانین اخذ مالیات در کشورهای دیگر برای اجرای مطلوب در کشور می‌باشیم.

احمد توکلی، رئیس هیات مدیره دیده بان شفافیت و عدالت در این خصوص نکاتی نسبتاً مبسوط در باره ضروریات مالیات ستانی در کشور و الزام توجه به نکاتی جهت حرکت در مسیر عدالت محوری در راستای اخذ مالیات با «مودی» در میان گذاشتند که در ذیل می‌خوانیم:

معاملات معمولاً به دو صورت انجام می‌گیرد، یا به شکل توزیعی یا چرخشی است، معاملات چرخشی معمولاً معاملاتی مضر تلقی می‌شود و عقلاً در صدد این هستند که نرخ مالیات بر معاملات چرخشی را افزایش دهند تا مخاطبان و علاقمندان کمتری داشته باشند، به عنوان مثال افرادی در این میان مسکنی را خریداری می‌کنند تا اجاره دهند و به دایره مصرف وارد کنند که فرآیندی مطلوب تلقی می‌شود اما گروهی دیگر هستند که خرید مسکن را به عنوان کالای سرمایه‌ای خریداری می‌کنند و نه تنها مسئولان را بلکه مردم را به دشواری و زحمت در این عرصه وایمی‌دارند که از نظر شرع و قانون مشکل دارد از این رو حتماً باید با این گروه برخورد مناسبی داشت تا به عنوان عامل گرفتاری در کشور نسبت به تبعات منفی اقدام



خود در این حوزه آگاه شوند تا چاره مناسب در این بخش اندیشیده شود.

این در حالی است که در حال حاضر حدود ۶۴ درصد معاملات مسکن در قالب معاملات چرخشی یعنی صورت نامطلوب معاملات عملیاتی می‌شود و به عبارتی نه این معاملات جایی ثبت می‌شود و نه جایی اطلاع رسانی می‌شود و هم اینکه مالیاتی هم برای این مبالغ کلانی که رد و بدل می‌شود پرداخت می‌گردد، این در حالی است که سرمایه‌های گزاف دیگری در حوزه‌هایی مانند صنعت، کشاورزی، تجارت و... وارد مدار تولید می‌شود اما خریداران این مسکن‌ها به عنوان کالای سرمایه‌ای حتی بدون اینکه به دیگران اجازه دهند فقط باعث ایجاد مشکلات برای مردم و اقتصاد در حال توسعه و حرکت ایجاد می‌کنند. این در حالی است که نرخ مالیات بر موارد مشابه مورد ذکر شده در کشورهای دیگر مبالغ کلانی است که در مقایسه با کشور ما قابل مقایسه نیست و شرم وجود چنین شرایطی در کشور یقیناً به وقوع فجایعی منتهی می‌شود که در صورت فقدان برنامه ریزی‌های اصولی به سقوط اقتصادی منجر می‌شود. در حالی که چنانچه اهرم نظارتی در این خصوص قوی باشد علاوه بر اینکه امکان وجود چنین مشکلاتی کاهش می‌یابد بلکه با دریافت مالیات از این محل یا طرق مشابه بسیاری از مشکلات در اجرایی شدن پروژه‌ها و معضل کسی بودجه حل خواهد شد و همچنین فرصتی برای تعمیم هر چه بیشتر عدالت اجتماعی برای مردم فراهم می‌شود.

اخذ مالیات در کشورهای توسعه یافته بخش اعظمی از درآمدهای دولتی را تشکیل می‌دهد و در مجموع دریافت مالیات و هزینه کرد آن برای رشد اقتصادی و شفاف سازی در این زمینه را نشانه‌ای از سلامت اقتصادی هر کشوری تلقی می‌شود که متأسفانه این رقم در ایران خوب نیست. هر چند اجرای طرح‌های مختلف مالیات در کشور تا کنون بارها به مجلس رفته است و نمایندگان و اعضای هیات دولت در باره آن به بحث پرداخته‌اند اما در لایه‌ها و سطوح دیگر و در گریو دار بده بستان‌های گوناگون به فراموشی سپرده شده و مردم و همچنین دولت متضرر شده‌اند و در این بین فقط اخذ مالیات از افراد شناخته شده شاغل در نهادهای دولتی و برخی از نهادهای

خصوصی استمرار یافته است. تغییر نظام مالیاتی کشور یکی از ضروریاتی به شمار می‌آید که از سال‌ها پیش در مجلس و دولت به آن اشاره شده است اما به طور جدی به آن پرداخته نشده است. معافیت‌های مالیاتی گسترده و متنوع، تعیین نرخ مالیاتی متعدد و کارشناسی نشده، فقدان نظام جامعه مالیاتی در حوزه شناخت مودیان، کاهش زمان پرداخت مالیات برای مودیان و... از جمله چالش‌های نظام مالیاتی کنونی تلقی می‌شود که نیازمند توجه دولت جهت هوشمند سازی بر اساس تکنولوژی‌های جدید است.

اخذ مالیات از مودیان باید ضمن تاکید بر عدالت محوری بر مبنای ممانعت از فرارهای مالیاتی، جلوگیری از رانت و فساد در این حوزه، توجه به تولید و... صورت گیرد چرا که چنانچه به این موارد به طور جدی توجه نشود احتمال بروز فساد و کاهش انگیزه مردم در این راستا افزایش می‌یابد و اعتماد مردم به بازرسین نیز کاهش می‌یابد.

ساده‌سازی نظام مالیاتی به دلیل تاثیر آن بر افزایش اثربخشی و کارایی دستگاه مالیاتی موضوعی است که می‌تواند بسیاری از مشکلات ذکر شده را حل و فصل کند؛ چرا که وجود قوانین پیچیده و مبهم علاوه بر افزایش هزینه‌های تمکین، احتمال بروز فساد را نیز افزایش می‌دهد. یکی از زمینه‌های بروز بسیاری از فرارهای مالیاتی، سیاست‌های حمایتی در قالب گسترش معافیت‌هاست.

به طور کلی نباید معافیت‌های مالیاتی برای بخش گسترده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی و برای زمانی نامحدود در نظر گرفته شود؛ چرا که اگر اعطای معافیت‌ها با دقت لازم صورت نگیرد دولت برای کسب درآمد به گروه‌های دیگر فشار می‌آورد. علاوه بر این موضوع، در هر نظام اقتصادی و مالیاتی روش‌های مختلفی برای تعیین میزان مالیات‌ها وجود دارد. اعمال نرخ‌های متعدد مالیاتی می‌تواند راه‌های فرار مودیان مالیاتی را تسهیل کند. در هر صورت بازنگری جدی در ترجیحات، تخفیفات، معافیت‌ها و نرخ‌های مالیاتی از جمله شاخص‌هایی به شمار می‌آیند که باید با توجه به شرایط اقتصادی کشور و نرخ تورم به آن پرداخت تا بتوان به تحقق درآمدهای مالیاتی امیدوار بود.



دکتر محمود جامساز
کارشناس اقتصادی

پیش‌بینی درآمدهای مالیاتی در سال آینده

امیدواری به تحقق درآمدهای مالیاتی در سال جاری در شرایطی که فعالان اقتصادی وضعیت مطلوبی را در دوران پسا کرونا و رکود اقتصادی و اعمال تحریم‌های فراوان تجربه نمی‌کنند، قدری خوش‌بینانه است. علاوه بر این تعیین مالیات‌های سنگین برای فعالان صنوف هم‌زمان با تنش‌های اجتماعی و اعتصابات و رکود ناشی از تورم... در کشور منطقی به نظر نمی‌رسد و چنانچه دولت از طریق عملیات بازار باز، فروش سهام و دارایی‌های دولتی و... قادر به تأمین کسری بودجه که هر ساله بروز میکند نباشد نمی‌توان به بهبود وضعیت امیدوار بود. زیرا شیوه تأمین کسری بودجه به روال هر سال در نهایت به تورم منجر می‌شود که تخریب‌کننده اقتصاد و گسترش فقر و فلاکت مردم و استمرار و تشدید التهابات و ناآرامی‌های جامعه در ابعاد وسیع‌تر است که هزینه دولت در مهار آنها را بسیار بالا میبرد.

بدیهی است همواره تأمین رفاه جامعه باید در اولویت نخست وظائف و تکالیف دولت قرار گیرد. در کشورهای توسعه یافته مالیات از مهمترین ابزار تأمین‌کننده مصارف بودجه دولتها محسوب می‌شود ضمناً در تأمین مالی پروژه‌های راهبردی و ارائه خدمات عمومی نیز نقش دارد. اما در کشور ما بدلیل ساختار معیوب و فاقد نظم اقتصاد دستوری و اتکا، بدرآمدهای آسان رس‌نفتی چندان مورد توجه قرار نگرفته و اندیشه اصلاح ساختار فسل مالیاتی هیچگاه از حوزه تفکر و نوشتار به قلمرو عمل در نیامده است. بطور کلی منابع دولت به دو بخش، قابل تقسیم‌اند. اول درآمدهای مالیاتی و دوم درآمدهای غیر مالیاتی که اهم آن نفت است و درآمدهای حاصل از فروش خدمات دولتی و کالاهای عمومی، جرائم و خسارات و درآمدهای حاصل از مالکیت دولت و گردشگری و صادرات و درآمد های اختصاصی نیز از دیگر انواع درآمدهای غیر مالیاتی دولت است.

اهم‌انطور که اشاره شد در کشورهای پیشرفته مهمترین منبع تأمین مالی رفاه جامعه، منابع مالیاتی هستند که در قالب یک نظام مالیاتی پیشرفته و کارآمد از مؤدیان اخذ می‌شود. از آنجائیکه این درآمدها در راه ارتقاء رفاه شهروندان بمصرف میرسد و یا بعبارتی مردم آثار پرداخت مالیات را در زندگی خود احساس میکنند خود را موظف به پرداخت مالیات میدانند به بیانی دیگر مالیات دهی به مثابه یک فرهنگ پذیرفته شده است. اما در کشور ما بدلیل عملکرد نامطلوب دولتها در ارائه خدمات و تأمین رفاه از یک سو و عدم رعایت عدالت مالیاتی از دیگر سوی، مؤدیان، مالیات را نوعی اجحاف و تعرض مالی و پرداخت پول زور بدولت تلقی میکنند زیرا آثار اقتصادی و اجتماعی آنرا در زندگی خود لمس نمیکنند. این در حالیست که اگر عدالت مالیاتی در فرایند مالیات سستانی مورد توجه قرار گیرد و از توزیع رانت و اتلاف منابع و فساد در دیوانسالاری جلوگیری شود و منابع به نحو بهینه بین نیازهای واقعی اقتصادی

اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی، آموزشی و زیست محیطی تخصیص یابدی شک مردم به پرداخت مالیات رغبت نشان میدهند. در حال حاضر بیشترین بار مالیاتی بر دوش طبقات ضعیف مانند کارمند و کارگر و واحدهای صنعتی و کشاورزی و خدماتی و اصناف بخش خصوصی است و نهادهای و بنیاد های بزرگ فرادولتی و رانتی مالیات گریزندومتأسفانه دولت ها قادر نبوده‌اند آنان را در ردیف لیست مؤدیان قرار دهند. بی تردید تلاش دولت برای اخذ مالیات از نهادهای و بنگاه‌های فرادولتی که از رانتهای اقتصادی و حمایت‌های سیاسی بر خوردارند با هزینه‌های سیاسی همراه است و چالش بزرگی فراروی دولت قرار میدهد. تجربه چند دهه اخیر نشان داده است که دولتها در اخذ مالیات از این نهادها ناکام بوده‌اند.

دولت به جای جلوگیری از فرار مالیاتی دانه درشت‌ها که برخی در ردیف مؤدیان هم نیستند و فاقد پرونده مالیاتی‌اند به اصناف و افراد حقیقی فشار آورده و با تعریف جدیدی از حساب‌های تجاری، به اصطلاح بر منبع تازه‌ای برای اخذ مالیات از مردمی که حجم بالایی از مالیات‌های دولت را چه به طور غیر مستقیم نظیر مالیات بر ارزش افزوده و مصرف و چه بصورت مالیات مستقیم می‌پردازند روی آورده است، اما کسی پیگیر فرار مالیاتی ۷۵ هزار میلیارد تومانی (که البته مقدار مالیات گریزی را تا ۱۸۰ هزار میلیارد تومان هم تخمین زده‌اند) نیست زیرا مالیات‌گريزان به هسته‌های قدرت و رانت نزدیک‌اند و از پرداخت مالیات طفره می‌روند. این نهادها از افزایش تعرفه‌های مالیاتی نیز بیمناک نیستند، اما مختصر تغییر در تعرفه‌های مالیاتی بر طبقات متوسط و حقوق و دستمزد بگیران مؤثر است. زیرا با افزایش هزینه‌ها و تورم و گرانی‌ها روز به روز فقیرتر می‌شوند و نسبت به پرداخت مخارج روزمره زندگی خود نیز در مضیقه‌اند.

با این وجود بخش بزرگی از مالیات‌ها توسط همین اقشار پرداخت می‌شود. در حالیکه طبق اعلام برخی از مسئولین ۴ نهاد بزرگ نزدیک به حکومت که ۶۰ درصد گردش مالی و اقتصاد کشور به آنان تعلق دارد تنها ۶ درصد معادل ۱۸۰ میلیارد تومان مالیات پرداخت کرده‌اند.

اخیراً رئیس‌جمهور اعلام کرده که نهادهای مالیات‌گریز در طیف مؤدیان قرار گرفته و مالیات پرداخته‌اند، اگر چنین است به وزارت دارائی دستور دهند که لیست

و میزان مالیات پرداختی آنان را بطور شفاف اعلام کند. معمولاً کسری بودجه ناشی از عدم تحقق درآمدها از جمله منابع مالیاتی در نیمه دوم سال خود را نشان خواهد داد، بر اساس برآورد مرکز پژوهش‌های مجلس، کسری بودجه سال جاری حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار میلیارد تومان اعلام شده بود که البته با افزایش قیمت جهانی نفت از یک سو و فشار مالیاتی این کسری تا حدودی تعدیل شد اما مشخص نیست در سال جاری چه میزان از این کسری معطوف به عدم تحقق بخشی از ۵۷۲ هزار میلیارد تومان مالیات تعیین شده در قانون بودجه سال جاری است.

سهام مالیات در لایحه بودجه سال آینده ۸۳۸ هزار میلیارد تومان یعنی ۵/۴۶ درصد بیش از میزان بودجه سال جاری پیش‌بینی شده است که جهش بلندی است و معلوم نیست معیار دولت در تعیین چنین رقم بزرگی چه بوده است. آیا پروژه‌های بزرگی در دست اجراست تا رشد اقتصادی و درآمد ملی و اشتغال را افزایش دهد؟ آیا مؤدیان، شرایط اقتصادی بهتر از سال جاری را تجربه خواهند کرد؟

در حال حاضر هیچ نشانه‌ای از سرمایه‌گذاری در داخل کشور وجود ندارد که به دلیل بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران، پیش‌بینی پذیر نبودن اقتصاد، افزایش انتظارات تورمی تحت تأثیر افزایش نرخ ارز، به نتیجه نرسیدن مذاکرات برجاسی، حجم سرمایه‌گذاری داخلی در کشور روند کاهشی یافته است و امکانی هم برای ورود سرمایه خارجی وجود ندارد؛ بانک جهانی هم رشد اقتصادی سالهای ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ را نزولی ارزیابی کرده است بنابراین درآمد ملی افزایش قابل توجهی نخواهد یافت که بر میزان مالیات تأثیر گذار باشد.

رخدادهای اخیر در جامعه ایران و بازتاب آن در خارج از کشور و وضع تحریم‌های جدید بر افراد حقیقی و برخی نهادها و تصمیم اخیر پارلمان اتحادیه اروپا در ارتباط با سپاه پاسداران و تشدید نظارت و دیده‌بانی نهادهای بین‌المللی در مورد شناسائی راه‌های دور زدن تحریمها و فشار آمریکا بکشور چین در توقف خرید نفت از ایران، قطعاً سال آینده ایران را بیشتر در مضیقه مالی و ارزی قرار خواهد داد. که پیامد آن افزایش کسری بودجه، رشد نرخ تورم، کاهش تولید ناخالص داخلی و درآمد ملی و سرانه در نتیجه ناکامی دولت در دستیابی به هدف مالیاتی مندرج در لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ خواهد شد.



محسن حاج بابایی
عضو شورای عالی مالیاتی

کیفیت مالیات ستانی در ایران، از رویا تا واقعیت

درآمدهای مالیاتی پیش‌بینی شده در بودجه‌های سنواتی هر ساله بر اساس برنامه ریزی‌های مالیاتی‌سازمانی و به مدد پدیده تورم مستمر در ایران به طور کامل محقق می‌شود اما کیفیت مالیات‌ستانی همواره مورد اشکال و انتقاد بوده و هست.

یکی از عمده‌ترین مشکلاتی که در سال‌های اخیر نظام مالیاتی همواره از آن رنج برده و درگیر با آن می‌باشد، عدم تمکین و اعتراضات فراوان مودیان مالیاتی نسبت به فرآیندهای رسیدگی و مطالبه مالیات (کیفیت مالیات ستانی) در ایران می‌باشد که منجر به پیامدهای نامطلوبی از جمله نارضایتی و کاهش اعتماد و اطمینان عمومی و به تبع آن افزایش حجم ورودی پرونده‌های مالیاتی به فرایندهای دادرسی و دادخواهی، عدم وصول به موقع درآمدهای مالیاتی، افزایش هزینه‌های وصول، و... را به دنبال داشته است.

یکی از اهداف مهم در تمامی سیاست‌گذاری‌های مالیاتی دستیابی به تمکین و مدیریت اجتماعی مالیات می‌باشد و میزان تمکین و پذیرش و رضایتمندی مودیان، معیاری برای سنجش سلامتی، مطلوبیت و کارایی نظام مالیاتی هر کشوری می‌باشد. در این میان عوامل متعددی بر تمکین مالیاتی موثر می‌باشند که یکی از عوامل مهم و عمده که تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر تمکین و پذیرش مالیاتی دارد و از ضریب بالاتری نسبت به سایر عوامل برخوردار می‌باشد کیفیت حسابرسی مالیاتی است. حسابرسی مالیاتی نوعی حسابرسی رعایت است که به منظور انطباق اطلاعات مالی و ابرازی مودیان با مقررات مالیاتی وضع شده، انجام می‌شود و گزارشات حسابرسی مالیاتی که مبنای تولید و صدور اوراق تشخیص و مطالبه مالیات بوده، توسط مامورین مالیاتی تهیه و تنظیم می‌گردند. قانونگذار و نظام مالیاتی برای تهیه و تنظیم چنین گزارشاتی مقررات خاصی وضع و تدوین نموده اند و همواره با تاکید بر رعایت ضوابط و مقررات در تنظیم گزارشات حسابرسی مالیاتی، شعار وصول بر اساس اصول و مقررات را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند.

همانطور که سازمان حسابرسی برای خود و سایر موسسات حسابرسی و حسابداران مستقل، ضوابط انجام حسابرسی را در قالب استانداردهای حسابرسی تدوین نموده است و رعایت آنها را در تنظیم گزارشات حسابرسی الزامی نموده، قانون مالیاتهای مستقیم نیز در ماده ۲۲۷، خصوصیات، کیفیت و استانداردهای یک گزارش حسابرسی مالیاتی مطلوب را بیان داشته و به تبع آن سازمان مالیاتی نیز در قالب دستورالعمل‌های متعدد سازمانی از جمله آخرین آنها دستورالعمل حسابرسی شماره ۵۲۲ مورخ ۹۹/۱/۲۷ اقدام به تعیین و تدوین ضوابط، چارچوب‌ها و استانداردهای حاکم بر گزارشات حسابرسی مالیاتی هم راستا با استانداردهای حسابداری ملی و سایر موازین قانونی نموده و کلیه مامورین مالیاتی مکلف و ملزم به رعایت آنها در تهیه و تنظیم گزارشات حسابرسی مالیاتی شده‌اند. در این میان فرایندهای مالیات ستانی در ایران علی‌رغم وجود



شدن طرح جامع مالیاتی، موتور ریسک سازمان روشن شده و اظهارنامه‌های تسلیمی را با بانک اطلاعاتی موجود مودیان، تطبیق دهد و با این کار اظهارنامه مودیان را به سه گروه کم ریسک، متوسط و پرریسک تقسیم بندی نماید و در واقع حدود ۹۰ درصد اظهارنامه‌های مالیاتی بدون رسیدگی و حسابرسی پذیرفته شود و صرفاً ۱۰ درصد آنها مورد حسابرسی دقیق و موشکافانه واقع شود که تا به امروز چنین مکانیزمی عملیاتی نشده است.

در حال حاضر مهمترین ریسک سازمان مالیاتی در گذار از یک نظام سنتی به یک نظام هوشمند، میزان عدم تمکین مودیان مالیاتی و کیفیت نامطلوب مالیات ستانی می‌باشد. که به اعتقاد نگارنده کیفیت مطلوب حسابرسی‌های مالیاتی و تولید اوراق تشخیص و مطالبه، منطبق با ضوابط، مقررات قانونی و دستورالعمل‌های حسابرسی با پرهیز و دوری جستن از قضاوت‌های شخصی، برآوردهای غیر واقعی، موهوم و به دور از واقعیت‌های اقتصادی جامعه در گزارشات تنظیمی و همچنین استانداردسازی تعداد پرونده‌ها و اظهارنامه‌های مالیاتی قابل حسابرسی، مبتنی بر نوع اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی، بورسی، غیر بورسی، سطح درآمد (کوچک، متوسط و بزرگ) و اهمیت آنها متناسب با توان و زمان در اختیار هر مامور مالیاتی، می‌تواند منجر به تولید اوراق مالیاتی با کیفیت شده که قطع به یقین، پذیرش، تمکین و عدم اعتراض مودی را به همراه داشته و منجر به دستیابی نتایج مطلوبی از جمله افزایش رضایتمندی و اعتماد عمومی به عنوان مهم‌ترین سرمایه اجتماعی دستگاه مالیاتی، وصول به موقع درآمدهای مالیاتی، کاهش هزینه‌های وصول، کاهش حجم پرونده‌های ورودی به هیئت‌های حل اختلاف و مراجع دادرسی درون و برون سازمانی، استفاده موثر از منابع انسانی شاغل در بخش‌های مختلف مانند بخش دادرسی گردد. انشالله در یادداشت بعدی به نقاط ضعف و قوت حسابرسی‌های مالیاتی و کیفیت رسیدگی‌ها در مراجع درون و برون سازمانی می‌پردازیم.

ضوابط و مقررات پیش‌گفته بنا به دلایلی از جمله حجم انبوه اظهارنامه‌های مالیاتی ارسالی، الزام سازمان به رسیدگی و حسابرسی تمامی اظهارنامه‌های تسلیمی، محدودیت نیروی انسانی، محدودیت زمانی برای انجام تمامی حسابرسی‌ها، عدم تناسب تعداد اظهارنامه‌های قابل حسابرسی با زمان رسیدگی و توان یک مامور مالیاتی، وجود قضاوت‌های سلیقه‌ای و گسترده در تشخیص مالیات، همگی باعث شده تا ماموران مالیاتی قادر به رعایت کامل دستورالعمل‌های حسابرسی برای مودیان نبوده و گزارشات حسابرسی مالیاتی که مبنای مالیات ستانی قرار می‌گیرند از کیفیت و شرایط مطلوب قانونی برخوردار نبوده و مورد اعتراض مودیان واقع، و به دنبال آن باعث کاهش کارایی و مطلوبیت نظام مالیاتی می‌شود.

متأسفانه در ایران به جز بخشی از مودیان (اشخاص حقیقی صاحبان مشاغل) که از تسهیلات مالیات مقطوع تبصره ماده ۱۰۰ استفاده می‌کنند مابقی مودیان مالیاتی مورد بررسی و حسابرسی توسط ماموران مالیاتی، واقع می‌شوند که در تنظیم گزارشات قطعاً بنا به دلایل اشاره شده، ضریب خطا و اشتباه و توسل به برآوردهای غیر واقعی، موهوم و به دور از واقعیت‌های اقتصادی افزایش چشمگیری می‌یابد و تعدیلات کاهشی زیاد (اختلاف بین مالیات ابرازی و تعیین شده) در آرا صادره از هیئت‌های حل اختلاف مالیاتی و بعضاً نقض آراء هیئت‌های مذکور در شورای عالی مالیاتی و دیوان عدالت اداری، مهر تاییدی بر این مطلب می‌باشد که حسابرسی‌ها به نحوه صحیح و منطبق با مقررات نبوده و عمدتاً با اعتراض و تنظیم لوایح دفاعیه از سوی مودیان در مراحل طولانی دادرسی تعدیل می‌گردند. حکایت از ضعف و نقص در کیفیت مطالبه مالیات دارد.

این در حالی است که در بین همه مودیانی که حسابرسی می‌شوند مودیان کم‌ریسک و تمکین‌کننده‌ای که اطلاعات مالی خود را نزدیک به واقعیت نشان می‌دهند، و انحراف با اهمیتی ندارند نیز وجود دارد که نیاز به صرف زمان و انرژی برای حسابرسی ندارند و قرار هم بر این بود که با اجرایی



مالیاتی یکی دیگر از ارکانی به شمار می آید که باید مورد توجه مسئولان ذیربط قرار گیرد زیرا اجرای طرح های مالیات ستانی با استمرار بر روش های فعلی و ممیزستانی به جای داده محوری ممکن نیست چرا که امکان اعمال سلیقه در بخش های مختلف از سوی عوامل انسانی نیز کاهش یافته یا حذف می شود و علاوه بر این نرخ فرار مالیاتی نیز بسیار کاهش خواهد یافت. طرح مالیات بر مجموع درآمد یکی دیگر از طرح هایی محسوب می شود که با دو بال، «ساماندهی معافیت بر درآمد» و «مکانیزم مالیات بر مجموع درآمد» به بررسی معافیت های مالیاتی پرداخته می شود و با حذف معافیت های زائد و ناکارآمد مالیاتی و بی هدف به رفع تبعیض های موجود و همچنین افزایش درآمدهای مالیاتی پایدار برای دولت منجر خواهد شد. از سوی دیگر اجرای مالیات بر مجموع درآمد به معنای حرکت در مسیر عدالت مالیاتی تلقی می شود چرا که در حال حاضر فقط کارمندان و کارگران گروهی هستند که هر ماه مالیات خود را پرداخت می کنند اما اگر این طرح اجرایی شود امکان دارد بسیاری از این افراد دیگر نیاز به پرداخت مالیات در قالب حقوق و دستمزد نداشته باشند چرا که بسیاری از هزینه ها به صورت منظم در قالب های مانند؛ هزینه های درمان، آموزش و... از درآمد مشمول مالیات کسر می شود. اجرای طرح مالیات بر عایدی سرمایه با توجه به ماهیت آن و تجربه سایر کشورها هر چند به صورت مستقیم درآمد زیادی را تصویب دولت نمی سازد اما از آنجایی که بخش عظیمی از سرمایه های غیرمولد افراد ثروتمند مشمول مالیات می شوند فعالیت های اقتصادی مولد تقویت شده و شاخص های عدالت مالیاتی و اجتماعی در جامعه فرصت اجرایی شدن بیشتری پیدا می کنند و در عین حال زمینه استقرار مالیات ستانی هوشمند و عادلانه بیش از پیش فراهم خواهد شد.

در حال حاضر در خیلی از کشورهای جهان در حال اجراست یکی دیگر از پایه های مالیاتی محسوب می شود که در صورت اجرای آن سهم مالیات پرداختی اشخاص حقیقی افزایش می یابد و این به معنای آن است که درآمدهای مالیاتی به سمت مالیات اشخاص حقیقی سوق پیدا می کند که فرآیندی مطلوب ارزیابی می شود هر چند برای رسیدن به نقطه مطلوب فاصله زمانی حداقل دو ساله خواهیم داشت و میتوان به اهداف نهایی در نظر گرفته شده با برنامه ریزی های مناسب و تاکید بر کاهش نقش عامل انسانی در حوزه عملکرد محاسبات مالیات ستانی بر اساس تقویت هوشمند سازی مبتنی بر داده نائل آئیم. طی پروسه زمانی برای اجرای مطلوب هر طرحی از جمله بدیهیاتی به شمار می آید که در تمام نقاط جهان اجرا می شود هر ستاد و سیستمی درگیر اجرای آن خواهد شد تا سیر تحولی اجرای مطلوب را سپری کند اما بدیهی است که در دوران گذار از وضعیت فعلی به وضعیت مطلوب با چالش های اجرایی مواجه شویم و هنر مجریان بایستی مدیریت بهینه و اقدامات عادلانه برای کاهش چالش ها و تنش های اجرایی باشد. اجرای طرح مالیات ستانی هوشمند و تمرکز دولت در این بخش نیز از این قاعده خارج نیست و اقدامات صورت گرفته تا کنون نیز در همین راستا قابل بررسی است و چنانچه اقدامات صورت گرفته با همین شدت و حدت اجرایی شود و زیرساخت ها و تجهیزات هوشمند آمیخته شود در آینده ای نزدیک شاهد عملیاتی شدن مالیات ستانی عادلانه و هوشمند در حد نسبتاً مطلوب خواهیم بود. آنچه که تا آن زمان باید مورد توجه قرار گیرد این است که تمرکز دولت و ابزارهای لازم را در جهت جلوگیری از فرارهای مالیاتی به کار گرفته شود به جای اینکه فشار مضاعف بر روی بنگاه های و واحدهای اقتصادی فعال با عملکرد شفاف باشد، شناسایی دقیق مودیان



فاصله شاخص های مالیات ستانی در ایران با وضعیت مطلوب

تمرکز دولت بر ارتقا نظام مالیات ستانی همزمان با کاهش زیاد درآمدهای نفتی در کشور آغاز شده اما این اصلاً به این معنا نیست که در این مسیر راه کامل پیموده شده است هر چند اهداف تقویت مالیات ستانی در کشور تعیین و مشخص شده است و گام های موثری نیز در این راستا برداشته شده است اما در خصوص هدف گذاری صورت گرفته در لایحه بودجه با توجه به کاهش ۷ درصدی مالیات بر شرکت های تولیدی آنقدر زیاد و گام بلندی محسوب نمی شود چرا که بخشی از این افزایش درآمدهای مالیاتی خود به خود از طریق افزایش قیمت های ناشی از تورم رقم می خورد. علاوه بر این در فرآیند بررسی وضعیت مالیات ستانی باید بر اساس شاخص های بین المللی انجام شود به عنوان مثال نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی یا مثلاً سهم مالیات در پوشش هزینه های جاری دولت را در ایران با کشور های پیشرفته یا در حال توسعه منطقه مقایسه کنیم متوجه میشویم راه بسیاری تا وضعیت مطلوب در ایران باقی مانده است و ارقام پیش بینی شده در بودجه اصلاحی بالایی نیست. بر اساس آنچه که گفته شد باید اظهار داشت که میزان رشد مالیات ستانی در سالهای اخیر از رشد جدی برخوردار نبوده است هر چند اگر به این ارقام و اعداد به عنوان یک عدد خام بنگریم ذهنیت رشد حدود ۵۰ درصد را خواهیم داشت اما با آنچه که نرم جهانی کشور های پیشرفته و در حال توسعه است فاصله بسیاری داریم و باید گفت مطابق با آنچه در سال ۱۴۰۱ هدف گذاری شده است هدف بزرگی به شمار نمی آید که منجر به فشار مضاعف بر بنگاه های اقتصادی خرد و کلان در کشور شود اما آنچه که باید به آن به عنوان چالش اصلی در این زمینه نگریست، فقدان مکانیزم های هوشمند مالیات ستانی در این حوزه است که داده محور نیستند و آنچه که اکنون صورت می گیرد بر اساس ممیزمحوری و استفاده گسترده از عوامل انسانی عملیاتی می شود که در این مسیر بسیاری از شرکت ها و مودیان از عدالت مالیاتی بهره مند نخواهند بود. به عبارتی شرکت هایی که دارای عملکرد شفاف هستند مالیاتی بالغ بر ۲۵ درصد را به نظام مالیاتی پرداخت می کنند اما در مقابل گروهی دیگر نیز با فعالیت به صورت غیرقانونی و در لایه های پنهان نظام اقتصادی کشور بدون اخذ مجوز یا مالیاتی پرداخت نمی کنند و یا مشمول مبالغ کمتری از حد قانونی می شوند که به هیچ وجه مطلوب نیست. بدیهی است این بی عدالتی در پرداخت مالیات ها در بنگاه های رسمی و غیررسمی باعث ایجاد نارضایتی در بین این گروه و مردم می شود. تصویب و اجرای طرح مالیات بر مجموع درآمد که



دکتر ریحانه عامری |
حقوقدان

نگاهی به چالش‌های جرم مالیاتی (موضوع ماده ۲۷۴ ق.م.م)

طی سال‌های اخیر درآمدهای مالیاتی در تامین منابع مالی دولت ایران افزایش چشمگیری داشته است به نحوی که می‌توان مالیات را عمده ترین منبع درآمدی در کشور دانست. از سوی دیگر جایگاه ویژه مالیات، سیاست گذاران و قانون گذاران این حوزه را بران داشت تا تدابیر ویژه‌ای در راستای افزایش این منبع مالی بیابند. یکی از سیاست‌های متخذه در حوزه تقنینی جرم انگاری فرار مالیاتی ضمن ماده ۲۷۴ قانون مالیات مستقیم (مصوب ۱۳۹۴/۰۴/۳۱) می‌باشد. با این وصف می‌توان گفت که یکی از اهداف قانون گذار جلوگیری از فرار مالیاتی و به تبع آن، افزایش درآمدهای مالیاتی می‌باشد.

البته جرم مالیاتی در پیشینه قوانین مالیاتی به گونه ای وجود داشت. برای مثال به موجب ماده ۲۰۱ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۱۳۶۶ فرار از پرداخت مالیات، علاوه بر مسئولیت تضامنی و جرایم متعلق، به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال و محرومیت از کلیه معافیت‌ها و بخشودگی‌ها محکوم می‌شد. لیکن مصداقی شفاف از جرم مالیاتی به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۴ و مطابق ماده پیش گفته صورت گرفت وجود نداشت. هر چند که جرم مالیاتی تاکنون نیز ضمن قوانین و مقررات مالیاتی، تعریف نشده است اما از آنجا که هر کجا قانون گذار سکوت نموده یا تکلیف امری را ضمن قانون خاص مشخص ننموده به قانون عام جهت گرفتن وحدت ملاک مراجعه می‌شود. لذا می‌توان جرم مالیاتی را در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی معنا نمود که بیان می‌دارد "جرم عبارت است از هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است" با این وصف؛ به نظر می‌رسد جرم مالیاتی عبارت است از هر گونه فعل یا ترک فعلی که مودی مالیاتی یا اشخاص ثالث - که به موجب این قانون مسئول وصول مالیات و ایصال آن به سازمان امور مالیاتی می‌باشند - جهت پرداختن مالیات یا کاهش میزان آن به طرق غیرقانونی مرتکب می‌شوند و باعث ورود ضرر و زیان به حقوق حقه دولت می‌گردند. مصداق اقدامات ناصواب مودی ضمن مواد بسیاری در ق.م.م از جمله ۱۶۹، ۲۰۰، مکرر، ۱۸۱، ۱۸۷، ۱۶۱، ۲۷۶ و ... بیان شده‌اند، مع الوصف قانون گذار به طور ویژه، ضمن ماده مارالذکر طی ۷ بند مصداق آن را احصا نموده است. لازم به ذکر می‌باشد؛ در این میان می‌بایست بین فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات تفکیک قائل شد. زیرا که فرار مالیاتی غالباً از طرق غیرقانونی صورت می‌پذیرد. در حالیکه اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند ناشی از خلاءهای قانونی مانند تورم و تعدد قوانین، عدم شفافیت و ... باشد. به هر روی اجتناب و فرار هر دو به عدم پرداخت مالیات یا کاهش آن منجر می‌شود. از طرفی هم نمی‌توان هر



■ استفاده از کارت بازرگانی اشخاص دیگر به منظور فرار مالیاتی.

مالاً ابهاماتی در خصوص مصداق مذکور نیز قابل طرح می‌باشد برای مثال: ضمن بند ۱ تنظیم دفاتر خلاف واقع و استناد به آن مبنای وقوع جرم واقع شده است؛ آیا صرف ارسال خلاف واقع نمی‌تواند مبنای وقوع جرم باشد یا قانون گذار خواسته مواردی را که سهواً دفاتر به درستی و صحیح تنظیم نشده‌اند را از مصداق جرم مالیاتی خارج نماید؛ حتی با این فرض هم اگر شخص متوجه اشتباه شود که اصلاً جرمی واقع نشده است که بخواهد به آن استناد نکند یا نکند. هم چنین بند ۲ که اختفای فعالیت اقتصادی و کتمان درآمد ناشی از آن را مطرح نموده است که به نظر می‌رسد افرادی که بخشی از درآمد اقتصادی خود را کتمان نموده باشند و نه همه آن را؛ از شمول این بند خارج می‌باشند. در بند ۶ قانون گذار سه سال متوالی (عدم تسلیم اظهارنامه) را برای وقوع جرم مطرح نموده است. بدین مفهوم که عدم ارسال اظهارنامه در کمتر از این مدت به موجب بند ۶ جرم محسوب نمی‌شود یا گفته شود که قانون گذار ضمن سایر قوانین و مقررات کسانی را که یک سال یا به عبارتی کمتر از سه سال اظهارنامه ندهند را از برخی معافیت‌ها و بخشودگی‌ها محروم و یا جرائمی برایشان در نظر گرفته است. لیکن در خصوص افرادی که عملاً در سیستم مالیاتی ثبت نام ننموده‌اند این امر موضوعیت ندارد و سالبه به انتفاع موضوع می‌باشد یا اصلاً چرا ۲ سال مرقوم نشده است. زیرا سایر قوانین و مقررات نیز مواردی از قبیل محرومیت از بخشودگی و مشوق‌ها و جرائم مالیاتی را صرفاً برای کسانی که یک سال اظهارنامه ندهند هم در نظر گرفته است. به هر روی در این خصوص می‌بایست مشروح مذاکرات مجلس در زمان تصویب این ماده از نظر گذرانده شود. دیگر مسئله بحث عدم تعیین تکلیف در خصوص میزان فرار مالیاتی

گونه عملی را که مصداق پرداختن مالیات باشد را جرم مالیاتی حساب نمود زیرا اساساً به استناد اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها تنها عملی جرم است که در قانون جرم انگاری شده باشد. مزید بر آن در حقوق کیفری اصل و قاعده‌ای به نام تفسیر مضیق به نفع متهم حاکم می‌باشد؛ بنابراین تسری مصداق ذکر شده در قانون - تحت عنوان جرم مالیاتی - به سایر موارد مشابه که قوانین و مقررات مالیاتی، کم و کیف آن را مشخص ننموده است؛ به دور از اصول کلی حقوقی اعم از اصل برائت می‌باشد. لذا به نظر می‌رسد که جرم مالیاتی می‌بایست محصور به مصداق ماده ۲۷۴ ق.م.م به شرح ذیل باشد:

■ تنظیم دفاتر، اسناد و مدارک خلاف واقع و استناد به آن.

■ اختفای فعالیت اقتصادی و کتمان درآمد حاصل از آن.

■ ممانعت از دسترسی مأموران مالیاتی به اطلاعات مالیاتی و اقتصادی خود یا اشخاص ثالث در اجرای ماده ۱۸۱ این قانون و امتناع از انجام تکالیف قانونی مبنی بر ارسال اطلاعات مالی موضوع مواد ۱۶۹ و ۱۶۹ مکرر ق.م.م به سازمان امور مالیاتی کشور و وارد کردن زیان به دولت با این اقدام.

■ عدم انجام تکالیف قانونی مربوط به مالیات‌های مستقیم و مالیات بر ارزش افزوده در رابطه با وصول یا کسر مالیات مؤدیان دیگر و ایصال آن به سازمان امور مالیاتی در مواعید قانونی تعیین شده.

■ تنظیم معاملات و قراردادهای خود به نام دیگران، یا معاملات و قراردادهای مؤدیان دیگر به نام خود برخلاف واقع.

■ خودداری از انجام تکالیف قانونی در خصوص تنظیم و تسلیم اظهارنامه مالیاتی حاوی اطلاعات درآمدی و هزینه‌ای در سه سال متوالی.



تجزیری درجه شش - موضوع بند ۱۰۵ ق.م.ا. - بامدت زمان قانونی مقرر در ماده ۱۵۷ ق.م.ا. تبصره آن که جمعا بالغ بر ۷ سال است مطابق نمی باشد، لذا به نظر می رسد ناهارمونی موصوف، منجر به مرور زمان کیفری جرائم مالیاتی و عدم امکان تعقیب مرتکبین این بزه طی دو سال پایانی گردد.

فارغ از چالش های تقنینی مورد اشاره مانند: سکوت قانون گذار مالیاتی در موارد خاص، تورم قوانین و مقررات موضوعه و عدم تطابق قوانین مورد اجرا و ... موارد دیگری از قبیل: ناآگاهی مودیان از وظایف و تکالیف مالیاتی خود، عدم آشنایی کافی قضات و بازپرسان دادسرای رسیدگی به جرائم اقتصادی به مسائل فنی و تخصصی مالیاتی، عدم تشکیل دادسرای ویژه رسیدگی به جرائم مالیاتی پس از گذشت ۶ سال از تصویب قانون، نگرش جامعه به امر پرداخت مالیات و دستگاه مالیات ستان (مذموم نشمردن فرار مالیاتی) یا به عبارتی عدم غنای فرهنگ مالیاتی به تناسب ارتقاء جایگاه درآمدهای مالیاتی در تأمین بودجه عمومی، طولانی بودن فرآیند دادرسی مالیاتی، کثرت پرونده های مالیاتی و کمبود نیروی انسانی در حوزه های مالیاتی که بعضاً موجب کاهش تمرکز و کمبود فرصت برای رسیدگی دقیق و بررسی موثکافانه پرونده های مالیاتی می گردد، استنکاف مراجع و دستگاه های متولی از ارائه اطلاعات مالی مودیان مالیاتی، عدم استعلام در زمان پرداخت تسهیلات و صدور و یا تمدید مجوزهای کسب و کار و ... می تواند از این دست باشد.

علی ایحال موارد دیگری نیز می تواند از چالش های مالیات ستانی اعم از سیاست های کیفری، تقنینی و اجرایی در نظام حقوق مالیاتی ایران قرار بگیرد که در این مجال نمی گنجد. لذا در حال حاضر به همین مقدار بسنده می شود.

از اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت ۵ سال محکوم می گردند. همین طور در مواردی که مرتکب جرم مالیاتی شخص حقوقی باشد، به موجب ماده ۲۷۵ ق.م.ا. برای مدت شش ماه تا دو سال به یکی از مجازات های: ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی و اصدار برخی از اسناد تجاری محکوم می گردد.

لازم به ذکر است حکمی در خصوص شروع به جرم ضمن قوانین مالیاتی نیامده است؛ از سویی با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات و اینکه عمل مرتکب می بایست با تعریف قانونی جرم معینی منطبق باشد؛ لذا با توجه به عدم وجود قاعده مشخصی در این باب و سکوت قانون گذار مالیاتی، می توان از مفاد ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی استنباط نمود که از آنجایی که جرائم تجزیری درجه شش مشمول شروع به جرم نمی باشد و جرم مالیاتی هم که از جمله جرائم تجزیری می باشد؛ به حکم این ماده تسری می یابد.

از دیگر مواردی که ضمن جرم انگاری فرار مالیاتی در قانون مالیات مستقیم تکلیفی ندارد بحث مرور زمان کیفری جرم مالیاتی می باشد که بنا به تعریف حقوقدانان مرور زمان یعنی سپری شدن مدتی که پس از آن، تعقیب یا محاکمه و اجرای حکم قطعی امکان پذیر نمی باشد. به نظر می رسد در اینجا با توجه به سکوت قانون گذار مالیاتی می توان به قسمت اخیر بند (ب) ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی که جرائم موضوع تبصره ماده ۳۶ این قانون را - بارعایت مبلغ مقرر در ماده مذکور - از شمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات خارج نموده است؛ بنابراین مطابق بند "د" ماده اخیرالذکر، صرفاً جرائم مالیاتی دارای مبلغ کمتر از یک میلیارد ریال، مشمول مرور زمان قرار می گیرد.

از طرفی هم تعیین مرور زمان پنج ساله برای جرائم

برای تعقیب متهم است آیا شخصی که مبلغ ناچیزی کتمان نموده با فردی که میلیاردها فرار مالیاتی رقم زده است در یک رتبه قرار می گیرد؟ البته که هر دو مورد جرم می باشد! مع الوصف آیا اینگونه موجبات کثرت پرونده های مطروحه در مراجع قضایی و افزایش مراجعات مردم به سازمان امور مالیاتی فراهم نمی گردد؟ بدیهی است تعیین حد آستانه می تواند ضمن کاهش هزینه های و صوف، مانع از تراکم پرونده های کم اهمیت گردد که در نهایت ممکن است به برائت متهم از جرم مالیاتی یا صدور قرار منع تعقیب وی منجر گردد.

از سویی دیگر قانون گذار فارغ از اینکه امری منجر به کتمان درآمد و یا سایر موارد مندرج در اکثر مصادیق فوق الاشاره بشود یا نشود؛ جرم مالیاتی را یک جرم مطلق فرض نموده و آن را مقید به نتیجه ننموده است. این امر در بند ۶ ماده مزبور قابل مشاهده می باشد چرا که صرف خودداری از انجام تکلیف قانونی در تنظیم و تسلیم اظهارنامه مالیاتی طی سه سال متوالی را بدون توجه به اینکه کسب درآمد شخص مدنظر باشد به عنوان بزه مالیاتی در نظر گرفته است.

به هر روی با توجه به جرم انگاری صورت گرفته در این ماده، مرتکبین جرائم مالیاتی به مجازات های درجه شش موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی اعم از: حبس بیش از ۶ ماه تا ۲ سال، جزای نقدی بیش از شصت میلیون (۶۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا دویست و چهل میلیون (۲۴۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، شلاق از ۳۱ تا ۷۴ ضربه و تا ۹۹ ضربه در جرائم منافی عفت، محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از ۶ ماه تا ۵ سال، انتشار حکم قطعی در رسانه ها، ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت ۵ سال، ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت ۵ سال و ممنوعیت از اصدار برخی



احیاب اله سعیدی |
عضو شورای عالی مالیاتی

اعلام نظر در خصوص نامه مدیر دادرسی مالیاتی؛ نقدی بر یک نامه اداری

چندی پیش نامه ای توسط یکی از مدیران اجرایی در قالب رفع ابهامات تبصره ۱ ماده ۲۱۶ قانون مالیاتهای مستقیم به مدیران دادرسی مالیاتی ابلاغ شد با مضمون اینک:

« بر اساس ماده (۲۴۷) قانون مالیاتهای مستقیم، آرای صادره هیات های حل اختلاف مالیاتی بدوی، قطعی و لازم الاجرا است، مگر آنکه ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ رای به مودی بر اساس ماده ۲۰۳ قانون مالیاتهای مستقیم و تبصره های آن، از طرف ماموران مالیاتی یا مودی، به صورت کتبی مورد اعتراض قرار گیرد. در این شرایط پرونده به هیات حل اختلاف تجدید نظر احاله خواهد شد. بر این اساس، قانونگذار استثنائی در روند قطعیت آرای بدوی ابلاغی به شیوه های مختلف، در نظر نگرفته و ابلاغ آراء مذکور وفق مقررات تبصره های ماده ۲۰۳ و ماده ۲۰۸ قانون مالیاتهای مستقیم را مانع قطعیت این آراء ندانسته است.»

باتوجه به توضیحات فوق، قطعیت مالیات با ادعای مودی مبنی بر عدم اطلاع از مفاد رای هیات بدوی که به شیوه غیر حضوری ابلاغ شده است، از مصادیق قابل طرح در هیات های حل اختلاف مالیاتی موضوع تبصره ۱ ماده ۲۱۶ قانون مالیاتهای مستقیم نبوده و مجوزی برای ابطال اوراق قطعی و اجرایی و ورود ماهوی هیات های مذکور به پرونده در مقام هیات تجدیدنظر نمی باشد.

لذا نظریه فوق که در خصوص هیات موضوع تبصره ۱ ماده ۲۱۶ قانون مالیاتهای مستقیم می باشد، باعنایت به مفاد قانونی و آرای صادره از هیات عمومی دیوان عدالت مالیاتی دارای ایراد بوده که بشرح ذیل باستحضار می رساند:

اولاً؛ در فرایند دادرسی مالیاتی قانون گذار برابر مفاد مادتهای ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۵۷، ۲۴۳، ۲۴۹، ۲۱۶ و تبصره ماده ۱۵۷ ق.م.م. بصورت جداگانه اختیارات خاص هر هیات را تدوین و تصویب نموده و به تبع آن قانون گذار با فهم از قطعی بودن مالیات به شیوه موصوف فوق، هیات موضوع ماده ۲۱۶ ق.م.م. را مرجع رسیدگی اعلام نموده و برابر نص قانونی هیچگونه اشاره ای به نوع ابلاغ

برای این هیات تعریف نشده و صرفاً با اعتراض مودی نسبت به قطعیت مالیات، الزاماً باید هیات ذکر شده تشکیل و اتخاذ تصمیم بعمل آید.

ثانیاً؛ باتوجه به فرایند دادرسی بعدی و ادامه روند اعتراضات مودی، که دیوان عدالت اداری می باشد در صورت اجرا شدن مفاد این نامه، پرونده قابل طرح در دیوان نبوده و در این رابطه هیات عمومی دیوان عدالت اداری بموجب دادنامه شماره ۹۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۷ به صراحت اعلام نموده که: « رسیدگی به اعتراض مودی به برگ قطعی، قبل از رسیدگی و صدور رای قطعی از سوی هیات حل اختلاف مالیاتی موضوع تبصره ۱ ماده

۲۱۶ ق.م.م. بدوا قابلیت طرح و استماع در دیوان عدالت اداری ندارد». بنابر این تشکیل این هیات در روند شکایت (خارج از هرگونه تصمیم) الزامی خواهد بود. ثالثاً؛ باعنایت به بند ۲- ب بخشنامه شماره ۱۳۵۶۱۶/۴/۲۷۶۵۵ مورخ ۱۳۶۹/۶/۱۴ معاونت وقت در آمد های مالیاتی وزیر امور اقتصادی و دارایی که کماکان به قوت خود باقیست هیچگونه حصر و قیدی در خصوص نوع ابلاغ و قطعیت برای هیات تبصره ۱ ماده ۲۱۶ ق.م.م. نشده مضاف باینکه در چنین مواقعی (اعتراض به نحوه قطعیت مالیات بعد از هیات بدوی) جایگاه این هیات را پس از احراز ورود، هیات ماده ۲۴۷ ق.م.م. اعلام نموده است

رابعاً؛ اختیارات این هیات فراتر از موضوع منعکس شده در نامه صدرالاشاره می باشد بطوری که حتی در برخی مواقع که آرای هیات حل اختلاف بدوی به شخص مودی ابلاغ شده باشد نیز که دلائل محکمه پسندی در عدم اعتراض و اطلاع از رای هیات حل اختلاف مالیاتی بدوی به هیات موضوع تبصره ۱ ماده ۲۱۶ قانون مالیاتهای مستقیم ارائه گردد قابلیت طرح و صدور رای توسط هیات ذکر شده را دارد

خامساً؛ با تاسی از ماده ۲۵۵ قانون مالیاتهای مستقیم هرگونه تفسیر و رفع ابهام و یا اظهارنظر در مورد موضوعات مالیاتی از وظایف شورای عالی مالیاتی می باشد و در کنار آن سازمان امور مالیاتی دارای معاونت فنی و حقوقی بوده که بر اساس شرح وظایف می تواند در برخی از موارد قانونی اظهار نظر تخصصی خود را اعلام نماید و قانون گذار این اختیارات را بر عهده مدیران

محترم اجرایی قرار نداده است فلذا از این حیث این نامه حتی در صورت برداشت درست از قانون، قابلیت اجرایی برای ماموران مالیاتی را ندارد.

در خاتمه:

با این وصف هر چند قسمت اخیر نامه مورد بحث از حیث عدم اطلاع از مفاد رای بدوی قطعیت مالیات را صحیح و تجدیدنظر خواهی در اجرای ماده ۲۴۷ ق.م.م. و ورود ماهوی به این قبیل پرونده از سوی هیات تبصره ۱ ماده ۲۱۶ ق.م.م. را منع و بصورت صحیح ذکر نموده ولی باتوجه به استقلال و وظایف هیات های حل اختلاف مالیاتی که طی بند های ۷/۲/۲ بخشنامه تاریخی ۱۰۰۸۵ مورخ ۱۳۸۰/۳/۳۰ وزیر امور اقتصادی و دارایی و بخشنامه شماره ۱۰۶۲۴/۱۰۶ مورخ ۱۳۸۹/۴/۷ از سوی سازمان امور مالیاتی کشور نیز مورد تایید و تاکید قرار گرفته، به رغم آگاهی از فرایند صحیح قطعیت مالیات هیچ مرجعی نمی تواند اعتراض مودی مبنی بر اشکال در فرایند قطعیت مالیات را بمنظور طرح و رسیدگی در هیات حل اختلاف مالیاتی موضوع تبصره ۱ ماده ۲۱۶ ق.م.م. منع نماید بطوری که قانونگذار فارغ از نتیجه رای صلاحیت رسیدگی و اتخاذ تصمیم را به هیات یاد شده احاله نموده که شعبات دیوان عدالت اداری در خصوص اینچنین دستورات اداری خلاف واقع آراء متعددی به نفع مودی صادر نمودند. بدیهی است نحوه ابلاغ اعم از واقعی، قانونی و یا الکترونیکی و هرگونه تفسیر دیگری نمی تواند مانع از طرح و رسیدگی در هیات موضوع تبصره ۱ ماده ۲۱۶ ق.م.م. در مراحل بدوی و تجدید نظر باشد.



اسپاوش غیبی پور
کارشناس امور اقتصاد و مالیاتی

پایان سوداگری و آغاز عدالت اجتماعی و مالیاتی

روند صعودی معاملات در حوزه طلا، خودرو، ملک و ... در ایران، ضرورت ایجاد طرح مالیات بر عایدی سرمایه را بیش از پیش ضروری ساخته است. از این رو این طرح در مجلس شورای اسلامی به منظور مقابله با سوداگری و اجرای عدالت مالیاتی در انتظار اجراست، طرحی که پیش از ایران در بسیاری از کشورها نیز به مرحله اجرا درآمده و علاوه بر کسب درآمد برای دولت می تواند «عدالت» را به ویژه در کالاهای سرمایه ای اجرایی سازد. البته بخشی از طرح عایدی بر سرمایه مربوط به سوداگری است اما بخشی دیگر مربوط به افرادی است که درآمد بیشتری دارند و تاکنون درآمد آنها در چرخه مالیاتی دیده نمی شده که با اجرای این طرح، این افراد به گروه مالیاتی اضافه خواهند شد. در هر حقیقت هر میزان که درآمد زیاد شود باید همان نسبت هم مالیات بیشتر شود و هر کشوری در این مسیر حرکت کند در مسیر توسعه و بهینه حرکت کرده است و نتیجه باز توزیع این درآمدها را در دایره عدالت قابل بررسی است.

مالیات بر عایدی سرمایه از سود خرید و فروش ملک، خودرو، ارز و طلا اخذ می شود و برخلاف دیگر مالیات ها اخذ مالیات بر اساس فرد محوری است و شامل مبلغ فروش منهای مبلغ خرید، کسر درصد تورم و محاسبه ضریب می باشد. با وجود اینکه سهم خرید و فروش موارد مذکور در بازار بسیار است اما به علت نبود سامانه مناسب فقط ۱۰ درصد از این مقدار مالیات پرداخت می شد و مابقی یا از طرق مختلف مشمول فرار مالیاتی می شدند و یا مبالغ مالیاتی پرداخت شده بسیار از رقم قانونی آن بوده است و به این ترتیب با وجود سودآوری بسیار برای مالکان و فعالان در این حوزه، هیچ سهمی در پرداخت مالیات و نظام مالیاتی نداشته اند.

از این رو سازمان امور مالیاتی به منظور رفع این چالش طرح جدید مالیات بر سرمایه را به منظور مقابله با سوداگری و توسعه عدالت مالیاتی و اجتماعی مطرح و در صدد اجرای آن است. پیش از این بسیاری از خرید و فروش های در بخش های مختلف مانند خودرو، سکه و ... در جایی ثبت نمی شد اما بر اساس این طرح چنانچه قیمت خرید در سال جاری و قیمت فروش هم ثبت شود می توان بر اساس قیمت واحدهای اعلامی تعریف مناسبی با توجه به میزان نرخ تورم و استهلاک محاسبه و نرخ نهایی مالیات را اعلام کرد.

به عنوان مثال فردی که امسال یک میلیارد تومان خانه ای را خریداری می کند و اگر سال دیگر بخواهد این خانه را ۲ میلیارد تومان بفروشد باید مبلغ خرید را از مبلغ فروش و درصد تورم را کسر کند و سپس مالیات را پرداخت کند.

البته در حال حاضر سازوکار اجرای این قانون به طور کامل در کشور فراهم نیست و مسئولان باید

اقدامات لازم را جهت ثبت هر خرید و فروش فراهم کنند تا بتوانند با نظارت و بررسی های کامل در این حوزه قابلیت اجرای این قانون مترقی را در کشور فراهم سازند.

آمریکا به عنوان پیشگام اجرای این طرح تاکنون از مزایای آن به خوبی بهره مند شده است، هر چند ایران تاکنون از اجرای این قانون عقب مانده است اما بررسی مالیات بر عایدی سرمایه جهت اجرا به معنای این است که یک گام در این مسیر جلوتر رفته ایم و در صورت فراهم آمدن سازوکار لازم و زیرساخت مطلوب خواهیم توانست به خوبی از مزایای آن بهره گیریم. فراهم آوردن زیرساخت هوشمند و سامانه های یکپارچه در سازمان هایی مانند سازمان ثبت اسناد، صرافی ها، بانک ها، نیروی انتظامی و ... از جمله ارکان اصلی و ضروری اجرای طرح است.

توجه به افزایش نرخ تورم به عنوان یک متغیر مهم در تعیین مالیات بر عایدی سرمایه نیز با توجه به اینکه یک کالا گاهی تا بیش از ۳ بار افزایش قیمت دارد از جمله شاخص های مهم در اجرای طرح محسوب می شود و از این رو باید مابه تفاوت ناشی از این تغییرات و تداخل محاسبه مالیات در برخی از کالاها مانند ملک که میزان مالیات در بعضی از حوزه ها پیش از این برای مالک محاسبه می شود مدنظر قرار گیرد تا با اجرای جامع و کامل این طرح مترقی به جمع کشورهای دارای نظام مالیاتی قوی بپیوندیم.

عدم امکان صدور فاکتورهای الکترونیکی در نظام مالیاتی یکی از چالش هایی به شمار می آید که در صورت اجرای آن امکان قید شرایط کامل خرید و فروش

امکان اجرای عادلانه طرح به دور از احتمالات رانت و بی عدالتی ها و ... فراهم می شود هر چند بر اساس شواهد موجود طی دو یا سه سال نخست اجرای این طرح امکان دسترسی به این قابلیت ممکن نیست اما به تدریج شاهد انجام آن خواهیم بود.

تداخل های محاسبات مالیاتی از جمله دیگر چالش های اجرای طرح مالیات بر عایدی سرمایه است که در مراحل مختلف انجام امور اجرایی در سازمان های مختلف امکان وقوع آن می باشد. از این رو باید قوانین مرتبط با این طرح به صورت جامع بررسی و اصلاح شود. البته فعلا سامانه های نامنظم است و در بسیاری از مواقع، خرید و فروش ها ثبت نمی شود، اما اگر این سامانه ها هوشمندسازی شده و مشکلات برطرف شود این قانون به سرانجام می رسد. هوشمندسازی سامانه ها و ابزارهای مالیاتی در حوزه اجرا علاوه بر تسهیل انجام امور فشار مالیاتی بر یک گروه مشخص را کاهش می دهد و مسیر اجرای عدالت مالیاتی را نیز بیش از پیش هموار می سازد البته بر اساس پیش بینی های صورت گرفته و هوشمند شدن برخی از سامانه ها در این حوزه هوشمندسازی کامل مالیاتی حدود دو تا سه سال دیگر نهایی خواهد شد.

اجرای طرح مالیات بر عایدی سرمایه هر چند سهم زیادی در کسب درآمدهای دولتی نخواهد داشت اما با تاثیر گذاری بسیار در توسعه عدالت اجتماعی، تعداد بیشتری از افراد با میزان درآمدهای بالا را تحت پوشش قرار خواهد داد و به این ترتیب اعتماد و انگیزه بیشتری در گروه های دیگر برای پرداخت مالیات و ایجاد جو اطمینان به دولت ران نیز فراهم می سازد.



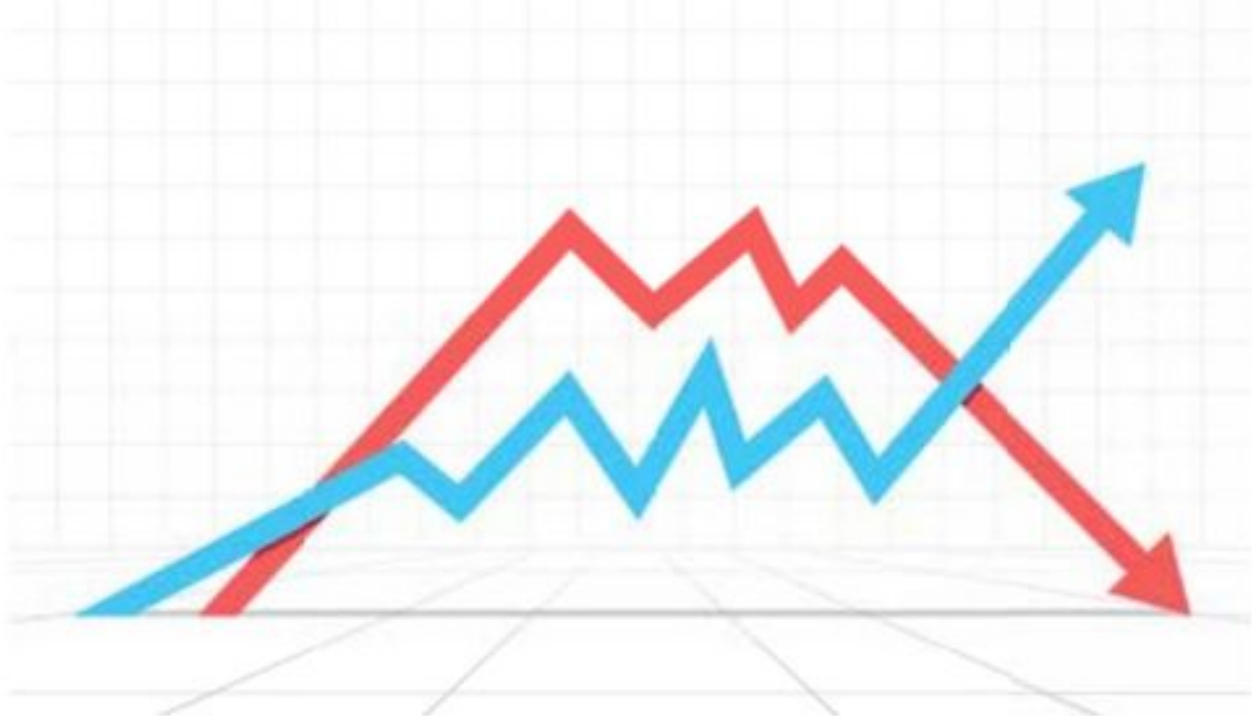
اکامران ندیری | کارشناس اقتصادی

تأثیر منفی تورم بر مالیات ستانی

طرح مالیات بر عایدی سرمایه با وجود مزایای بسیاری که در بطن آن نهفته شده است، حاوی نکات ریز بسیاری است که نیازمند توجه در اجرا می باشد که در صورت بی توجهی به آن با مشکلاتی مواجه خواهد شد، در غیراینصورت مزایای بسیاری دارد که مانع از هر گونه سفته بازی و سوداگری و کسب درآمد در جامعه خواهد شد.

اخذ مالیات از کانالهای مختلف در سراسر دنیا و کشورهای توسعه یافته یکی از روش های شناخته شده ای محسوب می شود که با روش های مختلف از مردم و صاحبان مشاغل اخذ می شود. مالیات بر عایدی سرمایه از جمله انواع مالیات تلقی می شود که از پایه های مالیاتی در سراسر جهان محسوب می شود و نقش مهمی نیز در اقتصاد هر کشوری ایفاء می کند. مالیات بر عایدی سرمایه یکی از منابع تامین درآمد دولت به شمار می آید که در مسیر دریافت و عملیاتی شدن آن، فرصت توسعه عدالت اجتماعی نیز فراهم می آید. ممانعت از دلالتی و سوداگری، توسعه عدالت اجتماعی از جمله کارکردهای این مالیات محسوب می شوند که نقش مهمتری در کسب درآمد برای دولت ایفاء می کند هر چند در این راستا مخالفتی نیز برای اجرای این طرح وجود دارد که حتماً با سودآوری و آنها تداخل دارد. جدای از درآمد زایی این پایه مالیاتی برای دولت مانع از شکل گیری انگیزه های سفته بازانه می شود و می تواند روند فعالیت بازارها را تهی از دلالتی و کارآمدتر کند، بنابراین نمایندگان مجلس برای تصویب مالیات بر عایدی سرمایه باید سه حسن اجرای این پایه مالیاتی را مد نظر قرار دهند. کاهش انگیزه های سفته بازانه؛ درآمد زایی برای دولت و اثر توزیعی، اثری که مانع از ایجاد ثروت های باد آورده در جامعه و افزایش فاصله طبقاتی می شود.

مالیات بر عایدی سرمایه از جمله پایه های مالیاتی کمکی کننده برای تامین بخشی از درآمد مورد نیاز دولت است. مالیات بر عایدی سرمایه یک پایه مالیاتی است که می تواند انگیزه های سرمایه گذاری بر روی دارایی های مختلف را تحت تأثیر قرار دهد. اما «اخذ مالیات از فرد به جای خانواده» یکی از اصلی ترین ایراداتی است که توسط مخالفان به آن وارد می شود. این گروه معتقد هستند بهتر است به جای اخذ مالیات از فرد مالیات بر عایدی سرمایه؛ مالیات در قالب طرح مالیات ستانی بر تجمیع درآمد خانوار اجرایی شود چرا که به این صورت امکان دارد هر فرد در خانواده های ثروتمند مالک دارایی های قابل توجهی باشد اما چون به شخصه به نام فرد است مسمول مالیات نشود، اما دارایی و سرمایه خانواده ای که رقم پایینی دارد مشمول مالیات نشود، اما دارایی و سرمایه خانواده ای که رقم پایینی دارد مشمول مالیات شود در حالی که به خانواده ثروتمند که هر کدام به صورت شخصی ملک یا خودرویی دارند تعلق نگیرد،



که بر این باور هستیم که در شرایط کنونی اجرای این نوع از مالیات ها بدون دقت کافی کار سختی است و مطمئن نیستیم که به بهترین نحو اجرا شود.

در اجرای مالیات بر عایدی سرمایه باید موضوع تورم هم در نظر گرفته شود چرا که همه قیمت ها به صورت یکسان دچار تغییر نمی شوند، بعضی قیمت ها بالاتر و بعضی قیمت ها پایین تر می روند مثل بازار سهام، لذا علی رغم اینکه در کل نمی توان مالیات عایدی بر سرمایه را نفی کرد و اتفاقاً اجرای آن لازمه هر اقتصادی است، اما کار ساده و سهلی نیست و مشخص نیست نظام مالیاتی ما تا چه اندازه ای می تواند از عهده اجرای این موضوع به درستی بر آید.

بر اساس تجارب موجود در عرصه اقتصادی، همیشه یکی از مهمترین هزینه هایی که برای تورم در نظر می گیرند تأثیر منفی است که تورم می تواند در بحث مالیات ستانی داشته باشد که منجر به ایجاد مشکلاتی می شود؛ لذا بر این باورم قبل از اینکه مالیات بر عایدی سرمایه اجرا شود حتماً لازم است که زمینه های اجرایی آن و ریزه کاری ها و اسباب و لوازم اجرای آن فراهم شود و از تجربه سایر کشورها در اخذ چنین مالیات هایی استفاده شود. از سوی دیگر مسوولین باید حتماً از کارشناسان خبره کشورهای دیگر که در امور مالیات ستانی موفق بوده اند مشاوره بگیرند این یکی از مهمترین پیش زمینه های لازم برای اجرای مالیات بر عایدی سرمایه است تا سازمان امور مالیاتی به اندازه کافی برای اخذ این پایه مالیاتی آماده شود. پیش زمینه دیگر کنترل تورم است به نحوی که کاهش تورم یکی از مهمترین اولویت های اقتصادی کشور است، هر چند کاهش تورم در شرایط کنونی بعید به نظر می رسد و در دسرها زیاد دارد، اما برای اجرای برنامه های درستی مثل اخذ مالیات بر عایدی سرمایه باید تورم حل شود. یک بار برای همیشه باید هزینه های کاهش تورم را بهر دایم و مثل همه کشورهای دنیا که موضوع تورم در آن ها حل شده است این موضوع را در اقتصاد خود تمام کنیم چرا که بسیاری از مصائب اقتصادی کشور زیر سر تورم است. به نظر می رسد اگر پیش زمینه های اشاره شده برای اجرای برنامه اخذ مالیات از عایدی سرمایه مهیا شود، اجرای مالیات بر عایدی سرمایه نقش مثبتی در اقتصاد ایفاء می کند، هر چند که باید حواسمان باشد این پایه مالیاتی هم مثل مالیات بر خانه های خالی نشود که مشخص نیست به چه شکلی اجرا شده است!

از این جهت در این طرح با شرایط عنوان شده عدالت محقق نمی شود. معمولاً در کشورهای دیگر واحدی که مالیات به آن ها تعلق می گیرد خانوار است نه فرد، یعنی مسوولین و سیاست گذاران کشورهای توسعه یافته بر مجموع درآمد خانوار مالیات می بندند نه فرد، مجموع درآمد خانوار و اینکه آیا درآمد کسب شده کفاف زندگی را می دهد، یا خیر؟ لذا اگر درآمد از یک حداقل معینی کمتر باشد مالیات به آن خانوار تعلق نمی گیرد، اما اگر بیشتر باشد به ازای میزان درآمد خانوار مالیات به صورت طبقه ای و تصاعدی افزایش می یابد.

اجرای طرح مالیات بر مجموع درآمد در اکثر کشورها بر مجموع درآمد PIT گذاشته شده است اما اگر این طرح در ایران به این شکل به مرحله اجرا در آید قطعاً با مشکلات فراوانی روبرو می شود و اجرای آن را با چالش های بسیاری مشکل می سازد چرا که دولت باید با ابزارهای بسیاری که شاید در اختیار هم نباشد مانع از هر گونه سفته بازی و سوداگری در این عرصه شود ولی اگر توزیع عادلانه منابع روی تجمیع درآمد خانوار بگذارد در جزئیات با دشواری های کمتری رو به رو می شود و به مالیات ستانی نیز به شکل عادلانه تری اجرایی خواهد شد. منتهی اجرای مالیات بر عایدی سرمایه مانند هر پایه مالیاتی دیگری تا چه اندازه می تواند در روند بهبودی اقتصاد تأثیر مثبت بگذارد به چگونگی اجرای آن بستگی دارد، خصوصاً در شرایط تورمی گاهی اوقات که دارایی ها افزایش اسمی پیدا می کنند، این تغییر ناشی از افزوده شدن به ارزش دارایی به صورت واقعی نیست بلکه به دلیل تورم اتفاق افتاده است لذا گاهی اوقات برای اینکه ارزش واقعی دارایی را بسنجیم که به چه میزان بالا رفته است متوجه می شویم به جای اینکه زیاد شده باشد کاهش یافته مثل سپرده های بانکی.

مثلاً بانک ها اصولاً سالانه ۲۰ درصد سود به سپرده های بانکی اعطا می کنند، اما در مقایسه با نرخ تورم متوجه می شویم که ارزش واقعی سپرده منتهای بیست درصد کمتر شده، هر چند به لحاظ اسمی افزایش یافته، اما به لحاظ واقعی ارزش آن پایین آمده است لذا افرادی که دارایی آن ها متناسب با نرخ تورم افزایش نیافته اگر دولت به نبال اخذ مالیات بر سرمایه از آن ها باشد در حالی که ارزش دارایی آن ها به صورت اسمی بالا رفته غیر منصفانه است و قطعاً به جای اینکه بر روی انگیزه ها نقش تصحیحی داشته باشد نقش مخربی ایفاء می کند، بر این اساس شرایط باید در نظر گرفته شود از این روست



با اجرای طرح‌های مالیات بر عایدی و سرمایه‌های عملیاتی شود چرا که فشار بر اقشار آسیب‌پذیر جامعه بیش از این امکان‌پذیر نمی‌باشد و ثروتمندان و صاحبان کالاهای لاکچری نیز باید به صف مالیات دهندگان بپیوندند.

اتصال بیش از ۳ میلیون دستگاه کارتخوان به سازمان امور مالیاتی و تشکیل پرونده مالیاتی برای آنها از جمله اقدامات پیشرفته‌ای محسوب می‌شود که ظرفیت‌های پرداخت مالیات را افزایش داد و چنانچه از میان گروه مالکان خودرو و خانه‌هایی که به عنوان کالای سرمایه‌ای خریداری می‌شود باز هم مودیان جدید در قالب پایه‌های جدید مالیاتی شناسایی و ملزم به پرداخت مالیات شوند در حقیقتی فرصتی برای توسعه عدالت مالیاتی - اجتماعی ایجاد شده که در راستای اهداف مالیاتی دولت نیز خواهد بود.

در حقیقت نباید بار تامین کسری بودجه دولت از طریق درآمدهای مالیاتی فقط بر شانه گروه متوسط یا افرادی با عملکرد روشن سنگینی کند و دیگر افراد حقیقی و حقوقی به صورت آشکار و قلمرو مابانه یا معافیت و فرارهای مالیاتی از انجام وظیفه قانونی و شرعی و اجتماعی و اخلاقی خود شانه خالی کنند. هر چند بر اساس پیش‌بینی‌های صورت گرفته در سال آتی با وجود شناسایی مودیان جدید مالیاتی سالی دشوار برای مردم و دولت پیش‌بینی می‌شود که البته امید است با گذر از سال‌های نخست اجرای طرح‌های مالیاتی اجرای طرح مالیات سستانی به صورت گسترده و فراتر از دایره محدود حقوق کارمندان و کارگران فرصت اجرا پیدا کند

در سال جاری، میزان تحقق درآمدهای مالیاتی در سال آینده را حدود ۷۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد کرده است. این رقم به امید یافتن مودیان جدید و البته وعده دولت مبنی بر عدم افزایش میزان پایه‌های مالیاتی اعلام شده است اما با توجه به شرایط حاکم بر جامعه تحقق درآمدهای مالیاتی بر اساس پیش‌بینی‌های صورت گرفته بسیار دور از تصور است.

معافیت مالیات حقوق‌های کمتر از ۷ میلیون تومان در حالی اعلام شده که به گفته مسئولان و پژوهشگران خط فقر حدود ۱۶ میلیون تومان اعلام شده است اما همچنان گروه حداقلی بگیران در صف نخست مالیات دهندگان قرار دارند. از این رو مسئولان ذریب در شورای عالی کار امیدوارند با افزایش حقوق‌ها تا حداقل ۱۰ میلیون تومان برای کارگران در سال آینده و تعیین سبدهای خانوار برای آنها و افزایش معافیت‌های مالیاتی بر اساس جدول‌های تنظیم شده به صورت پلکانی در سال آتی وضعیت مطلوب تری برای این گروه را رقم بزنند.

بنا به گفته دولت درآمدهای مالیاتی در سال جاری با تمهیدات خاص و سیاست‌گذاری ویژه‌ای مانند اتصال دستگاه‌های کارتخوان به سازمان مالیاتی و شناسایی مودیان جدید به صورت کامل محقق شده و در حقیقت فرصتی برای اجرای عدالت مالیاتی در سطحی کوچک فراهم شده است اما پیش‌بینی دولت برای رشد درآمدهای مالیاتی از حدود ۴۵۰ هزار میلیارد تومان در سال جاری به رقمی حدود ۷۰۰ هزار میلیارد تومان در سال آینده رویکردی است که باید با نگاه به درآمد سرمایه‌داران و فراریان از پرداخت مالیات و مخالفان



احمد حاج اسماعیلی
کارشناس بازار کار

کارگران و کارمندان سپر فرارهای مالیاتی

کسب درآمدهای دولتی از طریق مالیات یکی از پیشرفته‌ترین روش‌های تامین درآمدهای دولت محسوب می‌شود که در اکثر کشورهای جهان اجرایی می‌شود اجرای طرح مالیات سستانی بر اساس تعریف مدل‌های مختلف مالیاتی بر اساس برنامه ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولت به منظور هدایت سرمایه‌های سرگردان به سمت تولید مولد صورت می‌گیرد. هر چند ارائه عملکرد شفاف دولت یکی از شاخص‌های افزایش رو به رشد تعامل مودیان و ممیزین تلقی می‌گردد اما با وجود امکان دسترسی مردم به گزارش عملکرد هزینه‌های درآمدهای مالیاتی از سوی دولت باز هم در برخی از کشورهای افراد حقیقی و حقوقی از پرداخت مالیات فرار می‌کنند این اتفاق به ویژه در بین فعالان در بخش خصوصی و گاهی اقشار سرمایه‌دار بیشتر رخ می‌دهد اما در مقابل حقوق بگیران اولین گروهی هستند که در پرتو سازمان امور مالیاتی در لیست مالیات دهندگان قرار می‌گیرند و پس از کسر مالیات از حقوقشان امکان دسترسی به حقوق خود را خواهند یافت. این در حالی است که اجرای بسیاری از طرح‌های مالیاتی مانند طرح مالیات بر عایدی یا سرمایه‌ها از جمله طرح‌هایی محسوب می‌شود که به گفته کارشناسان بیشترین مخالف را در بین گروه سرمایه‌داران و کالاهای سرمایه‌ای و لاکچری دارد. حمید حاج اسماعیلی کارشناس بازار کار در این باره به بیان نکته نظرات خود در قالب یک یادداشت پرداخته است.

در فرآیند پرداخت مالیات کارگران و کارمندان و پرتو و سرلیست پرداخت کنندگان مالیاتی به شمار می‌آیند این در حالی است که این گروه با وجود کمترین مالیات همواره اولین پرداخت کنندگان مالیات به شمار می‌آیند و در مقابل گروه بسیاری از افراد با استفاده از رانت یا به صورت غیررسمی در نظام اقتصادی فعالیت می‌کنند بدون اینکه حتی ریالی مالیات پرداخت کنند. تاکید دولت بر دریافت مالیات و تامین درآمدهای دولتی از این کانال در حالی صورت می‌گیرد که در روند تعیین حقوق کارگران و کارمندان دولت بیشترین مقاومت را برای افزایش حقوق این گروه به خرج می‌دهد.

بنا بر ابراهیم منتشره میزان افزایش حقوق کارگران و کارمندان حدود ۲۰ درصد اعلام شده در حالی که بر اساس آمار منتشره میزان مالیات بر درآمد کارکنان بخش عمومی در لایحه بودجه به میزان حدود ۲۶ درصد و مالیات بر درآمد کارکنان بخش خصوصی به میزان ۶۷ درصد و مجموع مالیات بر حقوق کارکنان به میزان ۴۶ درصد نسبت به قانون بودجه سال جاری رشد داشته است. تشدید تحریم‌ها، شرایط دوران پسا کرونا و محدودیت‌های فعالیت‌های اقتصادی اکثریت مردم را در شرایط دشواری قرار داده این در حالی است که دولت با خوشبینی نسبت به تحقق درآمدهای مالیاتی





ایما امیرشکاری |
کارشناس اقتصادی و بازار
سرمایه

مالیات ستانی غیر هوشمند؛ تقویت فشار بر مردم

تعریف پایه های جدید مالیاتی تحت عناوین مختلف در سال جاری و آنچه که برای سال آینده تعریف شده است بر اساس اجرای طرح نوسازی نظام مالیاتی در کشور صورت می گیرد که تقریباً از سال ۹۸-۹۹ آغاز شد و در این مسیر استفاده از نوآوری هایی در حوزه فناوری با نگاهی به قوانین بین المللی و نظام های مالیاتی موفق در سراسر کشور انجام شد. مالیات ستانی یکی از ضروری و بدیهی ترین اقداماتی محسوب می شود که همه کشورها پیشرفته دنیا به روش های مختلف آن را در کشور خود اجرای می کنند تا باعث سرعت گردش پول در بازارهای موازی شود اما با توجه به نحوه اجرای آن و فرمولاسیونی که برای انجام آن به کار گرفته می شود خروجی و دستاوردهای آن متفاوت خواهد بود.

تغییر رویکرد دولت از تأمین بودجه با اتکال به درآمدهای نفتی به سمت درآمدهای مالیاتی فرآیندی مطلوب تلقی می شود که بر اساس قوانین جدید و پیشرفته اقتصادی انجام می شود که به بهبود حال اقتصاد بیمار و تک محصولی هر نظامی منتهی خواهد شد اما انجام این رویکرد و هر تصمیم اقتصادی و غیراقتصادی برای نیل به نتایج مطلوب به تدریج و آرام آرام و گذر از مراحل آزمایشی صورت گیرد نه از مجرای زور و دستورات حاکمیتی بدون در نظر گرفتن پیامدهای احتمالی آن، چرا که در غیر اینصورت علاوه بر اینکه احتمال خطا و لغزش در مراحل اجرا را به همراه خواهد داشت از مسیر عدالت محوری نیز دور خواهد شد.

دولت و مسئولین نظام مالیاتی با اقدامات صورت گرفته به اطلاعات و دیتاهای خوبی در راستای اجرای طرح مالیات ستانی دست یافته اند که باعث جامعیت و تمرکز در اخذ مالیات در مودیان شده و علاوه بر آن به شناسایی مودیان جدید نیز منجر شده است، اما اجرای عادلانه اخذ مالیات در گرو هوشمندسازی نظام مالیاتی در کشور و همچنین استفاده از تجهیزات و سامانه های دقیق و به روزرسانی شده می باشد. به عنوان نمونه انطباق تراکنش های بانکی و مالی با خرید و فروش های افراد حقیقی و حقوقی یکی از مواردی است که می تواند به راستی آزمایی پرداخت مالیات کمک کند و این امر به جز در بستر هوشمندسازی مالیات عملیاتی نمی شود که در حال حاضر فاقد چنین سیستمی در کشور هستیم. هر چند در سالیان اخیر بانک مرکزی در تعامل با نظام مالیاتی اقدامات موثری را انجام داده است اما هنوز با استانداردهای مطلوب فاصله بسیاری داریم. اتصال دستگاه های کارخوان به نظام مالیاتی از جمله رویکردهایی محسوب می شود که در راستای اجرای قانون های مالیاتی جدید قابل توجه و مطلوب تلقی می شود و در حقیقت به تدریج دولت و مسئولان ذیربط در مسیر قوانین و اجرای مناسب در حیطه امور مالیاتی حرکت می کنند که جای امیدواری بسیار دارد، اما در کشورهای صاحب نظام مالیاتی قوی علاوه بر

نیز مصداق دارد و پیش بینی می شود بر اساس شواهد موجود اجرای مطلوب نهایی با بهره گیری از نظام هوشمند مالیاتی در کشور حداکثر تا حدود سه سال دیگر عملیاتی شود.

اجرای پایه های جدید مالیاتی در کشور مطمئناً نیازمند سامانه ها و شبکه های جامع و متصل به یکدیگر است که البته در سالهای نخست به دلیل فقدان اطلاعات و عدم شفافیت سپرده ها و تراکنش های بانکی و بسیاری از عوامل دیگر امکان پذیر نیست و نیازمند همراهی با سازماندهی سایر بازارهای موازی در تولیدمانند سرمایه گذاری در بخش مسکن و ساختمان، بازارهای غیرمتشکل پولی، ارز و سکه و... است و در واقع مالیات بر این موارد با اختلالاتی هر چند کوچک مواجه خواهد شد که احتمال خروج از مسیر عدالت را به وجود خواهد آورد و در حقیقت با تاکید بر پایه فشارهای حاکمیتی راه خود را به جلو باز کند.

البته در مسیر اجرای طرح های جدید مالیاتی چون ما هنوز در نظام بانکی خود اطلاعات کافی در مورد طبقه بندی مشتریان خود نداریم، همچنان با فرارهای مالیاتی بسیاری مواجه خواهیم شد که یا فعالیت خود را در حوزه های مختلف با وجود ثبت رسمی شرکت مخفی کرده اند و یا اینکه به صورت غیررسمی و ثبت نشدن شرکت در لایه های پنهان اقتصاد کشور فعالیت می کنند و مالیات نمی پردازند. گروهی که در حوزه رمزارزها فعالیت می کنند یا همچنین افرادی که در ارتباط با شرکت های خارجی هستند و مبادلات مالی خود را از طریق کانال های دیگر انجام می دهند افرادی هستند که از چشم نظام مالیاتی ما پنهان مانده اند و امید است با تقویت فناوری های مالیاتی و هوشمندسازی و اجرای قوانین پیشرفته مالیاتی بتوان پول و سرمایه های را که در مسیر درست تولید و کسب و کار بازگردانند.

برخورداری از نظام هوشمند در مرحله اخذ مالیات، از سیستم هوشمند و شفاف پس از اخذ مالیات و در مرحله عملکرد و هزینه کرد درآمدهای مالیاتی از سوی دولت نیز بهره مند هستند و این امر به افزایش تعاملات و اعتمادهای دوسویه کمک شایانی می کند و در حقیقت امور مالیاتی از ابتدا تا انتها و را به فناوری های نوین سپرده اند که با استناد به قوانین جامع اجرایی می شود. این در حالی است که عدم امکان صدور فاکتور الکترونیکی در ایران امکان رصد مستمر و دقیق بازرسین مالیاتی و اجرای مطلوب طرح مالیات ستانی بر محور عدالت مالیاتی - اجتماعی را ممکن نمی سازد.

راه اندازی سامانه ها در بستر اینترنت در اکثر کشورها پس از طی دوره آزمایشی به مرحله به اصطلاح «بلوغ» می رسد که در صد قابلیت و کارایی آنها را افزایش می دهد. سامانه های طراحی شده در ایران در حوزه مالیات هنوز به مرحله بلوغ کامل نرسیده اند و باید پس از گذر از مرحله پایلوت و رصد مشکلات احتمالی به مرحله بلوغ برسند. به عنوان نمونه شبکه شتاب با کارایی مطلوب فعلی در زمان افتتاح و آغاز به کار خود در سال ۷۸ با مشکلات مختلفی مواجه بود که به تدریج مشکلات مشاهده و رفع شد و این مسئله در باره سامانه ها و بانک های جامع اطلاعاتی در حوزه مالیات نیز صدق می کند و مسلماً از بی نظمی و اختلالاتی برخوردار است که نیازمند بررسی های کارشناسی شده دقیق و رفع آنها و به روزرسانی تجهیزات مورد نظر در این زمینه است. اما آنچه که بدیهی است دولت و مسئولان در حوزه هایی که امکان درآمدزایی و کمک به پروسه دریافت درآمدی برای دولت از آن طریق متصور باشند همت و تلاش بیشتری دارند و این امر در خصوص سامانه های مالیاتی و به روزرسانی و تجهیز فناوری های آن با توجه به سهمی مطلوبی که در تحقق درآمدهای دولت دارد



امیر محمد رضا مرکزی
کارشناس اقتصادی

کودکان امروز مودیان فردا

پس از گذشت فراز و نشیب های طولانی سرانجام در دی ماه سال جاری طرح مالیات بر عایدی سرمایه به صحن علنی مجلس شورای اسلامی رسید. در طی چند هفته اخیر طرح مالیات بر عایدی سرمایه در صدر اخبار و تحلیل های اقتصادی کشور قرار گرفته است در همین حال کارشناسان اقتصادی نظرات مختلفی را در موافقت و مخالفت با این طرح بیان میکنند. در یک سوی این ماجرا موافقان معتقدند قانون مالیات بر عایدی سرمایه موجب کاهش انگیزه سوداگری فعالیت های غیر مولد، تأمین منابع درآمدی برای دولت، ترغیب بنگاه ها به تأمین مالی داخلی، ایجاد زیرساخت و بستر فنی و اجرایی اصلاح و تکمیل سامانه های مالیاتی کشور، برقراری عدالت مالیاتی و اجتماعی، ارتقای کارایی اقتصادی خواهد شد. اما در سوی دیگر، برخی از کارشناسان دلایلی مانند خروج سرمایه از کشور، ایجاد اثر قفل شونددگی، گسترش معاملات غیر شفاف و تهاتر، تشدید نارضایتی اجتماعی را در مخالفت با این طرح بیان میکنند.

فارغ از اینکه استدلال موافقان صحیح است یا مخالفان، به نظر می رسد طرح هایی مانند طرح مالیات بر عایدی سرمایه حتی در صورت اجرای کامل نیز از کارایی و اثربخشی لازم برخوردار نخواهند بود. زیرا اگر بهترین قوانین و مقررات مالیاتی به بهترین شکل ممکن وضع شده و حتی به صورت کامل نیز اجرا شوند تا زمانی که مردم همکاری و همراهی لازم را با نظام مالیاتی کشور نداشته باشند، قوانین و مقررات مالیاتی جدید مؤثر و کارآمد نخواهند بود. آگاهی و اطلاع مردم نسبت به آثار و پیامدهای مثبت پرداخت مالیات، یکی از عواملی است که باعث همکاری و همراهی مردم با نظام مالیاتی می شود. به عبارتی دیگر چنانچه افراد علاوه بر اطلاع از تکالیف و وظایف مالیاتی خود، از آثار مثبت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مالیات نیز آگاه شوند، در این صورت پرداخت مالیات به یک ارزش و وظیفه شهروندی در جامعه تبدیل شده و موجب افزایش ارتباط میان مردم با نظام مالیاتی خواهد شد. افزایش همراهی و همکاری مردم با نظام مالیاتی پیامد های مثبت فراوانی از جمله کاهش فرار مالیاتی، کاهش هزینه وصول مالیات، اثربخشی و کارایی قوانین مالیاتی، ایجاد منابع درآمدی پایدار برای دولت، رشد اقتصادی را به همراه خواهد داشت.

تربیت اقتصادی کودکان یکی از راهکاری بنیادی و اثرگذار برای آگاهی بخشی به مردم در مورد پیامد های مثبت پرداخت مالیات است که در بلندمدت باعث ارتقای سطح فرهنگ مالیاتی جامعه می شود و می تواند ذهنیت مردم نسبت به مالیات سستانی را تا حد زیادی تغییر دهد. نکته حائز اهمیت در مورد تربیت اقتصادی تفاوت آن با موضوع سواد مالی است. در یک طبقه بندی کلی می توان گفت سواد مالی، دانش

مفاهیم و محصولات مالی و مهارتی است که در حوزه مسائل مالی شخصی به افراد کمک می کند و در نهایت امنیت و سلامت مالی را برای آنها به همراه دارد؛ اما تربیت اقتصادی به مفاهیم زیربنایی تر می پردازد تا افراد بتوانند تحلیلی کامل تر و عملکردی مناسب تر داشته باشند. بررسی سرفصل های سواد مالی و تربیت اقتصادی به خوبی می تواند تفاوت های این دو مقوله را روشن نماید. با توجه به مسائل مالی که یک فرد ممکن است در طول دوران زندگی خود با آن رو به رو شود، برخی از مهم ترین سرفصل های یادگیری سواد مالی عبارتند از: ۱. کسب درآمد ۲. خرج و پس انداز ۳. بدهی ۴. سرمایه گذاری ۵. تصمیم گیری مالی ۶. مدیریت ریسک و بیمه. در مقابل سرفصل های تربیت اقتصادی شامل مواردی همچون: ۱. خرید و فروش ۲. پول، بهره ۳. دولت، سیاست های پولی و مالی ۴. تورم و بیکاری ۵. بازارها و قیمت ها ۶. نوسانات و محرک های اقتصادی است.

امروزه علم اقتصاد دانش انتخاب و تصمیم گیری آگاهانه تعریف می شود، بر این اساس اولین و سطحی ترین مرحله در تربیت اقتصادی ایجاد شناخت نسبت به مسائل و تصمیمات اقتصادی است. اما مسئله ای که در تعلیم و تربیت وجود دارد این است که شناخت همیشه برای رسیدن به یک رفتار کافی نیست. خیلی از شناخت ها وجود دارند که به رفتار منتهی نمی شوند. سطح بالاتر از شناخت، کشش است. یعنی نسبت به آن چیزی که می دانیم و شناخت داریم گرایش و کشش نیز داشته باشیم. کشش همان چیزی است که ما را نسبت به رفتار سوق می دهد و در نهایت در حوزه تربیت اقتصادی باید بدانیم که چگونه رفتار ایجاد کنیم. ممکن است شخص شناخت و گرایش داشته باشد ولی لزوماً به رفتار منجر نشود. عده ای هم رفتار می کنند در حالی که

شناخت و گرایش ندارند که در واقع همان تقلید است. اگر قرار است تربیت اقتصادی و مالی به نتیجه برسد باید هر سه لایه (شناخت، کنش و گرایش) با هم اتفاق بیفتد. ما در مسائل اقتصادی اگر می خواهیم انتخاب و تصمیمات اقتصادی درستی را در کودکان، بزرگسالان و سایر مردم جامعه به وجود بیاوریم باید از مسیر و کانال مخصوص، هر سه لایه را تأمین کنیم تا رفتار ایجاد شده یک رفتار پایدار و عمیق و هماهنگ با سایر رفتارها باشد و نه لزوماً یک رفتار تقلیدی یا تحمیلی با فشار اطرافیان.

هرگونه تخصیص منابع مالی برای توسعه تربیت اقتصادی کودکان را می توان نوعی سرمایه گذاری تلقی نمود؛ زیرا کودکان امروز، مودیان فردا هستند. اگر افراد در سنین کودکی و نوجوانی با ماهیت، اهمیت و کارکردهای مالیات آشنا شوند، در بزرگسالی به مودیان مالیاتی خوش حساب تبدیل خواهند شد و علاوه بر تمکین مالیاتی، قوانین مالیاتی جدید را نیز به راحتی خواهند پذیرفت. در این صورت همکاری و همراهی مردم با نظام مالیاتی نیز ارتقا خواهد یافت. آثار و نتایج مثبت حاصل از سرمایه گذاری در تربیت اقتصادی کودکان می تواند تا چندین نسل ادامه داشته باشد. تربیت اقتصادی همچنین می تواند بسیاری از مشکلات و چالش های کنونی نظام مالیاتی کشور را برطرف سازد. به عنوان مثال در سال های اخیر اخذ مالیات از مشاغل و اصناف خاص مانند پزشکان، وکلا، هنرمندان و... به یکی از مهم ترین چالش های نظام مالیاتی کشور تبدیل شده است. این مسئله در حالی است که اگر طی چند دهه گذشته مقوله تربیت اقتصادی به درستی مورد توجه مسئولان و سیاست گذاران اقتصادی قرار می گرفت، اکنون شاهد وجود چنین مسائلی در نظام مالیاتی کشور نبودیم و فرایند وصول مالیات به سهولت انجام می شد.





احمد قاسمی |
کارشناس تجارت الکترونیک

در آمد شگفت انگیز گمشده مالیات

با وجود اقدامات مؤثری که در فرآیند مالیات سستانی در کشور صورت گرفته است هنوز زیرساخت مناسبی در حوزه تجهیزات سخت افزاری و نرم افزاری در این خصوص در کشور وجود ندارد گرچه در زمینه نرم افزارها پیشرفت بهتری نسبت به سخت افزارها داشته ایم اما اصلی ترین چالش موجود وضعیت زیرساخت های ارتباطی کشور است که تمام حوزه ها را درگیر کرده و متأسفانه طی سه سال اخیر پسرقت چشمگیری داشته ایم و در مقایسه با سالهای ۹۶-۹۷ و زیرساخت های قوی که در آن زمان از آن بهره مند بودیم در حال حاضر مشکلات بسیاری در این حوزه به وجود آمده است. اعمال سیاست های بالادستی در این زمینه و عدم حمایت از شرکت های ارتباطی از جمله عوامل اصلی این معضل در کشور به شمار می آید که با وجود برخی از امکانات بالقوه در کشور در زمینه زیرساخت های ارتباطی و بستر سازی مناسب در حوزه اینترنت دارای مشکلات فراوانی هستیم.

با اجرای طرح واگذاری زیرساخت های بخش ارتباطات به بخش خصوصی در زمان ریاست جمهوری محمود احمدی مشکلات در این حوزه کلید خورد و البته به تدریج در ابعاد گسترده تری نیز توسعه یافت و فین تک ها و شرکت های مالی و ... با مشکلات فراوانی مواجه شدند که دامنگیر نظام مالیاتی نیز در حوزه اجرا و مشاهده عملکرد سازمان امور مالیاتی نیز گردید و منجر به فرارهای مالیاتی و عدم توانایی رصد فعالیت های اقتصادی مودیان و ... شد.

مالیات ارز دیجیتال از جمله مقوله هایی به شمار می آید که حتی در زمانی که از زیرساخت های ارتباطی مطلوب نیز برخوردار بودیم وجود داشت، ایران در مقایسه با دیگر کشورها نسبتاً دیر به مقوله ارزهای دیجیتال ورود کرد و قوانین مطلوبی در خصوص فعالیت در این حوزه وجود ندارد که مشمول فقدان قوانین در حوزه تعیین و پرداخت مالیات برای این گروه نیز می شود. فقدان اطلاعات مسئولان و مدیران رده بالای حکومتی در حوزه های مرتبط و نبود قوانین مدون در این خصوص باعث شد تا این صنعت در ایران از رشد آنچنانی برخوردار نباشد و بنابراین قوانین و راهکارهای خوبی برای اخذ مالیات از فعالان در این صنعت پر درآمد وجود نداشته باشد.

در سال های حدود ۹۷-۹۸ درخواست صدور مجوز از سوی برخی صرافی ها و فین تک ها برای ثبت شرکت به منظور فعالیت رسمی در این خصوص به دولت ارائه شد که در صورت موافقت قادر به رصد فعالیت های این گروه در سطحی وسیع از طریق درگاه های پرداخت می شدیم اما به دلیل کمبود و نبود اطلاعات کافی با این امر موافقت نشد هر چند در حال حاضر تعداد نسبتاً کمی از این شرکت ها به صورت رسمی در این صنعت فعالیت می کنند اما بسیاری از سایت ها به صورت



غیرقانونی در حال فعالیت در حوزه رمزارزها هستند در سایه فقدان قانون و ساز و کار مطلوب هیچ مالیاتی در این عرصه پرداخت نمی کنند در حالی که با کمی تسهیل در صدور مجوزها امکان رصد فعالیت این افراد حقیقی و حقوقی وجود داشت که با بهره از آن قادر به جلوگیری از فسادها و پولشویی و دیگر معضلات موجود در این بخش می شدیم.

دلیل اصلی اکثر این مشکلات نبود دانش کافی نزد حکمرانان در خصوص آی تی و فناوری اطلاعات است و در نتیجه تصمیمات اخذ شده در این زمینه هم دچار ضعف شدیدی است و در نتیجه به مشکلات فراوانی در خصوص قضایی و اجرا برای دولت و مردم می شود. این در حالی است که مبادله ارزهای دیجیتال در اکثر کشورهای پیشرفته و برخوردار از نظام مالیاتی قوی و قانونمند، مبادلات ارزهای دیجیتالی یک درآمد خوب و پرسود برای دولت ها محسوب می شود که در راستای سیاستی برد - برد برای کاربران و دولت نتایج خوبی را به همراه داشته است. تعیین قوانین مالیاتی در این خصوص در اکثر کشورها به دلیل نو و تازه بودن این صنعت کمی دشوار است اما ایران به دلیل نبود اطلاعات مناسب در این خصوص برای مسئولین، همواره با دیوارهای بسته فیلترینگ و محدودیت مواجه شده ایم که علاوه بر کاهش دسترسی ها در فضای مجازی بر بستر اینترنت، میزان امنیت در معاملات را نیز کاهش داده است که دولت و مردم آسیب دیدگان واقعی این پدیده هستند. در حالی که چنانچه فرآیند خرید و

فروش ارز دیجیتال به طور جدی به رسمیت شناخته شود و امکان ثبت فعالیت و خرید و فروش ها مانند هر حوزه دیگری وجود داشته باشد، می توان با محاسبه سود زیان ها میزان نرخ مالیات هر واحد صنعتی را محاسبه کرد و یا حتی بر اساس فعالیت صورت گرفته از مالیات معاف شد.

بی توجهی به صنعت بسیار درآمدزای ارزهای دیجیتال در حالی صورت می گیرد که بنا بر آمار موجود بیش از حدود ۵۰ درصد فعالیت ها و تراکنش های مالی و بانکی در این حوزه صورت می گیرد اما هیچ ناظری در این بخش بر درآمدهای مبادله شده وجود ندارد. صدور سریعتر مجوز جهت فعالیت این گروه و واگذاری تسهیلات به این گروه و شناسایی فعالان در این عرصه می تواند پایه های جدید مالیاتی خوبی را برای دولت تعریف کند که در حال حاضر در اختیار کشور نیست. نبود اینترنت مناسب از نظر کمی و کیفی که اکثر کسب و کارهای کشور را با چالش روبه رو کرده است اما اگر ارزش گذاری ارز دیجیتال را عرصه کمی و کیفی واقع بینانه بررسی کرد خواهیم دید ارز حاصل از صادرات ارزهای دیجیتال به چرخه اقتصادی به نفع کشور خواهد بود. اما متأسفانه هنوز ساز و کار دقیقی برای این کار تعیین نشده است و در حال حاضر فقط ماده ۱۳۱ قانون مالیات های مستقیم در این باره موضوعیت دارد در حالی که بنا بر آمار موجود رمزارزها جزو بزرگترین فرارهای مالیاتی کشور محسوب می شود و از این نظر رکورد عجیب را دارد و به بیش از حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان بالغ می شود.



توجه به گرانی بی حد و حصر تمام کالاها در بسیاری از سطوح جامعه «لوکس» تلقی نمی شود چون در حالی که قیمت خودروهایی مانند پراید که با برآورد افزایش قیمت روزانه می فشارد نیز به زودی مشمول قانون خودروهای لاکچری خواهد شد! علاوه بر این نیاز افرادی در رده های مختلف جامعه به خودرو تعاریف مختلفی دارد که باید با نگاهی جامع و کاملتر به آن نگریسته شود و مشخص کنند که تعریف مسئولانی که این قانون را وضع کرده اند از کلمه «لوکس» و «لاکچری» چیست؟ چرا که همزمان با سقوط ارزش پول ملی خیلی از کالاها در زمره کالاهای لوکس و تخصیص مالیات در این حیطه قرار می گیرند. در حقیقت دارایی و حساب های بانکی صاحبان خودروهای یک میلیاردی برخلاف تصور مسئولین مملو از پول و گردش های مالی بالا نیست و آمادگی پرداخت مالیات های انچنانی دولت را ندارند و مسلماً این طرح به افزایش اعتراض ها خواهد انجامید.

اجرای طرح های مالیاتی جدید دولت در شرایط فعلی حتماً کمافی السابق فرار مالیاتی، پنهان کاری، دور زدن دولت و... را به دنبال خواهد داشت و مشکلی بر مشکلات دیگر و دور شدن از مسیر عدالت اجتماعی - مالیاتی را به همراه خواهد داشت و بسیار مناسب است تا دولت با اجرای طرح های مطلوب و حمایتی نرخ سرمایه گذاری در کشور در حوزه های مختلف را افزایش دهد و در تعامل با بخش خصوصی و سرمایه داران در مسیر رشد و توسعه اقتصادی گام بردارد و البته به ارائه و تعریف پایه های جدید مالیاتی به عنوان طرحی مقبول در تمام جوامع متمدن روی آورد.

اجرای طرح هایی مانند مالیات بر ارزش افزوده و... همواره به افزایش قیمت تولیدات نهایی می انجامد و زنجیره گرانی و افزایش قیمت ها به همه کالاها تسری می یابد هر چند شاید اجرای چنین طرح هایی به تامین درآمدهای دولتی کمک کند اما تاثیر سوئی در زنجیره افزایش قیمت ها در سطوح مختلف خواهد داشت و آسیب آن به طبقه آسیب پذیر جامعه بیش از پیش خواهد بود.

علاوه بر این اجرای این طرح با ابهاماتی همراه است به عنوان مثال اینکه هر خانواده با چه تعداد عضو و یا تعداد خودرو و سقف چه قیمتی از پرداخت مالیات معاف خواهند شد و اگر خودروی تحت مالکیت افراد کالای سرمایه ای محسوب نشود و کالای مصرفی و در اختیار افراد باشد نیز تحت شمول این قانون قرار خواهد گرفته یا خیر؟ مطمئن باشید اگر چنین طرحی اجرا شود صاحبان سرمایه با توجه به تجربه زندگی شرایط بهتر در خارج از مرزها از کشور به همراه سرمایه های خود خارج خواهند شد و راهی برای خرج کردن بهینه تر پول هایی که قبلاً یک بار یا چندین بار از کانالهای مختلف مالیات آن را پرداخت کرده اند پیدا می کند. هر چند پرداخت مالیات از طریق مشروع و قانونی و تا سقف معقول و نه در راستای رفع نیازهای در نوسان دولت امری مطلوب تلقی می شود اما یافتن کلماتی مانند لاکچری و لوکس و تعیین پایه های مالیاتی جدید برای آنها فقط به سیاست های غلطی است که البته مجالی برای اجرا پیدا نخواهد کرد.

تعیین سقف قیمتی یک میلیارد تومان برای پرداخت مالیات برای مورد تحت عنوان «خودروهای لاکچری» با



احمد نعمت بخش |
دبیر انجمن خودرو

پراید در دایره دریافت مالیات از خودروهای لاکچری!

«لاکچری بازان مشمول قوانین مالیاتی می شوند». این خبری بود که چندی پیش به طور جدی تر در آستانه ورود به سال درآمد دولت متکی بر مالیات شنیده شد و ذهن صاحبان خودرو و خانه های لاکچری را درگیر کرد. هیأت وزیران در جلسه ۱۴۰۱/۴/۱ به استناد بند (ف) تبصره (۶) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور قانون مالیات بر خودروهای لاکچری را تصویب کرد. قانونی که به نظر بسیاری از افراد با توجه به نرخ تورم و گرانی های افسار گسیخته قابلیت اجرایی نخواهد یافت و حتی در صورتی که به طور جدی به مرحله اجرا درآید نیز باز هم افراد بسیاری راه های مختلفی برای فرار مالیاتی از این پایه جدید تعریف شده سازمان امور مالیاتی خواهند یافت. علاوه بر این تعرفه های مالیاتی در این خصوص و خودروهای متخلف به زعم بسیاری منطقی و قانونی نیست و بر خلاف سیر افزایش تصاعدی قیمت هاست. اما دولت در راستای کاهش شکاف طبقاتی و افزایش سهم درآمد دولت و همچنین تامین درآمدهای دولتی، مصر بر اجرای قانون مالیات بر خودروهای لاکچری تا سقف یک میلیارد تومان است. احمد نعمت بخش یکی از مخالفان طرح مالیات بر خودروهای لاکچری است که نظر ایشان را در ذیل می خوانیم:

قوانین مالیاتی در کشور ما از جامعیت مطلوب و پیوسته ای برخوردار نیست و همان گونه که امکان ثبت خرید و فروش بسیاری از کالاها و خدمات در کشور با توجه به فقدان نظام هوشمند مالیاتی موجود نیست، امکان پرداخت مالیات های موازی در مسیر اخذ مجوز و یا مالکیت خودرو یا مسکن و... نیز وجود ندارد. اجرای طرح مالیات بر خودروهای لاکچری از چند منظر مورد اعتراض است و نیاز به بحث و بررسی های بیشتری دارد. از سوی دیگر بر خورد مجرمانه با صاحبان سرمایه و کالاهایی که بر اساس تعاریف نامشخص لوکس تعریف می شوند، باعث فرار کردن سرمایه ها و همچنین سرمایه گذاران از ایران خواهد شد این در حالی است که خریداران خودروهای لوکس یک بار به هنگام خرید خودرو در مرز با پرداخت عوارض به نوعی مالیات محصول خریداری شده خود را پرداخت کرده اند و چنین قوانینی در حقیقت به معنای پرداخت های موازی در حیطه مالیاتی محسوب می شود در حالی که صاحبان سرمایه در تمام کشورها قادر به سرمایه گذاری و کمک به چرخ تولید و همچنین اشتغال زایی و... می شوند و باید مورد حمایت دولت نیز قرار گیرند. علاوه بر این تعیین سقف ارزشگذاری خودروهای لاکچری با توجه به گرانی های چندین باره طی یک سال برای محصولی مانند خودرو بیشتر ناشی از سیاست های اشتباه و غلط خود دولت است و در حقیقت دولت، خود باید سهم بیشتری از جبران سیاست های اشتباه را پرداخت کند.

افزایش قیمت ها و پرداخت مالیات هایی این چنینی یا



نحوه ارتباط نظام مالیات بر مجموع درآمد با نظام یارانه‌ها؛

نیازمند نقشه جامع مالیاتی

مالیاتی و نحوه بازپرداخت آنها، نیازمند مطالعات گسترده‌تری است. در هر صورت استفاده از اطلاعات نظام مالیاتی و اطلاعات به دست آمده از مالیات بر مجموع درآمد در راستای ارتباط نظام مالیاتی و یارانه‌ای و در مرحله بعد استفاده از شیوه‌های نوین اتصال نظام مالیاتی و حمایتی مانند اعتبار مالیاتی، مالیات بر درآمد منفی، اعتبار مالیاتی درآمد کار و... می‌تواند علاوه بر هدفمند و اثربخش تر کردن سیاست‌های حمایتی، سیاستگذار را در رسیدن به سایر اهداف سیاستی کمک کنند.

یارانه‌های نقدی به خصوص در سال‌های اخیر به یکی از چالشی‌ترین مباحث اقتصاد ایران تبدیل شده است. هدفمندی یارانه‌ها در سال ۱۳۸۹، برقراری یارانه معیشتی خانوار در سال ۱۳۹۸ و اجرای طرح مردمی‌سازی یارانه‌ها (یارانه جایگزین ارز ترجیحی) در سال ۱۴۰۱ از مهم‌ترین تحولات در نظام رفاهی و یارانه‌ای کشورمان هستند. بهبود نظام یارانه‌ای و رفاهی با هماهنگ کردن آن با نظام مالیاتی امکانپذیر است. در برخی از کشورهای جهان مالیات بر مجموع درآمد به عنوان مهم‌ترین ابزار بازتوزیع درآمد بین دهک‌های مختلف استفاده می‌شود و می‌تواند زیرساخت مناسبی را برای اعطای یارانه فراهم کند، اما تاکنون از این ابزار در ایران استفاده نشده است.

در این گزارش ابتدا تمایز و نقاط ضعف و قوت یارانه‌های نقدی، قیمتی و کالایی به اختصار بیان شده و سپس انواع روش‌های پرداخت یارانه نقدی اعم از الگوهای متصل و منفصل از نظام مالیاتی معرفی، نقد و بررسی می‌شود. سازوکارهای پرداخت یارانه منفصل از نظام مالیاتی عبارتند از: درآمد پایه همگانی، سود سهام اجتماعی و درآمد مشارکت. سازوکارهای یارانه‌ای متصل با نظام مالیاتی عبارتند از: مالیات هموار/درآمد

به فرد پرداخت می‌کند. یکی از نمونه‌های این رویکرد، الگوی مالیات بر مجموع درآمد با نرخ هموار و اعتبار مالیاتی پایه (همگانی) است. این طرح پیشنهادی که حداقل معیشت را برای همه افراد جامعه تضمین می‌کند، نسبت به درآمد پایه همگانی (با فرض مساوی بودن اعتبار مالیاتی و پرداخت همگانی) به صورت پرداخت مستقیم نقدی هزینه کمتری داشته و آثار منفی کمتری بر بازار کار دارد.

در بخش دیگری از گزارش تجربه برخی کشورهای در زمینه اعتبار مالیاتی و پیوند آن با نظام یارانه‌ها بررسی شده است. در این بخش تجربه اعتبار مالیاتی در ایالت آلاسکا آمریکا، اعتبار همگانی انگلستان، اعتبار نیروی کار آمریکا و کمک‌های اجتماعی ترکیه مطالعه شده است. یکی از آسیب‌های نظام پرداخت یارانه در ایران، عدم ارتباط آن با نظام مالیاتی است. در حالی که در بسیاری از کشورهای بررسی شده، علاوه بر آنکه منابع نظام حمایتی از طریق مالیات‌ستانی تأمین می‌شود، داده‌های مالیاتی نقشی اساسی در تشخیص گروه هدف سیاست‌های حمایتی (خانوارهای کم‌درآمد) ایفا می‌کنند. زیرا اطلاعات مالیاتی اصلی‌ترین منبع برای شناسایی درآمد خانوار است. در کشور ما، عدم ارتباط نظام حمایتی با نظام مالیاتی موجب شده است تا یارانه‌ها نقش بازتوزیعی ناچیزی داشته باشند و تقریباً به شکل برابر بین همه خانوارها توزیع شوند.

پیاده‌سازی نظام مالیات بر مجموع درآمد می‌تواند در شناسایی خانوارهای کم‌درآمد و هدفمندسازی یارانه‌ها، نقش مؤثری داشته باشد. همچنین در بستر مالیات بر مجموع درآمد می‌توان از ابزارهایی که به اتصال مؤثرتر نظام حمایتی به نظام مالیاتی منجر شود مانند اعتبار مالیاتی استفاده کرد. البته تعیین میزان اعتبارهای

یارانه‌های نقدی یکی از روش‌های ارتقای رفاه عمومی و کاهش فقر و نابرابری است که می‌تواند به صورت مستقل از نظام مالیاتی و یا در ارتباط با این نظام باشد. در زمان آغاز پرداخت یارانه نقدی (در قالب طرح هدفمندی یارانه‌ها) نظام مالیات بر مجموع درآمد در ایران وجود نداشت، اما اجرای نظام مالیات بر مجموع درآمد در آینده نزدیک می‌تواند موجب تجدیدنظر در روش پرداخت یارانه شود و با در نظر گرفتن تمامی ابعاد مسئله بهترین الگوی پرداخت یارانه به کار گرفته شود.

در بخش اول گزارش، برخی روش‌های پرداخت یارانه نقدی معرفی و نقاط قوت و ضعف هر کدام مشخص می‌شود. برخی از روش‌های پرداخت یارانه همچون درآمد پایه همگانی، سود سهام اجتماعی و درآمد مشارکت، یارانه‌های منفصل از نظام مالیاتی هستند. درآمد پایه همگانی، پرداخت نقدی به همه شهروندان به‌طور یکسان و فارغ از سطح درآمد یا ویژگی‌های آنهاست. سود سهام اجتماعی عایدی دارایی‌های ملی است که توسط دولت مدیریت می‌شود و بخشی از آن برای نسل‌های آینده باقی‌مانده و بخشی به صورت نقدی بین مردم توزیع می‌شود. این طرح به سهام عدالت در ایران شباهت دارد. درآمد مشارکت، پرداخت نقدی به جمعیت شاغل یا جویای کار است. این سه طرح، سازوکارهای یارانه‌ای منفصل از نظام مالیاتی هستند. رویکرد دیگر اتصال نظام یارانه‌ای به نظام مالیاتی از طریق در نظر گرفتن درآمد پایه همگانی به عنوان اعتبار مالیاتی و پس از آن اخذ مالیات بر مجموع درآمد است. مطابق سازوکار این پیشنهاد، به همه افراد جامعه (یا خانوارها) اعتباری داده می‌شود که از بدهی مالیات بر مجموع درآمد آن‌ها کسر می‌گردد؛ در صورتی که میزان بدهی مالیاتی از اعتبار فرد کمتر باشد، دولت مابه‌التفاوت این دو را به صورت نقدی

و در صورت طراحی مناسب، فساد اقتصادی و اختلال زیادی در بازار ایجاد نمی‌کند. این گزارش درصدد ارائه و معرفی الگوهای اتصال نظام مالیاتی و یارانه‌های نقدی و دلالت‌های آن برای اصلاح نظام مالیاتی و یارانه‌ای جمهوری اسلامی ایران است.

یارانه‌های نقدی از حیث شمول به یارانه‌های همگانی و هدفمند (گزینشی) تقسیم می‌شوند. یارانه‌های همگانی به همه دهک‌های درآمدی تعلق می‌گیرد؛ در حالی که یارانه‌های هدفمند صرفاً گروه‌های هدف به‌ویژه اقشار فقیر (و متوسط) را در برمی‌گیرد. از طرف دیگر یارانه‌های نقدی از حیث هماهنگی و اتصال با نظام مالیاتی به یارانه‌های متصل به نظام مالیاتی و یارانه‌های منفصل (و جدا) از نظام مالیاتی تقسیم می‌شوند. انواع یارانه‌های مصرف‌کننده در شکل ۱ و انواع یارانه‌های نقدی با ذکر مثال در جدول ۱ نشان داده شده است:

هزینه‌های حمل و نقل و فساد در توزیع، از معایب اصلی این یارانه است. یارانه قیمتی پرداخت بخشی از قیمت محصول توسط دولت است که موجب کاهش قیمت برای مصرف‌کننده می‌شود. این نوع یارانه به دلیل تشویق مصرف، ایجاد اختلال و انحراف در مسیر طبیعی اقتصاد، ایجاد زمینه برای فساد اقتصادی، گسترش دامنه بازار سیاه و افزایش قاچاق و عدم رعایت عدالت در توزیع یارانه مورد انتقاد قرار گرفته است. استفاده از یارانه قیمتی تنها در مورد برخی کالاها شایسته و دارای آثار خارجی مثبت (مثل شیر و محصولات فرهنگی) توصیه می‌شود. یارانه نقدی اعطای پول نقد یا اعتبار به مصرف‌کنندگان است که این امکان را برای آنها فراهم می‌کند که خود برای خود تصمیم بگیرند و مبلغ یارانه را به مهم‌ترین نیازهایی که خود تشخیص می‌دهد اختصاص دهند. این نوع یارانه فاقد برخی مشکلات ذکر شده برای یارانه‌های قیمتی و کالایی است

پایه، تضمین حداقل درآمد مبتنی بر آزمون استطاعت، مالیات بر درآمد منفی و حمایت‌های خاص و موردی. تشریح سازوکار پرداخت و نقاط ضعف و قوت هر یک در این گزارش آورده شده است.

پس از آن تجربه کشورهای جهان در زمینه پرداخت یارانه و نحوه ایجاد اتصال میان نظام مالیاتی و نظام رفاهی بررسی می‌شود.

در ادبیات علمی اقتصاد رفاه، یارانه‌ها یکی از مؤثرترین ابزارها برای ارتقای رفاه طبقات متوسط و ضعیف شناخته می‌شوند. یارانه‌ها از نظر روش پرداخت در سه دسته یارانه‌های نقدی، کالایی و قیمتی جای می‌گیرند. یارانه‌های کالایی اعطای سبد کالا به مردم است. در جوامع سنتی که بسیاری از کالاها در چارچوب خارج از بازار رسمی، تهیه و توزیع شده و دسترسی به مراکز خرید بازارهای متنوع نیز وجود ندارد یارانه کالایی می‌تواند بهتر از یارانه نقدی و قیمتی عمل کند؛ هر چند

شکل ۱: انواع یارانه‌های مصرف‌کننده



جدول ۱. انواع یارانه‌های نقدی

| عنوان | متصل به نظام مالیات بر مجموع درآمد | منفصل از نظام مالیات بر مجموع درآمد |
|--------|--|---------------------------------------|
| هدفمند | مالیات بر درآمد منفی اعتبار مالیاتی در آمد کار (EITC) | درآمد مشارکت کمک‌های اجتماعی |
| همگانی | اعتبار پایه برگشت‌پذیر مالیات هموار / درآمد پایه | درآمد پایه همگانی سود سهام اجتماعی |

بانک اطلاعاتی باید حاوی داده‌های به‌روز مربوط به تعداد افراد خانوار و درآمد و وضعیت اشتغال هر یک از آنان باشد.

این داده‌ها معمولاً در اختیار سازمان مالیاتی کشورها قرار دارد، زیرا این سازمان برای جمع‌آوری مالیات از اطلاعات نهاد‌های مختلف بهره می‌گیرد. در کشور ما نیز طبق ماده (۱۶۹) مکرر قانون مالیات‌های مستقیم تمامی سازمان‌های دارای اطلاعات مانند بانک، بیمه، گمرک، سازمان ثبت اسناد و املاک و ... مکلف به ارائه اطلاعات به سازمان مالیاتی شده‌اند. با توجه به اینکه هیچ‌یک از نهاد‌های دیگر چنین اطلاعات جامعی را در اختیار ندارند، لذا برای شناسایی دقیق درآمد افراد، یکی از روش‌هایی که می‌تواند در آینده کارآمد باشد بهره‌گیری از اظهارنامه‌های مالیاتی درآمد خانوار است.

دریافت یارانه را با دقت شناسایی کند. از طرفی دولت برای جمع‌آوری مالیات نیازمند بانک اطلاعاتی مشابهی است که درآمد، ثروت و معاملات اقتصادی را رصد و اطلاعات مربوط را در سامانه‌ای تجمیع کند. هر چند که تمرکز نظام مالیات بر مجموع درآمد بر درآمدهای بالاتر است و همچنین اطلاعات مربوط به دارایی‌ها و سایر اطلاعات رفاهی مانند دسترسی به آموزش، سلامت و زیرساخت‌های اساسی در آن کم‌رنگ است، اما در صورتی که نظام یارانه‌ای با نظام مالیاتی هماهنگ شود و برای پرداخت یارانه‌ها و دریافت مالیات تبادل اطلاعاتی کاملی انجام شود کارایی سیاست‌های حمایتی و مالیاتی تا حد قابل توجهی افزایش خواهد یافت.

اولین قدم برای پرداخت یارانه به کم‌درآمدها، ایجاد بانک اطلاعاتی مربوط به درآمد افراد جامعه است. این

از میان روش‌های اعطای یارانه نقدی، برخی روش‌ها به‌صورت مستقل و جدا از نظام مالیاتی و برخی به‌صورت پیوسته و هماهنگ با نظام مالیاتی اجرا می‌شوند. هر چند که می‌توان به‌عنوان یک راهکار میانه استفاده از اطلاعات نظام مالیاتی در پرداخت یارانه نقدی هدفمند را به‌عنوان ارتباط نظام مالیاتی و یارانه‌ای تلقی کرد با وجود این برقراری اتصال کامل بین نظام یارانه‌ها و نظام مالیات بر مجموع درآمد می‌تواند به‌صورت اعطای اعتبار مالیاتی برگشت‌پذیر باشد که در ادامه به بیان تاریخچه، انواع و مزایای آن می‌پردازیم.

پرداخت یارانه نقدی هدفمند نیازمند وجود بانک‌های اطلاعاتی گسترده و قابل اطمینانی است که افراد پر درآمد را از افراد کم‌درآمد تفکیک و بدون وجود امکان فریب سیستم توسط دریافت‌کنندگان مزایا، واجدین شرایط

۲. مفهوم اعتبار مالیاتی

ابتدا لازم است مفهوم اعتبار مالیاتی و تفاوت آن با هزینه‌های قابل قبول روشن شود. در محاسبه مالیات بر درآمد، اعتبار مالیاتی از مالیات پرداختنی نهایی (بدهی مالیاتی در انتهای سال) کسر می‌شود؛ در حالی که هزینه‌های قابل قبول (۲ و معافیت‌ها) ۳ از درآمد کسر می‌شود. در ادامه این بخش با ذکر چند مثال تفاوت اعتبار مالیاتی و هزینه قابل قبول توضیح داده خواهد شد: ۴ درآمد ناخالص فرد در مثال‌های ۱ تا ۴ معادل ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و نرخ مالیات در همه مثال‌ها ۲۰ درصد فرض شده است. میزان اعتبار مالیاتی و هزینه

قابل قبول در هر مثال تغییر می‌کند.

■ مثال ۱: درآمد ناخالص ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و نرخ مالیات ۲۰ درصد است. هیچ هزینه قابل قبول و اعتبار مالیاتی وجود ندارد. در این صورت درآمد مشمول مالیات ۵ همان ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال است. لذا همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده شده است بدهی مالیاتی ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال خواهد شد.

جدول ۲. نحوه محاسبه مالیات بر مجموع درآمد (مثال ۱)

| عنوان | مبلغ (ریال) | عملیات ریاضی |
|---------------------|-------------|--------------|
| درآمد ناخالص | ۵۰.۰۰۰.۰۰۰ | |
| هزینه‌های قابل قبول | ۰ | - |
| درآمد مشمول مالیات | ۵۰.۰۰۰.۰۰۰ | = |
| نرخ مالیات | ۲۰٪ | × |
| بدهی مالیاتی اولیه | ۱۰.۰۰۰.۰۰۰ | = |
| اعتبار مالیاتی | ۰ | - |
| بدهی مالیاتی نهایی | ۱۰.۰۰۰.۰۰۰ | = |

■ مثال ۲: درآمد ناخالص ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و نرخ مالیات ۲۰ درصد است. هزینه قابل قبول صفر و اعتبار مالیاتی به میزان ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال در نظر گرفته شده است. طبق جدول ۳ این مقدار از بدهی مالیاتی (۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال) کسر می‌شود لذا فرد باید ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال مالیات به دولت پرداخت نماید.

جدول ۳. نحوه محاسبه مالیات بر مجموع درآمد (مثال ۲)

| عنوان | مبلغ (ریال) | عملیات ریاضی |
|---------------------|-------------|--------------|
| درآمد ناخالص | ۵۰.۰۰۰.۰۰۰ | |
| هزینه‌های قابل قبول | ۰ | - |
| درآمد مشمول مالیات | ۵۰.۰۰۰.۰۰۰ | = |
| نرخ مالیات | ۲۰٪ | × |
| بدهی مالیاتی اولیه | ۱۰.۰۰۰.۰۰۰ | = |
| اعتبار مالیاتی | ۵.۰۰۰.۰۰۰ | - |
| بدهی مالیاتی نهایی | ۵.۰۰۰.۰۰۰ | = |

■ مثال ۳: درآمد ناخالص ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و نرخ مالیات ۲۰ درصد است. اعتبار مالیاتی وجود ندارد و مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی در نظر گرفته شده است. این مبلغ از درآمد فرد کسر می‌شود و درآمد مشمول مالیات ۴۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال خواهد شد. همان‌طور که در جدول ۴ نشان داده شده فرد باید

۹,۰۰۰,۰۰۰ ریال به عنوان مالیات به دولت پرداخت کند. تفاوت هزینه قابل قبول و اعتبار مالیاتی در این نکته است که هزینه قابل قبول از درآمد کسر می‌شود تا درآمد مشمول مالیات به دست آید، اما اعتبار مالیاتی از بدهی مالیاتی کسر می‌شود تا بدهی مالیاتی نهایی به دست آید.

جدول ۴. نحوه محاسبه مالیات بر مجموع درآمد (مثال ۳)

| عنوان | مبلغ (ریال) | عملیات ریاضی |
|---------------------|-------------|--------------|
| درآمد ناخالص | ۵۰.۰۰۰.۰۰۰ | |
| هزینه‌های قابل قبول | ۵.۰۰۰.۰۰۰ | - |
| درآمد مشمول مالیات | ۴۵.۰۰۰.۰۰۰ | = |
| نرخ مالیات | ۲۰٪ | × |
| بدهی مالیاتی اولیه | ۹.۰۰۰.۰۰۰ | = |
| اعتبار مالیاتی | ۰ | - |
| بدهی مالیاتی نهایی | ۹.۰۰۰.۰۰۰ | = |

به دست می‌آید. اعتبار مالیاتی از بدهی مالیاتی ۹,۰۰۰,۰۰۰ ریال کسر می‌شود بنابراین همان‌طور که در شکل ۶ هم تشریح شده در انتها بدهی مالیاتی ۴,۰۰۰,۰۰۰ ریال خواهد شد.

■ مثال ۴: درآمد ناخالص ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و نرخ مالیات ۲۰٪ است. هم اعتبار مالیاتی و هم هزینه قابل قبول ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال است. ابتدا هزینه قابل قبول از درآمد کسر می‌شود و درآمد مشمول مالیات ۴۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال

جدول ۵. نحوه محاسبه مالیات بر مجموع درآمد (مثال ۴)

| عنوان | مبلغ (ریال) | عملیات ریاضی |
|---------------------|-------------|--------------|
| درآمد ناخالص | ۵۰.۰۰۰.۰۰۰ | |
| هزینه‌های قابل قبول | ۵.۰۰۰.۰۰۰ | - |
| درآمد مشمول مالیات | ۴۵.۰۰۰.۰۰۰ | = |
| نرخ مالیات | ۲۰٪ | × |
| بدهی مالیاتی اولیه | ۹.۰۰۰.۰۰۰ | = |
| اعتبار مالیاتی | ۵.۰۰۰.۰۰۰ | - |
| بدهی مالیاتی نهایی | ۴.۰۰۰.۰۰۰ | = |

تبیین تفاوت اعتبار مالیاتی برگشت پذیر با اعتبار مالیاتی غیر برگشت پذیر بیان می‌شود.

■ مثال ۵: فرد فقیری تنها ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال درآمد دارد و نرخ مالیات ۲۰٪ است. در نظام مالیات بر درآمد هیچ اعتبار مالیاتی و هزینه قابل قبولی در نظر گرفته نشده است. در این صورت ۲۰٪ درآمد ناچیز این فرد یعنی ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال به عنوان بدهی مالیاتی محسوب شده و باید به دولت پرداخت شود.

تا این جای بحث تفاوت اعتبار مالیاتی و معافیت مالیاتی توضیح داده شد، در این جا لازم است به انواع اعتبارات مالیاتی نیز اشاره‌ای داشته باشیم. یارانه‌ها می‌تواند به عنوان اعتبار مالیاتی برگشت پذیر^۱ یا غیر برگشت پذیر^۲ برای شهروندان در نظر گرفته شود. اعتبار مالیاتی برگشت پذیر دارای بازپرداخت به مردم نیز هست یعنی ممکن است فرد در نهایت به جای این که مالیاتی پرداخت کند مبلغی به عنوان یارانه از دولت دریافت کند. این مبلغ همان یارانه نقدی است که در چارچوب نظام مالیاتی به فرد پرداخت می‌شود. در ادامه مثال‌هایی برای

جدول ۶. نحوه محاسبه مالیات بر مجموع درآمد (مثال ۵)

| عنوان | مبلغ (ریال) | عملیات ریاضی |
|---------------------|-------------|--------------|
| درآمد ناخالص | ۵.۰۰۰.۰۰۰ | |
| هزینه‌های قابل قبول | ۰ | - |
| درآمد مشمول مالیات | ۵.۰۰۰.۰۰۰ | = |
| نرخ مالیات | ۲۰٪ | × |
| بدهی مالیاتی اولیه | ۱.۰۰۰.۰۰۰ | = |
| اعتبار مالیاتی | ۰ ریال | - |
| بدهی مالیاتی نهایی | ۱.۰۰۰.۰۰۰ | = |

■ مثال ۶: فرد ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال درآمد دارد و نرخ مالیات بر مجموع درآمد ۲۰٪ است. اعتبار مالیاتی صفر است اما ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال به عنوان هزینه قابل قبول در نظر گرفته شده است. هزینه قابل قبول از درآمد کسر شده و ۳,۰۰۰,۰۰۰ ریال درآمد مشمول مالیات به دست می‌آید بنابراین بدهی مالیاتی نهایی ۶۰۰,۰۰۰ ریال می‌شود.

جدول ۷. نحوه محاسبه مالیات بر مجموع درآمد (مثال ۶)

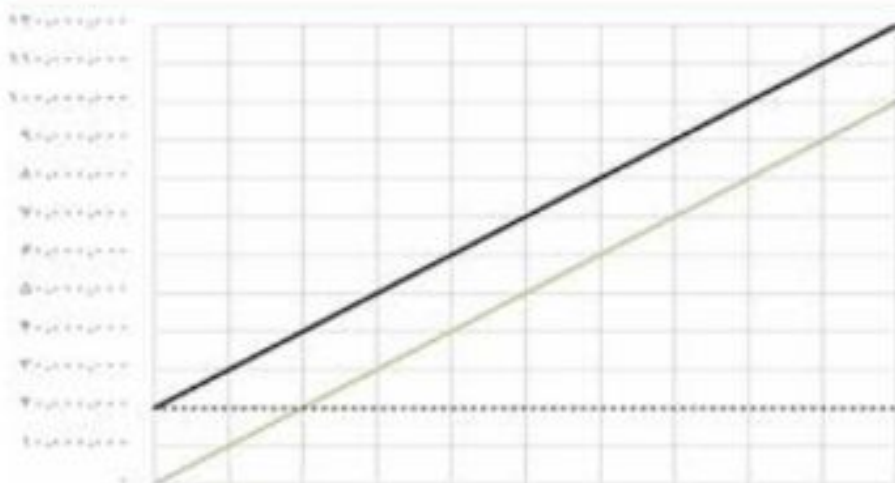
| عنوان | مبلغ (ریال) | عملیات ریاضی |
|---------------------|-------------|--------------|
| درآمد ناخالص | ۵.۰۰۰.۰۰۰ | |
| هزینه‌های قابل قبول | ۲.۰۰۰.۰۰۰ | - |
| درآمد مشمول مالیات | ۳.۰۰۰.۰۰۰ | = |
| نرخ مالیات | ۲۰٪ | × |
| بدهی مالیاتی اولیه | ۶۰۰.۰۰۰ | = |
| اعتبار مالیاتی | ۰ | - |
| بدهی مالیاتی نهایی | ۶۰۰.۰۰۰ | = |

داشته باشد در نظر گرفته‌اند. درآمد پایه به صورت نقدی است (نه کالایی)، همگانی بوده (نه مشروط) و غیر تعهدآور است (نه تعهدآور نسبت به کار و موارد مشابه). (فلامند و کالسامیلیا، ۲۰۱۹، ۶۴۵) در جدول ۱۰ و نمودار ۱ اثر درآمد پایه همگانی بر درآمد خالص افراد مشاهده می‌شود.

جدول ۱۰. درآمد خالص با اعمال درآمد پایه همگانی

| درآمد ناخالص | درآمد پایه همگانی | درآمد خالص |
|------------------|-------------------|------------------|
| ریال ۰ | ریال ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ | ریال ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ |
| ریال ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ | ریال ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ | ریال ۲۲,۰۰۰,۰۰۰ |
| ریال ۵,۰۰۰,۰۰۰ | ریال ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ | ریال ۲۵,۰۰۰,۰۰۰ |
| ریال ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ | ریال ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ | ریال ۳۰,۰۰۰,۰۰۰ |
| ریال ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ | ریال ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ | ریال ۴۰,۰۰۰,۰۰۰ |
| ریال ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ | ریال ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ | ریال ۷۰,۰۰۰,۰۰۰ |
| ریال ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ | ریال ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ | ریال ۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰ |
| ریال ۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ | ریال ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ | ریال ۵۲۰,۰۰۰,۰۰۰ |

نمودار ۱. درآمد خالص با اعمال درآمد پایه همگانی



درآمد ناخالص ————— درآمد خالص درآمد پایه همگانی

طرفداران ایده درآمد پایه همگانی معتقدند پرداخت‌های مبتنی بر آزمون استطاعت، هزینه‌های زیادی بابت شناسایی فقرا به دولت تحمیل می‌کند و درآمد پایه همگانی با حذف این سازوکارها، هزینه‌های شناسایی و آزمون وسیع را به صفر می‌رساند. از طرفی پرداخت‌های مشروط، معمولاً با خطای استثنای همراه است یعنی برخی مستحقان حائز شرایط را از قلم انداخته و از دریافت کمک‌های نقدی محروم می‌کند. پرداخت نامشروط همچون درآمد پایه همگانی خطای استثنای را به صفر رسانده و معیشت حداقلی را با حداکثر اطمینان برای تمامی فقرا تضمین می‌کند.

جدی‌ترین انتقادی که به درآمد پایه همگانی وارد است بر هزینه بودن آن است. به طوری که امکان‌پذیری آن برای بسیاری از کشورها محل سؤال است. برای مثال هزینه پرداخت درآمد پایه به میزان پانصد هزار تومان به هر ایرانی معادل با کل بودجه عمومی دولت مصوب سال ۱۳۹۸ است. با توجه به هزینه بودن این گونه پرداخت همگانی، ایده جدیدی با تلفیق نظام مالیات بر درآمد و درآمد پایه مطرح شده که هزینه واقعی پرداخت درآمد پایه همگانی را به شدت کاهش می‌دهد. همچنین پرداخت یکسان همگانی، از منظر عدالت اجتماعی نیز نقد شده است؛ زیرا در این نظام حمایتی، خانوارهای فقیر و غنی به یک اندازه از حمایت‌های نقدی برخوردار می‌شوند.

■ مثال ۷: درآمد ناخالص ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و نرخ مالیات ۲۰٪ است. هزینه قابل قبول صفر است و اعتبار مالیاتی برابر با ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به صورت برگشت‌ناپذیر (غیر قابل استرداد) در نظر گرفته شده است. چون استرداد و برگشت وجه وجود ندارد بدهی مالیاتی نهایی صفر می‌شود و فرد نه یارانه‌ای دریافت می‌کند و نه مالیاتی می‌پردازد.

جدول ۸. نحوه محاسبه مالیات بر مجموع درآمد (مثال ۷)

| عنوان | مبلغ (ریال) | عملیات ریاضی |
|-----------------------------|-------------|--------------|
| درآمد ناخالص | ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ | |
| هزینه‌های قابل قبول | ۰ | - |
| درآمد مشمول مالیات | ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ | = |
| نرخ مالیات | ۲۰٪ | × |
| بدهی مالیاتی اولیه | ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ | = |
| اعتبار مالیاتی برگشت‌ناپذیر | ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ | - |
| بدهی مالیاتی نهایی | ۰ | = |

■ مثال ۸: درآمد ناخالص ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و نرخ مالیات ۲۰٪ است. اعتبار مالیاتی برگشت‌پذیر (قابل استرداد) برابر با ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و هزینه قابل قبول برابر با صفر در نظر گرفته می‌شود. اعتبار مالیاتی از بدهی مالیاتی کسر می‌شود و در نهایت ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال یارانه نقدی به فرد تعلق می‌گیرد.

جدول ۹. نحوه محاسبه مالیات بر مجموع درآمد (مثال ۸)

| عنوان | مبلغ (ریال) | عملیات ریاضی |
|---------------------------|-------------|--------------|
| درآمد ناخالص | ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ | |
| هزینه‌های قابل قبول | ۰ | - |
| درآمد مشمول مالیات | ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ | = |
| نرخ مالیات | ۲۰٪ | × |
| بدهی مالیاتی اولیه | ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ | = |
| اعتبار مالیاتی برگشت‌پذیر | ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ | - |
| بدهی مالیاتی نهایی | -۱۰,۰۰۰,۰۰۰ | = |

مثال‌های فوق تفاوت اعتبار مالیاتی برگشت‌پذیر و غیر برگشت‌پذیر را به خوبی نشان می‌دهند. همچنین تفاوت نحوه تأثیر هزینه‌های قابل قبول و اعتبارات مالیاتی بر درآمد خالص فرد به روشنی در این مثال‌ها تصویر شدند. هزینه‌های قابل قبول و معافیت‌های مالیاتی از درآمد ناخالص کسر می‌شود و درآمد مشمول مالیات به دست می‌آید. درآمد مشمول مالیات در نرخ مالیات ضرب می‌شود و بدهی مالیاتی فرد به دست می‌آید. اعتبارات مالیاتی از این مبلغ کسر شده و بدهی مالیاتی نهایی به دست می‌آید. بدهی مالیاتی نهایی منفی به معنای پرداخت یارانه به مؤدی مالیاتی است که در صورتی که اعتبار مالیاتی از نوع برگشت‌پذیر باشد به او پرداخت می‌شود و در صورتی که اعتبار مالیاتی غیر برگشت‌پذیر باشد پرداختی صورت نمی‌گیرد.

۳. الگوهای اتصال نظام یارانه‌ای و مالیاتی

در ادامه انواع روش‌های اعطای یارانه و نحوه اتصال آنها به نظام مالیات بر مجموع درآمد بررسی می‌شود. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد برخی سازوکارهای پرداخت یارانه مستقل از نظام مالیات بر مجموع درآمد و برخی متصل به این نظام است. در ادامه به هر دو دسته سازوکارها اشاره می‌شود و کارکردها، مزایا و معایب هر کدام بررسی می‌شود.

۱-۳. سازوکارهای پرداخت یارانه منفصل از نظام مالیاتی

۱-۱-۳. درآمد پایه همگانی

درآمد پایه همگانی پرداخت انتقالی نامشروطی است که به همه شهروندان تعلق می‌گیرد، فارغ از اینکه وضعیت شغلی و درآمدی آنان چگونه باشد. درآمد پایه همگانی دارای ویژگی‌های زیر است:

با افزایش درآمد فرد، این پرداخت نقدی متوقف نمی‌شود و کاهش نمی‌یابد. این درآمد به همه یا اکثر جمعیت پرداخت می‌شود و بر یک یا چند گروه خاص تمرکز ندارد. اغلب صاحب‌منظران درآمد پایه همگانی را پرداخت انتقالی که هر دو ویژگی فوق را

است. برای احراز شرط مشارکت صرفاً اشتغال به کار مزدی ضرورت ندارد، بلکه اشتغال به هر فعالیت مفید اجتماعی (هر چند دستمزدی نداشته باشد) شرط مشارکت را تأمین می‌کند. برای مثال نگهداری از کودکان و سالمندان در منزل که نوعی کار داخلی است یا فعالیت در خیریه‌ها و گروه‌های داوطلب و کمک‌رسانی به محرومین که نوعی کار داوطلبانه است نیز به عنوان مشارکت تلقی می‌شود و لذا افراد مشغول به این فعالیت‌ها مشمول مزایای درآمد مشارکت می‌شوند. درآمد پایه یک پرداخت کاملاً نامشروط است و در انتهای طیف قرار دارد. در سوی دیگر این طیف پرداخت‌های مشروط و مبتنی بر آزمون استطاعت قرار دارند. درآمد مشارکت بین دو سر این طیف قرار دارد (ویسپلاره و استرتون، ۲۰۰۷).

تشویق به کار در طرح درآمد مشارکت بیشتر از طرح درآمد پایه همگانی است، زیرا افراد بیکار در این طرح از دریافت مزایا محروم می‌شوند. رالز معتقد است که دولت وظیفه ندارد غذای کسانی که کل ساعات روز را به موج‌سواری و تفریح می‌گذرانند فراهم کند (رالز، ۱۹۹۳: ۱۸۲). فان پاریس از طرفداران درآمد پایه همگانی با این دیدگاه رالز مخالف است (فان پاریس، ۱۹۹۵).

۳-۲. سازوکارهای پرداخت یارانه متصل به نظام مالیاتی

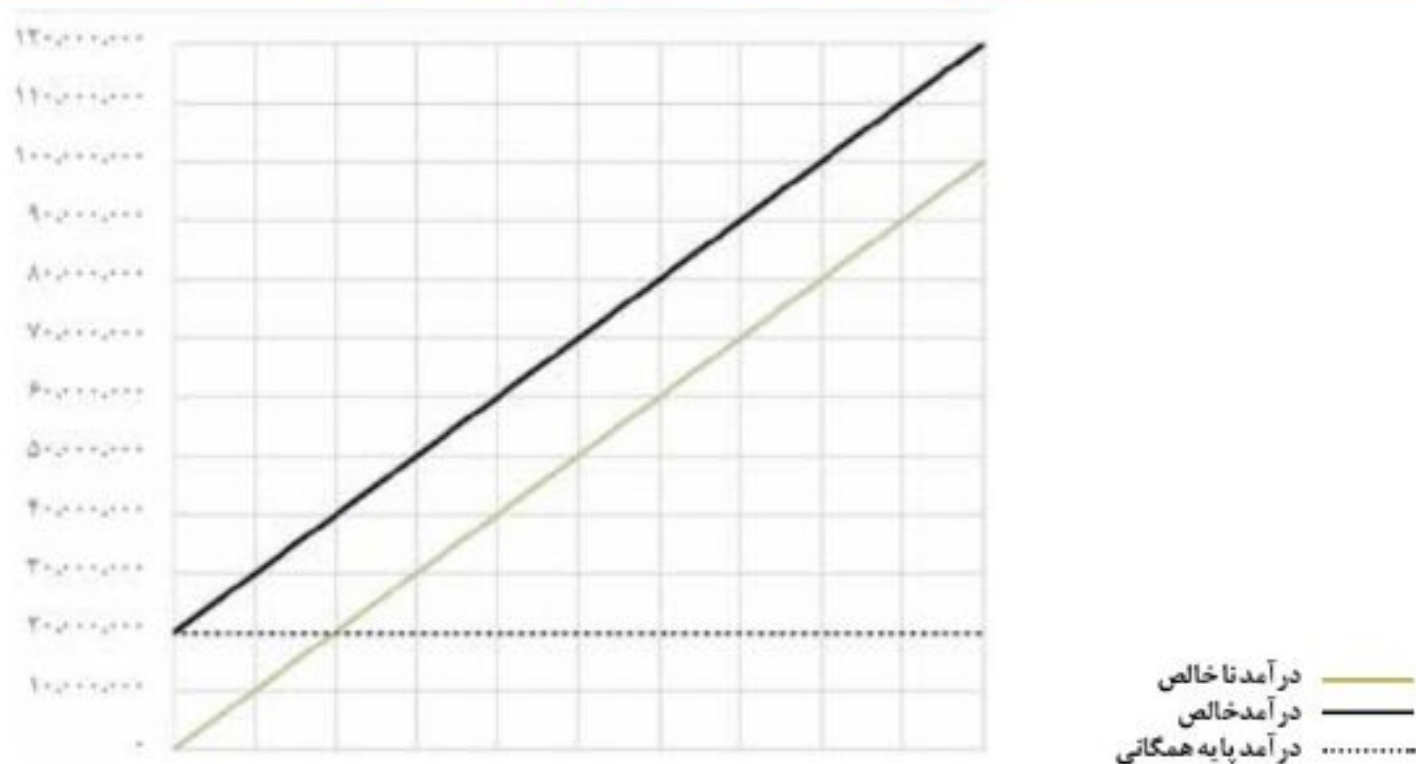
۳-۲-۱. درآمد پایه همگانی همراه با مالیات هموار

در این پیشنهاد درآمد پایه همگانی به صورت اعتبار مالیاتی و پس از اخذ مالیات بر درآمد هموار اعطا می‌شود. به طوری که مالیات بر مجموع درآمد با نرخ واحد، جایگزین نظام پیچیده مالیاتی کنونی و درآمد پایه همگانی جایگزین نظام حمایتی فعلی می‌شود. طبق این الگوی پیشنهادی، درآمد پایه به صورت نقدی پرداخت نمی‌شود، بلکه به صورت اعتبار مالیاتی برگشت پذیر (قابل استرداد) به همگان تعلق می‌گیرد یعنی مقدار درآمد پایه از بدهی مالیاتی افراد کاسته می‌شود. معافیت پایه (هزینه‌های قابل قبول) و اعتبارات مالیاتی برگشت‌ناپذیر در مالیات بر درآمد، بر رفاه کارگران و افراد کم‌درآمد تأثیر چندانی ندارد، زیرا این مبلغ به آنها باز پرداخت نمی‌شود، اما در این طرح، باز پرداخت نیز وجود دارد، لذا دهک‌های درآمدی پایین‌تر نفع بیشتری می‌برند. مالیات هموار به این معناست که نرخ مالیات برای سطوح درآمدی مختلف، ثابت است. به عبارت دیگر نرخ‌های مالیاتی، تصاعدی و تنازلی نیست، بلکه تناسبی است (اتکینسون، ۱۹۹۵). در جدول ۱۱ و نمودار ۲ نحوه تأثیر «مالیات هموار همراه با درآمد پایه» بر درآمد افراد مشاهده می‌شود.

جدول ۱۱. درآمد خالص با اعمال مالیات هموار و درآمد پایه همگانی

| درآمد ناخالص | نرخ مالیات هموار | بدهی مالیاتی اولیه | درآمد پس از کسر مالیات | درآمد پایه همگانی | درآمد خالص |
|---------------|------------------|--------------------|------------------------|-------------------|-------------|
| ۰ | ۲۰٪ | ۰ | ۰ | ۲۰.۰۰۰.۰۰۰ | ۲۰.۰۰۰.۰۰۰ |
| ۲۰.۰۰۰.۰۰۰ | ۲۰٪ | ۴.۰۰۰.۰۰۰ | ۱.۶۰۰.۰۰۰ | ۲۰.۰۰۰.۰۰۰ | ۲۱.۶۰۰.۰۰۰ |
| ۵۰.۰۰۰.۰۰۰ | ۲۰٪ | ۱۰.۰۰۰.۰۰۰ | ۴.۰۰۰.۰۰۰ | ۲۰.۰۰۰.۰۰۰ | ۲۴.۰۰۰.۰۰۰ |
| ۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰ | ۲۰٪ | ۲۰.۰۰۰.۰۰۰ | ۸.۰۰۰.۰۰۰ | ۲۰.۰۰۰.۰۰۰ | ۲۸.۰۰۰.۰۰۰ |
| ۲۰۰.۰۰۰.۰۰۰ | ۲۰٪ | ۴۰.۰۰۰.۰۰۰ | ۱۶.۰۰۰.۰۰۰ | ۲۰.۰۰۰.۰۰۰ | ۳۶.۰۰۰.۰۰۰ |
| ۵۰۰.۰۰۰.۰۰۰ | ۲۰٪ | ۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰ | ۴۰.۰۰۰.۰۰۰ | ۲۰.۰۰۰.۰۰۰ | ۶۰.۰۰۰.۰۰۰ |
| ۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ | ۲۰٪ | ۲۰۰.۰۰۰.۰۰۰ | ۸۰.۰۰۰.۰۰۰ | ۲۰.۰۰۰.۰۰۰ | ۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰ |
| ۵.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ | ۲۰٪ | ۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ | ۴۰۰.۰۰۰.۰۰۰ | ۲۰.۰۰۰.۰۰۰ | ۴۲۰.۰۰۰.۰۰۰ |

نمودار ۲. درآمد خالص با اعمال مالیات هموار و درآمد پایه همگانی



۳-۱-۲. سود سهام اجتماعی

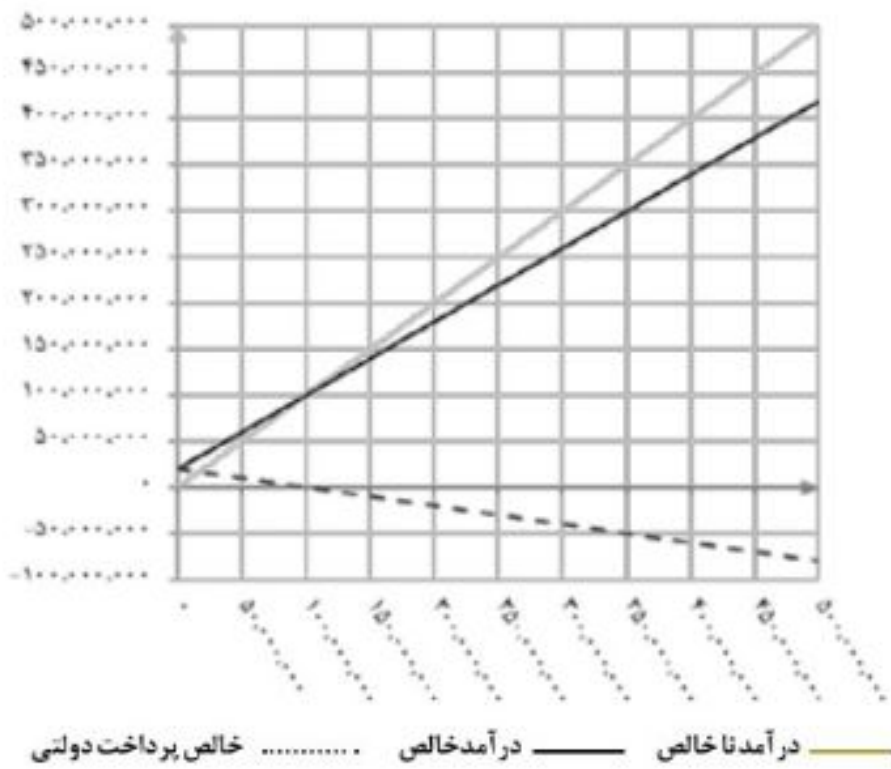
سود سهام اجتماعی، عایدی نقدی سرمایه‌های عمومی و ثروت‌های طبیعی است که با نظارت و مدیریت دولت بین همه شهروندان توزیع می‌شود. این طرح پیشنهادی را برای اولین بار اسکالر لانگه^۵ (۱۹۳۶) اقتصاددان سوسیالیست لهستانی در فضای مکتب اقتصادی سوسیالیسم بازار^۶ مطرح کرد. او به تبعیت از تفکر سوسیالیستی، دولت را مالک تمامی ابزارهای تولید می‌دانست، اما طبق تفکر بازاری مدیران این بنگاه‌ها را افرادی منفعت طلب تلقی می‌کرد که در پی حداکثر کردن سود خود هستند. در صورتی که منافع مدیران به منافع بنگاه‌ها گره زده شود آنها حداکثر سود خود را از طریق حداکثر کردن سود بنگاه‌ها می‌جویند. سود بنگاه‌های دولتی تماماً به مدیران آنها تعلق نمی‌گیرد، بلکه قسمت عمده آن در صندوقی تجمیع می‌شود. بخشی از سود به صورت نقدی و علی‌السویه بین همه مردم توزیع می‌شود که به آن سود سهام اجتماعی گفته می‌شود و بخشی برای نسل‌های بعد باقی می‌ماند (یانکر، ۱۹۷۷).^۷

امروزه صندوق‌های زیادی در سطح دنیا عایدی حاصل از فروش سرمایه‌های عمومی را برای نسل‌های بعد نگهداری می‌کنند. برخی از امروزه صندوق‌های زیادی در سطح دنیا عایدی حاصل از فروش سرمایه‌های عمومی را برای نسل‌های بعد نگهداری می‌کنند. برخی از این صندوق‌ها بخشی از سود سالیانه خود را به مردم یا تولیدکنندگان اختصاص می‌دهند. ارزش صندوق نفت کویت امروزه به سه برابر تولید ناخالص داخلی این کشور رسیده است. می‌توان سود سهام صندوق را به صورت ماهیانه، سالیانه و یا یکبار در طول عمر هر فرد پرداخت کرد. طول عمر افراد متفاوت است و افرادی که کمتر عمر می‌کنند کمتر از یارانه دولت استفاده می‌کنند، لذا برای رعایت عدالت افقی با در نظر گرفتن کل طول عمر افراد پیشنهاد شده است که کل یارانه به صورت یکجا (یکبار در طول عمر) به مردم پرداخت شود. در صورتی که سود سهام به صورت ماهیانه یا سالیانه پرداخت شود، این طرح به درآمد پایه همگانی شباهت پیدا می‌کند، اما در صورتی که سود سهام به صورت یکجا و یکبار در طول عمر هر فرد به او پرداخت شود به این سازوکار کمک‌هزینه همگانی یا حداقل ارث گفته می‌شود.

۳-۱-۳. درآمد مشارکت

درآمد مشارکت شباهت زیادی به درآمد پایه همگانی دارد با این تفاوت که درآمد پایه به همه شهروندان پرداخت می‌شود در حالی که درآمد مشارکت فقط به مشارکت‌کنندگان در اقتصاد ملی تعلق می‌گیرد. شرط لازم برای دریافت درآمد مشارکت، «مشارکت» در اقتصاد

نمودار ۳. در آمد ناخالص و خالص در طرح مالیات بر درآمد منفی



(نقطه هدر مثال قبل) به میزان کسری از فاصله درآمد آنها تا خط کفاف، پرداخت نقدی صورت می پذیرد. میزان پرداخت انتقالی با دستمزد رابطه عکس دارد؛ یعنی هر چه دستمزد بیشتر شود میزان پرداخت انتقالی کم می شود تا به صفر برسد. بدیهی است اگر به همان میزان که به دستمزد فرد افزوده می شود از پرداخت انتقالی کاسته شود، درآمد خالص فرد ثابت می ماند و به این وسیله فرد بین کار کردن و بیکاری بی تفاوت می شود، ریزادر هر صورت (چه فرد به کار خود ادامه دهد و چه کار را ترک کند) درآمد خالص یکسانی را کسب می کند، اما در این پیشنهاد با افزایش ساعت کاری فرد به درآمد خالص او افزوده می شود، لذا اثر ضد انگیزشی کمتری بر نیروی کار دارد (فریدمن، ۲۰۰۹، ۱۹۰-۱۹۵).

طبق نمودارهای ۳ و ۴، پرداخت نقدی در این طرح فقط به فقرا صورت می پذیرد و فرد با درآمد صفر، به سطح حداقلی تعیین شده می رسد و فرد شاغل دارای درآمد اندک در سطحی بالاتر از فرد اول که هیچ تلاشی نکرده، قرار می گیرد. افراد دارای درآمد متوسط مشمول مالیات و مزایا نمی شوند، اما افراد دارای درآمدهای بالاتر، مشمول مالیات بر درآمد شده، بنابراین درآمد خالصشان کمتر از درآمد ناخالصشان می شود. در صورتی که نرخ مالیات (τ) ۲۰٪ و آستانه معافیت (مالیات صفر) (c) ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال باشد پرداخت انتقالی به افراد با درآمد صفر، برابر با حاصل ضرب این دو یعنی ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال خواهد بود. ^۲ بر این اساس سطوح درآمد خالص با اعمال مالیات بر درآمد منفی مطابق با جدول ۴ و نمودار ۵ است:

جدول ۲۱. درآمد خالص با اعمال مالیات بر درآمد منفی

| درآمد قبل از مالیات (درآمد ناخالص) (y) | نرخ مالیات (τ) | (1 - τ) | اعتبار پایه (τc) | درآمد بعد از مالیات (درآمد خالص) z = (1 - τ)y + τc | بدهی مالیاتی i = τ(y - c) |
|--|----------------|---------|------------------|--|---------------------------|
| ۰ | ۰.۴ | ۰.۶ | ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ | ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ | -۲۰,۰۰۰,۰۰۰ |
| ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ | ۰.۴ | ۰.۶ | ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ | ۲۶,۰۰۰,۰۰۰ | -۱۶,۰۰۰,۰۰۰ |
| ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ | ۰.۴ | ۰.۶ | ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ | ۳۲,۰۰۰,۰۰۰ | -۱۲,۰۰۰,۰۰۰ |
| ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ | ۰.۴ | ۰.۶ | ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ | ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ | ۰ |
| ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ | ۰.۴ | ۰.۶ | ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ | ۸۰,۰۰۰,۰۰۰ | ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ |

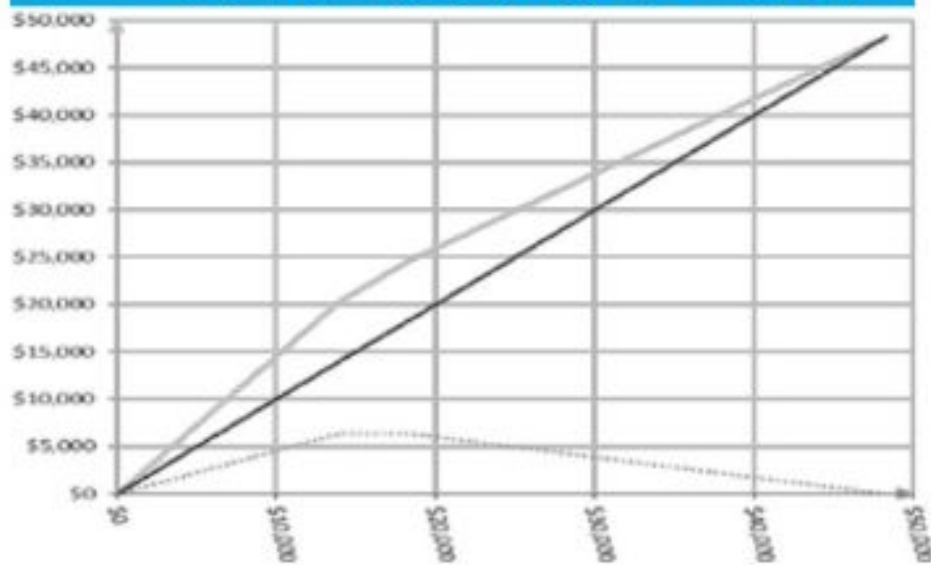
۳-۲-۲. مالیات بر درآمد منفی

مالیات بر درآمد منفی پیشنهادی است که هزینه نسبتاً کمتری برای دولت دارد و پرداخت خود را فقط شامل حال فقرا می کند. برای درک ساز و کار این طرح فرض کنید شما به وضعیتی دچار شده اید که هیچ درآمد و سرمایه ای ندارید (نقطه الف در نمودار ۳)، اما از آنجا که در اقتصاد کشور شما طرح مالیات بر درآمد منفی اجرا می شود، مستحق دریافت مالیات بر درآمد منفی به اندازه رفع نیازهای حداقلی زندگی می شوید تا درآمد خالص شما به خط فقر (نقطه ب) برسد. اگر بتوانید کسب و کار کوچکی راه بیندازید و از طریق آن درآمد ناچیزی کسب کنید (نقطه ج)، درآمد ناخالصتان افزایش می یابد، اما کمک مالی دولت مقداری کاهش می یابد تا درآمد خالص شما به سطحی بالاتر از خط فقر و همچنین بالاتر از درآمد خالص در حالت قبل (نقطه د) قرار گیرد. منطقی است که باید نظام پارانیه طوری طراحی شود که وضعیت فرد در حالتی که تلاشی هرچند اندک دارد بهتر از حالتی که هیچ تلاشی برای بهبود وضعیت خود ندارد باشد تا فرد انگیزه برای کار کردن پیدا کند. پس از مدتی کسب و کار شما رونق می گیرد و شما موفق به تأسیس مغازه کوچکی می شوید. درآمد ناخالص شما مقداری افزایش می یابد (نقطه ه) و به حد قابل قبول می رسد. در این صورت شما دیگر مستحق دریافت مالیات بر درآمد منفی شناخته نمی شوید و در مقابل مالیاتی هم نمی پردازید. با گذشت زمان فروشگاه شما شهرت پیدا می کند و درآمد ناخالص شما باز هم افزایش پیدا می کند (نقطه و) در اینجا شما باید مالیات مثبت بر درآمد پرداخت کنید. درآمد خالص شما (نقطه ز) کمتر از درآمد ناخالص شما (نقطه و) خواهد بود. از این پس هر چقدر درآمد شما افزایش یابد درصدی از آن را باید به عنوان مالیات به دولت پرداخت کنید (فیتز پتریک، ۱۹۹۹: ۸۸-۹۰).

برای اولین بار آگوستین کورتو^۱ (۱۸۰۱ م-۱۸۷۷ م) به مفهوم و لفظ مالیات بر درآمد منفی اشاره کرد، اما ایده او چندان مورد اقبال قرار نگرفت تا زمانی که میلتون فریدمن^۲ در کتاب سرمایه داری و آزادی مجدداً آن را مطرح کرده و در نوشته ها و سخنرانی های مختلف به دفاع از آن برخاست. (فان پاریس و وندریورگ، ۲۰۱۷: ۳۲-۴۰) یکی از دلایلی که باعث شد او این طرح را پیشنهاد کند این بود که برخی طرح های پیشنهادی قبل از او اثر منفی بر انگیزه نیروی کار می گذاشتند و عرضه نیروی کار را کاهش می دادند اما مالیات بر درآمد منفی چنین اثر منفی بر انگیزه نیروی کار نداشت. مزایای بیمه های بیکاری به محض اینکه فرد مشغول به کار شود (حتی اگر کار، پاره وقت و دارای درآمد اندکی باشد)، به صورت کامل قطع می شود؛ بنابراین اثر انگیزشی منفی بر نیروی کار دارد. برخی دیگر از بیمه های بیکاری و طرح های حمایتی نیز ما به تفاوت درآمد فرد تا سطح حداقلی را به او می دهند و به این وسیله فرد را بین دو گزینه بیکاری و اشتغال بی تفاوت می کنند، زیرا حداقل درآمد تضمین شده ثابت بوده و با افزایش تلاش فرد دقیقاً به میزان دستمزد کسب شده از پرداخت انتقالی دولت (بیمه) کاسته می شود و دستمزد خالص در دو حالت یکسان است. با عنایت به آثار ضد انگیزشی این طرح ها، فریدمن پیشنهاد «مالیات بر درآمد منفی»^۳ را مطرح کرد که شامل اخذ مالیات مثبت از پردرآمدها و مالیات منفی (پرداخت پارانیه نقدی) به کم درآمدهاست.

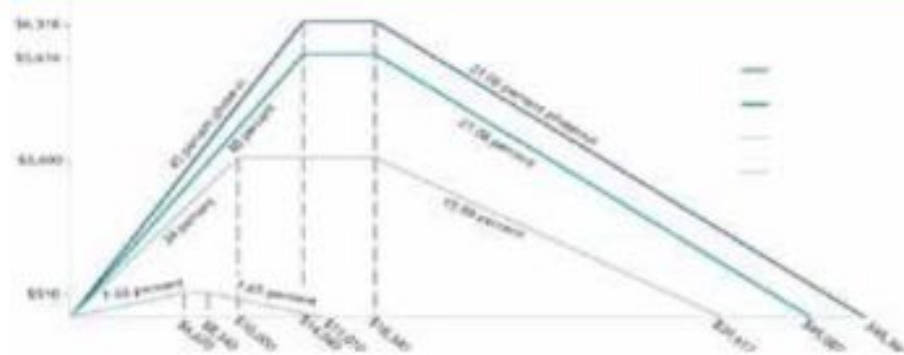
در نظام های مالیات بر درآمد متداول هزینه های قابل قبول و معافیت ها به عنوان پارانیه یا مالیات منفی به فقرا پرداخت نمی شود، اما در مالیات بر درآمد منفی به افراد زیر نقطه کفاف درآمدی

نمودار ۵. درآمد خالص خانوار ۵ نفره در طرح اعتبار مالیاتی درآمد اکتسابی

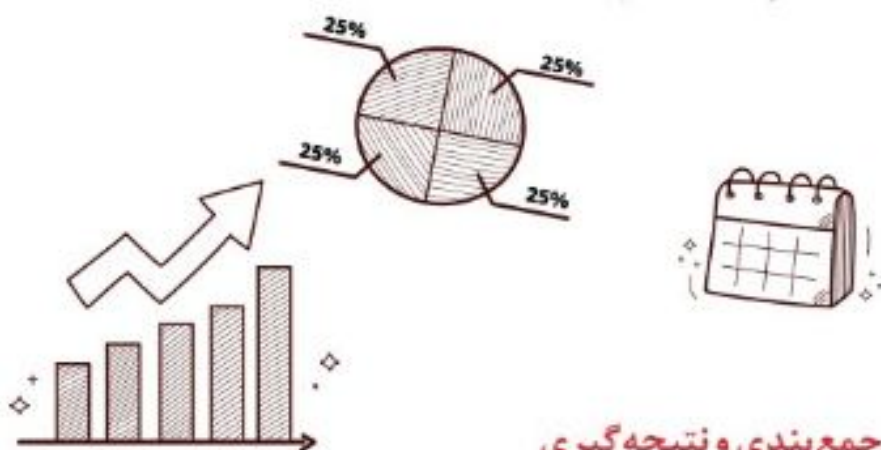


درآمد ناخالص — در آمدخالص اعتبار درآمد مالیاتی کار

نمودار ۶. میزان اعتبار مالیاتی درآمد اکتسابی بر اساس تعداد فرزندان و سطح درآمد



مآخذ: گزارش مؤلفه‌های اصلی نظام مالیاتی ایالات متحده، تهیه شده توسط مؤسسه **sgnikoorB, nabru**



جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این گزارش سعی شد تا انواع ساز و کارهای رایج برای اتصال نظام مالیاتی به نظام حمایتی بررسی شود. همچنین مواردی از تجربیات جهانی در این حوزه ذکر شود. یکی از آسیب‌های نظام پرداخت یارانه در ایران، عدم ارتباط آن با نظام مالیاتی است. در حالی که در بسیاری از کشورهای بررسی شده، علاوه بر آنکه منابع نظام حمایتی از طریق مالیات‌ستانی تأمین می‌شود، اظهارنامه‌های مالیاتی نقشی اساسی در تشخیص گروه هدف سیاست‌های حمایتی (خانوارهای کم‌درآمد) ایفا می‌کنند. زیرا اطلاعات مالیاتی اصلی‌ترین منبع برای شناسایی درآمد خانوار است. در کشور ما، عدم ارتباط نظام حمایتی با نظام مالیاتی موجب شده است تا یارانه‌ها نقش بازتوزیعی ناچیزی داشته باشند و تقریباً به شکل برابر بین همه خانوارها توزیع شوند.

پیاده‌سازی نظام مالیات بر مجموع درآمد می‌تواند در شناسایی خانوارهای کم‌درآمد و هدفمندسازی یارانه‌ها، نقش مؤثری داشته باشد. همچنین در بستر مالیات بر مجموع درآمد می‌توان از ابزارهایی که به اتصال مؤثرتر نظام حمایتی به نظام مالیاتی منجر شود مانند اعتبار مالیاتی استفاده کرد. البته تعیین میزان اعتبارهای مالیاتی و نحوه بازپرداخت آنها، نیازمند مطالعات گسترده‌تری است. اما در هر صورت استفاده از اطلاعات نظام مالیاتی و اظهارنامه‌های مالیات بر مجموع درآمد در راستای ارتباط نظام مالیاتی و یارانه‌ای و در مرحله بعد استفاده از شیوه‌های نوین اتصال نظام مالیاتی و حمایتی مانند اعتبار مالیاتی، مالیات بر درآمد منفی، اعتبار مالیاتی درآمد کار و... می‌تواند علاوه بر هدفمند و اثربخش‌تر کردن سیاست‌های حمایتی، سیاستگذار را در رسیدن به سایر اهداف سیاستی کمک کند.

نتیجه نهایی یعنی تغییرات درآمد در طرح پیشنهادی اتکینسون در سال ۱۹۹۵ (درآمد پایه همگانی همراه با مالیات بر درآمد با نرخ هموار و بدون وجود معافیت مالیاتی) معادل مالیات بر درآمد منفی است و تنها تفاوت این دو (پیشنهاد اتکینسون و مالیات بر درآمد منفی) در نحوه بیان و تفسیر آن است (فان پاریس و وندربورگ، ۲۰۱۷: ۳۲). با مقایسه **نمودارهای ۳ و ۴** به راحتی می‌توان متوجه شد اثر این دو طرح بر درآمد خالص افراد یکسان است و تنها نحوه توصیف و تفسیر آن تفاوت دارد؛ علاوه بر این استفاده از ریاضیات و توجه به فرمول‌های محاسبه نیز مؤید برابری این دو طرح است.

۳-۲-۳. اعتبار مالیاتی درآمد کار

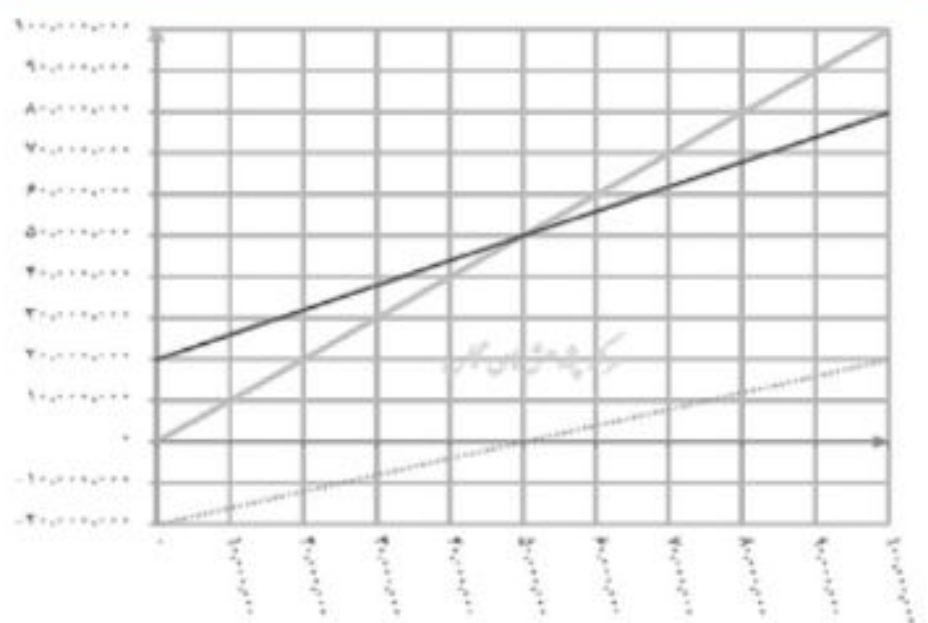
این اعتبار مالیاتی برای ارتقای درآمد مزدگیران طراحی شده است. افرادی که درآمد ناشی از کار داشته باشند در صورتی که درآمد آنها از آستانه مشخصی کمتر باشد با توجه به تعداد فرزندان تحت تکفل از اعتبار مالیاتی برگشت‌پذیر برخوردار می‌شوند. این نوع اعتبار مالیاتی افراد را هم به فرزنددار شدن و هم به کسب درآمد کار یا به عبارتی عرضه نیروی کار تشویق می‌کند، زیرا افراد بیکار نمی‌توانند از این اعتبار مالیاتی استفاده کنند و افراد بدون فرزند هم مقدار بسیار ناچیزی دریافت می‌کنند. در بخش تجربیات سایر کشورها به تفصیل به اعتبار مالیاتی درآمد کار آمریکا پرداخته خواهد شد.

۳-۲-۴. سایر اعتبارات مالیاتی محدود

سیاستگذار می‌تواند برای حمایت از گروه‌های هدف مورد نظر خود اعتبارات مالیاتی خاصی برای آنها قرار دهد. در نظر گرفتن یک هزینه به عنوان اعتبار مالیاتی به این معناست که دولت متکفل آن هزینه می‌شود؛ مثلاً اگر مخارج آموزشی به عنوان اعتبار مالیاتی در نظر گرفته شود به این معناست که فرد هر هزینه‌ای در زمینه آموزش انجام دهد در انتهای سال دولت به میزان اعتبار مالیاتی در نظر گرفته شده برای آموزش از بدهی مالیاتی او کسر می‌کند؛ به تعبیری دولت هزینه آموزش وی را پرداخته است. اعتبارات خاص بر خلاف اعتبار پایه شامل همه شهروندان نمی‌شود و صرفاً افرادی که مخارج خاصی داشته باشند یا حائز شرایط ویژه مورد نظر قانونگذار باشند می‌توانند از این اعتبارات مالیاتی استفاده کنند.

اعتبار مالیاتی برای همسر و فرزندان یکی از انواع اعتبارات مالیاتی است که به خانوارهای دارای فرزند تعلق می‌گیرد. البته اکثر کشورهای دارای این نوع اعتبار مالیاتی، آن را به صورت غیر برگشت‌پذیر در نظر گرفته‌اند که صرفاً بدهی مالیاتی را کاهش می‌دهد و بازپرداختی در آن صورت نمی‌گیرد. از دیگر اعتبارات مالیاتی رایج، اعتبار مالیاتی درمان است. اساساً برای تشویق به یک رفتار خاص و یا کاهش بار هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر مثل هزینه‌های درمانی می‌توان از اعتبار مالیاتی استفاده کرد. تعدد این اعتبارات نظام مالیاتی را پیچیده می‌کند و برای دولت و مؤدیان هزینه‌آفرین است، لذا ضروری است سیاستگذار از افراط در وضع اعتبارهای مالیاتی پرهیز کند.

نمودار ۴. درآمد خالص با اعمال مالیات بر درآمد منفی



درآمد ناخالص — در آمدخالص خالص پرداخت دولتی

نگاهی به تجربه ارتباط مالیات با درآمد و یارانه در برخی کشورها

آمریکا:

اعتبار مالیاتی در آمد کار (EITC)

این طرح در سال ۱۹۷۵ در آمریکا تصویب شد و به موجب آن مالیات دهندگان کم درآمد که درآمد ناشی از کار داشته باشند، با توجه به تعداد افراد تحت تکفل و میزان درآمد ناشی از کار، از اعتبار مالیاتی برگشت پذیر (قابل استرداد) برخوردار می شوند. یعنی مالیات کمتری می پردازند یا حتی ممکن است یارانه دریافت کنند. زوجهای بدون فرزندی که کمتر از ۲۱,۰۰۰ دلار و خانواده های دارای فرزندی که کمتر از ۴۱,۰۰۰ تا ۵۶,۰۰۰ دلار درآمد ناشی از کار داشته باشند، واجد شرایط لازم برای بهره مندی از مزایای این طرح می شوند. تعداد فرزندان میزان اعتبار مالیاتی را افزایش می دهد. خانوارهای بدون درآمد هیچ مزایایی دریافت نمی کنند. با افزایش درآمد ناشی از کار، خانوار مستحق دریافت مزایا می شود و پس از گذشتن از حد مشخصی اگر درآمد همچنان افزایش پیدا کند از میزان مزایا کاسته می شود؛ بنابراین این طرح یک طرح مشوق کار محسوب می شود. اگر خانوارهای با درآمد صفر مستحق دریافت مزایا شمرده می شدند امکان داشت افراد توانمند عرضه نیروی کار خود را کاهش داده و با تکیه بر پرداخت نقدی دولت امرار معاش کنند اما با وجود شرط دریافت دستمزد برای بهره مندی از اعتبار مالیاتی برگشت پذیر، چنین افرادی مجبور به تلاش برای کسب درآمد می شوند. در نمودار ۵ درآمد خالص یا وضع اعتبار مالیاتی درآمد کار به طور فرضی و در نمودار ۶ مبلغ پرداختی به ازای تعداد فرزندان و سطح درآمد به طور دقیق نشان داده شده است.

انگلستان: اعتبار همگانی

پرداخت های انتقالی دولت به نیازمندان در انگلستان شامل ۶ طرح اصلی است: مزایای جویندگان کار، برنامه حمایت درآمدی، مزایای حمایت و اشتغال، مزایای مسکن، اعتبار مالیاتی فرزندان و اعتبار مالیاتی کار. بعضی از این طرحها دارای قوانین بسیار مفصل و فرایند اجرایی پیچیده های هستند که برای مردم و دولت هزینه و پیچیدگی ایجاد می کند (اسپیکر، ۲۰۱۲). برای اطمینان از برخورداری کودکان از تغذیه، بهداشت و آموزش مناسب و همچنین تشویق فرزندآوری، به ازای کودکان زیر ۱۶ سال کمک هزینه ماهیانه به والدین آنها پرداخت می شود. مشابه این کمک در کشورهای کانادا، ژاپن، فنلاند و استرالیا نیز پرداخت می شود. در غالب کشورها مبلغ کمک هزینه پرداختی با افزایش درآمد، کاهش و با افزایش تعداد فرزند، افزایش می یابد. در انگلستان به ازای فرزند اول تا ۱۶ سالگی ماهیانه ۸۲ پوند و به ازای فرزند دوم به بعد تا ۱۶ سالگی ماهیانه ۵۴/۲ پوند پرداخت می شود. در صورت ادامه تحصیل فرزند، پرداخت این مزایا تا ۱۸ سالگی تمدید می شود. در سوئد ساختار نرخها صعودی است به این معنا که فرزند دوم بیشتر از فرزند اول، مبلغ مزایا را افزایش می دهد. اما در انگلستان برای فرزند اول مزایای بیشتری در نظر گرفته شده است و برای فرزند دوم به بعد کمتر از فرزند اول مزایا را افزایش می دهند. تا سال ۲۰۱۰ افزایش درآمد ناشی از دریافت این مزایا، خانوارهای انگلیسی را در بازه های بالاتر نرخ مالیات بر درآمد قرار می داد تا آنکه دولت اعلام کرد از این پس، این مبلغ را جزو معافیت های مالیاتی محاسبه می کند. انتقادهای زیاد علیه مزایای کودکان و سایر مزایای مبتنی بر آزمون استطاعت در انگلستان دولت را وادار به ایجاد یک تحول اساسی در این نظام در سال ۲۰۱۲ کرد. هدف اصلی این اصلاح ساده سازی و شخصی سازی مزایا عنوان شد (اسپیکر، ۲۰۱۲). به طور کلی مزایای هدفمند و مبتنی بر آزمون استطاعت درآمد در انگلستان در دستیابی به نرخ پوشش ۱۰۰ درصد شکست خوردند. گروه قابل توجهی از افراد حائز شرایط دریافت مزایای کودکان نتوانستند آن را مطالبه کنند. در سالهای ۲۰۱۱-۲۰۱۰ تخمین نرخ دریافت اعتبار مالیاتی کودکان در انگلستان ۸۳ درصد بود؛ این بدان معناست که ۱۷ میلیون خانواده واجد شرایط از این برنامه منتفع نمی شوند. عدم مطالبه مزایا با وجود افزایش تلاش برای آگاه کردن مردم از مزایا هنوز ادامه دارد. عدم مطالبه ممکن است به دلیل اطلاعات ناکافی و یا سوء تفاهم باشد. ممکن است افراد به خاطر اینکه قبلاً بار رد شده اند، بر این باور باشند که فاقد شرایط لازم هستند، در حالی که شرایط استحقاق یا وضعیت مستحق ها به گونه ای تغییر کرده باشد که آنها را مستحق دریافت کند. پیچیدگی ذاتی آزمون استطاعت موانعی برای مطالبه ایجاد می کند. فرایند پر کردن فرم ها به خصوص برای افراد کم سواد (از جمله سواد رایانه) با مشکلاتی همراه است. فرم مورد نیاز برای دریافت اعتبار مالیاتی کودکان انگلستان در سال ۲۰۱۳ ده صفحه طولانی بود که ۱۸ صفحه یادداشت نحوه پر کردن آن را توضیح می داد. دلیل دیگری که عدم دریافت را در پی دارد حس حقارت همراه با دریافت مزایای مبتنی بر آزمون استطاعت است. برنامه رفاهی سابق مطرح کرد و این حق انتخاب را به شهروندان داد که یکی از این دو (اعتبار جامع یا ۶ طرح قبلی) را انتخاب کنند. در صورتی که فرد یکی از ۶ برنامه رفاهی قدیمی را انتخاب کند نمی تواند اعتبار جامع را دریافت کند و در صورتی که اعتبار جامع را انتخاب کند باید از دریافت مزایای ۶ طرح مذکور صرف نظر کند. اعتبار جامع به شاغلین کم درآمد و افراد جویای کار تعلق می گیرد بنابراین انتظار می رود اثر ضد انگیزشی بر نیروی کار نداشته باشد. میزان این اعتبار مالیاتی بر اساس تعداد اعضای خانواده و نوع مسکن و وضعیت سلامت و معلولیت تعیین می شود. سازوکار اعتبار جامع ساده تر از اعتبار مالیاتی کودکان و سایر طرحهای قبلی است و هزینه های اجرایی کمتری دارد. این طرح نسبت به ۶ طرح قبلی از حساسیت بالاتری برخوردار است به این معنا که به سرعت به کاهش درآمد خانوار واکنش نشان داده و مزایا را به خانوار فقیر پرداخت می کند و برعکس خانوار مشمول مزایا که به تازگی متمکن شده را به سرعت خارج می کند (اسپیکر، ۲۰۱۲) و (لاکانی، ۲۰۱۲)

ترکیه: کمک های اجتماعی یا پرداخت های هدفمند غیر مشارکتی

برنامه های تور ایمنی ترکیه شامل یارانه ها یا پرداخت های نقدی هدفمند غیر مشارکتی می شوند که در سالهای اخیر نقش قابل توجهی در کاهش فقر و نابرابری این کشور داشته اند. کل مخارج این طرح حدود ۱ درصد تولید ناخالص ملی برآورد شده است. ترکیه در سال ۲۰۱۱ نظام تأمین اجتماعی خود را متحول ساخت. تا پیش از آن نهادهای متعدده عهده دار وظیفه تأمین اجتماعی بودند و این چندپارگی، بیکاران، یتیمان، از کارافتادگان، زنان و سایر گروههای آسیب پذیر را به سمت اتکاب سایر قالب های حمایت غیر رسمی سوق داده بود. تکثیر تعداد عامان و نهادهای درگیر، تعداد محیط های تصمیم گیری در سطح خرد را افزایش داده و مشکلات هماهنگی، تنظیم و بازرسی ایجاد کرده بود. برای حل این مسائل و بهبود سازوکار هدفمندی و کاهش نشتی های نظام حمایتی (خطای عدم شمول)، دولت در سال ۲۰۱۱ چارچوب نهادی را تقویت و تور ایمنی جامع ایجاد کرد. مسئولیت کلیه حمایت ها در وزارت جدید التأسيس خانواده، کار و خدمات اجتماعی تجمع شد. سازوکارهای هدفمندی و سامانه های اطلاعاتی بهبود یافت و تفاوت های منطقه ای نیز در نظر گرفته شد. پایگاههای اطلاعاتی ۱۴ وزارتخانه در سامانه اطلاعاتی جدید جمع شد. اطلاعات شغلی و درآمدی از سازمان تأمین اجتماعی و مالکیت و اجاره زمین از وزارت کشاورزی و وزارت خانواده، کار و خدمات اجتماعی عهده دار حمایت های غیر بیمه ای شد که پرداخت مشروط بر اساس آزمون استطاعت را شامل می شود. به دلیل غیر بیمه ای بودن، این پرداخت ها غیر مشارکتی نامیده شده است. حمایت های نقدی مشروط به دانش آموزان کم بضاعت، زنان باردار و سرپرست خانواده تعلق می گیرد. کمکهای غذایی، سوخت رایگان، کمک هزینه تعمیر خانه و طرح مسکن اجتماعی برای خانوارهای کم درآمد در نظر گرفته شده است. گسترده ترین برنامه که حدود ۹/۵ میلیون نفر را تحت پوشش قرار داده است بیمه سلامت همگانی است که خانوارهای کم درآمد و فاقد تأمین اجتماعی را در بر می گیرد. معیار کم درآمد و فقیر در تمامی طرحهای فوق، درآمد سرانه اعضای خانواده است؛ اگر درآمد کل خانواده تقسیم بر تعداد اعضای خانواده کمتر از یک سوم حداقل دس تمزد (۲۶۷ لیر) باشد چنین خانوارهای کم درآمد شمرده می شود و کل حق بیمه سلامت همگانی اعضای آن را دولت می پردازد. بخشی از حق بیمه سلامت خانوارهای با درآمد متوسط نیز توسط دولت پرداخت می شود، اما خانوارهایی که درآمد سرانه آنها بیش از دو برابر حداقل دستمزد (۱۷۷۳ لیر) باشند کل حق بیمه خود را می پردازند و دولت کمکی به آنها نمی کند (کمیته دائمی همکاری های اقتصادی و بازرگانی سازمان کنفرانس اسلامی، ۲۰۱۳).

ایالت

آلاسکای آمریکا: صندوق
دائمی آلاسکا - درآمد پایه همگانی

پس از کشف یک میدان نفتی عظیم در خلیج پرودهو در ایالت آلاسکای آمریکا در سال ۱۹۷۶ برای انتقال بخشی از درآمد این میدان به نسل‌های آینده، متممی بر قانون اساسی این ایالت به تصویب رسید که به موجب آن مقرر شد صندوقی دائمی تشکیل و حداقل ۲۵ درصد درآمدهای نفتی به این صندوق واریز شود تا نسل‌های آینده که درآمد نفتی در اختیار ندارند از درآمد فروش نفت این میدان بهره‌مند شوند. سود سهام اجتماعی صندوق دائمی به بازدهی پنج‌ساله صندوق بستگی دارد و به همه شهروندان مقیم این ایالت پرداخت می‌شود. در ده سال اخیر بین ۸۷۸ تا ۲۰۷۲ دلار در سال به هر فرد پرداخت شده است. این پرداختی به صورت درآمد پایه همگانی بوده است یعنی شامل همه شهروندان شده است (گلداسمیت، ۲۰۱۰).



تجزیه و تحلیل داده‌های بزرگ و ارتباط آن با حسابرسی مالیاتی

| داریوش آقازاده^۱ | سید مهران عربی زنجانی^۲ | زهرا صفدری^۳

داده‌های بزرگ و نقش تأثیر پذیری آن در حسابرسی مالیاتی

در تلاش برای تعریف داده‌های بزرگ و ابزارهای تجزیه و تحلیل داده‌ها، محققان تعداد قابل توجهی از بررسی‌های کلی، مقالات مفهومی و مطالعاتی را در چند سال گذشته ایجاد کرده‌اند. این فناوری را می‌توان به بهترین وجه به عنوان مجموعه داده‌های ساختار یافته یا بدون ساختار نام برد که معمولاً با چهار (۷) تعریف می‌شوند: حجم، تنوع، سرعت و صحت. داده‌های بزرگ به مجموعه‌های از داده‌ها اطلاق می‌شود که آنقدر بزرگ هستند که ابزارهای معمولی برای بررسی و میزان شدت تأثیر گذاری کافی نیستند. همچنین شامل توسعه سیستم‌های تجزیه و تحلیل و توزیع نماینده برای ردیابی و مشاهده داده‌های ذخیره شده در مقیاس بزرگ است. داده‌های بزرگ باید بزرگتر و سریعتر رشد کنند. فناوری داده‌های بزرگ در طی چندین سال گذشته در طیف وسیعی از بخش‌ها، از صنعت و دولت گرفته تا زمینه‌های علمی و تحقیقاتی، به طور قابل توجهی محبوبیت یافته است. حوزه حسابداری و حسابرسی نیز از این قاعده مستثنی نیست اما جای خالی آن بطور واضح ملموس است، زیرا شرکت‌ها با حجم عظیمی از داده‌های نیمه ساختار یافته و بدون ساختار مواجه هستند که برای خلاقیت، موفقیت و رقابت باید از آنها استفاده و مدیریت کنند. این رو، برای اطمینان از حفظ کیفیت در یک شرکت، ممیزی‌های داخلی و خارجی منظم برای تعیین اثربخشی فرآیند و سیستم مورد نیاز است. تجزیه و تحلیل داده‌های بزرگ می‌تواند به حسابرسی در امور مالیاتی کمک کند. تجزیه و تحلیل ادبیات "داده‌های بزرگ" چند مسیر کلیدی و دلایل بالقوه بودن داده‌های بزرگ در مفهوم حسابرسی را مشخص می‌کند. انتخاب، پردازش و استفاده از داده‌های موجود از منابع بسیار متنوع، به سخت‌ترین وظیفه یک سازمان تبدیل شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های بزرگ یک تکنیک رو به رشد برای پشتیبانی از سازمان‌ها است. داده‌های بزرگ مقادیر زیادی از داده‌ها را از منابع داخلی و خارجی جمع می‌کند. یک سیستم گزارشگری مالی شفاف باید تمام رویدادها یا معاملاتی را که بر ارزش خالص دارایی‌های یک شرکت و در نتیجه دارایی مشترک سهامداران تأثیر می‌گذارد و آن هم در زمان واقعی شناسایی کند. یک منبع تحقیقات استدلال میکند که استفاده از داده‌های بزرگ برای اطمینان از سازگاری حسابرسی‌ها با افزایش قابلیت اطمینان و کارایی حسابرسی صورت‌های مالی و با استفاده از داده‌های بزرگ به عنوان مدرک حسابرسی مفید و سودمند است. حسابرسان علاوه بر داشتن مهارت‌های لازم برای ارزیابی شواهد حسابرسی و انجام وظایف آن هم با اخلاق حرفه‌ای و صداقت، از

پایگاه دانش ما و در نتیجه افزایش شفافیت حسابرسی می‌شود و با هر بار تکرار این تکنیک می‌توانیم پایگاه دانش خود را کاملتر از پیش کنیم. این روش بر روی انباره داده صورت می‌گیرد و هر چه میزان داده‌های موجود در این انباره بیشتر باشد تکنیک داده‌کاوی میتواند عملکرد مطلوبتر داشته باشد (۱). آوازه‌ای داریم بعنوان "تقلب"، تقلب شامل هر گونه فعالیت عمدی برای محرومیت دیگران از اموال یا پول از طریق حيله گری، فریب یا سایر اقدامات ناعادلانه است. هنگام مشاهده رفتار افراد در دامنه فرآیندهای تجاری، می‌توان نتیجه گرفت که داده‌های بزرگ کاملاً مرتبط و متصل به تئوری مثلث تقلب دونالد آر کرسی است که در آن سه مفهوم اساسی: فشار، فرصت و عقلانیت مورد نیاز است. این تئوری مثلث جرم یقه سفید یا مثلث تقلب است که ابتدا توسط کرسی (۱۹۵۳) با مصاحبه با ۱۱۳ نفر که در یک شرکت اختلاس کرده بودند و آنها را متقلبان مورد اعتماد می‌نامند، معرفی شد. عوامل ریسک تقلب موجود در استانداردهای تقلب در شماره ۹۹ بر اساس تئوری تقلب معرفی شده توسط دکتر کرسی در سال ۱۹۵۳ می‌باشد. مثلث تقلب از سه موقعیت تشکیل شده است که عموماً در زمان وقوع تقلب اتفاق می‌افتد و آنها به شرح زیر می‌باشند:

الف: فشار: فشار می‌تواند سبب شود که یک فرد به تقلب در صورتهای مالی دست بزند. بر اساس بیانیه استاندارد حسابرسی شماره ۹۹ چند موقعیت وجود دارد که اغلب در فشار اتفاق می‌افتد که ممکن است منجر به انجام تقلب شود و این عوامل عبارتند از: فشار ثبات و پایداری مالی، فشار انتظارات بیرونی، طمع مالی شخص مرتکب تقلب و اهداف پیش‌بینی شده مالی.

ب: فرصت: حداقل پنج عامل فرصت وجود دارد که باعث می‌شود یک فرد جرم یقه سفیدی را انجام دهد. این عوامل عبارتند از:

- کمبود نظارت که مانع رفتار جرم یقه سفیدی می‌شود و آن را کشف میکند.
 - عدم توانایی برای تصمیم‌گیری کیفیت کار.
 - عدم اجرای وظیفه مرتکبین جرایم یقه سفید.
 - عدم دسترسی به اطلاعات.
 - کمبود بررسی و نظارت.
- بر اساس بیانیه استاندارد حسابرسی شماره ۹۹، فرصت ممکن است در این سه دسته بندی اتفاق بیفتد، یعنی ماهیت صنعت، نظارت غیر مؤثر و ساختار سازمان.
- ج: توجیه: علاوه بر فشار و فرصت، جرم یقه سفیدی نیز ممکن است زمانی اتفاق بیفتد که عقلانیت یا توجیه یک عمل وجود داشته باشد. همچنین همه جرائم کارمند یقه سفیدی شامل عنصر عقلانیت می‌باشد.

در حال حاضر با توجه به رشد فزاینده داده‌ها و ایجاد مبحثی بنام داده‌های بزرگ^۱ و نیاز به استفاده و به هنگام از آنها در زمان و مکان درست با سرعت بالا در حسابرسی مالی توجه محققان را به خود جلب کرده، اما در دست داشتن این داده بزرگ برای خود دارای مشکلاتی از جمله چگونگی ذخیره سازی، همسوسازی با سایر داده‌ها و تطابق ابزارهای پردازش با یکدیگر و در نتیجه میزان استفاده بهینه از آنها می‌باشد. تمرکز این بررسی بر این خواهد بود تا مروری بر ویژگی‌های داده‌های بزرگ داشته و نقش آن را در ارائه شفاف و جامع گزارش‌های حسابرسی مالیاتی و میزان استفاده بهینه از داده‌های بزرگ مورد بررسی قرار دهد و تحقیقات موجود در مورد رویکردهای داده‌های بزرگ را بررسی و به چگونگی استفاده از داده‌های بزرگ در حسابرسی مالیاتی را نشان دهد. برای بدست آوردن اطلاعات از داده‌های بزرگ در جهت ارائه گزارش‌های حسابرسی شفاف و جامع نیاز است تا کاربر درک صحیح از داده‌های بزرگ و رابطه آن با حسابرسی داشته باشد تا گرفتار سردرگمی، اشتباه و یادام اطلاعات زیاد نگردد، لذا برای درک و استفاده درست از داده‌های بزرگ نیاز به شناخت از روشها و دانشهای علوم مختلف می‌باشد. زیر بنای حسابرسی مدرن برنامه ریزی، ارزیابی ریسک، حسابرسی داخلی، رویه‌های اساسی و پردازش اطلاعات و ارتباطات را شامل می‌شود که هر یک برای خود دارای گسترده‌گی یادگیری دانش را می‌طلبد، لذا تغییر مستمر در موقعیت سنتی حسابرسان به این معنی است که حسابرسان اکنون مجبور به گسترش تخصص خود و افزایش مهارت‌های فنی خود هستند، همچنین به دلیل افزایش رقابت و نیازهای اقتصادی در محیط شرکت‌های امروزی، ابزارهای تنظیمی و نظارتی مختلفی از جمله سیستم‌های حسابرسی داخلی را پیاده سازی کرده‌اند. طبق تعریف موسسه حسابرسان داخلی، حسابرسی داخلی یک فعالیت عینی و مستقل است که هدف آن بهبود کیفیت عملیات مؤسسات و ایجاد ارزش برای آنها است در حالیکه اهمیت داشتن اطلاعات در دسترس به خوبی مشخص است، آنچه توسط این اطلاعات بدست می‌آید نیز به همان اندازه با اهمیت خواهد بود و یا در برخی موارد حتی مهمتر از صرف داشتن اطلاعات است. هدف از داده‌کاوی کشف الگوها در پایگاه داده‌های بزرگ می‌باشد. یافتن وابستگی‌ها مستلزم یافتن آن دسته از داده‌هایی است که اغلب با همدیگر اتفاق می‌افتند و در نهایت، روابط منطقی، مشابه با پیش‌بینی‌ها، به دنبال تعیین وقایع آینده هستند که ممکن است اتفاق بیافتند (۷). در تکنیک داده‌کاوی با بررسی و تحلیل اطلاعات سعی در کشف ارتباطات نامشخص و الگوهای مخفی داده‌ها داریم. استخراج این ارتباطات و الگوها باعث تکمیل شدن

تخصص پیشرفته خوداستفاده می کنند بنابراین برای شرکت ها نیز به عنوان یک گزارش قابل اعتماد در نظر گرفته می شوند. شرکت های حسابرسی بین المللی بزرگ، اظهاراتی در مورد توسعه منابع داده های بزرگ برای هدایت و درک و ذخیره داده های که در داخل و خارج سازمان های در دسترس هستند، بیان کرده اند و مبالغ قابل توجهی را در پروژه های نوآوری فناوری (براون) سرمایه گذاری نموده و در این رابطه، استدلال کردند که فناوری داده های بزرگ می تواند نقش بیشتری را ایفا کرده و به حسابرسان اجازه می دهد فعالیت های خود را قابل مشاهده تر و شفاف تر کنند. یک نکته کلیدی این است که مدیریت دانش در یک سازمان برای مدیریت رشد تکنولوژی یکی مهم است و می تواند به عنوان منبع احتمالی مزیت رقابتی پایدار دیده شود. با توجه به موضوع فوق، درک و صلاحیت حسابرسان در مورد کاربرد داده های بزرگ و تجزیه و تحلیل داده ها در تکالیف حسابرسی یک موضوع تحقیقاتی مهم برای گزار شگری است و اینکه آیا حسابرسی مالیاتی در این زمینه می تواند با تکیه بر داده های بزرگ بهبود یابد، آیا کیفیت حسابرسی در امور مالیاتی را می تواند تحت تأثیر قرار دهد و چگونه قابلیت اطمینان و اثربخشی حسابرسی مالیاتی صورت های مالی بهبود می یابد. با تحقیق در مورد مزایا، معایب و خطرات درک شده با استفاده از داده های بزرگ در حسابرسی، این مقاله از لحاظ نظری به کمک تعداد محدودی از تحقیقات موجود در این زمینه و به ویژه با روشن کردن موضوعاتی که سایر محققان دارند کمک خواهد کرد که حسابرسان تأثیرات و خطرات داده های بزرگ را در نظر بگیرند و مشتاقی ایجاد مهارت های حرفه ای لازم برای حفظ ارتباط با جوامع خود به طور کلی و مشتریان و میزان مالیاتی خود به طور خاص باشند. بی شک در تعریف متغیر داده های بزرگ ها، می توان چنین گفت: دلایلی های اطلاعاتی یک سازمان یا نهاد هستند که حجم بالادارند و با سرعت زیاد تولید میشوند و از تنوع زیادی کلان داده ها برخوردارند. این حجم عظیم اطلاعات نیاز به شیوه های نوین پردازش دارند تا بتوان از آنها برای روانسازی فرایندهای سازمان و خدمات دهی به مشتریان و تصمیم گیری سازمانی بهره گرفت. در واقع کلان داده مسیر حرکت کسب و کار و فرایند چرخش کار در سازمانها را مشخص میکنند. در کلان داده با داده های متمایز و بزرگ که دائماً از لحاظ حجم، نرخ تولید داده و تنوع در حال تغییر هستند سروکار داریم (بیبیر ۲۰۱۲) [۳]. کلان داده ها روز به روز ارزش بیشتری برای سازمانها و حتی کشورها پیدامی کنند، و به تبع آن نوآوری هایی در مدیریت و پردازش حجم های عظیم اطلاعات از قبیل جمع آوری، آنالیز، نگهداری، انتقال، جست و جو و به روز رسانی داده ها توسعه می یابند. (سهرابی و ایرج، ۱۳۹۵) [۱۱]

بحث و نتیجه گیری

افزایش روز افزون داده ها از یک طرف چالش های جدید و زیادی را به همراه داشته است اما از طرف دیگر فرصتهای را خلق نموده که در صورت اشرافیت و کشف آنها افق های زیاده را پیش روی حسابرسان و محققان خصوصاً حسابرسان ارزیابان مالیاتی می گشاید و چه بسا می تواند کیفیت و شفافیت گزارش های حسابرسی را به حدی برساند که تصمیمات کلان و استراتژی رادر کوتاه ترین زمان اخذ نمود. هدایت داده های بزرگ به مجموعه ای کاملاً جدید از مهارت ها نیاز دارد که در آموزش فعلی حسابرس گنجانده نشده است. یک حسابرس بالقوه دارای سه شایستگی است که برای او مهم است. اولاً، حسابرسان باید تخصص فناوری اطلاعات خود را افزایش دهند تا بتوانند به طور مؤثر داده های بزرگ را اعمال کنند. تا به امروز، تیم های حسابرسی فاقد تخصص کافی برای استخراج داده ها از ساختار سازمان ها در فرم داده های مناسب هستند. ثانیاً، تغییر ی از تمرکز داده های بزرگ به تشخیص الگو در پایگاه های داده بزرگ صورت گرفته است. در نهایت، به دلیل داده های بزرگ، حسابرسان باید ساعت های کمتری را برای پردازش داده های مشتری صرف کنند. این بدان

معناست که حسابرسان در یک محیط کاملاً

جدید کار خواهند کرد و با چالش های جدید

زیادی روبرو خواهند شد. بر این اساس لازم به

نظر می رسد تا شرکتها و حسابرسان مالیاتی بطور

اخص در جهت شفافیت، صحت، سرعت و اعتبار گزار شگری

مالی و مالیاتی نقش داده های بزرگ را جدی گرفته و در جهت

حفظ، استفاده به هنگام و صحیح از این داده های بزرگ اهتمام

ورزیده و تلاش نمایند از روش های سنتی به روش های مدرن و

استفاده بهینه از داده های بزرگ روی آورند. لذا پیشنهاد می گردد

در جهت پژوهش های آتی در خصوص تأثیر گذاری (RTO) و

(RPO) بر داده های بزرگ تحقیق و میزان تأثیر استفاده از آنها

در گزار ش های حسابرسی مالیاتی مطالعاتی انجام گردد.

منابع

- ۱- شرافت، حمیدرضا. (۱۳۹۷) پیش بینی و تشخیص تقلب در صورتهای مالی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.
- ۲- گواراد مریم. (۱۳۹۶) داده های کلان و ابزار تحلیلیگری چگونه حسابرسی را دگرگون میسازند. مجله حسابرس، شماره ۸۹، ص ۱۲۵
- ۳- سهرابی، ب. و ایرج، ح. (۱۳۹۵) علم داده- مفاهیم و مهارت ها. تهران، جهاد دانشگاهی.
- ۴- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵) عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ. جلد اول. ظهور جامعه ی شبکه ای، ترجمه ی احمد علیقلیان، افشین خاکبازی، حسن چاوشیان؛ ویراسته ی علی یار تهران، طرح نو، چاپ پنجم.

- [6] Sanchez, M., Torres, J., Zambrano, P., and Flores, P. (2018). Financial Fraud Detection by Analyzing Human Behavior. 2018 IEEE 8th Annual Computing
- [7]. Chen, J. C. H., & Piani, N. (2017). Research on Business Intelligence with Data Mining Applications. International Journal of Business and Economics Research, 6(2): 19-24
- [8]. Vona, L. W. (2017). Fraud Data Analytics Methodology: The Fraud Scenario Approach to Uncovering Fraud in Core Business Systems. John Wiley & Sons.
- [9]. Prasmaulida, Sh. (2016). Financial Statement Fraud Detection Using Perspective of Fraud Triangle Adopted by SAS NO. 99. Asia Pacific Fraud Journal, Vol 1, No 2, pp 317-335
- [10] Beyer, M., & Laney, D. (2012). The Importance of "Big Data": A Definition, 17. Available online: <https://www.partner.com/en/documents/the-importance-of-big-data-a-definition>. (Accessed on 22 August 2018)
- [11] S. Cheng, Y. Shi, Q. Qin, and R. Bai, "Swarm intelligence in big data analytics," in International Conference on Intelligent Data Engineering and Automated Learning, 2013, pp. 417-426.
- [12] J. Leskovec, A. Rajaraman, and J. D. Ullman, Mining of Massive Datasets: Cambridge University Press, 2014.
- E. Letouz_e. (2011). Big Data for Development: Opportunities & Challenges. May 2011.
- [13] J. Gantz and D. Reinsel. IDC. (December 2012): The Digital Universe in 2020: Big Data, Bigger Digital Shadows, and Biggest Growth in the Far East.

در همایش دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه زوایای مختلف مالیات بر عایدی سرمایه تبیین شد؛

نیازمند نگرشی نو

مالیات بر عایدی سرمایه موضوعی است که این روزها بحث اصلی کارشناسان اقتصادی و مالیاتی در جامعه، دولت، مرکز پژوهشها و مجلس می باشد. دولتی ها اصرار به توصیف و اجرای این طرح دارند و مخالفان نیز ضمن بر شمردن مزایای اجرای این طرح بر نبود زمینه های لازم در ابعاد مختلف برای اجرای صحیح این طرح تاکید می کنند. به گزارش مودی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی و اتاق ایران همایش یک روزه رادر ۴ نشست برگزار و به بررسی این موضوع از زوایای مختلف پرداخته است. در نشست نخست این همایش سیاست ها و قواعد اخذ این مالیات به بحث گذاشته شد و آقایان دکتر مهدی موحدی یک نظر، محمد قائد امینی و محمد نوری و خانم دکتر پریسا مهاجری به بیان دیدگاه های خود پرداختند. دکتر موحدی یک نظر ترس موجود راجع به مالیات بر عایدی سرمایه رادر دویخس منطقی و غیر منطقی تقسیم بندی کردند و افزود: مشهورات ناصوابی است که وجود دارد و همه بر این اتفاق نظر داریم که مالیات بر دلالی، مالیات بهینه و خوبی است. وی دلیل مشهورات ناصواب موجود در این زمینه را فقدان مالیات بر عایدی سرمایه بیان کردند و اظهار داشت: تقاضای سرمایه ای مسکن یکی از این چرخه های سرمایه ای است. چرخه های قهقرایی تقاضای سرمایه مسکن باعث افزایش قیمت بخشی بازار مسکن می شود. این افزایش قیمت، خودش باعث افزایش تقاضای سرمایه ای بازار مسکن می شود و این موضوع به دلیل فقدان مالیات بر عایدی سرمایه است.

وی گفت: نکته بعدی، عامل تورم است که بخشی از ماجرا از این سمت دارد روی تورم اثر می گذارد، ولی عامل اصلی تورم چیست؟ عمدتاً کارشناسان اقتصادی می گویند نقدینگی است. نقدینگی که به وجود می آید. می گوئیم عامل نقدینگی چی است؟ می گویند افزایش پایه پولی. وقتی افزایش پایه پولی رخ می دهد، افزایش پایه پولی به واسطه چه چیزی است؟ کسری بودجه دولت. پس کسری بودجه دولت، استقرار از بانک مرکزی، افزایش پایه پولی، ضریب فزاینده روی آن اعمال می شود، افزایش نقدینگی. دکتر موحدی اظهار داشت: تقاضای سرمایه ای مسکن و تبعات اقسام دارایی، تقاضای تسهیلات از بانک را افزایش می دهد. افزایش تقاضای تسهیلات از بانک، اصطلاحاً خلق پول درون زای بانکی است. یعنی به شکل درون زای انگیزه ایجاد می کند برای ارائه تسهیلات و طبیعتاً این ارائه تسهیلات خودش را در قالب خلق پول درون زای نشان می دهد و این خلق پول درون زای بانکی که ریشه است، در رابطه با تشنگی بازار به نقدینگی است که موجب افزایش نقدینگی می شود و باعث افزایش تورم می شود. این هم می شود و بچل سایکن بعدی. پس سه تا و بچل سایکن اینجا شکل می گیرد برای اینکه ما با ابر تورم روبرو بشویم. وی یکی از راه های مقابله با تورم در وضعیت کنونی اقتصاد کشور حرکت به سمت مالیات بر عایدی سرمایه می داند و اظهار می دارد: سی جی تی موجب قفل شدگی می شود. چرا؟ چون حسابداری ما حسابداری نقدی است و اصطلاحاً نقدی داریم حساب می کنیم، بنابراین این افسراد به جهت کاهش بر خورداری از معافیت ها به تعلیق می اندازند و از

دارایی هایشان استفاده نمی کنند.

نکته بعدی، مالیات بر خانه خالی و مالیات بر اجاره املاک را هم می خواهیم داشته باشیم، حتی خواهیم تلاش کنیم و مالیات سالیانه بر املاک را هم خواهیم مقرر کنیم، عملاً این قفل شدگی دارایی و نرخ پایین مالیات بر عایدی سرمایه را اساساً نخواهیم داشت.

در ادامه اولین نشست همایش مالیات بر عایدی سرمایه خانم دکتر پریسا مهاجری، عضو عیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی به بیان نظراتش پرداخت و گفت: مسئله ای که وجود دارد این است که توصیه نهاد های بین المللی بر این است که شما حتی اگر یک قانونی را خوب طراحی کردید و تمامی آن ملاحظات نظری و اجرایی را در نظر گرفتید، اجرای این مسئله دو تا پیش شرط دارد. یکی این که تورم ها می بایستی تورم های خیلی ملایم و اندک باشد، یعنی زمانی که شما چند سال پیایپی اقتصادتان، یک اقتصاد بی ثبات شده و تورم های ۴۰ - ۵۰ درصدی را تجربه می کنید، عملاً این زمان اساساً زمان مناسبی حتی برای یک قانونی که خیلی مترقی باشد و به درستی اجرا شده باشد نیست.

دوم اینکه زمانی که اقتصاد یک کشور حتی تورم های اندک را تجربه می کند، دولتی می بایستی این اصلاحات را پیگیری باشد که بالاترین محبوبیت سیاسی رادر طول تاریخ آن کشور داشته باشد.

مسئله بعدی و سؤالی که پیش می آید این است که اگر ما قانون را برای یک درصد جامعه می نویسیم و این قانون قرار است یک درصد را پوشش بدهد، اساساً نیازی به قانون نوشتن ما داریم؟ چون قانون را ما برای مردم و برای طیف وسیعی داریم می نویسیم. آیا این یک درصد را نمی توانستیم در قالب مالیات بر درآمد و یا اتفاقی پیگیری کنیم؟

مالیات بر عایدی سرمایه، مالیاتی است که به شدت بر مصوبه کارایی است. این کاری است که برای ایالت کیک کانادا انجام شده و نتایج آن مشابه است برای اقتصاد آمریکا. که توجه شما را به این نکته جلب می کنم که اینها نرخ های تورمی خیلی پایینی دارند. کانادا و آمریکا در طی شصت سال سقف هزینه های شان هشت برابر شده، در حالی که ما در طی شصت سال سطح عمومی قیمت هایمان ۴۵۰۰ برابر شده است. یعنی اساساً یک همچنین مطالعه ای برای آنها قطعاً هزینه کالایی به مراتب برای ایران می تواند بالاتر باشد.

اولین مسئله ای که وجود داشت، دامنه شمول بوده، املاک و مستغلات، موردی بوده که بیشترین فراوانی در آن دیده شده، از آنجایی که ما اصول مهم نظری رادر طراحی آن خیلی رعایت نکردیم، ناگزیر شدیم معافیت هایی بدهیم که این قانون را تقلیل بدهیم به یک درصد جامعه و بعد هم می خواهیم مالیات های بالا را مشمول مالیات کنیم که آثار و تبعات خیلی جدی می تواند برای همان ۹۹ درصد باقی که فکر می کنیم تبعات نخواهد داشت، داشته باشد. عملاً نظم نصفه و نیمه ای که وجود دارد راداریم به هم می ریزیم. زمانی که شما اجازه می دهید هر سال پنجاه درصد ارزش پول ملی از بین برود، ناگزیر می شوید بیا باید سراغ این که با یک مکانیزم هایی کل فعالان و مردم را به در دسر و زحمت

بیندازید که بخواهید روی ارز و طلا مالیات وضع کنید که این در کشورهای مختلف حدود هفت درصد است.

اگر شما بتوانید برابری قدرت خرید را حفظ بکنید و از رکود ملی به دلایل مختلفی که عمدتاً هم اتفاقاً ریشه در ناکارآمدی هایی دارد عملاً موضوعیتی برای بعضی قوانین مالیاتی که الان اینجا دیده شده، وجود ندارد. یعنی ما اصل داستان را را می کنیم و بعد می رویم سراغ یک سری قوانینی که خواهیم تازه با آنها یک سری مشکلاتی که پیش آمده را رفع و رجوع کنیم از آنجایی که در طراحی بر خورد این طرح یک سری ملاحظات به درستی رعایت نشده، معافیت هایمان را خیلی موسع در نظر گرفته ایم، در حالی که کشورها خیلی به این ترتیب نیست و عملاً این هم جلوی سوداگری را بنا به دلایل مختلف نخواهد گرفت. مسئله بعدی که وجود دارد، شما کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را می بینید، یکی از جایگزین ها برای خروج سرمایه برای بحث مسکن هستند. به ویژه امارات، اینها اساساً سی جی تی ندارند. کشورهای دیگر هم روسیه تا پنج سال معافیت املاک دارد. پاکستان پنج سال یا چهار سال معافیت املاک دارد، ترکیه هم همین طور، سهام را یک ساله معاف می کنند اگر در بورس باشد، و در بحث املاک دارد پنج ساله معاف می کند. الان هم اگر گزارش های ترکیه را نگاه کنید، ایرانی ها بیشترین متقاضی خرید بودند در بین خارجی ها در خرید مسکن در ترکیه. بنابراین به راحتی سوئیچ کردن وجود دارد و از طرف بحث خروج سرمایه معکوس هم نیستند. مطالعات نشان می دهد به محض این که شما دوره تنفس را بخواهید که اجرا کنید این قانون را، خروج سرمایه و فرار سرمایه اتفاق افتاده و بعد پدیده قفل شدگی، یعنی کسی که توانسته سریع خلاص کند می رود بیرون و آن که مانده قفل شدگی برایش اتفاق می افتد که با این ساختار تصاعدی و با این نحوه در واقع تعدیل تورمی که خیلی ناقص و پیچیده وجود دارد، آن قفل شدگی که در ایران می تواند به مراتب رخ بدهد. من یک نکته دیگر را هم عرض کنم، مسئله ای که وجود دارد این است ما اگر فکر کنیم مثلاً یک درصد را درگیر کنیم، با توجه به قدرت قیمت گذاری که در بخش مسکن وجود دارد، عملاً ۹۹ درصد دیگر با افزایش قیمت روبرو هستند. نکته آخری که اینجا وجود دارد این است که شما فرض کنید اگر ملکی را خریداری کنید ۴ میلیارد تومان و ۵۰۰ میلیون روی آن هزینه بازسازی انجام بدهید، دو ماه دیگر این ملک را ۴/۷۱ میلیارد بفروشید، ۵۰۰ میلیون بابت هزینه تعمیر و نگهداری، عملاً امکان کسر شدن ندارد، در حالی که این دقیقاً بر خلاف رویه نظری و تجربی است که در دنیا وجود دارد. یعنی عملاً بازار بازسازی مسکن که برای ما خیلی جدی است را می تواند تحت تأثیر قرار بدهد.

مسئله بعدی این که لینک های تأثیری که بخش مسکن دارد با بیش از ۲۰۰ تصنع، عملاً صنایع دیگر را هم توی خودش می کشاند. نباید فکر کنیم این فقط اثرش صرفاً خانوار است و اساساً تولید را تحت تأثیر قرار می دهد اینها فکر های اشتباهی است و کافی است که برگردیم و توی جداول داده ستانی که بانک مرکزی و مرکز آمار می دهند نگاه کنید که پیوندهای تأثیر بخش مسکن با صنایع مختلف

سوداگری خوب!



با سوداگری موافق هستیم، نگوییم که مخالفیم. حالا سوداگری در بورس چه فایده‌ای دارد و سوداگری در مسکن چه فایده‌ای دارد. سوداگری در بورس نفع مستقیم را به اقتصاد نمی‌رساند، البته نفع دارد، اولاً قیمت‌ها را مشخص می‌کند، دوماً ترغیب می‌کند سرمایه‌گذار اصلی در تولید را که سهامش را رد کند و سرمایه‌گذاری جدید بکند. این نفع را به طور غیر مستقیم دارد. ولی در مسکن بسیار مؤثر است.

یکی از تقاضاهای مهم ما در بخش مسکن تقاضای سرمایه‌گذاری است. این تقاضا برای دو منظور است. یکی اینکه کسی که می‌خواهد پولش را حفظ کند و قدرت خرید آن را حفظ کند، سرمایه‌گذاری می‌کند در این قضیه که سودی ببرد از این قضیه. هیچ اشکال شرعی و عرفی هم ندارد و در تمام دنیا هم هست. یکی هم کسی که سرمایه‌گذاری می‌کند که ملک را اجاره بدهد. با این قانون جلوی هر دو اینها گرفته می‌شود. یعنی آن یک درصدی که گفته شد، ما مخاطبمان یک درصد است و اشکالی ندارد، ما یک درصدی را در این سال‌ها تحمل کردیم که این یک درصد پدر همه را در آورد. در حقیقت حمله‌ای که ما به آنها کردیم، بگوییم سپرده‌های بالای یک میلیارد را بیایند همه را معصوم کنیم و بدهیم به مردم مردم خوشحال هم می‌شوند، ولیکن همین مردم اعتراضشان بعداً به کل اقتصاد است که پدرشان در آمده و آن واکنشی که نشان می‌دهند به دلیل این است که نمی‌دانند از کجا خورده‌اند. ولی ما که می‌دانیم به خاطر آن یک درصد سپرده‌های بالای یک میلیارد را وقتی مسأله صادره کنیم و بدهیم به بقیه، در حقیقت کجا داریم ضربه می‌زنیم به اقتصاد. اینجا هم همین است. وقتی شما این تقاضا را بردارید، تقاضا برای کسی که می‌خواهد ملکی را بخرسد برای اجاره دادن. ده تا ملک می‌خواهد بخرد. تا شش سال فکر کند

غلامرضا سلامی: اولاً از دیدن مالیات یک هدف بیشتر ندارد و آن هم تأمین در آمد دولت است و آن اهدافی که ما برایش اختراع کردیم اینها را علم نمی‌گوید. حالا اگر حتی باز توزیع در آمد هم وظیفه خود مالیات نیست و وظیفه بودجه است. وظیفه دولت است که در آمدی را که حاصل می‌کند به نوعی توزیع در آمد کند.

دوم اینکه یک بحث فرعی هست که ما بعضی لغات را اشتباه به کار می‌بریم، بحث سوداگری با بحث دلالتی کاملاً متفاوت است. دلالتی یک چیز دیگری است و سوداگر چیز دیگری است. دلال کسی است که واسطه یک معامله است و بین دونفر یک پولی را می‌گیرد که معامله را جوش بدهد و سوداگر کسی است سرمایه‌گذاری می‌کند و از سرمایه‌گذاری شخصی استفاده می‌کند و بارزترین نوع سوداگری بورس است. من یک رقم راجع به بورس بگویم. در سال ۹۹ که ارزش بورس از ۶۰ - ۷۰ میلیارد دلار به ۳۵۰ میلیارد دلار افزایش پیدا کرد. که رقم ریالی آن یک چیزی در حدود پنج هزار هزار میلیارد تومان افزایش بود. اگر ده درصد این را سود حاصله در نظر بگیریم، الان پانصد هزار میلیارد تومان سود حاصل شده بود و اگر حتی نصف آن را هم بگیریم ۲۵۰ هزار میلیارد تومان. که یک ریال مالیات به آن تعلق نگیرد. امروز هم می‌بینید که اصلاً اثری از آن نیست. چون اصلاً بورس را سوداگری نمی‌دانند. می‌گویند سوداگر برای اقتصاد هیچ فایده‌ای ندارد، در حالی که این همه از بورس حمایت می‌شود، اگر فایده ندارد چرا حمایت می‌کنید، چرا تمام دنیا حمایت می‌کند، اصلاً سوداگر در اقتصاد را باید پذیرفت یا نباید پذیرفت. همه دنیا پذیرفته‌اند و ما هم به شدت پذیرفته‌ایم. ما تمام تلاش هفت هشت ساله اخیر دولت‌ها حمایت از بورس بوده و انواع و اقسام رانت‌هایی که ایجاد کرده‌ایم. پس



طوری عجیب هستند ادبیات دنیا هم همین را می‌گوید که بخش مسکن رفت توی رکود، کل صنایع را دنبال خودش به رکود می‌کشد. اشتغال مردم را دچار مشکل می‌کند و الان رکود تورمی که ما داریم که کمبود تقاضای مؤثر به خاطر قدرت خرید پایین مردم است که این را می‌تواند برای ما تشریح کند.

دکتر مرادی نیز با سخنرانی در این نشست گفت: موضوعی که در خدمت شما هستیم بحث نگرشی نو در نسبت مالیات بر عایدی سرمایه و کاهش نقدینگی و تورم است.

بازده فعالیت‌های نامولد، بر رفتار بازگستران پولی ما اثر می‌گذارد و رفتار آنها را تغییر می‌دهد و این تغییر رفتار منجر به رشد نقدینگی می‌شود و در مرحله بعد منجر به تورم می‌خواهم بگویم که این رابطه می‌تواند بر عکس بشود و در یک مقطعی به عنوان عینیت ایفای نقش کند.

من یک مثال بگویم مثلاً در مورد ماسک به عنوان یک کالایی که کفش عرضه آن کفش عرضه بالاتری دارد. همان طور که ملاحظه می‌کنید ماسک به عنوان کالایی که کفش عرضه آن بالا هست، اگر مثل همان چیزی که اوایل بروز کرونا اتفاق افتاد، یک کالایی یک دفعه ضرورت پیدا کرد، بخش تقاضا افزایش پیدا کرد و قیمت آن افزایش پیدا کرد، ولی در بلندمدت با افزایش تولید و عرضه، منجر شد تا قیمت تعدیل شود به صورت طبیعی و بازاری آن. ولی در کالایی مثل مسکن، ورود پول به آن کالا، منجر به صرفاً افزایش قیمت‌ها می‌شود. می‌خواهیم حالا یک نتیجه بگیریم، نتیجه این است وقتی بازگر حوزه پولی، مثلاً یک بانک، می‌داند که با ورود پول به یک عرضه، می‌تواند منجر به افزایش قیمت بشود و بازده از آن بازار کسب کند، برای متغیر پولی این رفتار را به وجود می‌آورد که با همه هزینه‌ها این کار را انجام بدهد. حالا تلقی رایج که اشاره کردم، روندش این طوری است که دولت دچار کسری بودجه می‌شود.

می‌آید از بانک مرکزی استقراض می‌کند و پایه پولی افزایش پیدا می‌کند و با یک ضریب لغزنده‌ای نقدینگی رشد می‌کند و بعد تورم ایجاد می‌شود. تورم که ایجاد می‌شود منجر به افزایش قیمت همه کالاها از جمله کالاهایی که مشمول هستند می‌شود. قیمت ملک بالا می‌رود و قیمت سکه و ارز بالا می‌رود و دولت از این ارزش اسمی مالیات می‌گیرد. این تلقی رایج می‌گوید نوعی دزدی از مال است.

ممکن است ضرر بکنند، با یک حساب سرانگشتی می‌تواند حساب کند که ضرر هم خواهد کرد. در حقیقت هیچ موقع این کار را نمی‌کند. یعنی اگر قرار باشد ملکی را بخرد و تا شش سال بفرودشد، ضرر می‌کند، حتی با اجاره‌هایی که گرفته، دو دو تا چهار تا بکنید. می‌شود حساب کرد که در این شش سال یک در آمد اجاره دارد، یک در آمد حاصل از افزایش قیمت ملک دارد، پنجاه درصد تورم از این کم می‌شود، حتماً مطمئن باشید در بسیاری از مواقع به صورت این که در دوسه سال ما دوسه بار تجربه کردیم، بعضی مواقع نرخ افزایش ملک، کمتر از نرخ تورم بوده. بنابراین این مسئله که ما بگوییم به اصطلاح ما پدر این یک درصد را در می‌آوریم در حقیقت پدر تولید مسکن را در می‌آوریم. یعنی شما پول را از مسکن خارج می‌کنید، یعنی من سازنده چشمم قسمتی به بازار سوداگر است، اگر فقط به بازار ریالی نگاه کنم نمی‌سازم. چون می‌دانم به تجربه که بازار ریال ممکن است در کوتاه مدت قدرت خرید نداشته باشد. بنابراین این می‌آیم و به خاطر این که کسانی هستند که از من پیش خرید می‌کنند و یا می‌آیند روی ملک من سرمایه‌گذاری می‌کنند، همان طور که خانم مهاجری گفتند در قانون هم دیده نشده، ولی به هر حال او سوداگر است. یا کسی که بعداً این ملک را می‌خرد برای اینکه اجاره بدهد و یا بخرد برای اینکه یک سال نگه دارد و سود بکند. این را از بازار خارج کنیم، اساساً دیگر نمی‌سازند. کما اینکه در یکی دو سال اخیر با توجه به تمام سود و حشمتاکی که مسکن دارد، تقاضای برای پروانه ساختمان بسیار پایین آمده است، به خاطر همین فشارهاست و به خاطر همین دیدگاه‌هایی است که این افرادی که تصمیم می‌گیرند و فقط جلوی بینی‌شان را متأسفانه می‌بینند دارند به اقتصاد ضربه می‌زنند.

مجری: خیلی متشکرم. جناب آقای سلامی. هدف قانون، دامنه شمول قانون و آثار را تأکید داشتند که باید با ملاحظات بیشتری دیده بشود. در خدمت جناب آقای رعنائی هستیم.

رعنائی: من احساس می‌کنم نقدهایی که تا الان شد به بحث عایدی سرمایه، یک مقدار از آنها ناشی از این است که متن قانون دقیق دیده نشده و یا خوانده نشده است. یک سری انتقادات کلی است که بله، مالیات بر عایدی سرمایه مبهمی می‌تواند وارد باشد، ولی خیلی از مواردی که به عنوان ایراد مطرح کردند در این قانون دیده شده است که بالاخره آثار منفی‌ای که برای آن متصور است یک مقدار کمتر بشود.

من مثال بزنم، دوستان می‌گویند این مالیات بر تولید مسکن تأثیر منفی می‌گذارد. این در متن

دیده شده، تولید مسکن از مالیات بر عایدی سرمایه معاف شده است. یعنی ما بحثی که داشتیم در این قانون این بوده که فشاری که مالیات می‌آورد روی تولید نیارود و شاید خیلی از دوستان موافق نباشند، ولی بیشتر تقاضاهایی که غیر مصرفی است، وگرنه تولید مسکن و تقاضای واقعی مسکن در این قانون لطمه‌ای نمی‌بیند.

نکته بعدی که خدمت شما باید عرض کنم، در این طرحی که دیده شده در مجلس، یک نوآوری بوده و آن هم نوآوری که اگر کسی با اهداف تولید یک موضوعی بوده که دغدغه همه دوستان هم بوده که اگر شما با این مالیات بر عایدی سرمایه روی قشر ثروتمند جامعه که کار آفرین هم هستند و دارند

خلق ارزش در کشور می‌کنند، بخواهید یک فشار مضاعف وارد کنید، این سرمایه‌ها از کشور خارج می‌شود. دوستانی هم بوده‌اند که در این زمینه به ما انتقاد جدی داشتند و ما بخش‌های مرتبط را که در متن به آنها نشان دادیم، این دغدغه تقریباً رفع شد. یکی از آن نوآوری‌هایی که در این طرح بوده و این دغدغه را رفع می‌کند، این است که ما کسانی که در بخش مولد اقتصاد دارند فعالیت می‌کنند، که در بخش عایدی سرمایه‌ای که به آنها تعلق می‌گیرد را با سایر پرداختی‌های مالیاتی و شبه مالیاتی‌شان داریم مستهلک می‌کنیم.

مجری: جناب دکتر رعنائی از دید ایشان این پیش‌نویس و مصوبه‌ای که الان تهیه شده، لطمه‌ای





کار کرد در آمدی و بعد می آید به سمت پایین. یعنی اگر کار کرد در آمدی مالیات درست بود، شما می توانید به پایه بعدی رجوع کنید و ما الان اینجا به صورت پیشرفته می خواهیم از مالیات به عنوان یک ابزار تنظیمی، و ابزار مدیریت اقتصادی و ابزار مدیریت بازار به آن بپردازیم. ولی وقتی ما در کشوری که همواره داریم می گوئیم تکست جی پی تی ما پایین است نسبت به کشورهای دیگر، درآمدهای مالیاتی ما پایین است و همین باعث کسری بودجه می شود، این کسری بودجه است که امروز در دو تا از ارائه ها که حالا به خلق نقدینگی درونزا و برونزا هم اشاره شد، اگر من سررشته کلاف را بگیرم و از کسری بودجه، عقبش این است که کار کرد در آمدی مالیات من مناسب نبود. پس این نکته را فراتر از اینکه بخواهم به طرح عایدی سرمایه یا هر طرح دیگری که در این زمینه هست اشاره کنم.

نکته بعدی این است که من اگر بخواهم وارد طرح مالیاتی بشوم، ببینید ما در حد سیاستگذاری مالیاتی، مؤلفه های مختلفی داریم که به دو گروه اصلی تقسیم می شوند، دامنه شمولیت است و میزان و یا بار و نرخی که روی این پایه در نظر می گیریم. ولی مالیات سستانی ما اصول مختلفی داریم. اگر ما از این اصول منحرف بشویم، چالش های مختلفی مطرح می شود. و یا به اصطلاح بهانه جویی های مختلفی در هر طرحی که ما ارائه کنیم مطرح می شود.

اصل جامعیت را ما فراموش می کنیم، اصل عدم تبعیض را ما فراموش می کنیم، وقتی شما یک طرحی ارائه می دهید، بدون اینکه سایر ابعاد این طرح را کنارش ببینید، آن وقت بحث تبعیض مالیاتی مطرح می شود و وقتی بحث تبعیض مالیاتی مطرح می شود، یک سری گروه موافقند و یک سری گروه مخالفند. به خاطر همین این طرح ها جلو نمی رود.



به مدیریت است و اگر به شکل مهم حس مردم و فعالان اقتصادی، نه آن چیزی که بعداً ممکن است مقصود سیاستگذار باشد.

من اجازه گرفتم از سرکار خانم دکتر غلامی و گفتم ابتدا در خدمت جناب آقای عزیزی باشیم.

عزیزی: اولاً علل مخالفت که مطرح می شود، ما مدل های مختلفی را دیدیم. ما با مالیات بر عایدی سرمایه مخالف نیستیم، اما با همه آن چیزی که در همه طرح ها می آید مخالفیم. یا با مالیات بر سهام مخالف نیستیم ولی با گرفتنش مخالفیم. این هم بالاخره یک جور اظهار نظر است که پس شما با چی آن موافقت می کنید؟ با چی موافقت می کنید که تصمیم گیران آن را پیش ببرند، اینجوری شاید بهتر باشد. یا علل مخالفت متنوع داریم که اینها همدیگر را نقض می کند. البته آنقدر این طرح با دلایل مختلف در مقابل ذینفعان مختلف تغییر کرده که تقریباً هفته ای یک بار طرح تغییر می کند و کسانی که می خواهند نقد کنند باید حتماً آخرین نسخه را گیر بیاورند و ببینند چی از آن حذف شده و چه معافیت جدیدی داده شده است، که بالاخره یک سری از مخالفان راضی تر بشوند.

انواع و اقسام معافیت ها را ما داده ایم. نکته هم اینجا است که همان کسانی که معافیت ها را پیگیری می کردند الان به آن معترضند.

مجری: جناب آقای عزیزی دو تا نکته مهم داشتند، یک بحث این بود که علل مخالفت با این طرح متغیر و متفاوت است و بیشتر شبیه بهانه جویی است تا مبنا داشته باشد و نکته دوم هم گفتند که تعدیل تورمی که به عنوان یک نقص گفته می شود، در طرح دیده شده اگر چه مبناهای تجربی چندانی در کشور ندارد.

غلامی: کارکرد اصلی مالیات در آمد است. من نمی گویم فقط باید به بعد درآمدی توجه کنیم، شما در همه کتاب مالیاتی که می بینید، وقتی کارکرد مالیاتی را می گوئیم، اولین چیزی می گویند

به بخش عینی اقتصاد نمی زند و دلایلشان را هم توضیح دادند. و دارند از پیش نویس تهیه شده دفاع می کنند.

تولایی: ما اصلاً با عایدی سرمایه مخالف نیستیم، با آنچه امروز در بخشی از این قانون آمده که ما می گوئیم لطمه به جنس عایدی سرمایه می زند نقدهای جدی داریم و کسی هم به ما جواب درست تا الان نداده است. یعنی ما یک موضوع را داریم می گوئیم و محسنات آن را می گوئیم، ولی باز به این موضوع پرداخته نشده.

اولین موضوع که ما قبلاً هم در وزارت اقتصاد بحث داشتیم، این که اول ببینیم یک تعریفی درست بکنیم که این یعنی چی؟ مالیات بر عایدی سرمایه یعنی چی؟ اگر تعریف داشته باشیم، در قالب آن تعریف همه کارها یمان را می توانیم برویم جلو، چه چیزی در دنیا گین است و چه چیزی گین نیست. وقتی گین شد، می توانیم مالیات هم به آن محاسبه کنیم، اگر گین نبود، بحث دیگری است. پس به عقیده من ما یک جایی در ریشه با هم مشکل داریم که آیا چه چیزی گین است، وقتی گین است و چه چیزی عایدی است. وقتی عایدی شد می توانیم برویم و برای آن قانون درست کنیم. مطلب جدی تر من در ارتباط با این قانون آن است که ما اصلاً آن جایی که اعلام کردیم ما در مورد املاک ارز و طلا و چیزهای که مشمول مالیات است قانون نداریم، یک دروغ بزرگ بود، برای همه اینها ما قانون داریم. اگر اجرا نمی کنیم، بعد هم معلوم نیست که اجرا بشود. یعنی ما مکرر گفتیم این قانون مترقی را که اینها را مشمول می شده ما اصلاً برایش هیچی نمی گیریم. دوستان مالیاتی همه هستند، ما کجا از ارز مالیات نداشتیم، کجا از طلا نداشتیم، کجا از ملک نداشتیم. در خودرو، آمدیم سه نوع، چهار نوع مالیات داریم الان می گیریم، باز هم دنبال این هستیم که بگیریم.

من سعی کردم تیتروار بیان کنم و ممکن است زنجیروار نباشد عذر خواهی می کنم.

مجری: آقای تولایی هم چند تا نکته مهم داشتند، یک بحث این بود که در خود این مصوبه تعریفی دقیقی عایدی سرمایه، بحث تراکم قوانین و مقرراتی که راجع به مواردی که داور می شمول این قرار دارد. بحث این که آیا از سمت چیزی که اختلال سودا و سوداگری است، آیا مشکل از رفتار مردم نشأت می گیرد یا مشکل از رفتار خود تصمیم گیران و سیاستگذاران نشأت می گیرد و این بحث را من دارم عرض می کنم و خواهش می کنم بسیار جدی که احتمال جایگزین شدن پول خارجی به جای پول ملی که می تواند عملاً آثار بسیار بسیار پیچیده ای داشته باشد که لازم



بررسی وضعیت حکمرانی داده و ظرفیت فناوری‌های مالی در مالیات‌ستانی

رویای عدالت مالیاتی

منوط به استفاده بهینه از داده‌هاست و اینکه از سطح درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی و میزان مالیات پرداختی آن‌ها آمار قابل اتکاء در دسترس باشد. وی ادامه داد: بر اساس طرح تحول دولت باید نظام مالیاتی و نظام رفاهی کشور تا حدودی ادغام شود و در واقع از داده‌های مالیاتی افراد برای اینکه تشخیص داده شود شخص مستحق دریافت یارانه است یا مشمول پرداخت مالیات، استفاده می‌شود. بنابراین یکپارچگی نظام مالیاتی و رفاهی لازمه مهم تحقق عدالت افقی در سطح اشخاص حقیقی است. در خصوص عدالت افقی اشخاص حقوقی نیز در حال حاضر یک بخشی از اطلاعات در اختیار سازمان امور مالیاتی است و بخشی از اطلاعات نیز در اختیار بخش اعتبارسنجی وزارت صنعت، معدن و تجارت قرار دارد. بنابراین در این زمینه نیز نیازمند به اشتراک گذاری اطلاعات بین سازمان امور مالیاتی و وزارت صنعت هستیم.

دستیار وزیر امور اقتصادی و دارایی با اشاره به اینکه عادلانه بودن نظام مالیاتی باید از دو بعد افقی و عمودی در دستور کار قرار بگیرد، گفت: برای بهبود عدالت باید تمرکز بر داده‌های کلیدی از جمله تراکنش‌های بانکی و اطلاعات مالکیت و نقل و انتقال معطوف شود.

فاضل مریدی دستیار وزیر امور اقتصادی و دارایی، در نشست حکمرانی داده و ظرفیت فناوری‌های مالی در مالیات‌ستانی گفت: عادلانه بودن نظام مالیاتی باید از دو بعد افقی و عمودی در دستور کار قرار بگیرد. عدالت افقی به منزله برخورد یکسان با افراد حاضر در یک طبقه مالیاتی یا همه شاغلین در یک صنف است. عدالت عمودی نیز زمانی محقق می‌شود که افراد متناسب با سطح درآمدی خود مالیات عادلانه‌ای بپردازند و در واقع از اشخاص با درآمد بالاتر، مالیات بیشتری اخذ شود. علاوه بر این دو نوع از عدالت باید در خصوص اشخاص حقیقی و حقوقی محقق شود. بنابراین عادلانه شدن نظام مالیاتی

امور مالیاتی گام‌های مناسبی برداشته است؛ در حالی که بخش زیادی از اطلاعات مورد نیاز برای این مهم را در دسترس دارد اما به درستی از آن‌ها استفاده نمی‌شود. تصور بنده این است که ید واحد ای در سازمان امور مالیاتی برای تحقق حکمرانی داده و استفاده بهینه از اطلاعات مودیان وجود ندارد و این مسئله دلیل اصلی عقب ماندگی کشور در این زمینه است. هادی پور یکی از الزامات استفاده از ظرفیت‌های فناوری مالی را ارتقاء شناخت کارمندان سازمان امور مالیاتی از فناوری‌های مختلف دانست و افزود: در حال حاضر وضعیت مطلوبی در این زمینه وجود ندارد. سازمان امور مالیاتی در پنج سال گذشته بیشتر از هر بخشی، کارشناس فناوری اطلاعات و تحلیلگر داده جذب کرده است. طبق شنیده‌ها ۷۰ درصد این کارمندان نیز در بخش ممیزی مشغول فعالیت شده‌اند که امور جاری سازمان است و نباید اینطور باشد.

جانشین دبیر شورای اجرایی فناوری اطلاعات ادامه داد: در حال حاضر قوانین مالیاتی نیز در برخی موارد مانع تحقق اهداف مالیاتی هستند. به طور خاص روند فعلی از این قرار است که قوانین به شکلی بسیار جزئی به تصویب می‌رسند و فرآیند اصلاح آن‌ها نیز بسیار زمانبر است و نتیجه آن اینکه دولت و سازمان امور مالیاتی انعطاف پذیری لازم در تحقق اهداف را ندارند.

فاصله با وضعیت مطلوب



ابوذر زهره وند مدیر انتقال دانش سامانه مودیان، در این نشست گفت: سازمان امور مالیاتی در چند سال اخیر حرکت به سمت مالیات ستانی عادلانه و هوشمند را در دستور کار قرار داده است. حجم داده‌های مالیاتی که سازمان دریافت می‌کند بسیار بالاست و برای بهره‌گیری صحیح از این داده‌ها تحقق حکمرانی داده و استفاده از فناوری‌های مالی در مالیات ستانی بسیار ضروری است. حکمرانی داده یک مفهوم کلان و راهبردی است و علاوه بر حوزه مالیات می‌تواند مزایای متعددی را در حوزه‌های دیگر نیز برای کشور رقم بزند. قواعد حکمرانی داده در سازمان امور مالیاتی در سال‌های اخیر در دستور کار قرار گرفته است و امروز هر چند با وضعیت مطلوب فاصله داریم ولی پیشرفت‌های زیادی نیز محقق شده است.

وی افزود: در قانون پایانه‌های فروشگاهی زمینه مشارکت مردم در تکمیل داده‌ها و اطلاعات مالیاتی فراهم شده است. در این زمینه در قانون مشوق و جریمه‌های بازدارنده‌ای به طور همزمان در دستور کار قرار گرفته است تا انگیزه مشارکت مردم و کسب و کارهای را در ارائه اطلاعات مالیاتی افزایش دهد. نکته دیگر اینکه سازمان‌هایی که از مردم و کسب و کارها داده مالیاتی و درآمدی دارند، باید برای تحقق حکمرانی داده مشارکت و همکاری کنند. در حال حاضر دستگاه‌هایی که اطلاعات را جمع‌آوری می‌کنند، اهدافی متفاوت از

قابل توجه یکی از روش‌هاست و روش دیگر تمرکز بر واحدهای کوچکتر و با تعداد بالاتر است که در واقع بیش از ۶۰ درصد مالیات پرداختی را به خود اختصاص می‌دهند. در حال حاضر تمرکز در سازمان امور مالیاتی روی واحدهای کوچکتر است که زمان زیادی را طلب می‌کند و روش اول نیز چالش‌هایی دارد که مهمترین آن مقاومت‌های سیاسی و پیچیدگی‌های اجرایی است. تمرکز واحدهای کلان ضروری است. علاوه بر این به جای تمرکز بر طیف وسیعی از اقلام داده‌ای باید تمرکز بر ارقام کلیدی انجام بگیرد.

میریدی افزود: فشار وصول درآمدهای مالیاتی بخش زیادی از وقت و تمرکز سازمان امور مالیاتی را به خود اختصاص داده است و این مسئله زمان و تمرکز برای حرکت به سمت اقدامات تحولی همچون تحقق حکمرانی داده را محدود کرده است که یکی از مهمترین اقدامات در این زمینه تمرکز بر داده‌های کلیدی است که مخرج مشترک همه پایه‌های مالیاتی است که به عقیده بنده تراکنش‌های بانکی، اطلاعات تسهیلات بانکی و مالکیت و نقل و انتقال املاک، خودرو، ارز و طلا را شامل می‌شود.

وی خاطر نشان کرد: تمرکز بر این داده‌های کلیدی می‌تواند با هزینه و زمان کمتر، درآمد مالیاتی بیشتری را در عین بهبود عدالت مالیاتی محقق کند. برخی از این داده‌ها در حال حاضر به طور خوبی جمع‌آوری و ثبت و ضبط نمی‌شود که به طور مثال میتوان به اطلاعات مالکیت املاک اشاره کرد. به عقیده بنده ۸۰ درصد امکانات سازمان امور مالیاتی باید صرف کشف و تمیز کردن داده‌های مربوط به این داده‌ها شود و در این زمینه نیز باید عمده امکانات صرف مودیان بزرگ شود. دستیار وزیر امور اقتصادی و دارایی در پایان استفاده از ظرفیت شرکت‌های خصوصی و همچنین شرکت‌های دانش بنیان به منظور بهبود وضعیت مالیات ستانی را ضروری دانست و افزود: سازمان امور مالیاتی این روند را آغاز کرده است و انتظار داریم در آینده نزدیک نتایج مطلوب آن نمایان شود.

عدم استفاده از داده‌ها برای اخذ مالیات



حمیدرضا هادی پور جانشین دبیر شورای اجرایی فناوری اطلاعات، در این نشست گفت: به عقیده من امروز با تحقق حکمرانی داده در سازمان امور مالیاتی بسیار فاصله داریم. جمع‌آوری داده‌ها باید به این منجر شود که به جای درخواست اظهارنامه از مردم، سازمان امور مالیاتی برای هر کدام از پایه‌های مالیاتی اشخاص تعیین تکلیف کند و از مودیان مطالبه نماید. وی ادامه داد: به طور خاص در مورد مالیات بر ارباب‌ها و حتی در سطح رئیس‌جمهور، درخواست شده است که به صورت الکترونیکی و بدون نیاز به اظهارنامه متوفی انجام شود، اما برای تحقق این مهم نیز هنوز سازمان



تمرکز بر پرونده‌های بزرگ



دستیار وزیر امور اقتصادی و دارایی در این نشست که در اندیشکده اقتصاد مقاومتی برگزار می‌شد، گفت: در روش فعلی برای استفاده از داده‌های مالیاتی، با حجم عظیمی از داده‌ها مواجه هستیم که بخشی از آن‌ها با زحمات فراوان در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار می‌گیرد. در این زمینه تمرکز بر واحدهای بزرگ با میزان مالیات

سازمان امور مالیاتی دارند و این مسئله موجب شده است سازمان امور مالیاتی حتی در صورت دسترسی به این اطلاعات نیز در استفاده از آن‌ها با مشکلاتی مواجه شود. بنابراین یکی از اقدامات در این زمینه تعریف استاندارد مشترک بین سازمان امور مالیاتی و دستگاه‌های مختلف همچون بانک‌ها و دستگاه‌های اجرایی است که از مردم و کسب و کارهای اطلاعات مختلف مالی و بانکی را جمع آوری می‌کنند.

مدیر انتقال دانش سامانه مودیان ضمن اشاره به ضرورت حرکت سازمان امور مالیاتی به سمت خلق ارزش از داده‌های خام، گفت: سازمان‌ها در بحث داده دو دسته‌اند؛ دسته اول سازمان‌هایی هستند که فقط مشاهده‌گر هجوم داده‌ها هستند و دسته دوم سازمان‌هایی که از داده‌ها خلق ارزش می‌کنند. در حال حاضر سازمان امور مالیاتی در جایگاهی قرار دارد که میتواند گفت بین دسته اول و دسته دوم است و در حال حاضر به سمت خلق ارزش از داده‌ها حرکت می‌کند.

زهره وند در خصوص اهداف هوشمندسازی نظام مالیاتی و استفاده از فناوری‌های مالی در مالیات ستانی، گفت: کاهش مراجعات مردمی یکی از مهمترین اهداف تحقق حکمرانی داده و استفاده از فناوری‌های مالی در مالیات ستانی است. هدف دوم در این زمینه کاهش زمان رسیدگی به پرونده‌های مالیاتی است که امروز حتی بیشتر از یکسال نیز برای برخی پرونده‌ها به طول می‌انجامد. هدف سوم نیز افزایش دقت مالیاتی با هدف بهبود عدالت و کاهش تبعیض مالیاتی است.

وی نبود آیین نامه مربوط به محرمانگی داده‌ها را مانع مهم برونسپاری خلق ارزش از داده‌های سازمان امور مالیاتی دانست و افزود: در حال حاضر مشخص نیست که سازمان امور مالیاتی چه دسته از اطلاعات را میتواند در اختیار شرکت‌های پردازشگر اطلاعات بگذارد و از کمک آن‌ها برای اخذ عادلانه مالیات کمک بگیرد.

اقدامات متعدد برای یکپارچه سازی داده‌های مالی



نواب‌آبادی معاون اداره کل فناوری اطلاعات سازمان امور مالیاتی، در این نشست که ششمین نشست تخصصی از نهمین همایش سالانه اقتصاد مقاومتی بود، با اشاره به دستی بودن اظهارنامه‌ها در روش سنتی گفت: در این روش‌استعلام‌ها با سرعت کمی انجام می‌شد و دقت اطلاعات نیز زیر سؤال بود. از طرف دیگر سامانه‌ها به صورت جزیره‌ای فعالیت می‌کردند.

در طرح جامع مالیاتی یک پروژه به اسم AI در دستور کار قرار گرفت که مطالعات در خصوص نحوه تبادلات اطلاعات ذیل آن انجام شد. بعد از انعقاد تفاهتنامه‌های متعدد با سازمان‌های متعدد، در نهایت سازمان امور مالیاتی موفق شد اطلاعات زیادی را برای اخذ عادلانه مالیات‌ها متعقد کند. سامانه یکپارچه مالیاتی نیز با هدف یکپارچه سازی اطلاعات در داخل سازمان اجرایی

شد و مجموعه این اقدامات موجب شده است که در سال‌های اخیر سازمان امور مالیاتی در خصوص استفاده از داده‌های مالیاتی پیشرفت مهمی را رقم بزند. معاون اداره کل فناوری اطلاعات سازمان امور مالیاتی ضمن تاکید بر ضرورت همکاری دستگاه‌های اجرایی با سازمان امور مالیاتی، گفت: در صورتی که نظام مشخصی برای ارائه اطلاعات به سازمان امور مالیاتی رعایت شود و این سازمان در یک منظومه بتواند از این داده‌ها استفاده کند، وضعیت مالیات ستانی و اجرای بهینه قوانین مالیاتی به شکل بهتری فراهم می‌شود.

دسترسی کسب و کارها باید به داده‌های مالیاتی



وحید صیامی کارشناس فناوری‌های پولی و مالی، در این نشست گفت: برنامه پنجم توسعه به این نکته اشاره دارد که دولت باید شرایط را برای استفاده مردم از اطلاعات سطح خرد اقتصادی فراهم نماید. یک زمانی در خصوص اینکه چرا در دیگر کشورها به خوبی مردم مالیات پرداخت می‌کنند، مطالعاتی انجام شد. در ایران همه مالیات نمی‌دهند، ولی در دیگر کشورها اغلب افراد مالیات می‌دهند، در حالیکه مزیت‌فرار مالیاتی برای مردم در دیگر کشورها بیشتر است.

وی ادامه داد: در دیگر کشورها، به خصوص آمریکا، حاکمیت تعامل خود را برای اخذ مالیات، علاوه بر ارائه خدمات عمومی، به ارائه اطلاعات عمومی نیز گسترش داده است. در واقع کسب و کارها در ازای پرداخت مالیات، علاوه بر دریافت خدمات عمومی، به اطلاعات مالی و بانکی تمامی مردم نیز دسترسی دارند که انگیزه آن‌ها برای مشارکت مالیاتی را افزایش داده است. کسب و کارها تا زمانی میتوانند از این اطلاعات گسترده در خصوص مشتریان خود مطلع شوند که مالیات خود را بپردازند و در غیر اینصورت با جریمه‌های سنگین نیز مواجه می‌شوند. بنابراین داده‌های مالی و مالیاتی باید علاوه بر سازمان امور مالیاتی، باید در اختیار کسب و کارهایی که مالیات پرداخت می‌کنند نیز قرار بگیرد تا انگیزه مشارکت مالیاتی آن‌ها افزایش یابد.

کارشناس فناوری‌های پولی و مالی افزود: علاوه بر این زمانی که اشخاص حقیقی بتوانند با ارائه اطلاعات مالیاتی خود از مزایایی همچون دریافت تسهیلات و خدمات مالی بهره مند شوند، آن‌ها نیز انگیزه بیشتری برای پرداخت مالیات قانونی خواهند داشت. قانون تجارت الکترونیک‌ما مشکلاتی دارد که امروز مشکلاتی را در عملکرد سازمان امور مالیاتی ایجاد کرده است. به طور خاص در حال حاضر ارائه اطلاعات غلط به سازمان امور مالیاتی عملیاتی ندارد. به همین دلیل در حال حاضر اطلاعاتی که به سازمان امور مالیاتی یا حتی نظام بانکی ما می‌رسد، قابلیت اطمینان بالایی ندارد و یکی از کلیدی‌ترین در این مسئله، بحث احراز هویت اشخاص است. سازمان امور مالیاتی اگر میخواهد نقش موثری در

تحقق حکمرانی داده در کشور ایفا کند، حتما باید برای تولید داده‌های قابل اتکا برنامه ویژه داشته باشد. وی در پایان افزود: بحث صداقت مالی و قابل اتکا بودن اطلاعات مالی اشخاص که در دسترس سازمان امور مالیاتی قرار می‌گیرد، برای همه کشورها مسئله بوده است و برای بهبود آن برنامه ریزی کرده‌اند. اینکه سازمان امور مالیاتی انتظار داشته باشد اطلاعات باید به بهترین شکل با بهترین فرمت تهیه و در اختیار این سازمان قرار بگیرد، در هیچ جای دنیا در دستور کار نبوده و قابل تحقق نیست و سازمان امور مالیاتی باید در این زمینه نیز نقش آفرینی کند.

تنها یک گام در تحقق حکمرانی داده

محمد مختاری، کارشناس حوزه مالیات، در این نشست گفت: بررسی‌های میدانی از سازمان‌های مختلف کشور نشان می‌دهد که سازمان‌های مختلف بر سر دسترسی به داده‌ها با یکدیگر اختلاف دارند ولی عموم دستگاه‌ها استفاده درستی از داده‌ها نمی‌کنند. در سطح اطلاعات معمولاً در گام اول یک سطح اتوماسیون وجود دارد که شامل استانداردهای، تبادل و موارد مشابه می‌شود.



به اشتراک بگذارند. وی استفاده از ظرفیت شرکت‌های خصوصی در پردازش داده‌ها را ضروری دانست و افزود: در مجموع ۴۸ شرکت داریم که در حوزه پردازش داده‌ها کار می‌کنند ولی بررسی جزئی این شرکت‌ها نشان می‌دهد که تنها ۶ شرکت قابلیت پردازش بهینه داده‌ها را دارند و باید از ظرفیت این شرکت‌ها استفاده شود. این شرکت‌ها می‌توانند تنها با تحلیل اطلاعات روزنامه رسمی حجم عظیمی از شرکت‌های سوری را کشف کنند و در صورتی که دسترسی آن‌ها به شکل مناسبی به داده‌های مالی و مالیاتی برقرار شود، ظرفیت بالایی در خلق ارزش از داده‌ها دارند. مختوای بیان داشت: نکته دیگر استفاده بهینه از شرکت‌های معتمد مالیاتی (TSP) است که می‌تواند در آموزش به مودیان و وصول مالیات به کمک سازمان امور مالیاتی بیاید. علاوه بر این این شرکت‌ها می‌توانند در کشف تخلفات مالی نیز مفید واقع شوند. محدودیت جذب نیرو و در سازمان امور مالیاتی از یک سو و نبود بلوغ دیجیتال از سوی دیگر، استفاده از ظرفیت شرکت‌های خصوصی در خلق ارزش از داده‌های مالیاتی و حتی تکمیل داده‌ها و وصول مالیات را ضروری کرده است.

سازمان امور مالیاتی یسزد اجرایی شده که منفعت دستگاه‌ها برای همکاری آن‌ها تعریف شده است. مختاری اضافه کرد: هوشمندی مالیاتی متضمن همکاری نظام بانکی است و بدون دو بخش اعتبارسنجی و الگوهای تشخیص تقلب که اطلاعات آن در اختیار شبکه بانکی است، هوشمندی مالیاتی نیز رقم نمی‌خورد. در واقع اعتبارسنجی تا زمانی که به پرونده مالیاتی افراد متصل نباشد، کاربرد اصلی آن مورد استفاده قرار نگرفته است. بنابراین همکاری شبکه بانکی برای تحقق هوشمندی مالیاتی الزامی است. این کارشناس مالیات اظهار داشت: در بخش تشخیص سایت‌های قمار و پول‌شویی و حساب‌های اجاره‌ای نیز بدون همکاری نظام بانکی، سازمان امور مالیاتی نمی‌تواند وظیفه خود را به درستی انجام دهد. در این زمینه باید توجه داشت که بررسی عملکرد مودیان مالیاتی بزرگ بدون دسترسی به حساب‌های بانکی امکان‌پذیر نیست و این تصور که باید تا زمان اجرایی شدن سامانه مودیان صبر کرد صحیح نیست و لازم است تا پیش از آن که سال‌ها طول می‌کشد، همه دستگاه‌ها اعم از شبکه بانکی داده‌های مهم خود را برای هوشمندسازی نظام مالیاتی

سطح دوم پردازش اطلاعات است و سطح سوم داده هوشمند شده و در واقع استفاده نهایی از داده‌هاست. وی ادامه داد: به عقیده من سازمان امور مالیاتی با وجود تلاش‌های زیادی که صرف جمع‌آوری اطلاعات کرده است، همچنان در سطح اول یعنی جمع‌آوری داده‌ها قرار دارد و هنوز در پردازش و دسته‌بندی داده‌ها پیشرفت زیادی را رقم نزده است و در گام بعدی نیز باید وارد فاز استفاده هوشمندانه از داده‌ها در زمان و مکان مناسب شود. در واقع در حال حاضر یک انبار از اطلاعات مالیاتی وجود دارد ولی برنامه روشنی برای پردازش آن‌ها در دستور کار قرار نگرفته است. در عین حال برای تحقق همین مرحله اول نیز سازمان امور مالیاتی زحمات زیادی کشیده است و به طور خاص برای تمیز کردن داده‌های مالیاتی از جمله مالیاتی بر خانه‌های خالی وقت و هزینه زیادی از سازمان امور مالیاتی گرفت. کارشناس حوزه مالیات افزود: اتصال سامانه‌ها به یکدیگر و استفاده بهینه از داده‌ها، نیازمند بلوغ دیجیتال در همه دستگاه‌هاست و در نهایت باید برای هر کدام از دستگاه‌ها در این مسیر منفعت تعریف شود تا انگیزه آن‌ها افزایش یابد. به عنوان مثال الگوی خوبی در



نقش مالیات در تقویت پول ملی و مهار تورم

گامی مبارک بادغدغه‌های فراوان

نشست «جایگاه مالیات در تقویت پول ملی و مهار تورم» با حضور جمعی از اساتید و صاحب‌نظران و فعالان این حوزه در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی برگزار شد. این نشست، پنجمین پیش‌نشست تخصصی از نهمین همایش سالانه اقتصاد مقاومتی بود که با موضوع «نظام مالیاتی؛ عادات و هوشمند» برگزار خواهد شد. در این نشست به ارتباط تضعیف پول ملی و تورم و همچنین ابزارهای مالیاتی کنترل قیمت‌ها، به خصوص مالیات بر عایدی سرمایه پرداخته شد.

تضعیف پول ملی و افزایش تورم دوروی یک سکه

مجید فلاحي نیا معاون بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی

اقتصادی داشت به همان میزان می‌تواند رشد نقدینگی بدون تورم داشته باشد. اما در کشور ما نقدینگی به شکل نابرابر افزایش یافته است و موجب افزایش قیمت‌ها و تورم شده است. تورم موجب تخریب بیشتر فرهنگ اجتماعی و اقتصادی می‌شود. تفاوت بین نرخ سود تسهیلات و نرخ تورم موجب بدرفتاری اقتصادی شده است و افراد به سمت خرید دارایی بادوام سوق پیدا کرده‌اند. نکته مهم اینکه در سیاست‌گذاری نمی‌توان همه اهداف از جمله کاهش تورم و ایجاد رشد اقتصادی را به طور همزمان محقق کرد و باید در این زمینه اولویت بندی صورت بگیرد که از نظر من اولویت باید کنترل تورم باشد. مالیات بر عایدی سرمایه ابزاری برای کنترل فعالیت‌های غیرمولد و سوق دادن سرمایه‌ها به بخش‌های تولیدی می‌باشد و لازم‌الاجرای مناسب این قانون همراهی مردم است و برای آن باید اطلاع‌رسانی مناسبی صورت بگیرد و به مردم اطلاع داده شود که تنها بخش خاصی از سوداگران هدف این قانون هستند. هرچند به عقیده من در خصوص تعدیل تورمی عایدی سرمایه در این طرح لازم است بیشتر تحقق و مطالعه شود و از اقدام عجولانه جلوگیری شود.

است. اگر روندش را بررسی کنیم افزایشی است. در هشت ماهه سال ۱۴۰۱ هم به ۴۵.۳ رسیده است. مالیات باید بتواند حداقل بخش عمده هزینه‌های جاری دولت را پوشش دهد.

مضرات تورم برای اقتصاد کشورها

نسبت به مواردی که تجربه جهانی در آن وجود دارد نباید تشکیک کرد و اگر علل تورم شناسایی شد باید مطالبه عمومی روی آن شکل بگیرد و مجموعه سیاست‌گذاری به سمت آن حرکت کند. در عالم واقع افزایش متناسب هزینه‌ها و درآمدها به معنی باقی ماندن قدرت خرید نیست. بلکه فقرا را فقیرتر و اغنیاء را اغنی‌تر می‌کند. در ده سال گذشته به طور متوسط شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی ۱۰ برابر، یک متر ملک مسکونی ۲۷ برابر، خودروی شخصی ۲۷ برابر، سکه بهار آزادی ۱۵ برابر شده است و این نشانه خوبی نیست. تورم به معنی نابرابری است و البته کاهش تورم به تورم تک‌رقمی در بازه کوتاه مدت منطقی نیست و باید در بلندمدت و پلکانی کاهش یابد. اگر کشوری رشد

تورم ام‌المصائب اقتصاد کشور است و اگر این مشکل حل شود، بقیه مشکلات نیز طبیعتاً برطرف می‌شود. چرا که افزایش تورم باعث افزایش سایر قیمت‌ها مثل ملک، خودرو، دستمزدها می‌شود. تجربه تورم در کشورهای دیگر در روبروی ماست و از آن اطلاع داریم. تورم تک‌عاملی نیست و اگر این طور به مسئله نگاه کنیم نتیجه درستی را به ما نمی‌دهد. در واقع عوامل مؤثر بر تورم هم از جانب تقاضا است، هم از جانب هزینه و هم از جانب انتظارات تورمی. بنابراین افزایش نرخ ارز حتماً مؤثر است، در واقع کاهش ارزش پولی و تورم دوروی سکه است. هر چقدر دولت به منابع پایدار متکی باشد، می‌تواند برنامه ریزی بهتری در خصوص کسری بودجه داشته باشد. بنابراین اتکال به مالیات، پایداری بیشتری برای کشور در خصوص سایر منابع از جمله فروش نفت خواهد داشت، چراکه کشور درگیر با تحریم هاست. البته درآمدهای مالیاتی هم با توجه به رکود و رونق در اقتصاد، دستخوش تغییراتی می‌شود اما نوسان و تغییرات آن به مراتب کمتر از نوسانات درآمدهای نفتی است. در سال ۹۰ حدود ۲۳.۳ درصد از منابع بودجه از مالیات بوده

سه خطای مهم در بررسی ماهیت تورم

مهدي موحدی بکنظر رئیس مرکز آموزش و پژوهش سازمان امور مالیاتی

۳ مسیر اثر گذاری ابزارهای مالیاتی بر کاهش تورم

مهدي سر مست کارشناس مرکز پژوهش های مجلس

نظام مالیاتی حداقل سه پیوند با نظام پولی دارد، پیوند اول در حوزه معافیت هاست. یک معافیت سود سپرده و یک معافیت هزینه بهره وام‌ها وجود دارد که به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی لحاظ می‌شود و سود تقسیمی شرکت هم معاف از مالیات است. این سه معافیت موجب این شده است که فشار زیادی برای اخذ تسهیلات از سوی شرکت‌ها به وجود بیاید و در مقابل انگیزه سرمایه‌گذاری دارایی‌های شرکت‌ها برای افزایش تولید کاهش یابد؛ که به نوبه خود در افزایش نقدینگی و رشد تورم مؤثر بوده است. مالیات بر عایدی سرمایه به عنوان پیوند دوم نظام مالیاتی و پولی می‌باشد که خلأ این مالیات در اقتصاد ایران، بالا بودن تقاضا برای تسهیلات، به خصوص برای فعالیت‌های غیرمولد را در پی داشته است. علاوه بر اینکه تورم عمومی برای اقتصاد مضر است، نوسانات بسیار شدید هم برای اقتصاد مضر است و مالیات بر عایدی سرمایه باعث کاهش نوسانات و ثبات بخشی به بازار می‌شود. برخی متغیرها از جمله نرخ ارز نیز به عنوان لنگر اسمی سایر کالاها قرار می‌گیرند و مالیات بر عایدی سرمایه موجب کاهش نوسان این متغیرهای کلیدی می‌شود و بنابراین می‌تواند انتظارات تورمی را کاهش دهد. پیوند سوم مقوله مالیات با افزایش تورم نیز به کسری بودجه دولت مرتبط است. اگر درآمدهای دولت از محل منابع پایدار مالیاتی تأمین نشود، به هر طریق دولت مجبور به استقرار از بانک مرکزی و افزایش پایه پولی می‌شود که می‌تواند به تشدید تورم دامن بزند.

کنترل تورم لازم می‌یابد عملکرد اقتصاد کشورها

تورم و کاهش قدرت خرید برای مردم آزار دهنده است و در سالیان اخیر بیش از ۳۰ درصد قدرت خرید مردم کاهش پیدا کرده است. باید بپذیریم که پدیده تورم علاوه بر اثرات واقعی در کاهش قدرت خرید مردم، اثر روانی نامطلوبی نیز برای همه احاد جامعه دارد و طبیعتاً برای حقوق بگیرها این اثر بیشتر است. بنابراین اثر تورم قابل انکار نیست. ۵ سال است که تورم‌های بالا را تجربه می‌کنیم. همه این مسائل را نمی‌توانیم به سمت عرضه ربط بدهیم و حتماً لازم است با درس گرفتن از اقدامات سایر کشورها در سال‌های اخیر، در بخش تقاضا نیز تدابیری اتخاذ شود تا تورم مهار گردد. در سال‌های اخیر با توجه اینکه می‌خواهیم تولید از رونق نیفتد، شاهد تورم بالا هستیم. ما ۵ سال است که تورم بالا داریم به اسم اینکه می‌خواهیم رکود را از بین ببریم همان سیاست‌ها را ادامه می‌دهیم. اگر افزایش نقدینگی بیش از GDP باشد به تورم می‌انجامد و نمی‌توان این مسئله را انکار کرد.

کنترل تقاضاهای سوداگرانه با مالیات بر عایدی سرمایه

کنترل تقاضاهای سوداگرانه در اقتصاد ایران ضرورتی انکارناپذیر است و در حال حاضر هر چه بیشتر نقدینگی ایجاد شود، به سمت فعالیت‌های غیرمولد می‌رود و جذابیت این بخش به مثابه یک سرطان در اقتصاد ایران عمل می‌کند. بنابراین برای رشد اقتصادی و کنترل تورم، علاوه بر رفع موانع تولید باید با پایه‌هایی مثل مالیات بر عایدی سرمایه، از جذابیت بخش غیرمولد کاسته شود. با همه اختلاف نظری که در مورد ماهیت تورم وجود دارد، این اتفاق نظر وجود دارد که به هر انگیزه‌ای که داریم باید به سمت کنترل تقاضاهای غیرمولد در اقتصاد برویم. اگر طرح مالیات بر عایدی سرمایه بر مبنای خوداظهاری بنا می‌شود، به طور حتم به شکست می‌انجامد؛ کما اینکه در خصوص مالیات بر ارزش افزوده این مسیر تجربه شد. اما طرح مالیات بر عایدی سرمایه بر اساس صورتحساب‌های الکترونیک بنا شده است و بخش مهم طرحی که در مجلس قرار دارد به بستر اجرایی این پایه مالیاتی اختصاص یافته که می‌تواند موفقیت آن را تضمین کند. امیدواریم تصویب و اجرای آن به کنترل فعالیت‌های غیرمولد بینجامد و در آینده نیز این طرح قابلیت اصلاح و بهبود دارد.

بناگاههای کوچک و متوسط اختصاص می‌یابد. دلیل اصلی این قضیه سودآوری بسیار زیاد فعالیت‌های غیرمولد است که در مقایسه با فعالیت‌های تولیدی به مراتب به صرفه تر است. راه حل این معضل استفاده از ابزارهای مالیاتی است. برای رفع این مشکل نه از منظر درآمدی و کاهش کسری بودجه، بلکه از منظر تنظیم‌گری باید سراغ مالیات رفت. پایه‌های مختلف نظیر مالیات بر عایدی سرمایه، مالیات بر ارزش افزوده، مالیات بر املاک و مالیات بر مجموع درآمد یا شکل مناسب خود را در ایران ندارند یا اساساً وجود ندارند. آمریکا پایه مالیات بر عایدی سرمایه را از سال ۱۹۱۳ و بریتانیا از ۱۹۶۵ اجرایی کرده‌اند و تا سال ۲۰۱۷ بیش از ۱۸۷ کشور این نوع مالیات را به کار گرفته‌اند؛ اما هنوز در ایران این پایه مالیاتی مورد تصویب قرار نگرفته است.

اهمیت ویژه بستر اجرایی مالیات بر عایدی سرمایه در رصد تراکنش‌های بانکی

طرح مالیات بر عایدی سرمایه دو بخش مهم دارد؛ بخش اول بستر اجرایی مالیات عایدی سرمایه است که بسیار حائز اهمیت است. بخش دوم، محتوای آن است که شامل نرخ‌ها و معافیت‌ها است. بستر اجرایی در کنار سامانه مودیان شرایط را برای رصد تراکنش‌های بانکی و حکمرانی ریال فراهم می‌کند که امروز حلقه مفقوده نظام مالیاتی ایران است. آنچه در این طرح آمده نه تنها برای کاهش تورم، بلکه برای سیاست‌گذاری اقتصاد کشور در مواردی همچون مدیریت قاچاق، شفافیت معاملات اقتصادی و مهمترین مورد، رصد فعالیت‌های سودگرانه و سفته‌بازانه کار بردی حیاتی دارد.

نرخ مالیات بر عایدی سرمایه باید بیشتر از سود فعالیت‌های سوداگرانه باشد

مسائل اقتصاد سیاسی در تصویب طرح مالیات بر عایدی سرمایه بسیار مؤثر است و در اتخاذ تصمیمات سختی همچون وضع این پایه مالیاتی، ذی‌نفعان مانع می‌شوند و مشکلاتی را ایجاد می‌کنند. به طور خاص حذف بازار سهام از این پایه مالیاتی و وضع نرخ‌های پایین و معافیت‌های زیاد، حتماً ریشه در مسائل اقتصاد سیاسی دارد. با توجه به اینکه نرخ تورم در سالیان اخیر ۴۰ درصد بوده، در نظر گرفتن نرخ ۲۵ درصدی برای مالیات بر عایدی سرمایه، آن هم در سال اول، به طور حتم اثر گذاری مطلوب را ندارد و نمی‌تواند از بازارهای سودگرانه جذابیت زدایی کند. به عقیده من نرخ مالیات بر عایدی سرمایه برای تحقق هدف خود باید از مجموع تورم و بازدهی واقعی اقتصادی بالاتر باشد. بنابراین برای سال اول نرخ این مالیات باید بالای ۵۰ درصد و در حدود ۸۰ درصد وضع شود. ان شاء الله این طرح با تمام کاستی‌هایی که دارد تصویب شود و نتیجه زحمات ۱۰ ساله که در رابطه با آن انجام شده به ثمر برسد. طرح مالیات بر عایدی سرمایه به کنترل بازدهی فعالیت‌های غیرمولد و همچنین باز توزیع منابع کمک می‌کند. اما یک نکته مهم در اجرای آن، اطلاع رسانی صحیح به مردم و کسب و کارهاست. دغدغه بخش عظیمی از مردم با اطلاع رسانی درست بر طرف می‌شود.

تورم مثل هر مفهوم اقتصادی دیگری چند بعدی است و زوایای متعددی دارد. عمدتاً سنت فکری غالبی وجود دارد که اگر صرفاً به آن توجه کنیم دچار خطای محاسباتی می‌شویم یعنی اگر تحت تأثیر هژمونی مکتب شیکاگویی قرار بگیریم، تورم را صرفاً پدیده پولی خواهیم دانست. مشکلی که وجود دارد این است که همواره از سمت تقاضا نگاه کردیم به مسئله تورم، مثل شکل گیری تقاضا در صورتی که سمت عرضه هم وجود دارد. اگر به اتفاقاتی که بعد از سال ۸۶ رقم خورده دقت کنیم متوجه نکات ظریفی می‌شویم. در این زمان، برهه‌هایی است که قواعد قیمت گذاری انرژی، موجب تورم از سمت عرضه شده است که نباید از آن غافل بزنیم. بنابراین خطای اول در بررسی ماهیت تورم این است که آن را صرفاً یک پدیده پولی و ناشی از سمت تقاضا بدانیم، درحالی‌که سمت عرضه نیز در این زمینه نقش مهمی دارد. خطای دوم آن است که وقتی در سمت تقاضا به دنبال دلایل ایجاد تورم هستیم، آن را صرفاً به کسری بودجه دولت محدود کنیم و از دیگر دلایل چشم پوشی کنیم. خطای سوم در این زمینه اینکه بدون توجه به عملکرد بانک‌ها، صرفاً افزایش تسهیلات پرداختی آن‌ها را در ایجاد تورم مؤثر بدانیم و وارد جزئیات عملکرد آن‌ها نشویم. درحالی‌که کیفیت پرداخت تسهیلات بانک‌ها در مقایسه با کمیت تسهیلات، به مراتب اثر گذاری بیشتری بر تورم دارد.

شکست ساختار تولید و کوچ سرمایه‌ها به بازارهای دارایی

در دهه گذشته در ایران حوادثی رخ داده که بسیار خاص است و قابل مقایسه با دیگر کشورها نیست. ایران به خصوص در دهه گذشته دچار رکود تورمی شده است. از طرف دیگر ضریب جینی بسیار افزایش یافته و یک اقتصاد بسیار کوچک شده است و شوک‌های تورمی زیادی را تجربه می‌کنیم. نرخ ارز به عنوان لنگر اسمی اقتصاد ایران است و افزایش نرخ ارز به هر صورت اثر خود را بر قیمت سایر کالاها می‌گذارد. بخش قابل توجهی از تقاضا در اقتصاد کشور به خصوص برای کالاهایی مثل مسکن از تقاضای مصرفی به سمت تقاضای سوداگرانه تغییر کرده است. کشور در ۵۰ سال گذشته دچار شکست ساختار تولید شده است و به دلیل مشکلات بسیار زیاد فضای تولید به خصوص در بناگاه‌های کوچک و متوسط این تقاضاها برای تولید به تدریج از بین رفته است و به سمت تقاضای سوداگرانه در بازارهایی مانند بازار سهام، بازار رمزارزها و بازار املاک و ارز رفته است.

سودآوری فعالیت‌های غیرمولد، تولید را غیر اقتصادی کرده است

تفاوت محسوس میان رشد تولید و رشد نقدینگی در ایران وجود دارد و سال گذشته نظام بانکی ادعا کرده است که ۳ هزار میلیارد تومان تسهیلات داده و تنها ۸ درصد به کسب و کارهای کوچک و متوسط رفته است؛ در سال‌های قبل نیز سهم این بخش از تسهیلات بانکی ۵ و ۳ درصد بوده است. در صورتی که ۸۰ درصد تسهیلات بانک‌ها در کره جنوبی و در چین ۵۰ درصد به

افزایش قدرت خرید مردم مهمتر از تک رقمی کردن تورم است

محمد قائدامینی کارشناس حوزه پولی و بانکی

از جنبه تنظیم گری مالیات بر اقتصاد کمتر صحبت شده است و معمولاً در بحث ارتباط بین مالیات و تورم از کسری بودجه و استقرار زیاد صحبت شده اما به جنبه‌های تنظیم گری مالیات پرداخته نشده است. با افزایش تورم، هم هزینه‌ها و هم درآمدها افزایش پیدا می‌کند و اگر این دو تناسب یکسانی داشته باشند تغییری در قدرت خرید ایجاد نمی‌شود. طی یک دهه گذشته درآمد سرانه در ایران ۳۷ درصد کاهش پیدا کرده است. یعنی با وجود افزایش تورم در هزینه‌ها، درآمد متناسب با آن افزایش نیافته است.

سومین متغیر مهم در اقتصاد ایران ضریب جینی است که ضریب جینی در ایران به بالای ۰.۴ رسیده است. به این معنی که یک اقتصاد کشور کوچک شده است و همزمان سهم افراد به شکل نامتوازن تغییر کرده است. یعنی یک فشار مضاعفی به افراد وارد می‌شود. پس فشار اقتصادی کنونی صرفاً محصول تورم نیست، بلکه مجموع این سه متغیر است و در سیاستگذاری برای اصلاح وضع موجود نیز نباید صرفاً به دنبال کاهش تورم باشیم و باید به طور همزمان برای هر سه این متغیرها یعنی تورم، قدرت خرید مردم و ضریب جینی برنامه ریزی شود.

لزوم اتخاذ رویکرد «هزینه-فایده»

رویکردها در مقابله با این مسائل متفاوت است، رویکرد اول این است که تورم هر چه کمتر باشد بهتر است که برخی مواقع این رویکرد اصالت پیدا می‌کند که در دولت قبل چنین رویکردی حاکم بود که به قیمت رکود اقتصادی، نرخ تورم پایین نگه داشته شد. رویکرد دیگر، رویکرد هزینه-فایده است. یعنی کاهش تورم را هزینه فایده کنیم. یعنی تورم را به سطوح پایین‌تر منتقل کنیم و همزمان درآمد سرانه و فواید آن را هم لحاظ کنیم.

متأسفانه رفتار سوداگرانه در حال همه گیری در کشور است و این فرهنگ آثار مخربی در اجتماع و اقتصاد کشور خواهد داشت. در این رقابت بی حاصل هر کس به دنبال افزایش سهم خود از این کیک است، به جای اینکه به دنبال افزایش اندازه کیک باشد.

جذابیت بازارهای غیرمولد

ارزش نسبی کار در طول سال‌های گذشته در دنیا کاهش یافته است و این روند جهانی موجب شده سرمایه‌داران روز به روز بر سرمایه خود بیفزایند و امکان فراهم کردن زندگی مطلوب از طریق پس انداز محدودتر و محدودتر شود. به عنوان مثال در اقتصاد آمریکا در سال ۲۰۲۲ ۲۰ افراد در بازه سنی ۲۵ تا ۴۰ سال که بزرگترین جمعیت نیروی کار فعال در این بازه سنی قرار دارند، حدود ۷ درصد ثروت را در اختیار داشته‌اند در حالی که که ۵۰ سال قبل ۲۵ درصد ثروت در اختیار این بازه سنی بوده است. ارزش نسبی کار در نظام سرمایه داری در حال کاهش است. این روند جهانی که در ایران نیز در دهه‌های اخیر حاکم بوده، موجب تسری روحیه دلالتی و نوسان گیری در اقتصاد کشور شده است. یعنی با کار کردن نمی‌توان هزینه‌های زندگی را تأمین کرد و کسانی که از قبل سرمایه داشته‌اند درآمد بهتری دارند و علاوه بر شکاف طبقاتی، شکاف بین نسلی نیز شکل گرفته است و این موجب گسترش فرهنگ سفینه بازی و مخرب می‌شود. نتایج این فرهنگ کاهش انگیزه کار است. اساساً باید به این مسئله بپردازیم که چرا تورم داریم. عده‌ای رشد نقدینگی را به عنوان علت تورم مطرح می‌کنند، در صورتی که جعبه سیاه رشد نقدینگی را باز نمی‌کنند. سودآوری بازار در همه کشورها بر متغیرهای پولی اثر گذار است و این مسئله در مقالات روز دنیا مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین بدون کنترل سودآوری در بازارها، امکان کنترل رشد نقدینگی فراهم نیست و در صورتیکه بانک مرکزی تنها بخواهد از طریق اعمال محدودیت برای بانک‌ها به سراغ کنترل نقدینگی برود، به هیچ عنوان در این هدف موفق نخواهد شد. برای کنترل نقدینگی و کنترل تورم حتماً باید سودآوری بازارهای غیرمولد در اقتصاد ایران با ابزارهای مالیاتی و به طور خاص مالیات بر عایدی سرمایه کنترل شود، چرا که جذابیت بازارهای غیرمولد عامل اصلی افزایش نقدینگی است.



تورم در اقتصاد ایران ناشی از افزایش تقاضا و رشد نقدینگی نیست

میثم سادات فاطمی کارشناس اقتصادی

نقدینگی عامل تورم است، بسیار ناقص است و حتماً باید ابتدا با روش‌هایی، گردش پول تحت کنترل در آید.

تضعیف ساختار تولید نتیجه کوچ سرمایه‌ها

واقعیتی که وجود دارد این است که سرمایه توسط سرمایه‌گذار به سمتی که کمترین زحمت و بیشترین سود را برای سرمایه‌گذار تأمین کند، می‌رود. اگر منشأ تورم را از این مسیر تحلیل کنیم متوجه می‌شویم که این اتفاق در کشور رخ داده است. وقتی چنین مسیرهایی برای کسب درآمد در کشور وجود داشته باشد، پاشنه آشیل کشور می‌شود، چرا که تولید و کار مولد سود حسابداری دارد ولی سود اقتصادی ندارد و نمی‌تواند با بخش‌های غیرمولد رقابت کند. بخش تولید از سمت مصرف‌کننده نیز شمامت می‌شود که قیمت تمام شده‌اش بالا است اما سود کمتری از غیرمولد عایدش می‌شود.

تا زمانی که گردش پول تحت نظارت و سیاستگذاری حاکمیت قرار نگیرد و با استفاده از ابزارهای مالیاتی، فعالیت‌های غیرمولد از حیض انتفاع ساقط نشوند، وضعیت اقتصادی ما سامان نمی‌یابد و این نقطه شروع اصلاحات اقتصادی ماست.

معافیت زیاد و نرخ پایین، قانون رایی اثر می‌کند

یکی از مهمترین کارکردهای طرح مالیات بر عایدی سرمایه ایجاد بستر شفاف برای رصد میزان مصرف مورد نیاز کالاها و خدمات در کشور است و کشور سال‌ها از وجود چنین بستری محروم بوده است. وجود چنین زیرساختی به سوق دادن نقدینگی در جهات اولویت‌دار کمک می‌کند و برای سیاستگذاری اقتصادی بسیار لازم است. به عنوان مثال الان مشخص نیست که میزان عرضه و میزان مصرف مورد نیاز بازار مرغ چقدر است و این عدم اطلاع از میزان مصرف، موجب ایجاد مشکلاتی هم برای تولیدکننده و هم برای مصرف‌کننده شده است.

در شرایط فعلی، این پایه مالیاتی یک گام مبارک است ولی این دغدغه وجود دارد که اگر این طرح به خاطر مصلحت‌اندیشی‌هایی که از جنس اقتصاد سیاسی است به نتیجه نرسد. به نظر می‌رسد معافیت‌های زیادی در این طرح گنجانده شده و نرخ‌های آن نیز هدف‌بازدارندگی را محقق نمی‌کند. دغدغه دیگر این است که اگر مردم حس کنند که این مالیات برای جبران کسری بودجه دولت است، به نتیجه مناسب نرسد و مردم تصور کنند که دولت سوداگری را مجاز می‌داند و صرفاً با یک نرخ پایین و غیربازدارنده، به دنبال گرفتن سهم خود از این بازار است.

انتقاد از نگاه یکجانبه به ماهیت تورم ایراد اصلی بررسی دلایل تورم است و معتقدم صرفاً نباید از جنبه پولی به تحلیل تورم پرداخت. اگر به ۵۰ ساله گذشته نگاه کنیم در بازه زمانی مربوط به دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ علت علل تورم، مباحث پولی بوده است؛ چرا که در آن زمان بودجه دولت از مسیر درآمدهای نفتی و تبدیل آن به ریال تأمین می‌شد که تورم را زود بود. بنابراین این تحلیل که کسری بودجه دولت را عامل اصلی تورم بدانیم، در آن زمان صادق بود، اما در دوره فعلی صحیح نیست.

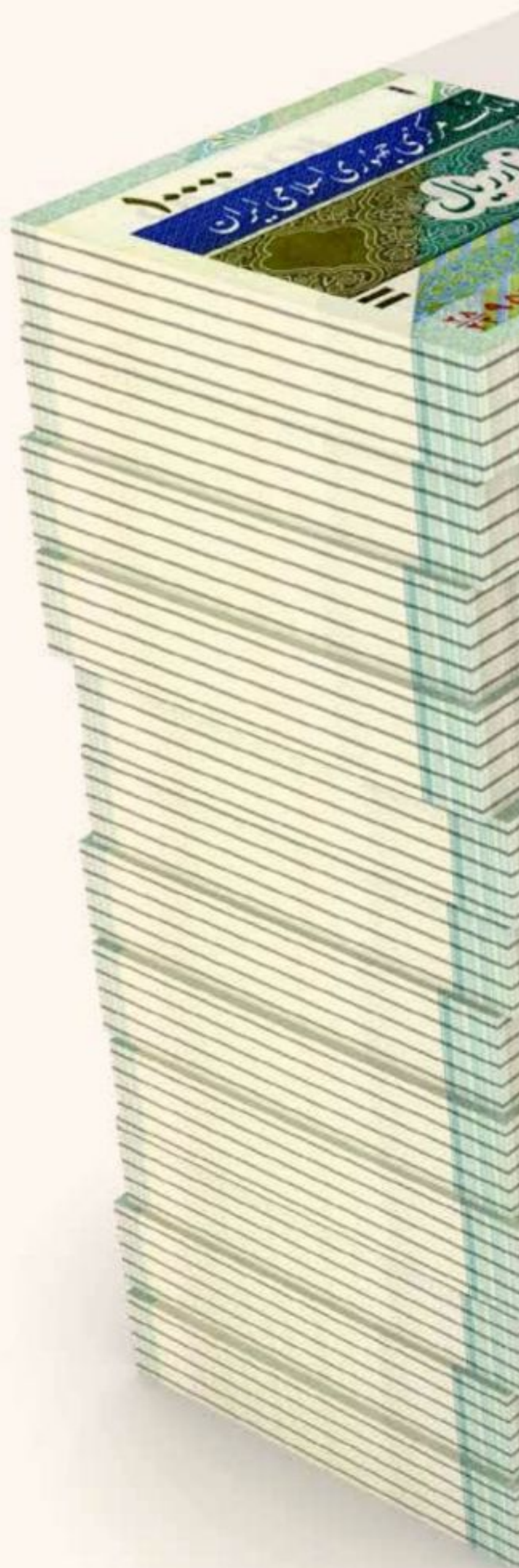
اگر مسائلی مثل کسری بودجه دولت و رشد نقدینگی حاصل از آن دلیل تورم فعلی اقتصاد ایران بود، باید خود را در تغییر ذائقه مصرفی مردم نشان می‌داد. آمارها نشان می‌دهد در یک دهه اخیر مصرف سرانه مردم نه تنها افزایش نیافته، بلکه روند آن کاهش یافته است. بنابراین افزایش تقاضا و رشد نقدینگی نمی‌تواند دلیل تورم فعلی در اقتصاد ایران باشد. نکته دیگر اینکه اگر معتقدیم حجم نقدینگی در اقتصاد ایران بالاست و این مسئله عامل تورم است، باید آن را در مقایسه با تولید ناخالص داخلی تحلیل کنیم. نسبت نقدینگی به تولید داخلی در اقتصاد ایران در حدود ۰.۶ تا ۰.۷ است که به مراتب از دیگر اقتصادهای دنیا کمتر است و نشان می‌دهد اتفاقاً نقدینگی در اقتصاد ایران زیاد نیست و ریشه تورم فعلی در جای دیگری است.

تضعیف پول ملی عامل مهم افزایش قیمت‌ها

و رشد تورم

تورم در دو دهه گذشته بیشتر ناشی از انتظارات تورمی است و با جو روانی در بازار دارایی‌ها، انتظاراتی شکل می‌گیرد که کل اقتصاد را تحت الشعاع خودش قرار می‌دهد و وقتی به پیک بر خورده می‌کند و تکانه‌های خارج از کشور نیز وارد می‌شود، اول از همه ارزش پول ملی را کاهش می‌دهد. بعد از آن قیمت اسمی کالا و خدمات افزایش می‌یابد و موجب افزایش تقاضای نقدینگی از سوی تولیدکنندگان برای تأمین سرمایه در گردش می‌شود. در واقع فشار تقاضای پول است که به ناچار به رشد نقدینگی در اقتصاد منجر می‌شود و اینطور نیست که رشد نقدینگی موجب افزایش قیمت‌ها شده باشد.

اینکه بر اساس نظریه مقداری پول مطرح می‌شود که رشد نقدینگی یا به افزایش تولید منجر می‌شود یا قیمت‌ها را افزایش می‌دهد، یک تصور نادرست است. در اقتصاد ایران سرعت گردش پول تحت کنترل نیست و این ظرفیت وجود دارد که در یک روز با یک حجم نقدینگی ثابت، ۴ بار خرید و فروش انجام شود. در چنین شرایطی صحبت از اینکه تزریق





نشست نخبگان اقتصادی کشور
بارتیس کل سازمان امور مالیاتی کشور؛

همفکری برای ایران

دانشگاهی و اجرایی اقتصاد و مالیات زمینه ارتباط دوسویه را فراهم آورده است. در این نشست نخبگانی دکتر ادیب، دکتر عباسیان، دکتر ابراهیمی، دکتر ترابی قر، دکتر نعمتی، دکتر نصیری اقدم، دکتر رحمانی، دکتر مهر آرا، دکتر مریدی، دکتر نقدی، دکتر عسگری، دکتر عرب سازار، دکتر قوامی و دکتر یازی حضور داشتند و به بیان نظرات خود پرداختند که در ادامه به اهم آنها اشاره می شود.

یکی از جملات معروف مقام معظم رهبری این است که مدیریت تحول کشور باید به دست نخبگان باشد و این مدیریت تحول قبل از اجرا نیاز به فرهنگ سازی دارد. شکل گیری این فرهنگ به این معناست که مردم، سیاستمداران و کارگزاران کشور این موضوع را بپذیرند که کیفیت تصمیمات آنها با حضور نخبگان افزایش پیدا می کند که اگر این موضوع، گفتمان شده و نهادینه شود، آنها هستند که طالب نخبگان خواهند شد. رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور با دعوت از نخبگان

دکتر داود منظور

مدت زیادی بود مترصد فرصتی بودیم تا بتوانیم محضر اساتید گرانقدر بر سرسیم و نقطه نظرات ایشان را در ارتباط با رویکردهای نظام مالیاتی، آنچه اتفاق افتاده و آنچه باید اتفاق بیفتد و ارزیابی هایی که نسبت به کارکردهای مالیات وجود دارد دریافت کنیم. خوشبختانه امروز این افتخار نصیب ما شد.

در ابتدای دولت سیزدهم هدف گذاری شد که مالیات بتواند نقش موثرتری را در تامین مالی دولت ایفا کند و حداقل ۷۰ تا ۸۰ درصد بودجه جاری را تا پایان دولت تامین کند و هدف گذاری دیگر این بود که مقصود مساز مالیات فقط مالیات بر درآمدهای گمرکی است که در GDP بتواند به ۱۰ تا ۱۰/۵ درصد برسد. برای اینکه این هدف گذاری اتفاق بیفتد یکسری تدابیری را اتخاذ کردیم و اقداماتی را شروع کردیم. در این یک سال و دو ماه اقداماتی را فشرده انجام دادیم ولی قطعاً انجام اقدامات اساسی نیاز به وقت و تدبیر بیشتری دارد. اینکه در سال گذشته حدوداً ۵۰ درصدی داشتیم و ۳۰۶ هزار میلیارد تومان وصول شد. امسال هم در ۸ ماهه اول ۳۱۰ هزار میلیارد تومان تحقق داشتیم که رشدی حدوداً ۶۰ درصدی دارد. تا پایان سال هم به حدود ۴۶۰ هزار میلیارد تومان خواهیم رسید. برای سال آینده هم آخرین خبر این است که ظاهراً ۷۳۰ هزار میلیارد تومان فقط مالیات دیده شده است. ۱۲۰ هزار میلیارد تومان



هم عددهای قابل ملاحظه ای است یعنی ما الان برای سال های ۹۸، ۹۹ و ۱۴۰۰ کسانی که اظهارنامه نداده اند برای ایشان عددهایی حدود ۵۰ یا ۶۰ هزار میلیارد تومان مالیات شناسایی کردیم که اینها ابلاغ می شود. هدف ما اینجا این است که تمکین را باز بالاتر ببریم یعنی مودیان ما بدانند اگر اظهارنامه ندهند در واقع نظام مالیاتی به سراغ آنها می رود ولو با تاخیر. در جهتگیری های جدید مسازمان صورتحساب های الکترونیکی هست که براساس قانون پایانه های فروشگاهی باید اجرا می شد که ما سامانه آن را تولید کردیم. یک کار دیگری که داریم تکمیل می کنیم این است که بتوانیم خدمات مالیاتی را الکترونیک کنیم و الان دیگر همه می توانند با کد ملی خودشان وارد درگاه شوند و اطلاعات مالیاتی را ببینند و اظهارنامه بفرستند و درخواست گواهی ۱۸۶ بدهند.

هم گمرک دیده شده است یعنی مجموع درآمد گمرک و مالیات ۸۵۰ هزار میلیارد تومان پیش بینی شده است. این رشد و روندی که اتفاق افتاده را عمدتاً تلاش کردیم براساس اطلاعات بیشتر و بهتر مالیات را شناسایی و وصول کنیم. یکی از مهم ترین اطلاعاتی که ما توانستیم برای تشخیص مالیات ۱۴۰۰ از آن استفاده کنیم اطلاعات دستگاه های کار تخوان برای مشاغل و اطلاعات جمع واریز به حساب برای اشخاص حقوقی بود. مالیات ابرازی مشاغل امسال با احتساب تبصره ماده ۱۰۰ حدود ۲۰۰ درصد رشد داشت و نکته مهم تر اینکه امسال یک و نیم میلیون اظهارنامه بیشتر ارائه شد. یعنی تعداد اظهارنامه های ما به اضافه فرم تبصره ۱۰۰ در بخش مشاغل به ۴ میلیون و ۴۰۰ هزار رسید که یک و نیم میلیون بیشتر نسبت به سال گذشته بود. یک اقدام دیگر اینکه ۲۰۰ پرونده بزرگ را که بالای ۵ هزار میلیارد تومان درآمد و فروششان بود، انتخاب کردیم که امسال به صورت ویژه رسیدگی شوند. تیم های رسیدگی از استان های مختلفی انتخاب می شوند. مثلاً یک پرونده مهم مانند فولاد مبارک که ۳ نفر از ۳ استان برای رسیدگی می روند. کسانی که ثبت نام داشتند و اظهارنامه نداده بودند اینها را هم استخراج کردیم هم حقیقی و هم حقوقی و براساس اطلاعات فعالیت هم داشته اند. ما برای اینها اظهارنامه برآوردی تولید کردیم. این شاید اولین باری است که دارد اتفاق می افتد. یعنی ما اظهارنامه برآوردی به صورت سیستمی و براساس اطلاعات مسازمان تولید کردیم. عددها



از هر چیزی هدف قرار داده شده ولی هدف اصلی باید هدایت اقتصادی و اتخاذ سیاست های اقتصادی از طریق مالیات باشد. درست است که ما رشد مالیاتی داریم اما بحث تورم هر ساله هم مطرح است. گاهی به میزان رشد مالیات تورم هم داریم که نشان می دهد رشد واقعی اتفاق نیفتاده مضافاً اینکه رشد مالیاتی در شرایط رکودی توجیه ندارد مگر اینکه از بخش های پنهان اقتصاد مالیات گرفته شود چون در غیر این صورت جامعه با مشکل مواجه می شود.



سری پایانه های مالیاتی داریم که اصلاح کردیم حالا برخی از دوستان نظر دیگری روی پایه مالیات بر مجموع درآمد داشتند حداقل برای ۵ سال آینده نه اکنون، اکنون باید برنامه ریزی کنیم. اگر داده هایمان را سازماندهی کرده باشیم، در ۵ سال آینده به یک تمکن اطلاعاتی و داده های مالیاتی رسیده ایم، ۵ سال آینده می توانیم مجموع درآمدهای مالیاتی را اجرایی کنیم. همه دنیا ۳ پایه اصلی مالیاتی دارند. یکی مالیات بر ارزش افزوده، دوم مالیات بر شرکت ها و سوم مالیات بر مجموع درآمد که عمده مالیات شان یعنی ۹۰ تا ۹۵ درصد روی این ۳ پایه قرار دارد. خیلی از پایه های خرد و ریزی که در نظام مالیاتی داریم دست و پا گیر بوده که در زیر پایه های مالیاتی از جمله مالیات های اجاره، نقل و انتقال اتومبیل، شماره گذاری و... هستند که دست و پای ما را بسته اند.

خیلی از این زیر پایه ها را باید بیرون بریزیم و روی ۳ پایه اصلی سرمایه گذاری کنیم. باید کارمان را متمرکز کنیم و آنها را مبنا داده های واقعی و میدانی قرار دهیم.

بحث بعدی این است که وقتی ما جلوگیری از فرار مالیاتی می کنیم عدالت هم بیشتر محقق می شود چون بعضی از دوستان می گویند این فرارش زیاد نیست. مهم نیست چقدر فرار می کند چون ذهنیت عدم عدالت را به چندین برابر میزانی که هست به جامعه القا می کند. ممکن است یک صنفی ۳ هزار میلیارد فرار مالیاتی داشته باشد که بگویند ارزش ندارد برویم سراغش، ولی آن ۳ هزار میلیارد تومان ۳۰ هزار میلیارد القای عدم عدالت مالیات می کند و از این جهت مهم است.

نکته بعدی نظام مالیاتی که خیلی مهم است این است که اولاً پارانه ها را ساماندهی کنید چه در تولید و چه در مصرف و دوم اینکه نظام مالیاتی را حتماً اصلاح کنید.

دکتر قوامی

به چند نکته اشاره می کنم که شاید مالیاتی نباشد. اول دیدگاه کلی فرهنگ مالیاتی که در کشور حاکم است. ما در طول تاریخ همیشه از مالیات با دیدگاه کمک به ظالم یاد کردیم و اکنون بعد از شکل گیری حکومت اسلامی کار غنی تری باید انجام شود. مالیات از دیدگاه کلان ۳ رکن اساسی دارد. یکی از این ارکان تولید ناخالص ملی است که به چه شکلی رشد دارد و چگونه توزیع می شود. دوم مقررات حاکم است و سوم سازمان امور مالیاتی است.

در سازمان امور مالیاتی طی دوره های مختلف زحمت کشیده شده و در دوره کنونی نیز موفق عمل کرده و توسط دولت به عنوان سازمان موفق جزو رتبه های اول معرفی شد. در رکن سازمانی مهم ترین بحث شفافیت سازی است که شما با الکترونیکی کردن کارها در حال انجام آن هستید. به نظر من اولویت شفافیت است. تا شفافیت حاصل نشود سایر اهداف مالیاتی به مقصد خاص خود نمی رسد. نکته دیگر این که در این حوزه کسب درآمدهای مالیاتی بیش

دکتر عسکری

این آمار و آرزوهای دیرین نظام مالیاتی که سال ها دنبالش بودیم دارد به ثمر می نشیند. نکته اول من این است که هر قدر سازمان روی اطلاعات و داده ها کار کند کم است و باید خیلی از وقت مان را در سازمان روی جمع آوری داده ها و تسهیل داده ها بگذاریم. نکته دوم این که هنوز در کشور نیاز است که نهادهای حاکمیتی بعضی از موضوعات را در مالیات جدی بگیرند، البته خیلی بحث می شود و موضوعات مختلفی هم مطرح می شود ولی من هنوز جدیت را در نهادهای حاکمیتی نمی بینم. هنوز می بینم تصویب یک قانون ۴ یا ۵ سال در مجلس طول می کشد که آن جدیت در آن دیده نمی شود. از یک طرف ما این همه به سازمان مالیات تاکید می کنیم حرکت و رشد داشته باشد ولی از آن طرف دیگر ابزارهای آن را در اختیارش قرار نمی دهیم.

شما یک بخش کار دارید که در میدان هستند، ولی پشتیبانی این کار با نهادهای حاکمیتی است که باید انجام بدهند. خود دولت و دستگاه های دولتی هم باید این اهمیت را واقعاً درک کنند که اگر به میدان نیایند و درک نکنند کار شما سخت خواهد شد و در واقع کار به تاخیر می افتد و اوضاع پیچیده می شود. نکته بعدی این است که ما همیشه می گفتیم در رسیدگی های مالیاتی راهبرد باید این باشد که سه حداقل پرونده ها برسیم. یعنی در طرح جامع ما همیشه بحث مان این بود که حداکثر پرونده هایی که باید رسیدگی کنیم باید حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد باشد و بقیه را باید از طریق پذیرش اظهارنامه مودی بپذیریم و روی پرونده هایی که ریسک بالایی دارند متمرکز کنیم. باید نسبت به همه آنها بی که انحراف شان بالاست سخت بگیریم و تمرکز و وقتمان را روی پرونده های آنها بیشتر کنیم.

نکته بعدی بحث کنترل های سیستمی است. ما الان با این حجم در میدان داده ها، نمی توانیم اینها را کنترل کنیم. موضوع ارزش افزوده و دستگاه های کار تخوان و کنترل اینها به هم خیلی کمک می کنند. یعنی هر چه کنترل کنیم هم در کار تخوان ها، هم در ارزش افزوده و هم در عملکرد پیشرفت می کنیم. الان قانون کار تخوان ها که آمده و دستور العمل هایش هم در مسیر قرار گرفته و اصلاحاتی هم انجام خواهد گرفت قانون مهمی است.

نکته آخر بحث اصلاح پایانه های مالیاتی است. به هر حال ما یک



دکتر پاریزی

موضوعات آی تی، سیستم های انفورماتیک، سامانه های یکپارچه و بحث دسترسی به سامانه های اطلاعاتی با تاکید بر وکیوم اطلاعات سیستم بانکی قابلیت های بیشتری ایجاد کرده و در نتیجه کارایی را بیشتر کرده است. ولی نکته یا طرح سوال در این مقطع این است که این قابلیت ها تا چه اندازه می تواند انتظارات بیرونی را که حاکمیت نسبت به نظام مالیاتی دارد برآورده کند. وقتی در ساختار فعلی بحث می شود و موضوعاتی مثل کسری بودجه و نفت و انتظارات از مالیات مطرح می شود، تاب آوری این سیستم تا کجاست؟ این سوال را شاید دوستان دانشگاهی بتوانند بهتر پاسخ دهند و به ما کمک کنند. حکمرانی کشور تا امروز نگاهش به مالیات اقتضایی بوده و تصور نمی کرده به جایی برسیم که مجبور شویم به طور کلی نفت را کنار بگذاریم و به درآمدهای مالیاتی محدود شویم. نظام تامین مالی دولت هم تاکنون وابسته به این دو گزینه بوده ولی در حال حاضر همه چیز یا متوجه مالیات و یا کسری بودجه است. اگر بخواهیم بخش زیادی از این انتظارات متوجه مالیات شود که از نظر اصولی هم درست است؛ در کوتاه مدت و میان مدت واقعاً چه کار باید کرد؟ تصور من این است که تا الان نگاه به مالیات اقتضایی بوده و تصور این بوده که درآمد نفت برای تامین مالی است و در کنارش به هر دلیل به دنبال توسعه سیستم مالیاتی نبودیم. این تغییر نگاه کجا باید اتفاق بیفتد. همه این فروض ذهنی ما باید تغییر کند و گشاده دستی ها و معافیت ها باید برداشته شود و نگاه مجددی به مسئله تامین مالی کشور بکنیم.

دکتر عرب مازار



در خصوص میزان افزایش هر ساله درآمدهای مالیاتی در بودجه که سازمان برنامه و بودجه مشخص می کند، این اعداد هر سال بدون هیچ مبنای خاصی مصوب می شوند. این ضریب بایستی براساس نسبت های صحیحی که در اثر بررسی و تحلیل درست از میزان تورم، افزایش حقوق و دستمزد، میزان واقعی رشد و... استخراج شده افزایش یابد. در موضوع اخذ مالیات طبیعتاً یک بخش اجرایی و اقدامات سازمان مالیاتی جهت تامین منابع دولت مطرح است که انجام می شود اما بخش دیگر هم تاثیرات بلندمدت اخذ مالیات است که ممکن است به سازمان مالیاتی مربوط نباشد ولی عملاً در وزارت اقتصاد باید مورد توجه قرار گیرد. در داخل سازمان هنوز نفوذ اطلاعاتی ستاد به بدنه دستگاه های ادارات کم است. بسیاری از پرونده ها هستند که مالیاتشان قطعی می شود ولی در پوشه می ماند و بیرون نمی آید. این بحث اداره مودیان بزرگ کار ارزشمندی است که فکر می کنم این اداره برای این درست شد که این مودیان پرونده هایشان سریع تر بررسی شود. از طرف دیگر وظایف زیادی به سازمان بار می شود و وقت نیروی انسانی گرفته می شود. قوانین و لوایحی که دائماً مصوب می شوند و هر کدام بار جدیدی برای نیروی انسانی است تا آن را یاد بگیرند و انجام دهند. لذا فکر می کنم اگر بتوانیم این اعداد را به طور واقعی از اقتصاد بگیریم اصولی تر است هم برای مردم و فشاری که به آنها وارد می شود، هم حجم ادارات و شوراها و هم برای سیاستگذاری های دولت.

دکتر ادیب

اولین سوالی که باید پرسیم این است که ظرفیت مالیاتی در کشور چقدر است و این به کمک آمار قابل احصاست. در سال ۱۹۶ اگر میزان خریدی که بر اساس پایانه های فروشگاهی، اینترنت و مدال و آن مقداری که از خود پردازها مردم اسکناس گرفتند تقسیم بر نرخ روز دلار بکنیم مردم در یک ماه ۱۰۸ میلیارد دلار خرید کردند. در سال ۹۷ این مقدار ۴۷ میلیارد دلار می شود و از سال ۹۷ تا الان این عدد ثابت است. در ماه آبان این مقدار ۴۲ میلیارد دلار است. این یک پیام دارد که از سال ۹۷ تا الان قدرت میزان خرید قریب جامعه ثابت است. پس اولاً ظرفیت جامعه ما برای خرید از ۱۰۸ میلیارد سال ۹۶ شده ۴۷ میلیارد و دوم اینکه در دنیا از شروع کرونا ۱۱۰ قلم کالا هست که تورمش ماهانه اعلام می شود. این ۱۱۰ قلم کالا میانگین حساسی که بگیریم نه میانگین وزنی نسبت به قبل کرونا ۱۲۶ درصد افزایش قیمت پیدا کرده است. می بینیم که اقتصاد ایران به شدت کوچک شده است. بنده پیشنهاد می کنم که راه حل مبنای مالیات این باشد که ببینیم تورم تولیدکننده یا مصرف کننده چقدر است اگر سود شرکت ما زیاد بر تورم یک سال گذشته بود از این سود مالیات بگیریم. شما دارید سود ناشی از تورم را می گیرید و این واکنش اجتماعی دارد. نکته دوم اینکه شرکت های ما ذخیره استهلاک را تاریخی حساب می کنند. با دلار ۴۰۰۰ تومان ذخیره استهلاک محاسبه می کنند بعد سود را بر اساسی شناسایی می کنند که ذخیره استهلاک را تاریخی حساب کرده این فیک است چنین سودی وجود ندارد. باید حداقل ۲۵ درصد سود یک شرکت را برای نوسازی کنار بگذارد. از ۱۰۰ شرکت موفق در آمریکا و اروپا ۹۰ تای آن سال پنجم شکست می خورند. علت اینکه شکست می خورند این است که ۲۵ درصد سود هر ساله را باید برای نوسازی کنار بگذارند. ذخیره استهلاک واقعی ۲۵ درصد سود است. من به سازمان امور مالیاتی پیشنهاد می دهم که اولاً از سود تورم مالیات بگیرند دوماً ذخیره استهلاک را معادل ۲۵ درصد سود اعلامی برای نوسازی در نظر بگیرند.

دکتر ابراهیمی

نکته اول: مالیات باید با رضایت داده شود و تلاش برای تمکین مالیاتی افزایش پیدا کند. نکته دوم: بحث عدالت مالیاتی است. در مورد شرکت ها بحث عدالت مالیاتی نیز مهم است.

دکتر نعمتی

ظرفیت تولید کشور در ۵۰ سال گذشته، تغییری نکرده است و نقدینگی ۱۰۰ هزار برابر شده است. ۵۰ میلیارد تومان سال ۱۳۵۰، ۱۰۰ هزار برابر نقدینگی شده است. ببینید چقدر از منابع تولیدی برداشت شده است. به غیر از دوران تحریم که صدور نفت کاهش پیدا کرد، ۱۰ میلیون بشکه نفت از منابع برداشت کرده ایم. با بشکه ای ۵۰ دلار (۲۰ هزار تومان را ضرب در ۳۶۵ کنیم، رقمی حدود ۸۰۰ همت در سال از منابع طبیعی برداشت کرده ایم). در این ۵۰ سال اتفاق خاصی نیفتاده است. تولید در کشور کوچکتر شده است. برای اینکه جهت عوض شود و از نظام رانتهی به نظام تولیدی و اقتصاد دانش بنیان برسیم، برای اولین اصلاح اقتصادی، نظام مالیاتی می تواند ایفای نقش کند. نظام مالیاتی مطلوب می تواند به جای سازمان برنامه نقش داشته باشد. به جای تولید دانش بنیان در این زمان که نظام تولیدی نداریم و نظام رانتهی است باید فرارهای مالیاتی، فسادها و غیرمولدها در نظر باشد. نظام مالیاتی می تواند تنظیم کننده باشد. بخصوص در مواردی که اقتصاد غیرمولد است. سیستم مالیاتی باید تجدید ساختار کند. مشخص شود هر کس چقدر درآمد دارد، چقدر ثروت دارد و عرصه بر مالیات غیرمولد تنگ شود. شرط اول نظام تولید، نظام مالیاتی است.

دکتر رحمانی

فرمایش شما در خصوص کنترل تورم، مسئله ای بسیار کلیدی است. تورم موجب شکل گیری نارضایتی اجتماعی شده و پرداخت مالیات را با معضل روبه رو می کند. از طرفی به دولت فشار می آورد تا سازمان مالیاتی مالیات بیشتری وصول کند و در غیاب تورم این فشار نخواهد بود.



عایدی سرمایه در ایستگاه بهارستان

مهدي رنجبر

مالیات یکی از بسا ثبات ترین درآمدهای دولت است که ابزار مناسبی در اجرای عدالت در جامعه، مواجه با تورم، کاهش فاصله طبقاتی و تشویق در حوزه سرمایه گذاری به حساب می آید. در یک مفهوم کلی می توان مالیات را به دو بخش مالیات های مستقیم و مالیات های غیر مستقیم تقسیم بندی کرد. مالیات های مستقیم مالیات های هستند که پرداخت کنندگان آن معلوم بوده و نام و مشخصات و منبع مالیاتی آن ها برای دستگاه مالیاتی شناخته شده است. به عبارت دیگر مالیات های مستقیم مالیات هایی هستند که به طور مستقیم از افراد یا اشخاص وصول می شود و شامل مالیات بر دارایی و مالیات بر درآمد می باشد. مالیات بر دارایی شامل حق تمیر و مالیات بر ارث است. از طرفی مالیات بر درآمد شامل مالیات بر درآمد املاک، مالیات بر درآمد کشاورزی، مالیات بر درآمد حقوق و مالیات بر درآمد مشاغل و مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی و مالیات بر درآمد اتفاقی است. مالیات های غیر مستقیم مالیات هایی هستند که پرداخت کنندگان آن برای سازمان امور مالیاتی نشناخته است. به عبارت دیگر مالیات های غیر مستقیم مالیات هایی هستند که به طور غیر مستقیم بر قیمت کالاها و خدمات اضافه شده و بر مصرف کننده تحمیل می گردد که مشتمل بر مالیات وصولی در مبادی ورودی و یا فروش در دخل می باشد. با توجه به اهمیت و جایگاه مالیات در اقتصاد، یک سیستم مالیاتی دارای شرایط مهمی چون عدالت و کارایی است که بر اساس آن پایه های گوناگون مالیاتی تعریف می شود. مالیات بر عایدی سرمایه نیز یکی از پایه های مالیاتی است که موجب کاهش سوداگری و ایجاد ثبات در بازارهای دارایی از طریق کاهش نوسانات قیمتی، حمایت از تولید از طریق کاهش سود فعالیت های غیر مولد رقیب تولید و برقراری عدالت مالیاتی میان سوداگران و سرمایه داران با تولیدگران و

کارمندان می شود.

عایدی سرمایه (Capital Gain) به میزان افزایش ارزش قیمت فروش یک دارایی نسبت به قیمت خرید آن اطلاق می شود. بنابراین مالیات بر عایدی سرمایه، مالیاتی است که بر عایدی حاصل از نقل و انتقال (خرید و فروش) دارایی های سرمایه ای شامل انواع دارایی منقول یا غیر منقول، مشهود یا نامشهود وضع شود. پیرامون وضع مالیات عایدی سرمایه در نظام مالیاتی کشور نیازمند به دوایز (بستر اجرایی) و (تصویب قانون مالیات بر عایدی سرمایه) می باشد که طراحی بستر اجرایی به عهده سازمان امور مالیاتی و قانون مالیات بر عایدی سرمایه به عهده مجلس شورای اسلامی است.

منظور از بستر اجرایی فرآیندی است که سازمان امور مالیاتی به کمک آن تمامی معاملات مشمول مالیات بر عایدی سرمایه را شناسایی کرده و مالیات اشخاص را تعیین نماید. اطلاعات لازم برای وضع مالیات بر عایدی سرمایه شامل قیمت خرید، قیمت فروش و دوره نگهداری دارایی می باشد. تولید این اطلاعات به منظور محاسبه مابه التفاوت قیمت فروش و قیمت خرید و نیز محاسبه میزان مالیات قابل پرداخت بر اساس دوره نگهداری دارایی، مستلزم وجود زیرساخت های اجرایی ویژه ای است که سازمان امور مالیاتی در حال طراحی و تنظیم آن است.

از طرفی سابقه قانونی تصویب قانون مالیات بر عایدی سرمایه به قبل از انقلاب بر میگردد. در بخش درآمد املاک در قانون مالیات های مستقیم مصوب سال ۱۳۴۵ ذیل ماده ۲۳، تفاوت قیمت خرید و فروش ملک به عنوان یک نوع درآمد و عایدی محسوب شده و مشمول مالیات بوده است. پس از انقلاب در سال ۱۳۶۶ قانون مالیات های مستقیم تصویب و موجب تغییرات و اصلاحاتی گردید که در فصل مالیات سالانه املاک در ذیل باب مالیات بر داراییها، مالیاتی شبیه به مالیات بر عایدی سرمایه برای بخش املاک تعبیه شد. اما پس مدتی در سال ۱۳۷۱ این ماده قانونی از قانون حذف گردید. کلیه موارد مشابه مالیات بر عایدی سرمایه و مربوط به املاک و مواد قانونی آن در سال ۱۳۸۰ حذف گردید.

بعد از گذشت هشت سال خرداد سال ۱۳۸۸ مصوبه دولت برای اخذ مالیات از بخش دلالی مسکن کشور بلاغ گردید. متأسفانه مصوبه مذکور بر اساس نامه رئیس مجلس شورای اسلامی، لغو شد. با توجه به اهمیت این پایه مالیاتی و خلغ قانونی مالیات بر عایدی سرمایه در سال ۱۳۹۱ وزارت امور اقتصادی و دارایی طی لایحه اصلاح قانون مالیات های مستقیم، مالیات بر عایدی سرمایه را به مجلس ارائه داد. این لایحه در سال ۱۳۹۳ در صحن علنی مجلس شورای اسلامی مطرح شد، اما مورد تأیید قرار نگرفت و با نامه وزیر وقت راه و شهر سازی و صحنه گردانی رئیس وقت مجلس، بند مربوطه حذف شد.

مجدداً طرح قانونی مالیات بر عایدی سرمایه در حوزه املاک در تیرماه ۱۳۹۷ توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی بایستگاه

از ۱۰۰ امضاء ارائه شد تا در صورت تصویب به عنوان ماده ۶۰ به قانون مالیات های مستقیم الحاق شود. این طرح در کمیسیون اقتصادی مجلس بررسی و در آبان ماه ۱۳۹۷ با کلیات آن موافقت شده اما در جریان بررسی جزئیات، طرح مذکور به دلیل وعده دولت جهت ارائه لایحه های جامع در آینده نزدیک، متوقف شد اما این لایحه تاکنون ارائه نشده است و طرح مذکور نیز به دلیل اتمام دوره مجلس کان لم یکن تلقی شد.

در خرداد ۱۳۹۹ و با شروع مجلس یازدهم بار دیگر طرح مالیات بر عایدی سرمایه مطرح شد. این طرح پس از جلسات متعدد کارشناسی در کمیته های تخصصی مجلس و کمیسیون اقتصادی در دی ماه ۱۳۹۹ تصویب شد و در صف بررسی صحن علنی قرار گرفت. کلیات این طرح در ۵ خرداد ۱۴۰۰ در صحن علنی مجلس تصویب شد اما فشار ذینفعان به کمیسیون اقتصادی مجلس باعث شده جزئیات طرح تاکنون برای بررسی در دستور صحن علنی قرار نگیرد و به کمیسیون مربوطه بازگشت. طرح مذکور در روز یکشنبه ۱۱ دی ۱۴۰۱ در دستور کار صحن علنی قرار گرفت و تاکنون دو ماده آن هم بررسی شده است. این طرح در ۲۷ ماده تدوین شده و دارای ابعاد و جزئیات زیادی است. طرح مالیات بر عایدی سرمایه علی رغم بررسی های پی در پی کارشناسان اقتصادی در کمیته های تخصصی مجلس و کمیسیون اقتصادی همچنان در صحن علنی مجلس مسکوت مانده است.

با وجود بلا تکلیفی تصویب جزئیات طرح مالیات بر عایدی سرمایه، نقدهای کارشناسی مثبت و منفی را به خود اختصاص داده است. موافقان این طرح ادعان می دارند که کنترل سوداگری و سفته بازی از مهم ترین کارکردهای این طرح است چرا که این طرح موجب افزایش هزینه فعالیت های غیر مولد در حوزه های املاک، ارز و سکه می شود. ارتقای عدالت به نحوی که بهبود عدالت فقی و عمودی در جامعه و رعایت عدالت میان کسانی که درآمد حاصل از نیروی کار کسب می کنند و کسانی که عایدی سرمایه دارند کمک می کنند. از دیگر کارکردهای مثبت طرح مذکور است. کارکرد درآمدی از دیگر آثار مثبت طرح مذکور است و سهم قابل توجهی از درآمدهای مالیاتی در راستای تأمین مالی دولت حاصل می گردد. ارتقای کارایی به گونه ای که سرمایه ها به سمت تولید واقعی و بازار مولد سوق پیدا می کنند و موجب افزایش کارایی در اقتصاد می شود. آثار مثبت طرح مالیات بر عایدی سرمایه است. از طرفی مخالفان طرح عایدی سرمایه نظرات کارشناسی خود را این گونه بیان می دارند که طرح عایدی سرمایه موجب خروج سرمایه از کشور می شود. با توجه به وضع موجود در اقتصاد کشور و نیاز به جذب سرمایه اگر این پیش بینی محقق شود اقتصاد با بحران مواجه خواهد شد و موجب رکود اقتصادی و کاهش فعالیت های اقتصادی می شود. نکته دیگر اینکه طرح مذکور موجب نارضایتی اجتماعی می شود. با توجه به مطالعات تجربی سایر کشورها پیرامون مالیات عایدی سرمایه، همه کشورهایی که این پایه مالیاتی را اعمال می کنند از تورم تک رقمی برخوردارند، در حالی که در شرایط کنونی کشور تورم های بالا (۳۵ الی ۴۰ درصد) را تجربه می کند. تعریف دقیقی از عایدی سرمایه را نمی توان ارائه داد. از طرفی پیچیدگی و غیر قابل اجرا بودن بستر اجرایی مالیات بر عایدی سرمایه و نحوه و چگونگی تعدیل سرمایه در شرایط تورمی است. با توجه به گستردگی نظرات موافقان و مخالفان طرح عایدی سرمایه و آثار اقتصادی آن، که به بخشی از آن اشاره گردید، طرح مالیات بر عایدی سرمایه در ایستگاه بهارستان همچنان در حال بررسی است.



دارایی‌های مشمول



انواع ارز



انواع سکه، طلا و جواهرآلات



انواع وسایل نقلیه



املاک با انواع کاربری

در صورتی که تراکنش بانکی بدون صورت حساب الکترونیکی یا انتقال دارایی بدون وجود تراکنش بانکی صورت بگیرد؛ به عنوان درآمد غیر شفاف شناسایی شده و اگر قابل توجه بوده و بیش از معافیت تعیین شده باشد، از آن مالیات اخذ می‌گردد.

دوره تنفس برای دارایی‌های خریداری شده از قبل



طلا و ارز تا ۶ ماه پس از اجرای قانون



مسکن و خودرو تا ۴ سال پس از اجرای قانون

معاف از پرداخت مالیات بر عایدی سرمایه

خلاصه

طرح مالیات

بر سوداگری

معافیت‌ها

بر اساس گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس به شماره مسلسل ۱۸۵۹۰، ۱۸۵۹۰ و ۱۸۲۱۷

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی



فروش املاک نوساز



حداکثر برای یک نفر در ۵ سال



حداکثر برای یک خانواده



اراضی کشاورزی



بازار سرمایه

بیش از ۹۵ درصد خانواده‌ها از پرداخت مالیات عایدی بر خانه و وسیله نقلیه معاف هستند

- تعویق مالیات بر عایدی املاک مرتبط با فعالیت اقتصادی در صورت جایگزینی ملک



دارایی برای شغل (مانند طلا برای طلافروشی)



حداکثر ۱۰۰ درصد برای مناطق آزاد

- معافیت ۷ درصدی املاک اشخاص تجاری در شهرهای کم جمعیت

- کسر مالیات بر درآمد ایزاری و هزینه حقوق و مزایا پرداختی از عایدی سرمایه املاک تا ۹ درصد



تراکنش‌ها و انتقالات دارایی میان اعضای خانواده



امکان یکبار دریافت هدیه معاف از مالیات برای هر شخص در طول عمر (حداکثر تا ۷/۷ میلیارد تومان) (آستانه این معافیت هر سال افزایش می‌یابد)

مأخذ

- قیمت خرید

تعدیل تورمی + قیمت خرید -

مدت نگهداری

۶ سال

۱۰۰٪ تعدیل تورمی

پرونده

درآمد غیر شفاف

خرید و فروش

| تراکنش | صورت حساب | شناسایی درآمد غیر شفاف |
|----------------|-----------|------------------------|
| ارزش تراکنش | ✗ | ✓ |
| ارزش صورت حساب | ✓ | ✗ |

۵۰۰ میلیون تومان

معافیت سالانه درآمد غیر شفاف برای هر شخص حقیقی بالای ۱۸ سال



مجموع درآمدهای غیر شفاف در سال

معافیت سالانه (۵۰۰ میلیون تومان)



مشمول مالیات بر درآمد غیر شفاف

معاف از مالیات

دستاوردها



افزایش درآمدهای مالیاتی



کاهش فرار مالیاتی



مالیات ستانی هوشمند بدون دخالت عامل انسانی



کاهش کسری بودجه



تسهیل فضای کسب و کار



کاهش هزینه مالیات ستانی



تقویت حکمرانی ریال با ایجاد شفافیت اقتصادی



جلوگیری از قاچاق کالا از جایی که فروشنده کالا قاچاق نمی تواند صورت حساب الکترونیک صادر نماید، درآمد حاصل از قاچاق به عنوان درآمد اتفاقی شناسایی می شود



شناسایی تمامی درآمدهای اشخاص مالیات ستانی منحصر به درآمد ناظر بر عایدی سرمایه و درآمد غیر شفاف



بذمیات



قیمت فروش = مالیات بر عایدی حاصل از فروش طلا و ارز



قیمت فروش = مالیات بر عایدی حاصل از فروش مسکن و خودرو

۵۰٪ تعدیل تورمی

شروع تملک دارایی



اختلاف قیمت خرید و فروش



خلاصه نظر موافقان
طرح مالیات بر عایدی سرمایه؛

اکسیر تورم

تقاضای سوداگرانه در کنار عوامل دیگری مانند رشد نقدینگی، از جمله عواملی است که موجب نوسانات قیمتی در بازار دارایی‌هایی همچون مسکن، خودرو، طلا و ارز می‌شود. این نوسانات قیمتی با ایجاد نااطمینانی از یک سو و با افزایش قیمت از سوی دیگر موجب اختلال در روند فعالیت‌های اقتصادی شده و تقاضای مصرفی مردم را با مشکل مواجه می‌کند. برای محدودسازی فعالیت‌های سوداگرانه و همچنین رعایت عدالت و حمایت از فعالیت‌های مولد، وضع مالیات بر عایدی سرمایه ضروری است. مالیات تنظیمی عایدی سرمایه با هدف حل مشکل‌های بیان شده، یکی از پایه‌های مالیاتی است که از دیرباز (بیش از ۱۰۰ سال) در بسیاری از کشورها اجرایی شده است و در سال ۲۰۲۱ در دست کم ۱۴۲ کشور استفاده شده است و انتظار می‌رود با وضع این مالیات، نوسانات قیمتی ناشی از سوداگری کاهش یابد.

از جایی که در نظام مالیات بر عایدی سرمایه، تکالیف مالیاتی علاوه بر اشخاص حقوقی، متوجه اشخاص حقیقی هم می‌شود لازم است تا با استفاده از معافیت‌های گسترده، ضمن کاهش افراد مشمول مالیات و تسهیل فرایند مالیات سستانی، با تفکیک نیازهای مصرفی از تقاضای سوداگری، از ایجاد اختلال در زندگی مردم جلوگیری شود. برای همین منظور در گزارش شور دوم طرح مذکور، معافیت‌هایی گسترده‌ای به منظور جلوگیری از شمول نیازهای مصرفی اشخاص تعبیه شده است که فهرستی از آنها در ادامه بیان می‌شود:

- معافیت املاک مسکونی به تعداد اعضای خانوار (تا سقف سقف ۴ ملک مسکونی).
- معافیت وسایل نقلیه به تعداد اعضای خانوار (تا سقف ۴ وسیله نقلیه).
- معافیت ۲۰۰ گرم طلای ۱۸ عیار برای هر شخص در هر ۵ سال.
- معافیت عایدی املاک تا حد مشخص شده در ماده (۸۴) قانون مالیات‌های مستقیم در هر سال به منظور پوشش هزینه‌های نوسازی.
- معافیت اراضی کشاورزی.

همچنین علاوه بر این موارد، لازم است با اعطای معافیت‌های مناسب، ضمن جلوگیری از رکود، زمینه انتقال سرمایه از بازارهای طلا، مسکن، خودرو و ارز به بخش‌های تولیدی فراهم شود. برای این منظور در گزارش کمیسیون اقتصادی در این رابطه موارد زیر لحاظ شده است:

- عدم شمول بازار سهام.
 - معافیت فروش املاک نوساز.
 - معافیت انواع دارایی مرتبط با فعالیت شغلی.
 - تعویق مالیات بر عایدی املاک مرتبط با فعالیت اقتصادی در صورت جایگزینی ملک.
 - معافیت ۷۰ درصدی اشخاص تجاری در شهرهای کم جمعیت.
 - کسر مالیات بر درآمد ابرازی و هزینه حقوق و مزایای پرداختی، از عایدی سرمایه املاک.
 - تخفیف مالیاتی حداکثر تا ۱۰۰ درصد برای مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی.
- شایان ذکر است خرید و فروش دارایی‌ها در صورتی که توسط شرکت‌های رسمی و دارای مجوز صورت گیرد، در ضمن قاعده مند و شفاف شدن این فعالیت‌ها، موجب افزایش نقدشوندگی دارایی‌ها در اقتصاد می‌شود. معافیت عایدی سرمایه برای دارایی‌های مرتبط با فعالیت شغلی نیز به همین منظور لحاظ شده است. این شرکت‌ها ملزم به پرداخت مالیات بر عملکرد خود ناظر به درآمد حاصل از خرید و فروش دارایی هستند و از این طریق، ضمن شفافیت عملکرد این واحدهای اقتصادی برای حاکمیت، عدالت مالیاتی میان این فعالیت‌ها و سایر فعالیت‌های اقتصادی برقرار می‌شود.
- از دیگر نکات حائز اهمیت در طراحی مالیات بر عایدی سرمایه، بستر اجرایی لازم برای اخذ این پایه مالیاتی است. حداقل اطلاعات لازم برای وضع مالیات بر عایدی سرمایه عبارتند از: اطلاعات قیمت خرید، قیمت فروش و دوره نگهداری دارایی. با توجه به تعداد بالای اشخاص حقیقی مشمول مالیات بر عایدی سرمایه، اجرای این مالیات با تکیه بر عوامل انسانی (ممیز مالیاتی) نه تنها مطلوب نیست بلکه عملاً امکان‌پذیر نیست و لازم است

این فرآیند به صورت سامانه‌ای صورت گیرد. همچنین در طراحی و وضع قوانین مالیاتی برای اشخاص حقیقی باید تکالیف مؤدیان به نحوی باشد که تکالیف مذکور برای همه اشخاص با هر سطح دانش و مهارت و در هر نقطه کشور به سهولت قابل انجام باشد؛ اگر این موارد در طراحی بستر اجرایی لحاظ نشوند، این قانون فاقد پذیرش اجتماعی بوده و در عمل با چالش جدی در اجرا مواجه خواهد شد. به همین دلیل در این طرح، تکالیف مالیاتی به طور مستقیم متوجه مؤدیان نبوده و این مراجع رسمی ثبت معاملات هستند که باید اطلاعات مربوط به معاملات را برای سازمان امور مالیاتی ارسال نمایند.

این رویکرد که به «ثبت معاملات از طریق اشخاص ثالث» شناخته می‌شود، ضمن تسهیل فرایند مالیاتی برای مؤدی و سازمان امور مالیاتی، موجب حذف رابطه میان مؤدی و ممیز مالیاتی می‌شود. برای مثال در روند معامله یک منزل مسکونی، خریدار و فروشنده تغییری نسبت به قبل مشاهده نمی‌کنند و این دفتر ثبت اسناد رسمی (شخص ثالث) است که در هنگام انتقال ملک، باید فرم یا صورتحساب الکترونیکی مربوطه را برای سازمان امور مالیاتی ارسال نماید. نهایتاً به منظور حصول اطمینان از ثبت تمامی معاملات مربوطه و جلوگیری از فرار مالیاتی، سازمان امور مالیاتی با تقاطع اطلاعات به دست آمده از اشخاص ثالث (اطلاعات رویداد مالی) و اطلاعات مربوط به تراکنش‌های بانکی (نظام پرداخت) نسبت به شناسایی موارد عدم انطباق به عنوان «درآمد اتفاقی» اقدام می‌کند.

با وضع مالیات بر درآمد اتفاقی و در نظر گرفتن سقف معافیت برای آن، اشخاص از انجام معاملات غیر شفاف منفعتی کسب نکرده و انگیزه فرار مالیاتی نخواهند داشت.

بستر اجرایی مالیات بر عایدی سرمایه علاوه بر فراهم سازی امکان اخذ مالیات بر عایدی سرمایه و کاهش سوداگری، با ایجاد شفافیت اقتصادی و جلوگیری از فرار مالیاتی دستاوردهای دیگری نیز دارد که در ادامه به اختصار بیان می‌شوند:





خلاصه نظر مخالفان طرح مالیات بر عایدی سرمایه؛ ۳ شرط لازم

در سال ۱۳۹۹، طرحی تحت عنوان «مالیات بر عایدی سرمایه» به پیشنهاد برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی مطرح و در تیرماه همان سال از سوی مجلس اعلام وصول گردید. در مقدمه توجیهی این طرح، حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری مولد، کاهش نوسانات بازارهای دارایی از جمله خودرو، مسکن، طلا و ارز؛ و نیز جلوگیری از افزایش قیمت ناگهانی در این بازارها از مهمترین اهداف اعمال مالیات بر عایدی سرمایه، بیان و دستیابی به اهداف مورد اشاره در گرو خروج سودگران از این بازارها اعلام شده است چرا که برای تحقق رشد و رونق اقتصادی و به تبع آن اشتغال، لازم است سرمایه‌گذاران به بخش‌ها و فعالیت‌های مولد، به عنوان موتور اصلی بخش حقیقی اقتصاد، سوق داده شوند. از دلایل دیگری که در ضرورت اجرای مالیات بر عایدی سرمایه در اقتصاد ایران مطرح می‌شود این است که معافیت عایدی سرمایه در کنار مشمول نمودن سایر منابع درآمدی، موجب افزایش نابرابری در توزیع درآمد گردیده و صاحبان دارایی‌های ثابت را به زیان فعالیت‌های مولد اقتصادی و صاحبان نیروی کار، منتفع می‌کند. همچنین معافیت این پایه درآمدی منجر به اختلال در تخصیص منابع شده، فعالان اقتصادی را از سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد به سمت سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت که سهمی در تولید ارزش افزوده اقتصادی ندارند، سوق می‌دهد.

با توجه به آنچه مطرح شد، وضع مالیات بر عایدی سرمایه در کشور دارای توجیه است. اما تعریف هر پایه جدید مالیاتی، مستلزم توجه به سه اصل است:

(۱) پایبندی به اصول علمی در طراحی و تعریف مالیات

(۲) تدارک یک بستر اجرایی مناسب

(۳) انتخاب زمان درست برای اجراء

رعایت این اصول موجب می‌شود تا از حیث «تمکین در برابر مقررات» و «سازگاری با انگیزه‌های مؤدیان»، شرایط مناسب پدید آید.

موضوع مهم دیگری که باید مد نظر قرار داد این است که افزایش هزینه فعالیت‌های نامولد در کشور از طریق ابزری همچون مالیات بر عایدی سرمایه به تنهایی مثرتر واقع نخواهد شد و لازم است همزمان، محیط کسب و کار و سرمایه‌گذاری در کشور نیز بهبود یابد و رفع موانع موجود بر سر راه فعالیت‌های مولد و تولیدی در دستور کار قرار گیرد. در غیر اینصورت اجرای این پایه مالیاتی می‌تواند خروج سرمایه از کشور، افزایش فعالیت‌های غیررسمی و بازارهای غیرشفاف را رقم بزند.

در ضمن پس از تصویب و لازم الاجرا شدن این طرح، لازم است رصد عملکرد از حیث دستیابی به منافع توزیعی، تخصیصی و تشبیتی مالیات بر عایدی سرمایه، در جهت دستیابی به اهدافی مانند کاهش فعالیت‌های سوداگرانه، حمایت از فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مولد و حرکت سرمایه از بخش غیرمولد به بخش مولد، کاهش نوسانات و کنترل تورم در بازار دارایی‌های سرمایه‌ای، کاهش نابرابری در توزیع درآمد و... توسط نهادهای ذی‌ربط صورت پذیرد و بررسی میزان دستیابی به شاخص‌های مدنظر مورد بررسی قرار گیرد.

بررسی گزارش شور دوم «طرح اصلاح برخی احکام قوانین مالیاتی (مالیات بر عایدی سرمایه)» حاکی از این است که به رغم اصلاحات انجام شده در متن طرح نسبت به نسخه‌های قبلی، همچنان اشکالات مربوط به تعریف پایه و دامنه مشمول، پوشش همه بازارهای مستعد سوداگری، محافظت از ارزش دارایی‌ها در برابر تورم و استهلاک، تمایز قائل شدن بین عایدی کوتاه مدت و بلندمدت و... کاملاً بر طرف نشده است. در خصوص بستر مناسب برای اجرائی به نظر می‌رسد با یک پروژه عظیم مواجه هستیم که مشخص نیست با چه ترتیباتی و در چه بازه زمانی قرار است اجرا شود. در مورد زمان تصویب و اجرای این طرح نیز ذکر این مهم ضروری است که برای اقدام به اصلاحات جدی از جمله اصلاحات قابل ملاحظه در قوانین مالیاتی، علاوه بر اینکه لازم است سرمایه اجتماعی در وضعیت مطلوبی باشد و دولت اجراءکننده نیز از محبوبیت سیاسی بالایی برخوردار باشد، ضرورت دارد کشور علاوه بر دارا بودن ثبات اقتصادی در سطح کلان، پایین‌ترین سطوح تورم را تجربه کند.

مالیات ستانی هوشمند و حذف رابطه مؤدی و ممیز مالیاتی؛ در رویکرد ارائه خدمت توسط اشخاص ثالث به مؤدیان، وظیفه گزارشگری اطلاعات مؤدیان، برعهده اشخاص ثالث قرار دارد و نه مؤدیان سازمان امور مالیاتی نیز براساس اطلاعات گزارش شده توسط اشخاص ثالث، اظهارنامه پیش فرض را تهیه و جهت تأیید، اصلاح یا تکمیل برای مؤدیان ارسال می‌کند. این رویکرد با حذف رابطه ممیز و مؤدی، موجب کاهش سطح درگیری سازمان امور مالیاتی با مؤدیان می‌شود.

■ ایجاد بستر اجرایی لازم برای مالیات بر مجموع درآمد: بستر اجرایی مالیات بر عایدی سرمایه از طریق ایجاد شفافیت اقتصادی و شناسایی درآمدها و هزینه‌های قابل قبول اشخاص، عملاً امکان محاسبه مجموع درآمد و اخذ مالیات بر مجموع درآمد را فراهم می‌کند. نظام مالیات بر مجموع درآمد، با مبنای قرار دادن مجموع درآمد افراد، موجب افزایش عدالت مالیاتی و کاهش فاصله طبقاتی خواهد شد.

■ کاهش فرار مالیاتی و افزایش درآمد مالیاتی دولت: بستر اجرایی با تولید و جمع‌آوری اطلاعات رویداد مالی و تطابق آن با نظام پرداخت، موجب افزایش شفافیت اقتصادی می‌شود. همچنین به دلیل اخذ مالیات از درآمد اتفاقی، استفاده از حسابهای شخصی به جای حسابهای تجاری دیگر سودی را متوجه افراد نخواهد کرد که این مسئله موجب کاهش فرار مالیاتی از این طریق و افزایش درآمدهای جاری دولت می‌شود. مبارزه با قاچاق: از آنجایی که معاملات ناظر به اولین عرضه کالای قاچاق، توسط هیچ‌یک از اشخاص ثالث به ثبت نمی‌رسد، مبالغ حاصل از آن مشمول مالیات بر درآمد اتفاقی شده و منفعت حاصل از قاچاق کاهش می‌یابد. همچنین با شناسایی افراد با درآمد اتفاقی قابل توجه به عنوان اشخاص پریسک، مراجع مرتبط مانند ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز امکان بررسی دقیق‌تر این اشخاص را خواهند داشت.

در انتها شایان ذکر است با توجه به اهمیت موضوع مالیات بر عایدی سرمایه، لازم است پیش از اجراء، ابعاد مختلف آن به خوبی مورد تبیین قرار گیرد.



مالیات بر عقل

یک بار با حوصله این متن را بخوانید

دکتر تیمور رحمانی | عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

مالیات و قوانین مالیاتی از با اهمیت ترین نهادهای یک کشور هستند و در کنار قوانینی مانند قانون تجارت، قانون مدنی و امثالهم نظام انگیزشی و قواعد بازی برای فعالیت اقتصادی اشخاص را شکل می دهند. به طور معمول، همه قوانین و از جمله قوانین مالیاتی جنبه های مختلفی دارند و لذا در حوزه علوم متعددی مانند اقتصاد، حقوق، علوم سیاسی، جامعه شناسی، فلسفه، مدیریت و حسابداری قابل تحلیل و موشکافی هستند. به طور طبیعی، یک اقتصاد خواننده فقط به خود حق می دهد که با استفاده از عینک علم اقتصاد به موضوع قوانین مالیاتی بنگرد و به طور طبیعی نوع نگرش خود به مساله مالیات را کامل و فاقد نقص نمی داند. اما اگر بپذیریم که سطح تولید، در آمد، مصرف و چگونگی توزیع آنها نقش مسلط در شکل دادن به تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی را دارند، می توانیم به خود اجازه دهیم که نوع نگرش علم اقتصاد به موضوع مالیات را از با اهمیت ترین جنبه های قوانین مالیاتی بدانیم.



بخوانید...

ایران از جمله کشورهایی است که همانند سایر موضوعات در موضوع مالیات هم نشانه های قانون گذاری و سیاست گذاری پر اشکال و هم نشانه های اجرای پر اشکال تر همان قوانین را تجربه کرده است. در نتیجه، همان طور که در سیاست صنعتی و تجاری، در مدیریت محیط زیست و بهره برداری از منابع طبیعی، در مدیریت نظام بازنشستگی و تامین اجتماعی، در نظام آموزشی و بسیاری عرصه های دیگر دچار ناکارآمدی بوده (به اقرار خود دستگاه های متولی موضوعات اشاره شده)، در نظام مالیاتی نیز ناکارآمدی را تجربه کرده است. یکی از نشانه های این ناکارآمدی تغییر مکرر قوانین مالیاتی و حتی تغییرات سالانه قوانین و مقررات مالیاتی در قالب بودجه سنواتی است و از جمله نشانه های دیگر این ناکارآمدی وجود قوانین مالیاتی است که مدت ها قابلیت اجرایی نیافته و در مقطعی به ناچار از قوانین مالیاتی حذف شده و مجددا در اصلاحات بعدی قوانین مالیاتی گنجانده شده است. نشانه دیگر ناکارآمدی، وجود فرار گسترده مالیاتی است و اینکه عملا امکان توفیق سازمان امور مالیاتی در کاهش فرار مالیاتی و اجرای کامل قوانین مالیاتی به طرق مختلف سد شده است.

یکی از موضوعات مالیاتی که مدت ها در ایران مطرح بوده و دوره های مکرر از برجسته شدن و فروکش کردن مباحثه داغ در محافل سیاست گذاری و تدوین لایحه و طرح برای آن وجود داشته است، مالیات بر عایدی سرمایه است. در حالت کلی، منظور از عایدی سرمایه افزایش ارزش یا قیمت دارایی های سرمایه ای از قبیل مسکن، سهام، طلا و ارز بر اثر تحولات اقتصادی است. نمونه عایدی سرمایه ای به مفهوم دقیق آن افزایش ارزش زمین در یک منطقه بر اثر اجرای پروژه های عمرانی توسط دولت و شهرداری ها است. به همین ترتیب، ممکن است ارزش مسکن و مستغلات به دلیل گسترش فعالیت های صنعتی و تجاری در یک شهر به طور محسوس افزایش یابد که مصداق عایدی سرمایه ای است. نمونه دیگر، افزایش قیمت سهام سهامداران یک شرکت بر اثر چشم انداز گسترش فعالیت و سودآوری قابل توجه آن است. موضوع مالیات بر عایدی سرمایه ای عمدتاً مبتنی بر این ذهنیت است که عایدی سرمایه ای می تواند اسباب نابرابری ثروت و در آمد باشد و

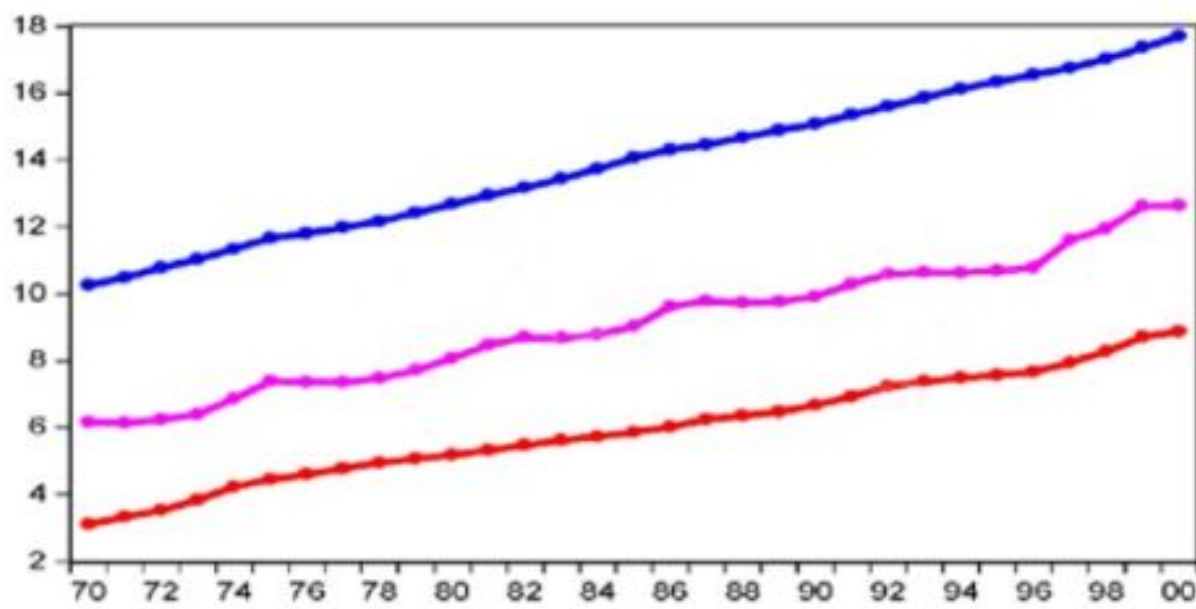
در نتیجه توجیه دارد که چنین مالیاتی وضع شود.

آیا وضع مالیات بر عایدی سرمایه ای موضوعی مستخرج از تحلیل های علم اقتصاد است؟ اگر عایدی سرمایه ای به همان معنی باشد که در بالا اشاره شده است، به طور طبیعی موضوعی نیست که علم اقتصاد توصیه کرده باشد، بلکه مستخرج از باورها و نگرش های ایدئولوژیک شهروندان و سیاستمداران است و اقتصاددانان فقط می توانند هزینه این نوع مالیات را با سایر انواع مالیات برای سیاستگذاران تشریح کنند و تصمیم را به آنها واگذارند. لذا ممکن است من به عنوان یک اقتصاد خواننده دارای این باور و گرایش ایدئولوژیک باشم که میانه چندانانی با نابرابری ثروت نداشته باشم. در آن صورت، به وضع مالیات بر ثروتمندان و از جمله وضع مالیات بر عایدی سرمایه ای که غالباً گروه های ثروتمند از آن بهره مند هستند، گرایش دارم. اما اگر باور و نگرش ایدئولوژیک من چندان با نابرابری ثروت و در آمد در تضاد نباشد، در آن صورت چندان هم گرایشی به حمایت از این نوع مالیات نخواهم داشت. در جوامعی هم که قوانین و سیاست ها به نوعی انعکاس باورهای ایدئولوژیک مردم است و نگرش مردم در قالب برنامه های احزاب به قانون گذاری و سیاست گذاری راه پیدا می کند، نوع قوانین و مقررات مالیاتی و از جمله مالیات بر عایدی سرمایه یکسان نیست و به همین دلیل نسخه واحدی هم نمی توان برای قانون مالیات بر عایدی سرمایه ارائه کرد.

اما آنچه در ایران به عنوان طرح مالیات بر عایدی سرمایه مطرح بوده و ظاهراً دارد مراحل تصویب و تبدیل شدن به قانون را طی می کند، از مفهوم مالیات بر عایدی سرمایه سرچشمه نگرفته، بلکه از وجود تورم و افزایش ارزش اسمی دارایی ها بر اثر تورم سرچشمه گرفته است. مطابق قوانین طبیعی خدشه ناپذیر علم اقتصاد، ایجاد توان خرج کردن فراتر از توان تولید کالاها و خدمات از طریق توسل به انتشار پول یا خلق نقدینگی توسط نظام بانکی، سبب افزایش قیمت کالاها و خدمات و همچنین قیمت انواع دارایی ها (مسکن و مستغلات، سهام، طلا، ارز، اشیای عتیقه و حتی گاو و اسب و گوسفند به عنوان یک کالای سرمایه ای) می شود. این افزایش قیمت ممکن است برای همه کالاها و خدمات و همچنین همه دارایی ها همزمان نباشد و ممکن است دقیقاً برای همه کالاها و خدمات و

دارایی ها یکسان نباشد و ممکن است بلافاصله اثر رشد نقدینگی در قیمت ها نمایان نشود؛ اما با وجود دیر و زود داشتن، سوخت و سوز ندارد و قطعاً رخ می دهد. آنچه از مشاهده اظهار نظر ها و مباحثات مجلس و سیاستگذاران درباره مالیات بر عایدی سرمایه استنتاج می شود، عایدی سرمایه را عمدتاً مرتبط با این گونه افزایش قیمت دارایی ها دانسته اند و به عبارت دیگر عایدی سرمایه را معادل با افزایش قیمت دارایی ها بر اثر تورم تلقی کرده اند. نشانه بارز این موضوع نیز آن است که طی بیش از یک دهه اخیر که شاهد جهش های متعدد قیمت دارایی ها بوده ایم، بلافاصله پس از هر بار جهش نرخ ارز و قیمت مسکن، بحث موضوع مالیات بر عایدی سرمایه داغ شده است و هرگاه تغییرات قیمت مسکن و ارز متوقف یا محدود شده، بحث مالیات بر عایدی سرمایه هم به حاشیه رفته و از دستور کار خارج شده است.

اما آیا وضع مالیات بر عایدی سرمایه به شکلی که در ایران مطرح است، از منظر علم اقتصاد اساساً موضوعیت دارد؟ همان طور که اشاره شد، کشوری که برای پنج دهه تورم بالا و دور قمی داشته است، به طور طبیعی شاهد افزایش قیمت همه دارایی ها خواهد بود؛ با این تفاوت که قیمت کالاها و خدمات معمولاً هموارتر از قیمت دارایی ها در حال افزایش خواهد بود. دلیل این موضوع نیز وجود سفته بازی در بازار دارایی ها به عنوان یک خصلت ذاتی است؛ در حالی که درباره بسیاری از کالاها و خدمات اساساً سفته بازی ناممکن است. وجود سفته بازی در بازار دارایی ها سبب می شود در مقطعی که بازار دارایی ها در معرض هجوم سفته بازی قرار می گیرد، جهش قیمت آنها بسیار شدید باشد و از تورم عمومی جلو بیفتد. اما پس از آن مدتی افزایش قیمت دارایی ها متوقف می شود یا حتی دچار کاهش می شود و با تداوم تورم قیمت کالاها و قیمت دارایی ها همگرا می شوند. برای پی بردن به درستی این ادعای علم اقتصاد، در نمودار (صفحه ۵) حجم نقدینگی، شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی و قیمت مسکن برای دوره زمانی ۱۳۷۰-۱۴۰۰ در مقیاس لگاریتمی نشان داده شده است. در نمودار ترسیم شده، منحنی آبی رنگ حجم نقدینگی، منحنی قرمز رنگ شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی و منحنی صورتی رنگ قیمت مسکن است. لازم است اشاره شود که شیب



حجم نقدینگی (آبی)، شاخص قیمت کالاها و خدمات (قرمز)، و قیمت مسکن (سورنی) در مقیاس لگاریتمی، ۱۴۰۰-۱۳۷۰

پولی تورم را مهار کرده‌اند و نیاز به دردهای چینی مالیاتی هم نداشته‌اند. همچنین لازم است اشاره شود که ارز در غالب کشورها برای افراد معمولی نوعی دارایی جذاب محسوب نمی‌شود و عمدتاً یک وسیله برای انجام مبادلات خارجی کشور است.

اما کشوری که تورم بالا و مداوم ایجاد می‌کند، به‌طور خودکار ارز و از جمله دلار را تبدیل به یک دارایی جذاب می‌کند و شهروندان خود را سوق می‌دهد تا به دولت آمریکا قرض الحسنه اعطا کنند. اگر از ایجاد تورم پرهیز کنیم، به‌طور خودکار از تبدیل ارز به یک دارایی برای افراد معمولی جلوگیری کرده‌ایم و به‌طور خودکار نیاز به تشکیلاتی بابت مالیات بر افزایش ارزش ارز نگهداری شده اشخاص نخواهیم داشت.

نباید فراموش کنیم که همیشه عاملان اقتصادی خصوصی در پی‌گیری منفعت و پرهیز از زیان به‌طور متوسط باهوش‌تر و چابک‌تر از دولت و قانون‌گذاران و ما نظریه پردازان اقتصادی هستیم. نتیجه تصویب مالیاتی که در واقع وضع مالیات بر عقل است، عوارض خود را به تدریج در تضعیف اقتصاد نمایان خواهد کرد. هنگامی که ما بر عقل عاملان اقتصادی مالیات بندیم او به سرعت راه‌های فرار از این مالیات را خواهد یافت. مواظب باشیم بیش از این به آباد کردن ترکیه و قبرس و دبی و کانادا و... کمک نکنیم و مواظب باشیم که در آینده شهروندان را به سمتی سوق ندهیم که حتی برای مبادلات داخلی از دلار یا ارز دیجیتال استفاده کنند و نقش پول ملی را در اقتصاد تضعیف کنیم و مواظب باشیم که نظام مالیاتی را برای سازمان امور مالیاتی بیش از حد پیچیده نکنیم که هنوز موفق به پیاده‌سازی کامل بسیاری از پایه‌های مالیاتی نشده است، پایه‌های مالیاتی پر در دسر دیگری سر راه آن قرار دهیم. ایران کشوری نیست که احتیاج چندانی به سرمایه خارجی داشته باشد، بلکه کافی است مشوق خروج سرمایه‌های خود را فراهم نکند.

من به‌عنوان اقتصاد خوانده‌ای که از منطقه‌ای محروم آمده‌ام و مفهوم فقر و نابرابری را به خوبی می‌فهمم و رفیع فقر نه تنها از منظر عقلانیت بلکه از منظر احساسی هم برایم بسیار با اهمیت است، ناچارم برای حل مشکلات اقتصادی که نهایتاً نتیجه آن رفاه شهروندان باشد، بیشتر خود را به عقل متکی کنم تا احساس و عقل به من یادآوری می‌کند که از وضع مالیات بر عقل حمایت نکنم. ای کاش قانون‌گذاران قبل از آنکه به تصویب قانون مربوطه بپردازند یک‌بار با حوصله این متن را می‌خواندند.

حاصل از افزایش قیمت آنها به دیگران است که تداوم چنین رفتاری از سوی فرد سبب فقیر شدن او در طول زمان خواهد شد.

بنابراین فطرت انسانی و قدرت دوراندیشی و عقل خدادادی ما به‌طور طبیعی به هنگام تورم سبب سوق دادن ما به سمت خرید دارایی‌هایی از قبیل مسکن و طلا و ارز می‌شود؛ حتی اگر برای استفاده شخصی نیازی به آنها نداشته باشیم. در واقع، در شرایطی که با نیروهای خلق نقدینگی تداوم تورم را اجتناب‌ناپذیر می‌کنیم، افزایش قیمت دارایی‌ها شکل گرفته است و رفتار انفرادی ما تأثیری بر روند آن ندارد. در نتیجه، عقل حکم می‌کند که اگر من قادر به ممانعت از افزایش قیمت‌ها نخواهم بود، حداقل کاری که از دستم برمی‌آید آن است که مانع آسیب دیدن خود از ناحیه افزایش قیمت دارایی‌ها شوم. در چنین شرایطی، من عایدی سرمایه کسب نکرده‌ام، بلکه صرفاً خود را در مقابل تورم حفاظت کرده‌ام. بنابراین اگر بر افزایش قیمت دارایی من مالیات وضع شود، بر عایدی سرمایه‌ای من مالیات وضع نشده، بلکه بر عقل من مالیات وضع شده است.

در واقع، وضع این نوع مالیات مانند آن است که دولت صراحتاً به شهروندان بگوید: من با سیاست مالی و پولی خود سبب ایجاد تورم و کاهش قدرت خرید شما و آسیب به شما خواهم شد و در عین حال فرصت ایجاد سود بر اثر افزایش قیمت دارایی‌ها را ایجاد خواهم کرد و اگر شما از نعمت خدادادی عقل خود استفاده کنید تا مانع از کاهش قدرت خرید خود شوید یا فرصت به‌وجود آمده برای کسب سود را دنبال کنید، شما را مجازات خواهم کرد.

اما ممکن است اشاره شود که حتی تورم و افزایش قیمت‌ها و از جمله قیمت دارایی‌ها همه افراد جامعه را یکسان تحت تأثیر قرار نمی‌دهد و سبب می‌شود بخشی از افراد جامعه بیش از بقیه سود کسب کنند و در نتیجه باز توزیع ثروت و در ادامه باز توزیع درآمد ایجاد کند و به این دلیل، هنوز موجه باشد که بر این نوع افزایش قیمت حتی اگر مفهوم عایدی سرمایه ندارد، باید مالیات وضع شود.

جواب آن است که راه‌حل این موضوع مهار تورم است و خودداری از سیاستگذاری منجر به رشد نقدینگی فراتر از توان تولید کالاها و خدمات. البته برخی ادعا کرده‌اند که این نوع مالیات می‌تواند سبب مهار سفته‌بازی و کنترل تورم شود. در آن صورت، می‌توان به آنها کشورهای متعددی را معرفی کرد که بدون وجود چنین مالیاتی و صرفاً از طریق پرهیز از سلطه مالی و با استفاده از سیاست

منحنی آبی رنگ برابر با نرخ رشد نقدینگی، شیب منحنی قرمز رنگ برابر با نرخ تورم و شیب منحنی صورتی رنگ برابر با نرخ رشد قیمت مسکن است. آشکار است که شیب کلی هر سه منحنی بسیار مشابه است، دال بر اینکه نیروهای ورای خلق نقدینگی که رشد نقدینگی را شکل می‌دهند سبب رشد قیمت کالاها و خدمات (تورم) و رشد قیمت مسکن به‌عنوان یک دارایی می‌شوند. در عین حال، مشخص است که افزایش قیمت مسکن تا حدی ناهموارتر از افزایش قیمت کالاها و خدمات است که صحت تحلیل تنوریک ما را مشخص می‌کند. آنچه از مطالعه تاریخ اقتصاد ایران بر ما مسلم است، آن است که سیاستگذاری مالی و پولی در طول پنج دهه گذشته در مسیری پیش رفته که نتیجه آن تداوم تورم‌های بالا و دور قمی و بی ثباتی اقتصاد کلان بوده و صرفاً در مقاطعی با توسل به واردات ناشی از وفور درآمدهای ارزی، از فشار رشد نقدینگی بر قیمت‌ها جلوگیری شده که البته مشخصاً درباره مسکن به دلیل عدم امکان واردات آن، حتی در دوره‌های وفور ارزی هم تداوم رشد قیمت‌ها وجود داشته است. درباره بقیه دارایی‌ها نیز کم و بیش داستان مشابه است؛ به این معنی که افزایش قیمت آنها در طول زمان انعکاس تورم است و تا زمانی که نیروهای خلق نقدینگی و لذا نیروهای ایجادکننده تورم پابرجا است، افزایش قیمت دارایی‌ها نیز اجتناب‌ناپذیر است. لذا بخش بزرگی از آنچه تحت عنوان عایدی سرمایه در ایران مطرح شده و طرح مجلس هم بر آن بنا شده است، واقعاً مفهوم عایدی سرمایه را ندارد، بلکه صرفاً افزایش قیمت دارایی‌ها بر اثر تداوم تورم است. صرفاً با این تفاوت که افزایش قیمت دارایی‌ها دارای رفتار سیکنی و دوره‌های جهش و رخوت است. زمانی می‌توان افزایش قیمت مسکن یا افزایش نرخ ارز یا افزایش قیمت سهام را عایدی سرمایه نامید که قیمت آن دارایی شدیدتر از بقیه قیمت‌ها افزایش یافته باشد و به قول ما اقتصاد خوانده‌ها قیمت نسبی آن افزایش یافته باشد.

بنابراین اشکال اساسی در طرح مالیات بر عایدی سرمایه آن است که اساساً مبتنی بر تعریف نادرست از عایدی سرمایه است و تنها در صورتی طرح واقعاً مبتنی بر مفهوم عایدی سرمایه خواهد بود که نرخ تورم از افزایش قیمت دارایی‌ها کنار گذاشته شود. امید است که در مراحل تصویب این طرح به این نکته اساسی توجه شده باشد؛ گرچه در حدی که اطلاع دارم روح حاکم بر طرح مبتنی بر همان تعریف نادرست از عایدی سرمایه است. اما اگر فرض کنیم که طرح مالیات بر عایدی سرمایه آگاهانه به دنبال وضع مالیات بر افزایش قیمت دارایی‌ها متأثر از تورم به پیش رفته است، آنگاه می‌توان این نوع مالیات را نوعی مالیات بر عقل توصیف کرد. چرا این نوع مالیات مفهوم نوعی مالیات بر عقل است؟ دلیل روشن است. تورم و تداوم آن در حال تحلیل بردن قدرت خرید اشخاص است و هر شخصی که عقل داشته باشد، به دنبال آن خواهد بود تا حفاظتی برای خود فراهم کند و مانع کاهش قدرت خرید خود شود، همان‌طور که شخص عاقل در شرایط بمباران هوایی به پناهگاه امن پناه می‌برد. هنگامی که تداوم تورم، قدرت خرید هر کدام از ما شهروندان را تهدید می‌کند، به‌طور طبیعی ما که می‌دانیم قیمت دارایی‌ها و قیمت کالاها و خدمات افزایش خواهد یافت، اگر به جای آنکه سراغ خرید دارایی‌هایی از قبیل مسکن و طلا و ارز برویم، سراغ نگهداری پول و اوراق بهادار دارای ارزش اسمی ثابت برویم، حتماً از عقل پیروی نکرده‌ایم و هنگامی که می‌دانیم خودداری ما از خریدن مسکن و طلا مانع از افزایش قیمت آن در شرایط تورمی نمی‌شود، خودداری از خرید آنها صرفاً به معنای واگذار کردن سود

مالیات بر عایدی سرمایه و تورم بخشی

نه به مالیات تورم

دکتر رضا امیدی پور..... کارشناس اقتصادی

در این بازارها به منظور کسب منفعت و حفظ ارزش پول انجام می‌شود. به طور کلی طرح اخذ مالیات از کلیه کالاهایی که امکان سفته‌بازی در آنها وجود دارد و در شرایط کنونی اقتصادی کشور موضوع حائز اهمیت و مهمی بوده و به طور قطع توان کنترلی و نظارتی دولت و بانک مرکزی بر بازارهای این کالاها را افزایش می‌دهد. اجرای این نوع مالیات به عنوان یک پایه در آمدی جدید می‌تواند موجب کنترل جریان نقدینگی و کاهش تقاضای سفته‌بازی و سوداگرانه از بازار دارایی‌هایی از جمله مسکن، خودرو، ارز و طلا شود البته مشروط بر آنکه تعدیل تورمی در هر یک از این بازارها متناسب با افزایش تورم آن بخش صورت گرفته و از قفل شدن دارایی‌ها در حوزه‌های یاد شده جلوگیری شود. براساس آمارها و شواهد موجود بیشترین حجم تراکنش و گردش پولی در میان بخش‌های یاد شده در حوزه املاک و مستغلات انجام می‌شود، لذا چه از دیدگاه مقابله با سوداگری و دلالتی و چه از منظر مبارزه با فساد مالی و ردیابی وجوه و کشف موارد فرار مالیاتی و پولشویی توجه به بخش مسکن بسیار حائز اهمیت می‌باشد. بنابراین در این بحث، تمرکز مطالب بر تأثیر اجرای مالیات بر عایدی سرمایه در حوزه مسکن خواهد بود.

ایجاد پایه‌های مالیاتی جدید از جمله مالیات بر عایدی سرمایه (CGI) به عنوان یکی از اجزای مالیات بر درآمد در اکثریت کشورهای جهان علاوه بر هدف افزایش درآمدهای مالیاتی با اهداف توزیعی، تخصیصی و سیاست‌گذاری اقتصادی انجام می‌گیرد. این مالیات به سود حاصل از دارایی (تفاوت قیمت فروش یک دارایی نسبت به قیمت خرید آن) اعمال می‌شود. این دارایی می‌تواند انواع دارایی‌ها مانند آپارتمان، زمین، باغ، ماشین‌آلات، خودرو، ارز، طلا و یا سهام یک بنگاه اقتصادی را شامل شود. در این میان یکی از مهمترین اهداف اجرای پایه مالیات بر عایدی سرمایه در سطح نظام‌های مالیاتی جهان به ویژه در کشورهای با تورم‌های بالا مشابه ایران می‌تواند جلوگیری از فعالیت‌های سفته‌بازی و سوداگرانه، دلالتی و تنظیم بازارها در حوزه‌های مختلف سرمایه‌گذاری باشد. با در نظر گرفتن هدف مذکور در کشور ایران، بازارهای موازی در بخش‌های املاک و مستغلات، خودرو، ارز و طلا وجود دارد که سرمایه‌گذارهای کلان توسط خواص و حتی عامه مردم



عایدی سرمایه بخش املاک و مستغلات نرخ تورم عمومی اقتصاد باشد، به طور قطع در حق صاحبان این نوع دارایی‌ها اجحاف شده و این گروه بایستی به جای عایدی خالص دارایی خود، به اجبار مالیات تورم دارایی را پرداخت نمایند.

اگر ارزش دارایی‌های سرمایه‌ای در حوزه مسکن بدون تعدیل تورم بخشی، مشمول مالیات بر عایدی سرمایه شود در این شرایط ممکن است به دلیل بالا رفتن هزینه مالیاتی نقل و انتقال و خرید و فروش دارایی‌ها، پدیده قفل شدن دارایی‌ها در میان مدت و بلندمدت صورت گیرد. پدیده قفل شدن دارایی‌ها پدیده‌ای است که در آن دارندگان دارایی‌ها انگیزه خرید و فروش دارایی‌ها را به دلیل هزینه بالای این امر از دست داده و دوره نگهداری دارایی طولانی می‌شود. این پدیده می‌تواند بازار نقل و انتقال این نوع از دارایی‌ها را دچار اختلال کرده و هزینه مبادله دارایی‌ها را افزایش دهد. نتیجه این اقدام کمبود عرضه و عدم تخصیص بهینه منابع و دارایی‌های فعالان اقتصادی است. این موضوع بازار دارایی‌های سرمایه‌ای را نیز از نقطه بهینه دور می‌کند که تبعات آن در قالب هزینه در بخش‌های مختلف اقتصادی از جمله در بخش مسکن ظاهر می‌شود. در یک جمله اثر قفل شدن دارایی مانع رشد اقتصادی شده و در نهایت سبب کاهش رفاه اقتصادی در کشور خواهد شد.

جدا از اینکه در شرایط فعلی و فضای کنونی اقتصادی کشور به دلیل وجود تورم فزاینده و رکود در بازارهای مختلف از جمله بازار مسکن، اجرای پایه‌های جدید مالیاتی از جمله پایه مالیات بر عایدی سرمایه می‌تواند بار مالی و روانی سنگین‌تری را بر دوش عموم جامعه قرار دهد، در چنین شرایطی امکان بروز و ارائه روش‌های جدید فرار مالیاتی در حوزه معاملات دارایی‌های سرمایه‌ای از سوی سودگران و دلالان به‌ویژه در بخش املاک و مستغلات و به‌دنبال آن احتمال افزایش انتقال وجوه از بخش رسمی به بخش غیرشفاف و پنهان اقتصاد به مراتب بیشتر خواهد بود، به‌عنوان مثال در بخش معاملات مسکن، انجام معاملات می‌تواند به شکل نقدی و تهاتری با سایر دارایی‌های سرمایه‌ای از جمله خودرو، ارز و طلا انجام شود و یا در مثالی دیگر به‌جای دریافت کدرگیری معامله و انتقال سند قطعی املاک در دفاتر اسناد رسمی، انجام معاملات ملکی به صورت و کالتی در جامعه گسترش یابد. البته این موضوع قابل تسری به معاملات سایر دارایی‌های سرمایه‌ای مورد استقبال عموم از جمله خودرو، ارز و طلا نیز خواهد بود.

بر این اساس ضمن توجه به چالش‌ها و مشکلات یاد شده در خصوص اجرای صحیح مالیات بر عایدی سرمایه در شرایط فعلی اقتصادی کشور به متولیان امر توصیه می‌شود، برای جلوگیری از اجحاف در حق مؤدیان و اجرای کامل عدالت مالیاتی و اثرگذاری کامل این طرح، حداقل تلاش شود تعدیل دارایی‌های سرمایه‌ای مورد هدف با ملاحظه نرخ تورم بخشی برای گروه دارایی‌های خاص از جمله مسکن، خودرو، ارز و طلا در محاسبات مدنظر قرار گرفته و در اصلاح متن لایحه مورد بررسی در کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی به این موضوع توجه ویژه شود.

عایدی سرمایه، عدم توجه به تعدیل تورم به صورت بخشی است. به عبارتی بایستی این سؤال طرح شود که آیا در این لایحه وظیفه تخصیصی برای مقابله با سوداگری در بخش‌های مختلف اقتصادی از جمله بازار مسکن دیده شده است؟

در ادبیات اقتصادی مالیات‌ستانی چند نکته قابل تأمل است. اول اینکه از ابزار مالیات باید به اندازه خود آن انتظار داشت. مالیات ابزاری است برای تأمین مالی دولت با این شرط که کمترین آثار سوء تخصیصی، بیشترین آثار مثبتی و بهترین آثار توزیعی را داشته باشد. لذا توجه به این نکته نیز ضروری است که مالیات ابزار کارآمدی برای کنترل آثار سوء سیاست‌های کلان اقتصادی نیست. به‌عنوان مثال نمی‌توان با اتخاذ سیاست‌های پولی انبساطی تورم را دامن زد و انتظار داشت که مالیات با کنترل سوداگری آثار آن را کاملاً خنثی نماید. بنابراین نمی‌توان از یک پایه مالیاتی جدید لزوماً انتظار داشت بخش عمده مشکلات ساختاری کلان اقتصادی را با اجرای آن به‌ویژه در کوتاه‌مدت برطرف نمود. یکی از چالش‌های پیشرو در لایحه مالیات بر عایدی سرمایه مورد بررسی عدم توجه به تعدیل تورمی دارایی‌ها به صورت بخشی است که در ذیل به‌طور مفصل به آن اشاره خواهد شد.

ارتباط مالیات بر عایدی سرمایه و تورم بخشی

توجه به این نکته ضروری است که مالیات بر عایدی سرمایه ابزاری برای کنترل تورم نیست چرا که افزایش ارزش دارایی که ناشی از رشد سطح عمومی قیمت‌ها باشد افزایش اسمی است و جزء عایدی سرمایه محسوب نمی‌شود. در صورتی که از افزایش قیمت ملک تورم‌زدایی نشود و از تفاوت قیمت خرید و فروش ملک مالیات اخذ شود، این مالیات دیگر مالیات بر درآمد نیست بلکه مالیات بر ثروت است و توجیه اقتصادی ندارد. به همین دلیل در طراحی نظام مالیات بر عایدی سرمایه حتماً تورم‌زدایی در دستور کار قرار می‌گیرد و از افزایش ارزش دارایی به قیمت‌های واقعی به عنوان مأخذ مالیات استفاده می‌شود.

اما توجه به این موضوع در اقتصادهای با تورم بالا مشابه ایران از اهمیت قابل توجهی برخوردار است چرا که اگر این تعدیل در اقتصادهای با تورم بالا به صورت بخشی صورت نگیرد، در اغلب موارد فعالان اقتصادی و حتی خریداران و فروشندگان با انگیزه‌های غیرسوداگرانه نیز باید بخش اعظمی از دارایی‌های خود را که به صورت اسمی افزایش یافته در قالب مالیات به دولت پرداخت کنند. ممکن است در مقاطع زمانی خاصی مشابه سال‌های ۱۳۹۷ به بعد که جهش‌های قیمتی ویژه‌ای را در بخش‌های مختلف اقتصادی شاهد بودیم، رشد شاخص قیمت‌های برخی از گروه دارایی‌ها مانند املاک و مستغلات بالاتر از رشد شاخص قیمت‌های عمومی (تورم کلی اقتصاد) باشد. در این شرایط لازم است برای جلوگیری از اجحاف در حق مؤدیان، تعدیل عایدی سرمایه با نرخ تورم مربوط به آن گروه از دارایی‌ها و به صورت تورم بخشی در محاسبات لحاظ شود. بدیهی است در چنین شرایطی اگر مبنای تعدیل ارزش

در خصوص مالیات‌ستانی از حوزه املاک و مستغلات در قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۴ مواردی چون مالیات بر درآمد ناشی از واگذاری حقوق خود نسبت به املاک واقع در ایران، مالیات بر درآمد نقدی یا غیرنقدی حاصل از اجاره املاک، مالیات بر نقل و انتقال قطعی املاک و اولین نقل و انتقال قطعی ساختمان‌های نوساز اعم از مسکونی و غیره را می‌توان نام برد.

می‌دانیم که در شرایط فعلی اقتصاد کشور و وجود تحریم‌های ظالمانه که بر پیکره اقتصاد ایران سایه

انداخته است، وجود التهاب در بازارهای مختلف و جولان سودگران و دلالان به‌ویژه در بخش مسکن شرایط بسیار سختی را هم از لحاظ خانه دار شدن و هم سرمایه‌گذاری در این بخش برای عموم مردم ایجاد کرده است و متأسفانه به دلیل نداشتن پایه مالیات بر عایدی سرمایه در کشور ایران، همچنان از شخصی که چندین بار در یکسال و با فواصل زمانی کوتاه‌مدت بر روی یک ملک یا واحد آپارتمانی معامله انجام داده و یا چندین ملک در طی سال خرید و فروش کرده است، بجز مالیات بر نقل و انتقال قطعی املاک مبلغ دیگری را به‌عنوان مالیات نمی‌توان دریافت نمود که این موضوع سبب انجام معاملات پیاپی با هدف کسب سود و منفعت توسط دلالان در حوزه املاک شده و افزایش قیمت قابل ملاحظه‌ای را به بخش مسکن تحمیل می‌کند که بار مالی آن بر دوش مصرف‌کننده واقعی خواهد بود.

بر این اساس چنانچه به اجرای پایه مالیات بر عایدی سرمایه از منظر اصلاح ساختار نظام مالیاتی و با اتکاء به رویکرد ایجاد عدالت، شفافیت و بهبود فضای کسب و کار در بخش‌های مختلف اقتصادی نگاه کنیم، این رویکرد قادر است نظام مالیاتی را به سمت واقعیت‌های اقتصادی سوق داده و مالیات دریافتی را به ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های واقعی هر بخش و هر فعالیت نزدیک کند. علاوه بر این، اتکاء به مالیات مبتنی بر پتانسیل‌های اقتصادی واقعی فعالیت‌ها قادر خواهد بود میزان تمکین مالیاتی را بالا برده و به همان اندازه و یا بیشتر هزینه وصول درآمدهای مالیاتی را کاهش دهد و در نهایت بر کارایی نظام مالیاتی افزوده و منطق عملکردی آن را قابل دفاع کند.

یکی از چالش‌های اساسی در تنظیم لایحه مالیات بر



بخش خصوصی درباره
مالیات بر عایدی سرمایه چه می گوید؟

شش ایراد

کمیسیون مالیات، کار و تامین اجتماعی اتاق ایران و دفتر مطالعات حقوقی و اجتماعی مرکز پژوهش‌های اتاق ایران در دی ماه ۱۴۰۱ به بررسی و اعلام نظر نسبت به اجرای طرح مالیات بر عایدی سرمایه پرداخته و با تایید لزوم اجرای آن، شرایط لازم جهت اجرای صحیح مالیات بر عایدی سرمایه را تبیین نموده و ضمن اعلام نواقص طرح موجود، خواستار توجه همه جانبه به مواد مورد نظر و شرایط اجرای صحیح این قانون گردیده است.



۱. پایه مالیاتی و دامنه شمول

در تعریف پایه مالیاتی این مالیات مطابق ماده ۱۲ طرح ۴ نوع دارایی (شامل املاک، وسایل نقلیه، طلا و ... و ارز)، مشمول مالیات بر عایدی سرمایه شده اند و عایدی سهام از پایه مالیات حذف شده است. این در حالی است که در بین ۱۲۱ کشور مورد بررسی توسط مؤسسه ارنست و یانگ در سال ۲۰۲۱، مالیات بر عایدی سرمایه و سایر اوراق بهادار بعد مالیات بر عایدی سرمایه املاک و مستغلات (۸۳ درصد کشورها)، از بیشترین فراوانی برخوردار است و حدود ۷۵ درصد کشورها، این عایدی را مشمول مالیات می کنند (هر چند از این ۷۵ درصد نیز حدود ۲۵ درصد، عایدی های میان مدت و بلندمدت سهام را معاف کرده اند). وسایط نقلیه نیز صرفاً در ۲۰ درصد کشورها، آن هم برای یک دوره کوتاه مدت مشمول مالیات است و تنها ۷ درصد کشورها طلا، جواهر و ارز را مشمول مالیات کرده اند. هدف از حذف سهام از دایره شمول مالیات بر عایدی سرمایه، حمایت از بازار سرمایه است. با این حال باید در نظر داشت این نحوه سیاست گذاری، دستیابی به اهداف طرح را تحت تاثیر قرار می دهد، توزیع درآمد را به نفع صاحبان سهام مخدوش می کند و با سوق دادن منابع به سمت بازار ثانویه، منجر به تورم دارایی ها و بی ثباتی ناشی از آن می شود و آثار سوء بر تخصیص منابع دارد. باید توجه داشت اقتصاد به مثابه ی ظرفی به هم مرتبط است که تغییر قیمت نسبی در یک نقطه آن منتهی به تغییر موازنه در تمام نقاط آن می شود و منابع را به نحو ناکارآمد میان کاربردهای آن تخصیص می دهد. در این مقوله با کاهش بازدهی در دارایی های مشمول، خروج منابع از بازار ثانویه ملک و سایر دارایی ها و ورود خوشبینانه آن به بازار ثانویه سهام، کاهش تقاضای تولید سایر دارایی ها (مخصوصاً ملک) رقم می خورد. این کاهش تقاضای مؤثر (که یک اصل اساسی در اقتصاد است) باعث کاهش تولید ملک شده، و تمام حلقه های پیشین آن که شامل بیش از ۲۰۰ صنعت مرتبط با این بخش از جمله فولاد، سیمان، کاشی، شیشه، درب، پنجره و ... را دچار رکود می کند. به این ترتیب صنایع مزبور، دچار مزاد می شوند و چون در شرایط تحریم امکان صادرات برایشان محدود است، بنابراین شاهد کاهش تولید، افزایش بیکاری و معضلات بعدی در این صنایع خواهیم بود. از سوی دیگر بسیاری از این صنایع که با کاهش تقاضای مؤثر مواجه می شوند متعلق به شرکت هایی هستند که در بورس اوراق بهادار فهرست شده اند. بنابراین، این شرکت ها نیز با کاهش تقاضای مؤثر برای محصولاتشان دیگر نیازی به سرمایه ورودی به بازار ثانویه ندارند و سرمایه ورودی نتیجه ای جز تورم دارایی ها نخواهد داشت.



۲. تمایز بین عایدی کوتاه مدت و بلندمدت:

برای کاهش انگیزه های سوداگرانه و کاهش سرعت مبادلات (که اثری مثبت زدا در اقتصاد دارد و معمولاً منجر به باز توزیع کیک موجود بین سوداگران و سایرین می شود، بدون اینکه ارزش افزوده جدیدی تولید کند)، لازم است در طراحی قانون مالیات بر عایدی سرمایه، بین عایدی به دست آمده در دوره زمانی کوتاه مدت و بلندمدت تمایز قائل شد و با افزایش هزینه معامله در بازه زمانی کوتاه مدت، تعداد و سرعت معاملات را کاهش داد. در این خصوص طبق ماده ۱۵ طرح، طول مدت نگهداری دارایی ها به چهار دوره زمانی تفکیک شده است (جدول ۱).

| دوره نگهداری | نرخ مالیات بر عایدی سرمایه |
|--------------------------------|---|
| کمتر از یک سال | ۱۰ واحد درصد به بالاترین نرخ ماده ۱۳۱ ق.م.ق.م. اضافه می شود (۳۵ درصد) |
| بین یک تا سه سال | با نرخ های ماده ۱۳۱ ق.م.ق.م. مالیات اعمال می شود. |
| بیش از سه سال و کمتر از شش سال | ۵۰ درصد از «عایدی ناشی از تورم» از پایه مالیات کسر می شود و مابقی (یعنی عایدی سرمایه ای حقیقی به اضافه ۵۰ درصد عایدی ناشی از تورم) با نرخ های ماده ۱۳۱ مشمول مالیات می شود. |
| شش سال یا بیشتر | ۱۰۰ درصد از «عایدی ناشی از تورم» از عایدی سرمایه مشمول مالیات کسر می شود و مابقی با نرخ ماده ۱۳۱ مشمول مالیات می شود. |

با این حال طرح حاضر در این خصوص، همچنان دارای ایراداتی است به این ترتیب که بعد از گذشت بیشتر از شش سال از دوره تملک دارایی، همچنان اعمال مالیات بر فروش دارایی های مشمول، ادامه دارد. این در حالی است که هدف از وضع مالیات بر عایدی سرمایه، مبارزه با سوداگری در کوتاه مدت است و مشخص نیست چرا در این طرح، همچنان بعد از گذشت شش سال از دوره نگهداری دارایی، شخص باید هنگام فروش دارایی، مالیات بر عایدی سرمایه بپردازد. از سوی دیگر باید در نظر داشت که اولاً، دوره کوتاه مدت ناظر به دوره ای است که معامله در آن، منجر به بی ثباتی می شود. لذا روشن است دوره کوتاه مدت در مورد ردیف های چهار گانه دارایی های موضوع ماده ۱۲ طرح و همچنین سهام، متفاوت است و نگاه تجمیعی به آنها می تواند منجر به اختلال در بازارها شود. ثانیاً، در نظر گرفتن سه آستانه یک، سه و شش ساله برای این تفکیک نامأنوس است و به شدت با کارکرد این نوع مالیات به عنوان یکی از گونه های مالیات بر درآمد در تعارض است و می تواند سوء کار کردهای اساسی در اقتصاد داشته باشد.

۳. تعدیل پایه مالیاتی در برابر تورم

بر اساس ماده ۱۵ طرح حاضر، مقرر است در صورتی که دوره تملک دارایی هایی همچون املاک و مستغلات و وسایط نقلیه، بیشتر از سه سال و کمتر از شش سال باشد، از ۵۰ درصد عایدی ناشی از تورم مالیات اخذ شود و صرفاً بعد از شش سال، ۱۰۰ درصد عایدی ناشی از تورم از عایدی سرمایه کسر خواهد شد. این در حالی است که «تعدیل نسبت به تورم» از جمله محورهای مهمی است که در اکثر کشورهای مجری مالیات بر عایدی سرمایه، حتی در کشورهای توسعه یافته ای که با نرخ های تورم اندک روبرو هستند، به طور جدی مورد توجه است و بر اساس تجربیات بین المللی، اجتناب از مالیات ستانی از تورم، یک اصل اساسی است. در دوره ای که تورم پدیده ای غالب در کشورهای مختلف دنیا بود، در اغلب کشورهای مجری مالیات بر عایدی سرمایه، تورم از پایه مالیات بر عایدی سرمایه خارج می شد. پس از موفقیت در کنترل تورم نیز، تعدیل تورم می به طرق مختلفی مد نظر قرار گرفته است. برخی کشورها به سمت الگوی مالیات ستانی دو گانه رفته اند و نرخ مالیات بر عایدی سرمایه را در حداقل نرخ مالیات بر عایدی نیروی کار قرار داده اند. برخی از کشورهای دیگر، سهمی (حدود

۵۰ درصد) از پایه مالیات بر عایدی سرمایه را به دلیل ملاحظات تورمی و اجتناب از فرار سرمایه ها از مالیات معاف کرده اند. البته هنوز هم کشورهایی هستند که پایه را به طور کامل نسبت به تورم تعدیل می کنند. برای نمونه در کشوری مثل ایالات متحده آمریکا که سطح عمومی قیمت ها طی ۶۰ سال گذشته حدود ۶ برابر شده است، تعدیل عایدی سرمایه ای نسبت به تورم در قانون مالیاتی این کشور تعبیه شده است. بدیهی است در کشوری مثل ایران که با تورم های بالا و ۲ رقمی روبرو است بی توجهی نسبت به این موضوع، تیشه بر ریشه تحریف عدالت مالیاتی خواهد زد و سرمنشأ اعتراضات گسترده ای خواهد شد. علاوه بر نکات گفته شده، خاطر نشان می سازد، زمانی که از سرمایه در برابر تورم محافظت نشود، مالیات بر عایدی سرمایه تبدیل به مالیات بر ثروت می شود و ماهیت مالیات تغییر می کند. در ضمن حتی اگر بنا به باور طراحان طرح به این نکته توجه کنیم که با اخذ مالیات از تورم می توان جلوی تورم را گرفت، احکامی از این دست به شدت مشروعیت مالیات ستانی را دچار خدشه می کند، مدافعان اخذ مالیات از تورم بر این باور هستند هنگامی که فعالیت های سوداگرانه، سودآور است تقاضای سفته بازانه پول افزایش پیدا کرده و منجر به خلق پول برای سوداگران می شود که نتیجه آن تورم است. بر فرض صحت چنین ادعایی، گرفتن مالیات از عایدی حاصل از تورم در کوتاه مدت (بازه یک ساله)، تقاضای سفته بازانه پول را کاهش می دهد بنابراین هدف محقق می شود و نیازی به تعمیم آن به دوره بیش از یک سال نیست. همچنین، اینجا خطای ترکیب وجود دارد. چرا که به این ترتیب، کسانی که پیشگام سوداگری هستند، قیمت ها را افزایش می دهند و به افزایش سطح عمومی قیمت ها دامن می زنند ولی سایر صاحبان دارایی بدون دخالت در این فرآیند تا شش سال باید دارایی خود را نگه دارند تا مشمول مالیات از تورم نشوند. در نهایت می توان گفت در سالهای اخیر، جنس تورم در ایران از نوع فشار هزینه بوده است و نه از نوع فشار تقاضا. بنابراین این دیدگاه توان تبیین صحیح تورم را ندارد و راهکار پیشنهادی اخذ مالیات بر عایدی سرمایه بدون تعدیل تورم نمی تواند گره های از مسأله تورم کشور باز کند. بنابراین پیشنهاد می شود جز در بازه زمانی کوتاه مدت که در آن بازه آثار سوداگری معنادار است، اخذ مالیات از عایدی سرمایه به معنای واقعی کلمه در دستور کار قرار گیرد و نه مالیات از عایدی حاصل از تورم. همچنین توصیه اکید می شود حتی به بهانه کنترل تورم از تورم، مالیات اخذ نشود؛ چرا که این سیاست مشروعیت نظام مالیاتی را از بین می برد.

۴. معافیت‌ها و استثنائات

حتی با فرض آنکه شرایط اقتصاد کلان کاملاً مناسب تصویب و اجرای مالیات بر عایدی سرمایه باشد و تمامی بسترهای اجرایی نیز به طور قابل قبولی فراهم باشد، به دلیل آنکه اصول مبنایی در طراحی مالیات بر عایدی سرمایه، رعایت نشده است با طیفی از معافیت‌های پیشنهادی در طرح (از معافیت به ازای همسر و فرزندان بالای ۱۸ سال تا ۴ واحد گرفته تا معافیت زمین‌های زراعی و باغها در کنار حذف سهام)، روبرو هستیم که در تجربه کشورهای مجری این پایه مالیاتی بی سابقه است و عملاً وصول مالیات را منتفی می‌سازد. اگر مالیات منطبق بر مفهوم باشد و نرخ آن، مخصوصاً در ابتدای امر، بالا و بازدارنده نباشد، می‌توان منطبق بر اصول اصلاحات مالیاتی عمل کرد: شمول فراگیر پایه مالیاتی با نرخ پایین، یعنی، به جز محل سکونت و خودروی شخصی فرد، همه دارایی‌های افراد پس از تعدیل در برابر تورم، با نرخ پایینی و ثابت مشمول مالیات بشوند. این موضوع باعث می‌شود مقاومت در برابر مالیات به شدت کاهش پیدا کند، مقدمات لازم برای اعمال مالیات تخفیف یابد و پیچیدگی‌های غیر ضرور طرح کاهش یابد. روشن است که پس از اجرایی شدن طرح می‌توان برای دستیابی به اهداف ثانویه، پیچیدگی‌های بیشتری را پذیرفت.

۵. نرخ‌ها و نحوه محاسبه پایه

طبق ماده ۱۵ طرح، مجموع عایدی سرمایه در هر سال با نرخ ماده ۱۳۱ قانون مالیاتهای مستقیم، مشمول مالیات است. نکته مهمی که در خصوص این ماده و شیوه مالیات ستانی نهفته در آن وجود دارد آن است که آیا باید عایدی سرمایه را به صورت تناسبی (یعنی با یک نرخ ثابت و یکنواخت) مشمول مالیات کرد یا با یک نرخ تصاعدی مشابه نرخ‌های ماده ۱۳۱ قانون مالیاتهای مستقیم، که مد نظر طراحان طرح می‌باشد؟ مروری بر تجربه کشورهای مجری مالیات بر عایدی سرمایه نشان می‌دهد درصد بیشتری از آنها، از ساختار تناسبی (یعنی تک‌نرخ) برای مالیات ستانی از عایدی سرمایه استفاده نموده‌اند (مثل فرانسه، چک، سوئد، مجارستان، اتریش، دانمارک، ایرلند، کرواسی، اسلوانی و...)، ساختار تصاعدی سیستم را هم به لحاظ تمکین و هم اجرا بسیار پیچیده و دشوار می‌کند. البته کشورهایی که ساختار تصاعدی را در پیش گرفته‌اند یک منطبق مهم را پیاده کرده‌اند و آن هم توجه به این نکته است که عایدی در چه دوره ای محقق شده است؟ به عنوان مثال اگر یک عایدی حقیقی یک میلیارد تومانی طی ۱۰ سال برای فردی ایجاد شده باشد آیا باید بلافاصله در ساختار تصاعدی قرار بگیرد؟ پاسخ منفی است. در ساختار تصاعدی لازم است این یک میلیارد تومان بر ۱۰ سال تقسیم شود و هر سال ۱۰۰ میلیون تومان عایدی مبنایی محاسبه بدهی مالیاتی قرار گیرد سپس بر اساس نرخ‌های مصوب، مالیات آن محاسبه شود. قاعدتاً میزان مالیاتی که با این روش پرداخت می‌شود متفاوت از میزان مالیاتی است که یک میلیارد تومان را یکجا در ساختار تصاعدی می‌برد، ضمن اینکه این شیوه به عدالت مالیاتی نیز نزدیک‌تر است.

بر اساس متن ماده ۱۵، اگر دوره تملک کمتر از یکسال باشد با نرخ ده واحد درصد بیشتر از بالاترین نرخ ماده (۱۳۱) این قانون مشمول مالیات می‌شود. این نرخ ۳۵ درصدی، بیش از ۲ برابر متوسط نرخ مالیات بر عایدی سرمایه در دنیا و بیش از یک و نیم برابر نرخ کشورهای اتحادیه اروپا و OECD است.

۶. بستر اجرایی

بستر اجرایی طرح مالیات بر عایدی سرمایه ناظر بر تعمیم منطق سامانه مؤدیان مبنی بر صدور صورتحساب الکترونیک برای همه معاملات و دستیابی پیشینی به داده‌ها است. تفاوت آن با سامانه مؤدیان استفاده از ظرفیت اشخاص ثالث است. به این معنا که وقتی افراد ملک، وسایل نقلیه، طلا، ارز، سهم و... مبادله می‌کنند اشخاص ثالثی که عهده دار تسهیل و ثبت معاملات هستند (نظیر دفاتر ثبت اسناد رسمی، نیروی انتظامی ج.ا.ا، سازندگان و فروشندگان صنوف طلا، نقره، پلاتین، مسکوکات و جواهر آلات، اشخاص تجاری مجاز به خرید و فروش انواع ارز و مسکوک طلا، ناشران اوراق بهادار و کارگزاران موضوع قانون بازار اوراق بهادار ج.ا.ا و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور) مکلفند صورتحساب الکترونیکی را صادر نمایند و سازمان امور مالیاتی هم صورتحساب‌های صادره را به کارپوشه طرفین معامله منتقل می‌کند. به این ترتیب بدون درگیر شدن مردم در فرآیندهای سامانه، معاملات ثبت می‌شود و سازمان به این امکان دست پیدا می‌کند که برای افراد صورتحساب الکترونیک صادر کند. استفاده از ظرفیت اشخاص ثالث یکی از نقاط قوت برجسته طرح است که مستقل از این طرح نیز لازم است تقویت شود و اطلاعات حاصل از آن در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار گیرد.

مطابق ماده ۱۵ طرح، «در هر سال مجموع عایدی سرمایه دارایی‌های موضوع ماده (۴) این قانون که به «اشخاص غیر تجاری» تعلق دارند، با نرخ‌های ماده (۱۳۱) ق.م.م. مشمول مالیات می‌باشد.» از این حکم روشن است که سازمان امور مالیاتی در هر سال می‌تواند مجموع عایدی سرمایه تحقق یافته همه اشخاص غیر تجاری را تشخیص دهد. سپس، آن را به عایدی دارایی‌های مشمول و غیر مشمول تفکیک کند و بعد از آن، مشخص کند چه بخشی از آن مربوط به دوره تملک کمتر از یک سال، بیش از یک سال تا سه سال، بیش از سه سال تا شش سال، و بیش از شش سال است. علاوه بر این، عواید مشمول در هر سال بر اساس جدول نرخ‌های ماده ۱۳۱ ق.م.م. آمده و حسب مورد ۱۰ واحد درصد بیش از آن، مشمول مالیات می‌شود. چنین تدبیری، فارغ از پیچیدگی‌هایی که در فرآیند اجرا ایجاد می‌کند، مستلزم تمهید مقدمات متنابهی است که در احکام طرح مصوب کمیسیون قابل پیگیری است. حال سؤال این است که سازمان امور مالیاتی چگونه می‌تواند از «مجموع عایدی سرمایه دارایی‌های موضوع ماده (۱۳۱)» مطلع شود و آن را مبنای اخذ مالیات نماید. برای این موضوع یک فرآیند طراحی شده است که مراحل آن را می‌توان به این ترتیب خلاصه کرد:

- ۱) اشخاص ثالث مکلفند برای تمام معاملات همه اشخاص تجاری و غیر تجاری یک صورتحساب الکترونیک صادر کنند؛ حتی اگر معاملات مربوط به دارایی‌هایی چون سهام و سهم‌الشرکه یا واریز سود سپرده یا اوراق مشارکت باشد که حسب این قانون مشمول مالیات بر عایدی سرمایه نیستند؛
- ۲) در مواردی که این داده‌ها نزد اشخاص ثالث نیست، خود افراد مکلفند وارد کارپوشه خود شده، برای تراکنش‌های مذکور صورتحساب صادر نمایند. صدور صورتحساب الکترونیک برای کلیه وجوه پرداختی نظیر پرداخت دپه، رد مال، محکوم به، استرداد وثیقه و مطالبات (شامل اسناد دریافتی، قرض، ودیعه، وثیقه و رهن) یک تکلیف است؛
- ۳) در ادامه ایجاد تناظر بین اطلاعات کارپوشه‌ها و تراکنش‌های بانکی، اختصاص شناسه یکتا به همه تراکنش‌ها و احتساب تراکنش‌های واریزی به عنوان درآمد، مگر در موارد خاص صورت می‌پذیرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

بیان مطالب بالا به مفهوم مخالفت با اصل مالیات بر عایدی سرمایه نیست؛ اما تاکید می‌شود که، با توجه به شرایط اجتماعی فعلی و تجربه بی‌سابقه تورم‌های بالای ۴۰ درصدی طی چند سال اخیر و انواع شکنندگی‌ها که اقتصاد کشور به آن مبتلاست و عدم وجود بستر مناسب اجرای این «ابر پروژه»، این برهه زمانی، وقت مناسبی برای تصویب این طرح و اجرای آن نیست.

با اینحال چنانچه طراحان محترم طرح در مجلس شورای اسلامی و تیم اقتصادی دولت محترم بر تصویب و اجرای این طرح، اصرار دارند، با توجه به نکات پیش گفته، تاکید می‌گردد بهتر است در طراحی و اجرای این طرح از یک سیستم پیچیده، دفعی و آرمانی به یک سیستم ساده، تدریجی و با انتظارات محدود روی بیاوریم. دلالت مذکور منطبق بر اصول اصلاحات مالیاتی است که توصیه به سادگی، تدریجی بودن، در نظر گرفتن ظرفیت اجرا و کاهش زمینه‌های انتقال درآمد می‌کنند، بر همین اساس پیشنهاد می‌شود:

۱. جز در بازه زمانی کوتاه مدت که بسته به هر دارایی متفاوت است، از عایدی تعدیل شده نسبت به تورم، مالیات گرفته شود و اصل سرمایه مصون بماند.

۲. مالیات به همه دارایی‌ها، از جمله انواع اوراق بهادار و زمین‌های کشاورزی تسری باید ولی با نرخ ثابت و کم (حداکثر ۱۰ درصد) و با رعایت پیشنهاد (۱) که باعث می‌شود انگیزه‌های عدم تمکین به طور معناداری کاهش یابد و اختلال‌های ناشی از انتقال پایه درآمدی به حداقل برسد.

۳. مالیات قطعی در هنگام معامله با نرخ ثابت پیش گفته اخذ شود و به آینده موکول نشود.

۴. از اطلاعات اشخاص ثالث و تناظر آن با تراکنش‌ها، مستقل از اجرای این طرح برای شناسایی موارد فرار مالیاتی استفاده شود. این اطلاعات در بلندمدت می‌تواند کامل شود و به صورت نامحسوس تور مالیاتی را در کل اقتصاد پهن کند و راه را برای اخذ مالیات بر جمع درآمد هموار کند.

درست است که پیشنهادات مطرح شده با ایده آل‌های طراحان طرح در مواردی فاصله دارد و لسی راه را برای اعمال تدریجی طرح، هموار می‌کند.

(۴) سپس محاسبه مجموع عایدی سرمایه دارایی‌های مشمول و احتساب مالیات به شرح پیش گفته انجام می‌شود.

(۵) در نهایت، محاسبه جمع درآمد اشخاص با استفاده از داده‌های ثبت شده در سامانه وضع مالیات بر درآمد مازاد بر عایدی‌های ثبت شده و درآمدهای معاف، در دستور کار قرار می‌گیرد.

به عبارت دیگر، هر درآمدی که برای سازمان شناخته نشده باشد، مشمول مالیات بر درآمد اتفاقی بالاترین نرخ ماده ۱۳۱ قانون مالیات‌های مستقیم می‌شود. لذا انتظار می‌رود افراد برای اجتناب از اصابت بالاترین نرخ مالیات تمکین کنند و همه اطلاعات خود را به درستی افشا کنند.

توصیف بالا نشان می‌دهد که برای وضع مالیات بر قشر محدودی که مورد نظر مقنن است یک تور بسیار بزرگ پهن خواهد شد تا خالص درآمد تک تک ایرانیان محاسبه شود. با دیدن این تور بزرگ افراد به درستی معاملات دارایی‌های مشمول مالیات خود را افشا می‌کنند تا در دام مالیات بر درآمد اتفاقی نیفتند.

اینکه چنین ابر پروژه‌ای بنا است با چه ترتیباتی و در چه بازه زمانی و با چه برنامه‌ای اجرا شود بحثی جداگانه و البته مغفول است که باید به طور جداگانه مطرح نظر قرار گیرد. اما توجه به چند ملاحظه تردیدهایی جدی در خصوص امکان‌پذیری اجرای آن ایجاد می‌کند: اگر افراد با پولی غیر از پول رایج کشور مبادله کنند و خود را وارد چرخه تراکنش‌های رسمی نکنند؛ به نحوی که نتوان از طریق تناظر معاملات و تراکنش‌های آنها را شناسایی کرد، چه خواهد شد؟ برنامه جایگزین مقنن و مجری برای مواجهه با این موضوع چیست؟ اگر درصد معدودی از صاحبان ثروت و مکننت که در نوک پیکان این قانون هدفگذاری شده‌اند آن قدر هوشمند باشند که خارج از چرخه معاملات رسمی برنامه‌های خود را پیش ببرند، واکنش ما چه خواهد بود؟ نگرانی از انجام معاملات به پولهای خارجی، رمز ارزها یا سایر اسناد تجاری یک نگرانی جدی است که به سادگی از کنار آن عبور شده و فرض شده است افراد چاره‌ای جز انجام دادن معامله با ریال ندارند.

در کشورهای مترقی که بر اساس اطلاعات اشخاص ثالث (و البته نه در قالب ابر سامانه‌ای به نام سامانه مؤدیان) درآمد مؤدیان را شناسایی می‌کنند، تبادل اطلاعات رو به رشد با کشورهای شریک تجاری وجود دارد و با انتقال درآمد از یک کشور به کشور دیگر، اطلاعات آن میان دو کشور مبادله می‌شود و امکان فرار مالیاتی از این طریق بسیار محدود است. آیا افراد مورد هدف این قانون نمی‌توانند با انتقال درآمدها به کشورهای بی‌نظر محیط کسب و کار یک یا چند پله کم هزینه‌تر هستند و چه بسا مالیات‌های کمتری هم وصول می‌کنند، از زیر بار این قانون فرار کنند؟

از شهرهای بزرگ که فاصله بگیرد بسیاری از املاک فاقد سند رسمی هستند و بسیاری از مبادلات با اسناد عادی انجام می‌شود که از نظر مقنن و جاهت قانونی دارد. اگر فرد به تکلیف خود مبنی بر ثبت زمان و مبلغ معامله با اسناد عادی عمل نکند، واکنش ممکن ما چه خواهد بود؟ به نظر می‌رسد طرح برای این سؤال و بسیاری از سؤالات دیگر، پاسخی ندارد. سامانه مؤدیان که فقط معاملات صاحبان کسب و کار با یکدیگر و با مصرف‌کننده را پوشش می‌دهد، بنا است به نحوی تعمیم یابد که معاملات مصرف‌کنندگان با صاحبان کسب و کار و مصرف‌کنندگان با یکدیگر را پوشش دهد. در حالی که به گفته مجریان طرح مذکور بلوغ سامانه مستلزم سه تا هفت سال زمان است و هنوز به سؤالاتی نظیر سؤالات مطرح شده در بند بالا پاسخ داده نشده است، چطور می‌توان نسبت به تصویب و اجرای مدل تعمیم یافته آن خوش بین بود؟



دلایل تصویب مالیات بر عایدی سرمایه

کارگران و تولیدگران مشمول مالیات هستند. این در حالی است که براساس دکترین توان پرداخت (به عنوان دکترین مالیاتی مورد اجماع از ابتدای قرن بیستم تاکنون) هرگونه عایدی خالص سرمایه باعث افزایش توان پرداخت مؤدیان مالیاتی شده و دلیلی برای معافیت آن وجود ندارد. از جایی که عایدی سرمایه بیشتر متعلق به طبقات بالای درآمدی است، معافیت آن از مالیات به نوعی موجب تشدید فاصله طبقاتی و تبعیض مالیاتی

کاهش عواید ناشی از سوداگری، موجب کاهش تقاضای سوداگری شده و از این طریق می تواند موجب ثبات و آرامش در بازارهای دارایی شود. مالیات بر عایدی سرمایه از مهم ترین پایه های مالیاتی است که با سابقه بیش از ۱۰۰ ساله، هم اکنون در بیش از ۱۴۲ کشور جهان مورد استفاده قرار گرفته است. شایان ذکر است در ایران از درآمد حاصل از سرمایه اشخاص، مالیاتی اخذ نمی شود در حالی که کارمندان،

پایه های مالیاتی برای اهداف گوناگونی مانند افزایش درآمد بخش عمومی، حمایت از اقشار محروم از طریق باز توزیع منابع و تنظیم فعالیت بخش های مختلف اقتصادی استفاده می شوند. مالیات بر عایدی سرمایه نیز یکی از پایه های مالیاتی است که می تواند از طریق کاهش جذابیت فعالیت های سوداگرانه و غیرمولد در اقتصاد، موجب هدایت سرمایه به سمت فعالیت تولیدی و نهایتاً کمک به رونق تولید شود. همچنین این پایه مالیاتی با

۱-۱. کاهش سوداگری و ایجاد ثبات و آرامش در بازار

افراد به دلیل انتظار افزایش قیمت دارایی‌های مسکن، خودرو، طلا و ارز، نسبت به خرید و نگهداری آنها اقدام می‌کنند تا در آینده با قیمت بیشتری به فروش برسانند. این تقاضای سوداگری موجب نوسانات قیمتی در این بازارها شده و به دلیل چسبندگی رو به بالای قیمت‌ها، نهایتاً منجر به افزایش قیمت دارایی‌ها می‌شود. نمودار ۱ روند تغییرات شاخص متوسط قیمت مسکن را در سه شهر تهران، مشهد و اصفهان نشان می‌دهد.

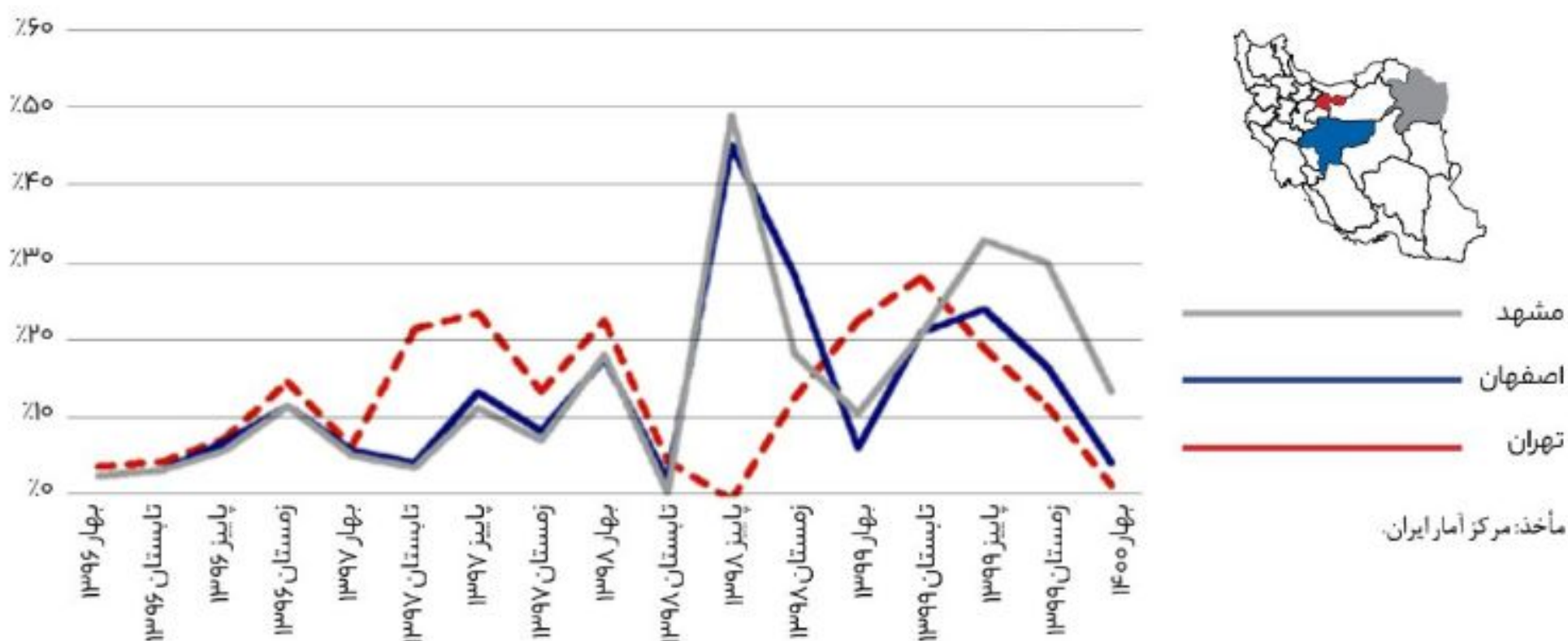
۱. اهداف طرح مالیات بر عایدی سرمایه

مالیات بر عایدی سرمایه مالیاتی است که بر اختلاف قیمت خرید و فروش دارایی وضع می‌شود. به طور کلی سه هدف اصلی از وضع مالیات بر عایدی سرمایه دنبال می‌شود:

۱. کاهش سوداگری و ایجاد ثبات در بازارهای دارایی
۲. حمایت از تولید از طریق کاهش نوسانات قیمتی
۳. طریق کاهش سود فعالیت‌های غیرمولد رقیب تولید؛ برقراری عدالت مالیاتی میان سوداگران و سرمایه‌داران با تولیدگران و کارمندان.

می‌شود. این گزارش از چهار بخش اصلی تشکیل شده است؛ در بخش اول به اهداف کلی اخذ مالیات بر عایدی سرمایه و آثار اقتصادی ناشی از آن پرداخته می‌شود. در بخش دوم کلیات طرح مالیات بر عایدی سرمایه مشتمل بر دارای‌های مشمول، معافیت‌ها و نحوه محاسبه مالیات مورد توجه قرار گرفته است. بخش سوم به تشریح بستر اجرایی لازم برای اخذ این پایه مالیاتی پرداخته و نهایتاً بخش چهارم به سایر دستاوردهای بستر اجرایی مانند امکان اجرا کردن مالیات بر مجموع درآمد، کاهش فرار مالیاتی، کاهش قاچاق و کاهش استفاده از اسناد عادی می‌پردازد.

نمودار ۱. درصد رشد فصلی متوسط قیمت مسکن در شهرهای تهران، مشهد و اصفهان



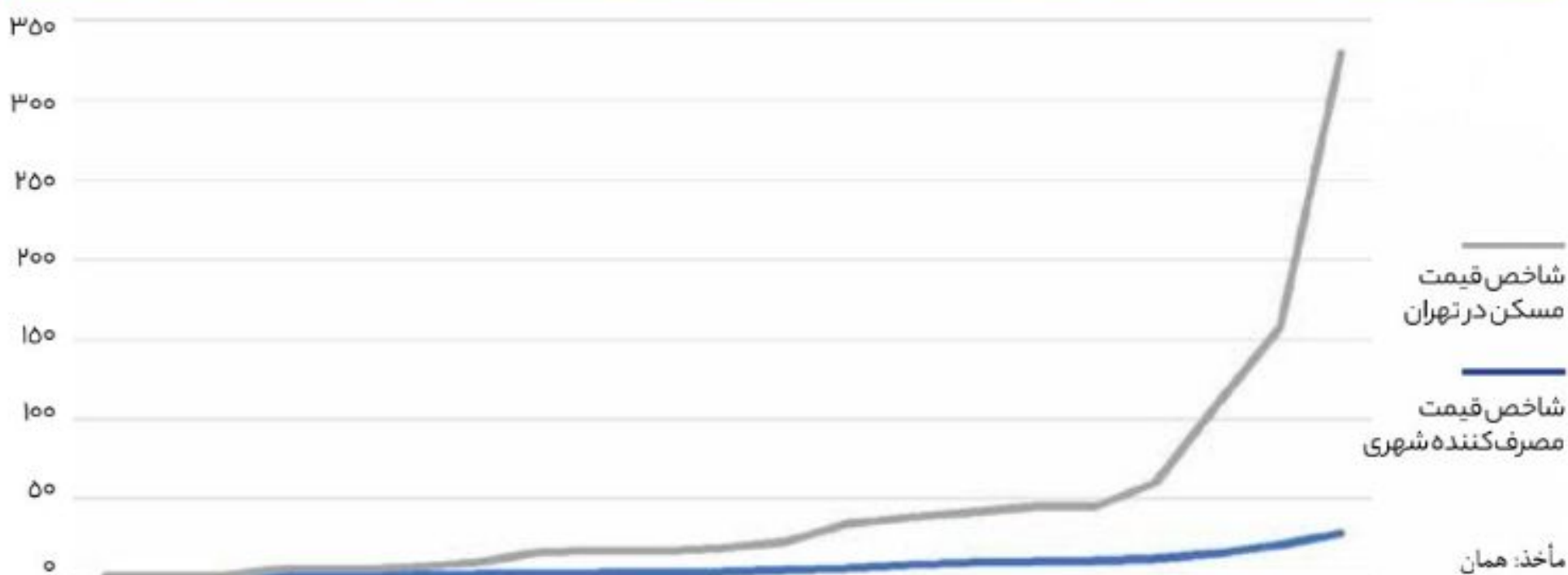
مأخذ: مرکز آمار ایران

سیاست‌های ساخت مسکن در دوره‌های مختلف، مهاجرت از روستا به سمت شهرها و... نیز بر عدم همخوانی عرضه و تقاضا اثر گذار بوده و موجب افزایش قیمت بیشتر مسکن نسبت به سایر قیمت‌ها می‌شوند. علاوه بر این موارد، تا زمانی که رشد بالای نقدینگی در کشور ادامه داشته باشد، نمی‌توان ثبات قیمتی را در این بازارها انتظار داشت.

کننده و متوسط قیمت هر متر زیربنای مسکونی در تهران را نشان می‌دهد. تقاضای سوداگری یکی از عواملی است که با افزایش تقاضا در بازار، پاسخ به نیازهای مصرفی اکثر مردم ناظر به این ارقام را با مشکل روبه‌رو می‌کند. البته سوداگری یکی از عوامل اثر گذار است و عوامل دیگری مانند تغییرات جمعیت متقاضی مسکن در کشور،

از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۹، متوسط قیمت هر متر زیربنای مسکونی در تهران ۳۳۰ برابر شده است در حالی که شاخص قیمت مصرف‌کننده ۲۸ برابر شده است. این افزایش ۷۱۱٪ برابری قیمت مسکن نسبت به سایر قیمت‌ها موجب کاهش قدرت خرید مردم و افزایش فاصله طبقاتی میان صاحبان ملک و افراد مستأجر می‌شود. نمودار ۲ روند تغییرات شاخص قیمت مصرف

نمودار ۲. مقایسه تغییرات شاخص قیمت مسکن و تورم



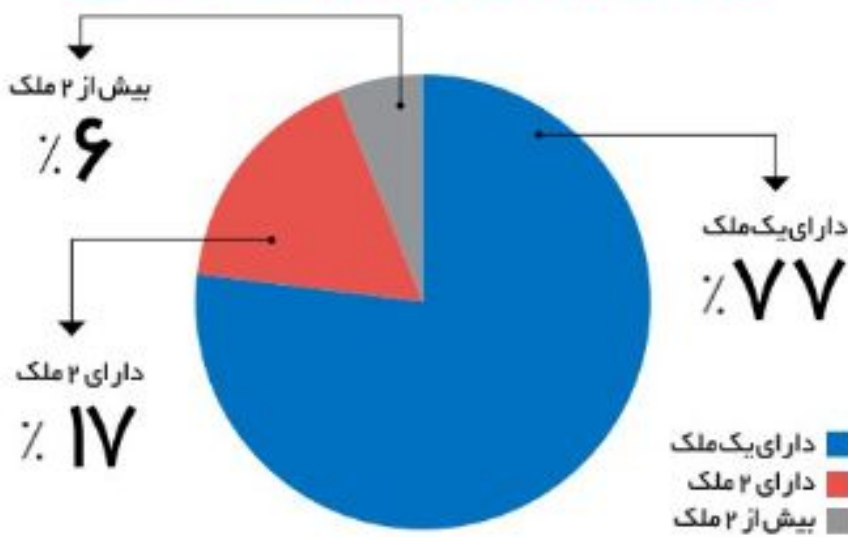
مأخذ: همان

ملک مسکونی (مجموعاً حداکثر تا ۴ ملک) استفاده نماید. مشابه معافیت ملک مسکونی برای هر شخص غیر تجاری، شرط بر خورداری از معافیت همسر و فرزندان نیز دوره تملک بیش از ۲ سال برای هر ملک مسکونی است. شرط دوره تملک ۲ ساله به منظور جلوگیری از سوداگری از طریق این معافیت بوده و املاکی که در مدتی کمتر از ۲ سال خرید و فروش شوند، مشمول مالیات خواهند بود. برای مثال اگر شخصی دارای یک همسر و دو فرزند بالای ۱۸ سال باشد، می تواند تا ۴ منزل مسکونی خود را بدون پرداخت مالیات بر عایدی سرمایه به فروش برساند؛ اما شرط بر خورداری از این معافیت این است که املاک مسکونی وی دارای دوره نگهداری حداقل دو سال باشند.

در مثال قبل در صورتی که شخص مذکور املاک خود را با استفاده از معافیت همسر و فرزندان به فروش برساند و مجدداً نسبت به خرید املاک مسکونی جدید اقدام کند، در صورتی که از تاریخ فروش املاک اولیه و استفاده از معافیت همسر و فرزندان حداقل ۵ سال گذشته باشد، مشروط به دوره نگهداری املاک بیش از ۲ سال، فروشهای فوق مجدداً معاف از مالیات بر عایدی سرمایه خواهند بود. شایان ذکر است در صورتی که از تاریخ فروش املاک اولیه، کمتر از ۵ سال گذشته باشد، حتی در صورتی که مدت نگهداری ملک بیش از ۲ سال باشد، شخص نمی تواند از معافیت همسر و فرزندان خود در هنگام فروش ملک مسکونی استفاده نماید.

با توجه به معافیت بیان شده، انتظار می رود عموم خانوادهها مشمول این معافیت قرار گرفته و مالیاتی پرداخت نکنند. طبق آمار سامانه املاک و اسکان وزارت مسکن، از میان خانوارهایی که صاحب ملک مسکونی هستند، ۹۴ درصد آنها یا ۲ ملک دارند و ۶ درصد آنها، دارای ۳ یا بیشتر از ۳ ملک هستند. بنابراین با توجه به معافیت بیان شده در طرح، انتظار می رود بیش از ۹۵ درصد از کل خانوارهای کشور معاف از مالیات بر عایدی املاک مسکونی شوند.

نمودار ۳. توزیع خانوارهای مالک بر اساس تعداد ملک تحت مالکیت



کسر هزینه های نوسازی: کلیه اشخاص غیر تجاری بالای ۱۸ سال، سالیانه به میزان معافیت ماده ۲(۸۴) قانون مالیاتهای مستقیم از مالیات بر عایدی سرمایه املاک معاف هستند. بدین ترتیب تا زمانی که مجموع عایدی املاک شخص در یک سال کمتر از این معافیت باشد، نیازی به انجام تکالیف مالیاتی و پرداخت مالیات نیست. این معافیت از یک سمت با معاف کردن عایدی های اندک حاصل از خرید و فروش املاک موجب تسهیل اجرای قانون برای مردم و سازمان امور مالیاتی شده و از سمت دیگر موجب پوشش هزینه نوسازی می شود.

اراضی با کاربری کشاورزی: ۱۳ این معافیت شامل اراضی کشاورزی اعم از باغها و زمین های زراعی خارج از حریم شهری به استثنای باغویلاست. همچنین به منظور جلوگیری از انتقال عملیات سودگرانه از املاک مسکونی به اراضی کشاورزی، شرط بر خورداری از این معافیت، دوره نگهداری ۲ ساله و همچنین حداقل ۳ سال زیر کشت بودن زمین از دوره ۵ ساله منتهی به تاریخ فروش است. وظیفه تشخیص شرایط فوق و اعلام سیستمی آن به سازمان امور مالیاتی بر عهده وزارت جهاد کشاورزی است. همچنین ۵۰ درصد از مالیات موضوع این معافیت به عنوان درآمد اختصاصی به وزارت جهاد کشاورزی اختصاص می یابد.

۲. معافیت های مربوط به وسایل نقلیه:

هر شخص به تعداد اعضای خانواده (تا سقف ۴ وسیله نقلیه): ۴ مشابه معافیت حوزه املاک، هر شخص غیر تجاری بالای ۱۸ سال که صاحب یک وسیله نقلیه باشد دوره تملک آن بیش از ۲ سال باشد، معاف از مالیات بر عایدی سرمایه است. علاوه بر این، هر شخص به تعداد همسر و فرزندان بالای ۱۸ سال که وسیله نقلیه به آنها تعلق ندارد، هر ۵ سال یکبار می تواند از معافیت وسایل نقلیه (تا حداکثر ۴ وسیله) استفاده نماید. شرط بر خورداری از این معافیت، دوره تملک بیش از ۲ سال برای هر وسیله نقلیه است.

طبق آمار پایگاه رفاه ایرانیان، بیش از ۹۸ درصد از خانوارهای ایرانی بین ۰ تا ۳ خودرو دارند. بنابراین با اعمال این معافیت، بیش از ۹۸ درصد خانوارها معاف از مالیات شده و گروه خاصی که نسبت به سوداگری در بازار خودرو اقدام می کنند، مشمول مالیات خواهند شد.

همچنین تقاضای سوداگری در بازار ارز و نگهداری ارز توسط افراد به دلیل انتظار افزایش قیمت در آینده، موجب افزایش تقاضا و افزایش قیمت ارز می شود که نهایتاً با اثر گذاری بر قیمت کالاها و نهادهای وارداتی، موجب کاهش قدرت خرید مردم خواهد شد. با وضع مالیات بر عایدی سرمایه، انگیزه سوداگران برای مبادرت به خرید و فروش دارایی ها کاهش یافته و در نتیجه، بخشی از بی ثباتی و نازاری بازار که از طریق سوداگری شکل گرفته است، کاهش خواهد یافت.

۱-۲. حمایت از تولید

بر اساس قانون مالیاتهای مستقیم، در ایران تولید کنندگان و مشاغل مشمول مالیات می شوند، ولی سوداگران بازارهای ارز، سکه، زمین و مسکن و... مالیاتی پرداخت نمی کنند. این تفاوت موجب شده برخی افراد صاحب سرمایه که می خواهند اقدام به سرمایه گذاری کنند، به جای تولید، انگیزه بیشتری برای فعالیت های غیر مولد داشته باشند. با توجه به آنکه در بسیاری موارد، عواید سوداگری در ایران از مبالغ بسیار از فعالیت های تولیدی بیشتر است، شاهد خروج سرمایه از بخش مولد اقتصاد به سمت سوداگری و انحراف سرمایه به سمت فعالیت های غیر مولد هستیم. اما با وضع مالیات بر عایدی سرمایه به دلیل کاهش بازدهی بازارهای ارزی، انگیزه افراد برای ورود به این بازارها کاهش یافته و یکی از موانع ورود سرمایه ها به بخش مولد اقتصاد تضعیف می شود.

۱-۳. برقراری عدالت مالیاتی

در ایران کارمندان و صاحبان مشاغل همگی مالیات پرداخت می کنند در حالی که بسیاری از درآمدهای حاصل از سرمایه در کشور معاف از مالیات است. بدین ترتیب سوداگران علی رغم سودهای بسیاری که کسب می کنند، از مالیات معاف می شوند. این تمایز در رفتار مالیاتی ضمن تشویق به سوداگری، ناقض عدالت مالیاتی در میان آحاد جامعه است.

۲. کلیات طرح مالیات بر عایدی سرمایه

در این بخش مهم ترین موارد ناظر به محاسبه مالیات بر عایدی سرمایه، مبتنی بر مفاد شور دوم طرح، بررسی می شود. در ابتدا اشخاص و دارایی های مشمول بیان می شوند. در بخش دوم انواع معافیت های ناظر به هر یک از انواع دارایی ها و همچنین معافیت های در نظر گرفته شده به جهت حمایت از تولید بررسی می شود. در قسمت سوم مآخذ مالیاتی و نحوه تعدیل توری می بیان شده و نهایتاً نرخ مالیات بر عایدی سرمایه بررسی می شود.

در ادامه این گزارش، تعاریف زیر مورد استفاده قرار گرفته است:

■ اشخاص تجاری: کلیه اشخاص حقیقی ایرانی دارای هرگونه فعالیت اقتصادی از قبیل فعالیت های تولیدی، خدماتی، بازرگانی و سایر فعالیت های اقتصادی صاحبان، حرفه، کسب و کارها و مشاغل و همچنین کلیه اشخاص حقوقی ایرانی دارای فعالیت های انتفاعی یا غیرانتفاعی و نیز کلیه اشخاص غیر ایرانی مقیم ایران و کلیه اشخاص غیر ایرانی مقیم خارج از ایران که در ایران دارای شعبه، نمایندگی یا کارگزاری هستند.

■ اشخاص غیر تجاری: کلیه اشخاص حقیقی دارای «کد ملی» یا «شماره اختصاصی اشخاص خارجی». هر شخص غیر تجاری، در صورت فعالیت اقتصادی، نسبت به فعالیت اقتصادی مذکور، شخص تجاری محسوب می شود.

۱-۲. دارایی ها و اشخاص مشمول

بر اساس مصوبه شور دوم کمیسیون اقتصادی، کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی مشمول مالیات بر عایدی سرمایه هستند. همچنین در رابطه با این طرح، دارایی های زیر مشمول مالیات می شوند:

۱. املاک با انواع کاربری و حق واگذاری محل؛ ۲. انواع وسایل نقلیه مشمول مقررات مربوط به شماره گذاری؛
۳. انواع طلا، نقره، پلاتین، مسکوکات طلا، نقره، پلاتین و جواهرات؛
۴. انواع ارز.

۲-۲. معافیت ها

در گزارش شور دوم کمیسیون اقتصادی در رابطه با طرح مالیات بر عایدی سرمایه، معافیت های متنوعی به منظور رونق تولید، جلوگیری از اصابت مالیات به تقاضای مصرفی مردم و کمک به تسریع عرضه دارایی های نگهداری شده، لحاظ شده است. در ادامه معافیت های مرتبط با هر یک از دارایی ها و اشخاص مشمول بیان می شود:

۱. معافیت های مربوط به املاک:

هر شخص حقیقی به تعداد اعضای خانواده (تا سقف ۴ ملک): ۱ هر شخص غیر تجاری بالای ۱۸ سال که صاحب یک ملک مسکونی با دوره تملک حداقل ۲ سال باشد، معاف از مالیات بر عایدی سرمایه این ملک در هنگام فروش آن است. علاوه بر این، هر شخص به تعداد همسر و فرزندان بالای ۱۸ سال خود که ملک مسکونی به آنها تعلق ندارد، هر ۵ سال یکبار می تواند از معافیت

به مدت حداقل ۲ سال است.

کسر مالیات بر درآمد ارزی و هزینه حقوق و مزایای پرداختی، از عایدی سرمایه املاک: به طور کلی یک واحد تولیدی و شفاف داری دو ویژگی است. اول استخدام نیرو کار و دوم ابراز تولید خود در اظهارنامه مالیاتی. با توجه به این مسئله و برای حمایت از تولیدگر، متناسب با مخارج واحد تولیدی در این دو حوزه، معافیتی برای عایدی املاک وی در نظر گرفته شده است. به همین منظور از مالیات بر عایدی املاک اشخاص تجاری به میزان مجموع «کل مالیات بر درآمد ابرازی» و پنجاه درصد مجموع «هزینه حقوق و مزایای پرداختی» که توسط اشخاص تجاری در طول دوره تملک ملک پرداخت شده است، تا سقف نود درصد کسر می شود. نهایتاً به منظور جلوگیری از سوداگری واحدهای تولیدی به واسطه این معافیت، لازمه بهرهمندی از این معافیت، استقرار فعالیت اقتصادی در محل ملک مذکور به مدت حداقل ۲ سال است.

مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی: به جهت حمایت از واحدهای تجاری دارای مجوز و مستقر در مناطق آزاد تجاری، در صورت تملک بلندمدت (بیش از ۶ سال) ملک توسط آنها، مالیات با نرخ صفر محاسبه شده و در صورت تملک میامدت (۳ تا ۶ سال)، ۵۰ درصد از عایدی املاک آنها معاف از مالیات است. به جهت جلوگیری از سوداگری در مناطق آزاد تجاری، معافیتی برای املاک با دوره نگهداری کمتر از ۳ سال در طرح لحاظ نشده است.

وسایل نقلیه دارای پلاک ویژه مناطق آزاد تجاری-صنعتی: با توجه به عدم امکان خروج دائم خودروهای دارای پلاک ویژه مناطق آزاد تجاری-صنعتی به سرزمین اصلی، سوداگری در این بازار اثر قابل توجهی بر بازار اصلی خودرو نخواهد داشت. به همین دلیل و با توجه به عمق نندک این بازار، خرید فروش وسایل نقلیه با پلاک ویژه مناطق آزاد تجاری-صنعتی مشمول مالیات بر عایدی سرمایه با نرخ صفر است.

۵. سایر معافیت ها:

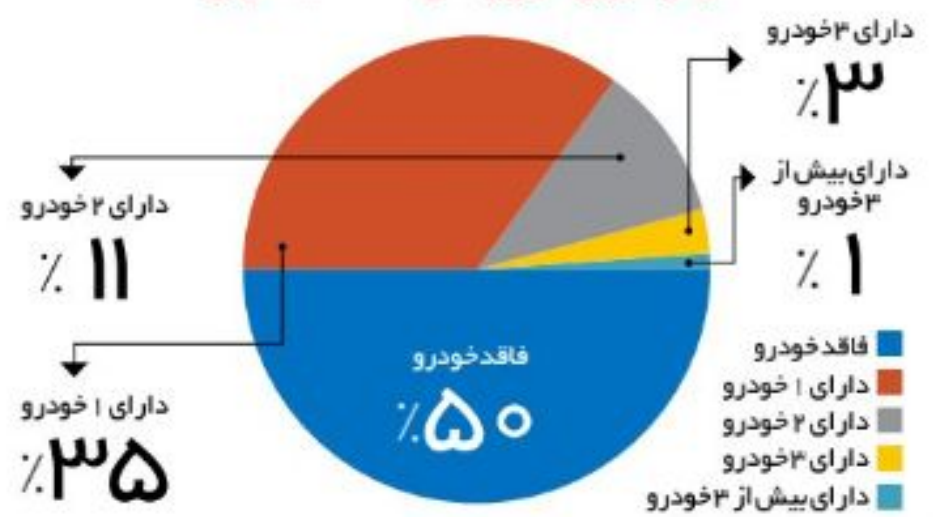
فروش املاک و وسایل نقلیه مربوط به مالکیت های قبل از تصویب قانون تا ۴ سال پس از اجرای قانون:

برای حفظ پیش بینی پذیری در اقتصاد، لازم است فرصتی به صاحبان دارایی داده شود تا بتوانند دارایی های خود را که پیش از تصویب این قانون تهیه کرده اند، بدون پرداخت مالیات بر عایدی سرمایه به فروش برسانند. البته شایان ذکر است با توجه به معافیت های متنوع لحاظ شده برای مالیات بر عایدی سرمایه، افراد صرفاً مایل به فروش دارایی مازاد خود در این بازه هستند و نه همه دارایی های خود با توجه به این موارد و برای تشویق صاحبان املاک و وسایل نقلیه به عرضه سریع تر دارایی های مازاد خود در بازار، این اشخاص به مدت ۴ سال پس از اجرای قانون فرصت دارند تا املاک و وسایل نقلیه ای که پیش از لازم الاجرا شدن این قانون تهیه کرده اند را به فروش برسانند و مالیاتی بابت عایدی کسب شده پرداخت نکنند. انتظار می رود این بند موجب افزایش عرضه این اقلام در بازار شده و از این طریق عاملی در جهت کاهش قیمت این دارایی ها باشد. البته از منظر کارشناسی کاهش دوره تنفس از ۴ سال به ۲ سال قابل توصیه است. فروش طلا و ارز مربوط به مالکیت های قبل از تصویب قانون تا ۶ ماه پس از اجرای قانون: مشابه معافیت بیان شده برای املاک و وسایل نقلیه، فروش انواع طلا، نقره، پلاتین، مسکوکات طلا، نقره، پلاتین و جواهر آلات و همچنین انواع ارز که پیش از لازم الاجرا شدن قانون تهیه شده اند تا ۶ ماه پس از اجرای قانون معاف از مالیات بر عایدی سرمایه است. دوره تنفس کوتاه تر این دارایی ها به دلیل سهولت فروش این دارایی ها در مقایسه با املاک و وسایل نقلیه است. انتظار می رود این معافیت نیز موجب تسریع عرضه دارایی های مازاد افراد در بازار شده و عاملی در جهت کاهش قیمت این دارایی ها باشد.

انتقال دارایی به صورت بلاعوض: از آنجا که مطابق قوانین فعلی، انتقال بلاعوض دارایی، مشمول مالیات بر درآمد اتفاقی است، اشخاص انگیزه سوداگری از این طریق را ندارند و اخذ مالیات بر عایدی سرمایه از این موارد لزومی ندارد. به همین دلیل هر گونه انتقال دارایی به صورت بلاعوض، معاف از مالیات بر عایدی سرمایه است. به منظور شفافیت معاملات مربوط به این انتقال و امکان شناسایی مالیات بر عایدی سرمایه در معاملات بعدی این دارایی ها، شرط بر خورداری از این معافیت، درج بلاعوض بودن و همچنین ارزش ریالی دارایی در صورت حساب مربوطه است. ارزش ریالی ابرازی در حکم قیمت فروش بوده و مبنای محاسبه مالیات بر عایدی سرمایه در معامله بعدی قرار می گیرد. شایان ذکر است که طبق گزارش کمیسیون اقتصادی در رابطه با طرح مالیات بر عایدی سرمایه، انتقال بلاعوض دارایی میان اعضای خانواده معاف از مالیات بر درآمد اتفاقی است. لذا افراد می توانند هنگام انتقال بلاعوض دارایی به اعضای خانواده، ارزش ریالی را بیش اظهار کرده و از پرداخت مالیات بر عایدی سرمایه در معامله بعدی اجتناب نمایند. به همین دلیل در صورتی که انتقال دارایی به صورت بلاعوض به پدر یا مادر، فرزندان، همسر و اجداد صورت پذیرد، مبنای محاسبه «دوره تملک» و «قیمت خرید» دارایی های مذکور در انتقال بعدی، «تاریخ تملک» و «قیمت خرید» اولیه دارایی است و نه ارزش ریالی ثبت شده در صورت حساب.

انتقال ماترک به صورت ارث: هر گونه انتقال دارایی های مشمول طرح به صورت ماترک ارث، معاف از مالیات بر عایدی سرمایه است. در این مورد نیز مشابه انتقال دارایی به صورت بلاعوض، در صورتی که انتقال به والدین، همسر، فرزندان و اجداد باشد، مبنای محاسبه دوره تملک و قیمت خرید، تاریخ تملک و قیمت خرید اولیه دارایی است.

نمودار ۴. توزیع خانوار بر اساس تعداد مالکیت خودرو



۳. معافیت های مربوط به طلا و سکه:

۲۰۰ گرم طلای ۱۸ عیار در ۵ سال: هر شخص حقیقی بالای ۱۸ سال می تواند در بازه ۵ ساله به ارزش معادل ۲۰۰ گرم طلای ۱۸ عیار از انواع طلا، نقره، پلاتین، مسکوکات طلا، نقره، پلاتین و جواهر آلات را به صورت معاف از مالیات بر عایدی سرمایه به فروش برساند. علاوه بر این از آنجا که انتقال این دارایی ها میان اعضای خانوار معاف از مالیات است، عملاً یک خانوار به طور متوسط معادل بیش از ۴۹۰ گرم طلای ۱۸ عیار در بازه ۵ ساله معاف از مالیات بر عایدی سرمایه می شود. با توجه به مخارج خانوار ایرانی در این حوزه، انتظار می رود این معافیت نیازهای مصرفی اکثر خانوارهای کشور را پوشش داده و موجب تفکیک نیاز مصرفی مردم از عملیات سوداگرانه شود.

۴. معافیت های ناظر به فعالیت تولیدی و اشخاص تجاری:

اولین انتقال املاک توساز: برای حمایت از تولید و عرضه مسکن، اولین فروش املاک توساز معاف از مالیات بر عایدی سرمایه است. این معافیت موجب تشویق به ساخت و فروش مسکن توساز می شود. فروش انواع دارایی مرتبط با فعالیت شغلی: اشخاص حقیقی اعم از ایرانی و خارجی نسبت به درآمد حاصل از فعالیت های شغلی، صرفاً مشمول مالیات بر درآمد مشاغل هستند و از پرداخت مالیات بر عایدی سرمایه معاف هستند. برای مثال یک نمایشگاه خودرو، در قبال خرید و فروش وسایل نقلیه، مشمول مالیات بر عایدی سرمایه نمی شود، ولی مشمول مالیات بر درآمد مشاغل است. شایان ذکر است در صورتی که معاملات دارایی، خارج از فعالیت های شغلی باشند، عایدی مذکور صرفاً مشمول مالیات بر عایدی سرمایه بوده و مشمول مالیات بر درآمد مشاغل نیست. این بند با به رسمیت شناختن فعالیت واسطه گری و دلالتی توسط شرکت های رسمی و دارای مجوز، باعث افزایش نقدشوندگی در اقتصاد می شود. همچنین این شرکت ها ملزم به پرداخت مالیات بر عملکرد خود ناظر به درآمد حاصل از خرید و فروش دارایی بوده و از این طریق، ضمن افزایش شفافیت عملکرد این واحدهای اقتصادی برای حاکمیت، عدالت مالیاتی میان این فعالیت ها و سایر فعالیت های اقتصادی برقرار می شود.

تعویق مالیات بر عایدی املاک مرتبط با فعالیت اقتصادی در صورت جایگزینی: به منظور تسهیل معاملات ناظر به جایگزینی کردن ملک مورد استفاده در فعالیت های اقتصادی، در صورت تحقق یکی از شرایط زیر، پرداخت مالیات بر عایدی حاصل از فروش املاک می تواند حداکثر به میزان «۵ سال از تاریخ صدور صورت حساب الکترونیکی انتقال دارایی اولیه» یا «تاریخ فروش دارایی جایگزین شده» (هریک مقدم باشد) به تعویق افتد. بر این اساس اشخاص مشمول واجد شرایط می توانند پرداخت مالیات بر عایدی ملک خود را تا زمان فروش ملک جایگزین شده (حداکثر تا

۵ سال) به تعویق بیندازند. شرایط لازم به جهت شمول این معافیت عبارتند از:

■ ملک کاربری غیرمسکونی داشته باشد.
 ■ دارایی متعلق به اشخاص حقیقی بوده و مالک یا صاحب حق بر اساس اطلاعات سامانه ای سازمان امور مالیاتی، به عنوان صاحبان مشاغل در نظام مالیاتی ثبت نام شده باشند و حداقل به مدت دو سال شاغل به فعالیت اقتصادی در محل مذکور باشد و بیش از ۶ ماه متوالی از توقف فعالیت های مذکور در محل دارایی نگذشته باشد.

■ مالک یا صاحب حق دارایی، تصمیم خود مبنی بر جایگزینی دارایی دیگری برای انجام فعالیت اقتصادی خود را به سازمان اعلام نماید و حداکثر تا پانزده ماه از تاریخ انتقال دارایی نسبت به تملک دارایی جایگزین و شروع فعالیت شغلی خود بر اساس اطلاعات سامانه مؤدیان اقدام نماید.

املاک مربوط به اشخاص تجاری در شهرهای کم جمعیت: ۴ به منظور حمایت از توسعه شهرهای کوچک و افزایش انگیزه رونق واحدهای تجاری در این مناطق، ۷۰ درصد از عایدی املاک اشخاص تجاری در شهرهای دارای جمعیت کمتر از یک میلیون نفر و همچنین در خارج از حریم شهری شهرهای دارای جمعیت بیش از یک میلیون نفر

معاف از مالیات بوده و مابقی آن مشمول مالیات بر عایدی سرمایه است. به منظور جلوگیری از فعالیت سوداگرانه از این طریق، شرط بهرهمندی از این معافیت، فعالیت اقتصادی در محل ملک مذکور

مالیات با تکیه بر عوامل انسانی (ممیز مالیاتی) نه تنها مطلوب نیست بلکه عملاً امکانپذیر نیست. فرایندهای مالیاتستانی نیز باید به گونه‌ای طراحی شود که دخالت عوامل انسانی در این فرایندها حداقلی باشد. تجربه کشور در محاسبه و اخذ مالیات توسط عوامل انسانی نشان می‌دهد وجود عامل انسانی در برخی موارد موجب اجحاف به مؤدیان و در برخی موارد هم موجب ایجاد فساد در فرایند محاسبه و اخذ مالیات می‌شود. گسترش رابطه میان مؤدی و ممیز مالیاتی، از اشخاص حقوقی و مشاغل به تمامی آحاد جامعه، می‌تواند موجب تعمیق مشکلات فعلی و ایجاد نارسایی شود. همچنین در طراحی و وضع قوانین مالیاتی برای اشخاص حقیقی، باید تکالیف مؤدیان به نحوی باشد که تکالیف مذکور برای همه اشخاص با هر سطح دانش و مهارت و در هر نقطه کشور به سهولت قابل انجام باشد؛ اگر این موارد در طراحی بستر اجرایی لحاظ نشوند، این قانون فاقد پذیرش اجتماعی بوده و در عمل با چالش جدی در اجرا مواجه خواهند شد. علاوه بر این موارد، تفاوت در قواعد محاسبه مالیات بر عایدی سرمایه مربوط به دارایی‌های مشمول که برای فعالیت‌های اقتصادی استفاده می‌شوند با عایدی حاصل از فروش دارایی‌هایی که برای مصرف شخصی خریداری شده‌اند و نیز دارایی‌هایی مثل املاک مسکونی که از طریق اسناد عادی معامله می‌شوند، از جمله دیگر پیچیدگی‌های اجرایی مالیات بر عایدی سرمایه است که باید در طراحی بستر اجرایی مد نظر قرار گیرد.

۱-۳. امکان بستر اجرایی نظام مالیاتی

به صورت کلی، برای هر معامله در اقتصاد می‌توان ۲ عنصر اصلی تعریف کرد: اطلاعات معاملاتی مربوط به معامله و سند تراکنش پولی. بر همین اساس بستر اجرایی نظام مالیاتی نیز دارای ۲ رکن اصلی است:

۱. رویداد مالی: منظور از رویداد مالی، اطلاعات معاملاتی است که توسط اشخاص صورت می‌پذیرد. به همین جهت لازم است متناسب با هر معامله، سند یکتا و غیر قابل جعلی تولید شود که مبنای محاسبه درآمد برای فروشنده و محاسبه هزینه برای خریدار باشد. شایان ذکر است برخی اسناد تولیدی برای معاملات در کشور، اگرچه بر انجام معامله دلالت دارد، اما با توجه به اینکه مبلغ معامله در اسناد مذکور درج نمی‌شود، از نظر سازمان امور مالیاتی فاکتور یا صورت حساب معامله محسوب نشده و باید کامل گردد. برای نمونه برگ سبز خودرو که از فرایند معاملات خودرو تولید می‌شود، کارکردی مشابه فاکتور دارد. در معاملات لوراق بهادار در بورس و نیز در معاملاتی که در دفاتر ثبت اسناد رسمی انجام می‌شود نیز اسناد مشابهی تولید می‌شوند که تا حدودی شبیه به صورت حساب هستند و در صورتی که مبلغ معامله نیز در آنها درج شود، می‌توانند کارکرد صورت حساب داشته باشند.

۲. نظام پرداخت: منظور از نظام پرداخت، اطلاعات تراکنش‌های بانکی صورت گرفته به منظور انجام معامله است. به عبارت دیگر، منظور از اطلاعات نظام پرداخت، اطلاعات تراکنش بانکی است که در معاملات توسط خریدار برای فروشنده واریز می‌شود. شایان ذکر است در برخی موارد معاملات به صورت تهاتری یا معاوضه انجام می‌شود که در ادامه به آن پرداخته شده است، اما به طور معمول وجه معامله از طریق انجام تراکنش بانکی پرداخت می‌شود.

با توجه به توضیحات داده شده به منظور شفافیت اقتصادی و اجرای مالیات بر عایدی سرمایه، لازم است اولاً اطلاعات نظام پرداخت (اطلاعات تراکنش‌های بانکی) نیز بر اساس کد ملی مؤدیان یا شناسه اختصاصی اشخاص خارجی برای سازمان امور مالیاتی ارسال شود و ثانیاً اطلاعات رویداد مالی (اطلاعات معاملات) برای انواع معاملات تجاری و معاملات ناظر به انتقال دارایی، تولید شده و برای سازمان امور مالیاتی ارسال شود.

شایان ذکر است در صورتی که سازمان امور مالیاتی تنها به اطلاعات ناظر به معاملات دارایی‌های مشمول مالیات بر عایدی سرمایه دسترسی داشته باشد و نه سایر معاملات، افراد می‌توانند با فاکتورسازی برای معامله، اطلاعات تراکنش‌های خود را برای مواردی غیر از دارایی‌های مشمول ابراز کرده و از پرداخت مالیات بر عایدی سرمایه اجتناب نمایند. همچنین ایجاد تناظر میان این دو دسته اطلاعات باید به نحوی توسط سازمان امور مالیاتی صورت پذیرد که مؤدیان انگیزه اظهار کذب در خصوص مبلغ معامله و فرار مالیاتی از این طریق رانداشته باشند و زیان ناشی از این اظهار کذب برای افراد، دست کم به میزان مالیات بر عایدی سرمایه باشد. نهایتاً لازم است دو دسته اطلاعات فوق به نحوی تولید شوند که عامل انسانی در بهره‌برداری از این اطلاعات کمترین دخالت رداشته باشد و این اطلاعات به صورت سامانه‌ای و بدون اعمال سلیقه ممیز مالیاتی قابل استفاده باشند.

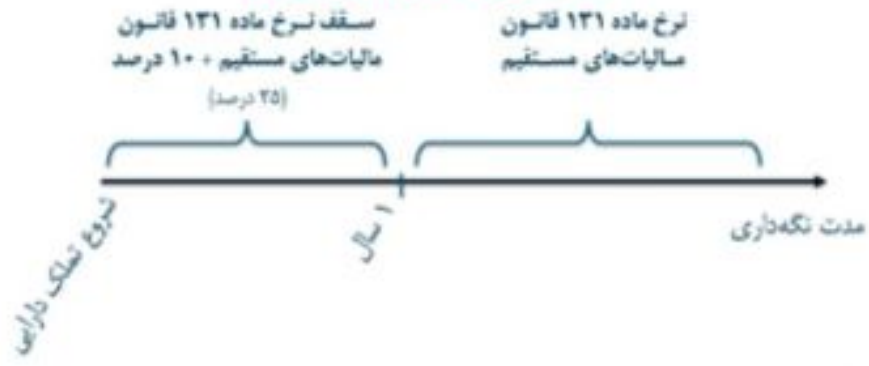
شکل ۲. دور رکن اصلی بستر اجرایی نظام مالیاتی



۳-۲. نحوه محاسبه مالیات بر عایدی سرمایه

نرخ مالیات بر عایدی سرمایه برابر نرخ ماده (۱۳۱) قانون مالیات‌های مستقیم است. همچنین به منظور کاهش انگیزه سوداگری و دلالتی در بازار دارایی، تمامی فروشهایی که دوره تملک کمتر از ۱ سال داشته باشند، مشمول نرخ مالیاتی برابر با ۱۰ درصد بیشتر از بالاترین نرخ ماده (۱۳۱) قانون مالیات‌های مستقیم (مجموعاً ۲۵ درصد) می‌شوند.

شکل ۱. نرخ مالیات بر عایدی سرمایه



مأخذ این مالیات، اختلاف قیمت خرید و فروش دارایی است. با توجه به وجود تورم دورقمی در کشور، املاک و وسایل نقلیه با توجه به مدت نگهداری آنها به شرح زیر مشمول تعدیل تورمی می‌شوند:

۱. دوره نگهداری کمتر از ۳ سال: مأخذ مالیات برابر با اختلاف قیمت خرید و فروش بوده و تعدیل تورمی صورت نمی‌پذیرد.

۲. دوره نگهداری ۳ تا ۶ سال: ۵۰ درصد از «عایدی ناشی از تورم» از اختلاف قیمت خرید و فروش کسر می‌شود.

۳. دوره نگهداری بیش از ۶ سال: ۱۰۰ درصد از «عایدی ناشی از تورم» از اختلاف قیمت خرید و فروش کسر می‌شود. «عایدی ناشی از تورم» عبارت است از اختلاف قیمت خرید از قیمت خرید تعدیل شده بر مبنای تغییرات شاخص قیمت مصرفکننده در ابتدای سال چهارم دوره تملک و ابتدای سال پایانی دوره تملک. بر این اساس تعدیل تورمی صورت گرفته شامل عایدی حاصل از تورم در ۳ سال ابتدایی تملک دارایی نیست. همچنین به منظور مقابله با سوداگری، تعدیل تورمی تنها برای اشخاصی که دارایی خود را به صورت بلندمدت نگهداری کنند لحاظ شده است و اشخاصی که دارایی خود را طی مدتی کمتر از ۳ سال بفروشند، مشمول تعدیل تورمی نمی‌شوند. علاوه بر این، با توجه به اهمیت بازار ارز و به منظور کاهش جذابیت بیشتر این بازار و همچنین با توجه به معافیت در نظر گرفته شده برای طلا و سکه، این دارایی‌ها مشمول تعدیل تورمی نیستند.

تعدیل عایدی سرمایه نسبت به تورم پیامدهای منفی و مثبتی را می‌تواند در پی داشته باشد. برای تحلیل پیامدهای تعدیل یا عدم تعدیل باید سایر فاکتورها همچون معافیت‌ها را نیز در نظر گرفت. اگر معافیت‌های ملک و خودرو و بسیار کم بود یا اصلاً معافیتی در نظر گرفته نمی‌شد، عدم تعدیل تورم می‌توانست هم به مصرف واقعی مردم و هم به سرمایه‌گذاران مفید بلندمدت لطمه وارد کند؛ ولی اکنون با وجود معافیت‌های متعدد ملک و خودرو و اراضی کشاورزی، باید پیامدهای تعدیل یا عدم تعدیل را ارزیابی کرد. اولین پیامد منفی تعدیل تورمی، کاهش بازدارندگی این پایه مالیاتی در کنترل سوداگری است. هر چه نرخ مالیات بر عایدی سرمایه کمتر باشد یا نسبت به تورم تعدیل شود، نقش آن در کاهش انگیزه مردم از ورود به بازارهای سوداگری کاهش می‌یابد. دومین پیامد منفی نقض اصل عدالت است. برخلاف طبقات پایین درآمدی که سهم عمده درآمدهای آنها حاصل از کار است، بخش بزرگی از درآمدهای طبقات بالای درآمدی را درآمدهای سرمایه تشکیل می‌دهد؛ در نتیجه تعدیل آثار تورم بر این نوع از درآمدها بیشتر طبقات بالای درآمدی را منتفع می‌سازد و از این رو برخی معتقدند که تعدیل درآمدهای سرمایه به کارکرد بازتوزیعی نظام مالیاتی آسیب خواهد زد. به عبارت دیگر کسی که سرمایه‌مزد بر معافیت‌های متعدد داشته است خود را از تورم مصون می‌کند، ولی عموم جامعه و کارگران متأثر از تورم می‌شوند. همچنین باید توجه داشت که تورم امری نامطلوب برای همه گروه‌های جامعه است و در سایر پایه‌های مالیاتی همچون مالیات بر حقوق، مشاغل، سود شرکت‌های تولیدی و... تعدیلی صورت نمی‌گیرد؛ پس اگر فقط برای یک گروه خاص و یک پایه مالیاتی تعدیل انجام شود، عدالت افقی مالیاتی نقض می‌شود.

۳. بستر اجرایی مالیات بر عایدی سرمایه

منظور از «بستر اجرایی» فرایندی است که سازمان امور مالیاتی از طریق آن تمامی معاملات مشمول مالیات بر عایدی سرمایه را شناسایی کرده و مالیات اشخاص را تعیین می‌نماید. حداقل اطلاعات لازم برای وضع مالیات بر عایدی سرمایه عبارتند از: اطلاعات قیمت خرید، قیمت فروش و دوره نگهداری دارایی. تولید این اطلاعات به منظور محاسبه مابه‌التفاوت قیمت فروش و قیمت خرید و نیز محاسبه میزان مالیات قابل پرداخت بر اساس دوره نگهداری دارایی، مستلزم وجود زیرساخت‌های اجرایی ویژه‌ای است.

از طرفی با توجه به تعداد بالای اشخاص حقیقی مشمول مالیات بر عایدی سرمایه، اجرای این

مالیاتی تکالیف جدیدی نخواهند داشت. برای مثال وقتی شخصی خودرو خود را به شخص دیگری می‌فروشد، در خلال فرایند معمول انتقال مالکیت و تعویض پلاک خودرو، اطلاعات معامله از قبیل اطلاعات دقیق خودرو و مبلغ معامله از طریق مراکز تعویض پلاک (زیر نظر نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران) در قالب یک صورت حساب الکترونیکی برای سازمان امور مالیاتی ارسال می‌شوند. همچنین در مورد انتقال مالکیت اموال غیر منقول نیز سازمان ثبت اسناد و املاک از طریق دفاتر ثبت اسناد رسمی، اطلاعات کامل معاملات و مبلغ معامله اظهار شده توسط طرفین معامله را در قالب صورت حساب الکترونیکی برای سازمان امور مالیاتی ارسال می‌کند. شایان ذکر است در برخی از این موارد مانند سود سهام و سود سپرده، اشخاص در تعیین ارزش ریالی معامله اثر گذار نیستند، ولی در مواردی مانند معاملات مسکن و خودرو، قیمت توافقی طرفین مبنای ارزش ریالی معامله قرار خواهد گرفت. در این موارد در صورتی که اشخاص، دارای راه قیمتی بیش از قیمت عرف بازار معامله کنند، درآمد فروشنده افزایش یافته و مشمول مالیات بر عایدی سرمایه بیشتری خواهد شد. همچنین در صورت معامله با قیمتی کمتر از عرف بازار، خریدار دارای در معامله بعدی خود مشمول مالیات بر عایدی سرمایه بیشتری خواهد شد. بنابراین اشخاص انگیزه معامله به قیمتی بیشتر یا کمتر از عرف بازار را نخواهند داشت.

شکل ۳. روند ثبت تعاملات رسمی توسط اشخاص ثالث مثل مراکز تعویض پلاک، دفاتر ثبت اسناد رسمی و...



۳-۳. تطبیق اطلاعات نظام پرداخت با رویداد مالی و شناسایی در آمد اتفاقی

با تولید اطلاعات رویداد مالی توسط اشخاص ثالث، قدم بعدی در بستر اجرایی نظام مالیاتی عبارت است از تطبیق اطلاعات حاصل از نظام پرداخت و اطلاعات تولید شده در خصوص رویدادهای مالی برای این منظور لازم است دو وضعیت زیر توسط سازمان امور مالیاتی تعیین تکلیف شود:

۱. شخصی تراکنش ورودی به حساب بانکی خود دارد، ولی رویداد مالی ناظر به این تراکنش ثبت نشده است.
 ۲. در طی یک رویداد مالی، مالکیت یک دارایی به شخص انتقال داده شده است، ولی تراکنش خروجی از حساب بانکی ناظر به این معامله ثبت نشده است.
- در هر دو حالت بیان شده، درآمدی برای شخص حاصل شده است (چه به صورت نقدی (ریالی)، چه به صورت غیر نقدی) ولی سازمان امور مالیاتی از منشأ این درآمد آگاهی ندارد. در حالت اول، ارزش تراکنش ورودی به حساب شخص و در حالت دوم، ارزش دارایی انتقال یافته به شخص به عنوان «درآمد اتفاقی» شناسایی می‌شوند. شایان ذکر است در صورت عدم انطباق ارزش ریالی رویداد مالی و تراکنش‌های ثبت شده ناظر به آن، برای هر یک از طرفین که منتفع شده است، به میزان مابه‌التفاوت ارزش ریالی رویداد مالی و تراکنش‌های ثبت شده، درآمد اتفاقی شناسایی خواهد شد. علاوه بر موارد بیان شده، ممکن است یک معامله به صورت تهاتری یا معاوضه صورت پذیرد. در این صورت از جایی که تراکنشی در خلال این معامله انجام نمی‌شود، دیگر اطلاعاتی از نظام پرداخت دریافت نخواهد شد. در این موارد شناسه یکتای مربوط به معامله متناظر، در صورت حساب الکترونیک رویداد مالی ثبت شده و اختلاف ارزش ریالی ابرازی دو سمت معامله مبنای محاسبه در آمد اتفاقی طرفین معامله قرار می‌گیرد.

شکل ۴. موارد عدم انطباق اطلاعات نظام پرداخت و رویداد مالی



۲-۳. فرایند تولید اطلاعات رویداد مالی

در روش فعلی مالیاتستانی، مؤدیان مکلفند در هر سال مالیاتی اظهارنامه مالیاتی خود را به سازمان امور مالیاتی تسلیم کنند و در صورتی که نسبت به ارائه اظهارنامه اقدام نکنند مشمول جرائم سنگینی خواهند شد. به منظور تسهیل صدور اظهارنامه مالیاتی و همچنین افزایش اطمینان از صحت اطلاعات این اظهارنامه‌ها، در چند دهه اخیر نوعی تغییر رویکرد در نظام‌های مالیاتی کشورها صورت گرفته است. در این روش نهادهای مالیاتی مبتنی بر اطلاعات دریاقتی از اشخاص ثالث نسبت به تهیه اظهارنامه اشخاص اقدام و در پایان دوره آن را برای مؤدیان ارسال می‌کنند. این موضوع به تغییر رویکرد از رویکرد «الزام» به رویکرد «ارائه خدمات» معروف است. با توجه به توضیحات فوق در یک تقسیم‌بندی، تهیه اظهارنامه مؤدیان به طور کلی با دو رویکرد اجرایی قابل پیاده‌سازی است:

الف) رویکرد الزام مؤدیان به تسلیم اظهارنامه: در این رویکرد مؤدیان در هر سال مالیاتی ملزم به تسلیم اظهارنامه به سازمان امور مالیاتی هستند و در صورتی که نسبت به ارائه اظهارنامه اقدام نکنند مشمول جرائم سنگینی می‌شوند.

ب) رویکرد ارائه خدمت توسط اشخاص ثالث به مؤدیان جهت گزارش اطلاعات مؤدیان: در این رویکرد اشخاص ثالث وظیفه گزارش اطلاعات مؤدیان به سازمان امور مالیاتی را بر عهده دارند و سازمان امور مالیاتی بر اساس اطلاعات گزارش شده توسط اشخاص ثالث، اظهارنامه مؤدیان مالیاتی را تهیه و جهت تأیید، اصلاح یا تکمیل برای آنها ارسال می‌کند. اشخاص ثالث در بسیاری از موارد، مراجع رسمی تأیید و ثبت معاملات در کشور هستند؛ برای مثال مرجع ثبت معاملات املاک مسکونی، دفاتر اسناد رسمی و مرجع معاملات خودرو، نیروی انتظامی است. از آنجا که نظام مالیات بر عایدی سرمایه علاوه بر اشخاص حقوقی، ناظر به اشخاص حقیقی نیز طراحی شده است، و همچنین به دلیل لزوم تسهیل گری و ساده‌سازی اخذ این مالیات از مردم، بستر اجرایی مالیات بر عایدی سرمایه مبتنی بر رویکرد «ارائه خدمت توسط اشخاص ثالث» طراحی شده است. در این صورت برای مثال در روند معامله یک منزل مسکونی، خریدار و فروشنده تغییری نسبت به قبل مشاهده نمی‌کنند و این دفتر ثبت اسناد رسمی (شخص ثالث) است که در هنگام انتقال ملک، باید فرم یا صورت حساب مربوطه را برای سازمان امور مالیاتی ارسال نماید. در این رویکرد، سازمان امور مالیاتی بر اساس اطلاعات گزارش شده توسط اشخاص ثالث، اظهارنامه‌ای را تهیه می‌کند که به اظهارنامه پیش فرض معروف است. اظهارنامه پیش فرض بر اساس گزارش‌های ارسال شده توسط اشخاص ثالث تشکیل می‌شود و در مقابل اظهارنامه سنتی قرار داد که اشخاص موظف به تکمیل اظهارنامه و تسلیم آن در موعد مقرر به سازمان امور مالیاتی هستند. شایان ذکر است رویکرد اشخاص ثالث اولین بار در سال ۱۹۸۸ توسط کشور دانمارک استفاده شد. پس از آن به مرور زمان شاهد گسترش استفاده از این رویکرد در میان کشورهای بودهایم به طوری که در سال ۲۰۱۹، بیش از ۹۰ درصد از اظهارنامه‌های مالیات بر مجموع درآمد شخصی ۵ در کشورهای دانمارک، ایسلند، فنلاند، شیلی و نروژ به صورت کاملاً پیش فرض و بدون دخالت عامل انسانی صادر شده است. ۱ همچنین تعداد کشورهایایی که از این روش استقبال کرده و به سمت این رویکرد رفته‌اند به مرور افزایش یافته و در سال ۲۰۲۱ به ۴۵ کشور رسیده است. در جدول ۱ معاملات اقتصادی و اشخاص ثالثی که باید به منظور پوشش معاملات نسبت به گزارش اطلاعات معاملات اقدام کنند، به صورت خلاصه آورده شده‌اند. شایان ذکر است مواردی مانند هدیه، قرض و فروش زمین و مسکن از طریق اسناد عادی مواردی هستند که شخص ثالثی به جهت صدور یا تأیید صورت حساب الکترونیک برای آنها وجود نداشته و در صورت نیاز، مؤدی می‌تواند اسناد و مدارک مرتبط را در کارپوشه خود در سامانه مربوطه بارگزار نماید. موارد مرتبط با این معاملات در ادامه بررسی شده است.

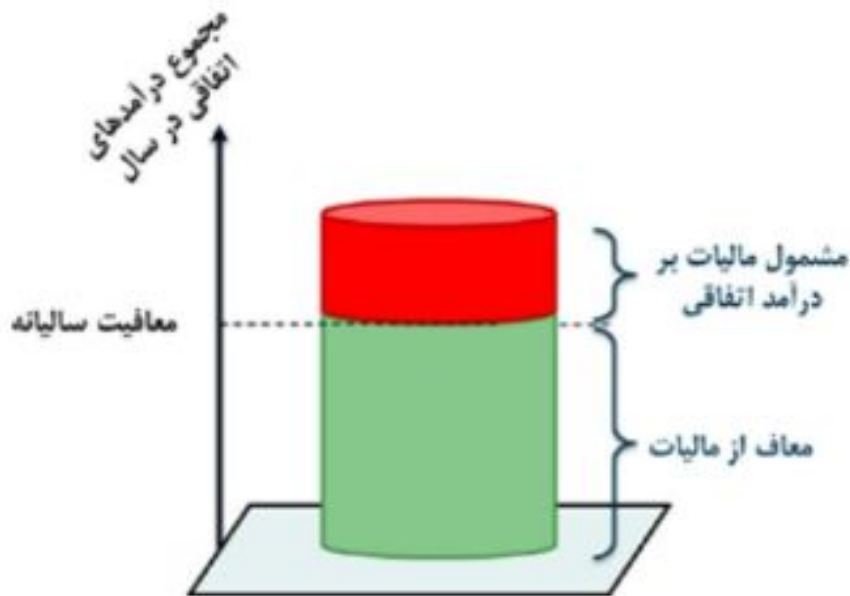
جدول ۱. تعاملات اقتصادی و اشخاص ثالث مرتبط با هر یک از آنها

| انواع تعاملات | شخص ثالث گزارش کننده |
|--|---|
| برداشت فرض یا نادیده دین، هر گونه نقل و انتقال املاک، حق واگذاری محل، واگذاری مناطق از قبیل انجمن و سایر حقوق مربوط به املاک | دفاتر اسناد رسمی |
| سود سپرده و تسهیلات پرداخت شده بانکی کشور | بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران |
| فروش وسایل نقلیه مشمول لزوم سند واگذاری | نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران |
| خرید یا تبدیل هر گونه ارز و مسکوک طلا | بانکگاه مؤسسات مالی و اعتباری و معرفی‌ها |
| سود انجمن سهام و فروش سهام | سازمان بورس و اوراق بهادار |
| برداشت حقوق، بازگشت حیران حساب‌ها کوتاه و موزای | کتابه اشخاص حقوقی یا اشخاص حقیقی سازمان گسبوترا، متناظر و حرف |
| خرید هر گونه طلا، نقره و جواهرات از مصرف کننده نهایی (شخص حقیقی) | سازمان گان و فروشنده گان صورت طلا، نقره و جواهرات از اشخاص حقیقی یا حقوقی |
| هر گونه واگذاری مناطق از قبیل زمین و اجاره | سازمانهای املاک |
| فروش حق واگذاری محل مربوط به انتقال هر منظور از طریق اسناد عادی | دفاتر اسناد رسمی یا سازمانهای املاک |
| فروش | از طریق کارپوشه |

ویژگی اصلی این تعاملات این است که اشخاص در ثبت اطلاعات آنها نقشی ندارند و بنابراین از نظر

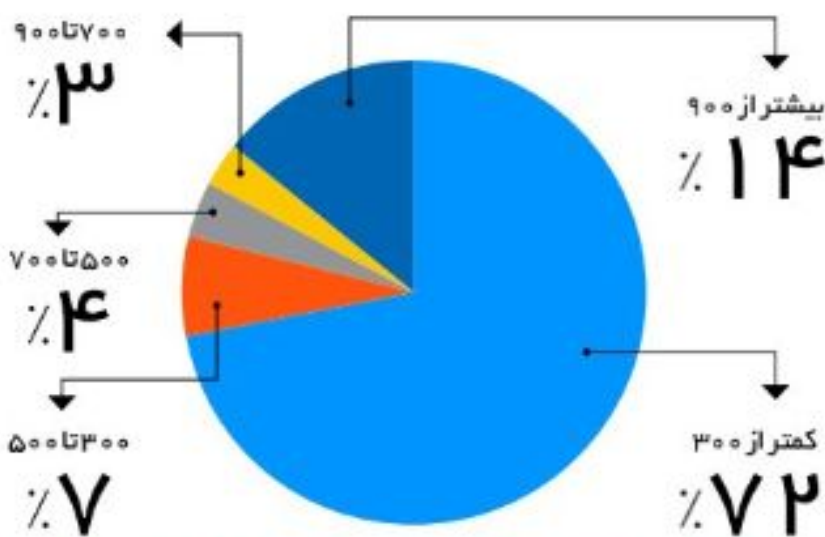
۱۰۱) قانون مالیاتهای مستقیم است. به همین جهت موجب ایجاد عدالت مالیاتی میان مشاغل و کسب و کارهای خانگی می‌شود.

شکل ۵. معافیت سالیانه مالیات بر درآمد اتفاقی اشخاص غیر تجاری



طبق آمار پایگاه رفاه ایرانیان، در سال ۱۴۰۰ مجموع واریزی به حساب ۷۹ درصد از اشخاص حقیقی کمتر از ۵۰۰ میلیون تومان بوده‌است. همچنین از جایی که بسیاری از مبالغ واریزی به حساب اشخاص مانند حقوق، مبالغ حاصل از فروش املاک، خودرو، طلا و ارز، یارانه، سود سهام و سپرده و ... مشمول مالیات بر درآمد اتفاقی نبوده و در نصاب معافیت آن قرار نمی‌گیرد. انتظار می‌رود بعد از کسر این موارد از مجموع واریزی به حساب و محاسبه درآمد اتفاقی، در صد افرادی که مجموع درآمد اتفاقی آنها کمتر از ۵۰۰ میلیون تومان بوده و معاف از مالیات بر درآمد اتفاقی هستند به میزان قابل توجهی افزایش یابد همچنین گفتنی است افرادی که از حساب شخصی خود به منظور انجام فعالیت تجاری استفاده می‌کنند، در این بررسی مشابه سایر حسابهای شخصی قلمداد شده‌اند. بنابراین انتظار می‌رود حسابهای شخصی با کارکرد غیر تجاری با مجموع واریزی کمتر از ۵۰۰ میلیون تومان، سهم بسیار بیشتری نسبت به ۷۹ درصد را به خود اختصاص دهند.

نمودار ۵. تفکیک واریزی به حساب اشخاص حقیقی در سال ۱۴۰۰ (میلیون تومان)



۳. معافیت طول عمر: علاوه بر میدالات میان اعضای خانواده، اشخاص ممکن است از نزدیکان خود مانند خانواده در چه دو یا دوستان نزدیک مبالغ عمده‌ای را تحت عنوان هدیه دریافت نمایند. به همین دلیل، هر شخص غیر تجاری ایرانی در طول عمر خود صرفاً در یک سال مالیاتی، می‌تواند در مجموع تا آستانه صد (۱۰۰) برابر معافیت حقوق موضوع ماده (۸۴) قانون مالیاتهای مستقیم (مجموعاً ۷.۶ میلیارد تومان برای سال ۱۴۰۱) در همان سال، معاف از مالیات بر درآمد اتفاقی شود. این معافیت به هر شخص غیر تجاری، فرصت یک دریافت داری، مانند ملک، به صورت بلاعوض و هدیه را می‌دهد. در خصوص بستر اجرایی نظام مالیاتی، الزامات و ملاحظات طراحی آن، گزارشی تحت عنوان «طراحی بستر اجرایی نظام مالیاتی کشور مبتنی بر تجارب کشورها به منظور اجرای مالیات بر مجموع درآمد اشخاص» توسط مرکز پژوهش‌های مجلس تهیه شده و در دست چاپ است. در این گزارش تجربیات سایر کشورها در استفاده از خدمات اشخاص ثالث، استفاده از اطلاعات تراکنش‌های بانکی و استفاده از مالیات بر درآمد اتفاقی به عنوان ضمانت اجرا بررسی شده است.

۳-۴. مالیات بر درآمد اتفاقی

همانطور که در قسمت قبل بیان شد، در صورتی که افراد از طریق اشخاص ثالث تعیین شده نسبت به انجام معاملات خود اقدام نماید، شاهد تطبیق اطلاعات رویداد مالی و نظام پرداخت خواهیم بود و هیچ‌یک از حالت‌های بیان شده در قسمت قبل رخ نخواهد داد. عدم تطابق این دو دسته اطلاعات و شناسایی درآمد اتفاقی به معنای کسب درآمد اشخاص از محلی غیر شفاف است. در صورتی که مالیاتی از این درآمد اتفاقی شناسایی شده اخذ نشود، افراد انگیزه پیدامی‌کنند تا برای فرار از مالیات بر عایدی سرمایه، از مجاری غیر شفاف استفاده کرده و معاملات خود را در بستری غیر از اشخاص ثالث انجام دهند. به همین دلیل و برای ایجاد شفافیت اقتصادی و جلوگیری از فرار مالیاتی از طریق عدم مراجعه به اشخاص ثالث، لازم است تا با اخذ مالیات بر درآمد اتفاقی شناسایی شده، انگیزه افراد برای فرار مالیاتی و عدم شفافیت اقتصادی را کاهش داد.

شایان ذکر است این مالیات پیش‌تر نیز در قانون مالیاتهای مستقیم تحت عنوان «مالیات بر درآمد اتفاقی» وجود داشته و طرح «مالیات بر عایدی سرمایه» موارد مشمول آن را تصریح کرده است. طبق ماده (۱۱۹) قانون مالیاتهای مستقیم، نرخ مالیات بر درآمد اتفاقی برابر نرخ تعیین شده در ماده (۱۳۱) قانون مالیاتهای مستقیم است. با توجه به تفاوت مآخذ درآمد اتفاقی نسبت به مالیات بر عایدی سرمایه و تعدیل ترمیمی لحاظ شده در طرح و همچنین با توجه به معافیت‌های گسترده در نظر گرفته شده برای مالیات بر عایدی سرمایه، در صورتی که افراد نسبت به انجام معاملات ناظر به دارایی خود به صورت غیر شفاف اقدام نمایند، نسبت به حالتی که معاملات از طریق مجاری رسمی و اشخاص ثالث انجام شود، ملزم به پرداخت مالیات بیشتری خواهند بود. بنابراین تنها اشخاص از انجام غیر شفاف معاملات خود عایدی کسب نخواهند کرد، بلکه مشمول مالیات بیشتری نیز خواهند شد.

این مالیات که در میان کشورهای جهان به «مالیات هدیه» معروف است، در سال ۲۰۲۲ در بیش از ۵۳ کشور مختلف مانند آمریکا، ژاپن، انگلستان، آلمان، دانمارک، ترکیه و ... پیاده شده و سابقه‌ای دیرینه دارد. علاوه بر این در برخی از کشورها، علی‌رغم عدم اخذ مالیات بر هدیه، از طریق سازوکار جایگزین، کارکردهای آن پوشش داده شده است. برای مثال در استرالیا کمک‌های حمایتی و مزایای بازنشتی دولت به اشخاص، متناسب با مجموع هدیه دریافتی آنها در طول سال کاهش می‌یابد.

شایان ذکر است در دو فعالیت قرض دادن و انجام معامله مبتنی بر اسناد عادی، از آنجا که رویداد مالی متناظر با این فعالیت‌ها توسط اشخاص ثالث ایجاد نمی‌شود، در صورت عدم اعلام اطلاعات معامله به سازمان امور مالیاتی، درآمد اتفاقی برای اشخاص شناسایی خواهد شد. به همین جهت کسانی که از اسناد عادی برای معاملات خود استفاده کرده‌اند، می‌توانند با ارائه این اسناد و همچنین افرادی که قرض دریافت کرده‌اند با اعلام دریافت قرض به اشخاص ثالث مرتبط و یا ثبت در کارپوشه ۲ خود نزد سازمان امور مالیاتی، از شناسایی درآمد اتفاقی جلوگیری نمایند. شایان ذکر است تنها قرض و معاملات مبتنی بر اسناد عادی امکان خوداظهاری توسط مؤدی را دارند و سایر اظهارات مؤدی پذیرفته نخواهد شد. در صورتی که اشخاص درآمد نقدی یا غیر نقدی به صورت بلاعوض تحصیل نمایند، این درآمد مشمول مالیات بر درآمد اتفاقی می‌شود. همانطور که پیش‌تر بیان شد، ارزش ریالی در انتقال بلاعوض دارای، به صورت خوداظهاری تعیین می‌شود. در صورت بیش از اظهار ارزش ریالی در این صورتحساب، درآمد اتفاقی شناسایی شده برای دریافت کننده داری افزایش یافته و این شخص ملزم به پرداخت مالیات بر درآمد اتفاقی بیشتری خواهد شد. همچنین در صورتی که اشخاص ارزش ریالی را کم اظهار نمایند، از جایی که اختلاف قیمت خرید و فروش در معامله بعدی افزایش می‌یابد، دریافت کننده داری در معامله بعدی مشمول مالیات بر عایدی سرمایه بیشتری خواهد شد. بنابراین چه در صورت کم‌اظهاری و چه در صورت بیش از اظهار ارزش ریالی، دریافت کننده داری مشمول مالیات بیشتری می‌شود. لذا اشخاص انگیزه کم‌اظهاری یا بیش از اظهار ارزش ریالی را نخواهند داشت. با توجه به وسعت شمول درآمد اتفاقی و به منظور تسهیل فرایند ناظر به آن برای مردم، در طرح، معافیت‌های زیر در نظر گرفته شده است:

۱. معافیت تراکنش‌ها و انتقال داری میان اعضای خانواده: انتقال داری و تراکنش‌های میان والدین و فرزندان، شخص و همسر و همچنین شخص بانوهای خود از درآمد اتفاقی معاف هستند.
۲. معافیت سالیانه درآمد اتفاقی برای هر شخص: به منظور تسهیل تعاملات خرد اشخاص غیر تجاری، در هر سال مالیاتی، مجموع درآمدهای اتفاقی (چه به صورت نقدی و چه غیر نقدی) برای اشخاص غیر تجاری ایرانی بالای ۱۸ سال تا آستانه ۴ برابر معافیت حقوق موضوع ماده (۸۴) قانون مالیاتهای مستقیم (مجموعاً ۸.۲۶۸ میلیون تومان در سال ۱۴۰۱) یا ۵۰۰ میلیون تومان هر یک که بیشتر باشد، در آن سال مالیاتی معاف از مالیات بر درآمد اتفاقی است. مبالغ مازاد بر این عدد مشمول مالیات با نرخ ماده (۱۳۱) قانون مالیاتهای مستقیم می‌شود. با توجه به معافیت بیان شده برای تراکنش‌ها و انتقال میان اعضای خانواده، می‌توان گفت مجموعاً یک خانواده به تعداد اعضای بالای ۱۸

سال خود می‌تواند از معافیت موضوع این بند استفاده نماید. شایان ذکر است با احتساب نرخ سودآوری ۲۵ درصدی، این معافیت معادل معافیت در نظر گرفته شده برای مشاغل در ماده



۴. دستاوردهای بستر اجرایی

بستر اجرایی طراحی شده در طرح مالیات بر عایدی سرمایه، علاوه بر ایجاد امکان شناسایی کامل معاملات مربوط به دارایی‌های مشمول مالیات بر عایدی سرمایه، با ایجاد شفافیت اقتصادی و جلوگیری از فرار مالیاتی دستاوردهای دیگری نیز دارد که در ادامه به اختصار بیان می‌شوند:

مالیات ستانی هوشمند و ایجاد اظهارنامه پیش فرض: در رویکرد مالیات ستانی فعلی، مؤدیان در هر سال مالیاتی ملزم به تسلیم اظهارنامه به سازمان امور مالیاتی هستند و در صورتی که نسبت به ارائه اظهارنامه اقدام نکنند مشمول جریم سنگینی می‌شوند. در رویکرد ارائه خدمت توسط اشخاص ثالث به مؤدیان، اشخاص ثالث وظیفه گزارش اطلاعات مؤدیان به سازمان امور مالیاتی را بر عهده دارند و سازمان امور مالیاتی بر اساس اطلاعات گزارش شده توسط اشخاص ثالث، اظهارنامه پیش فرض را تهیه و جهت تأیید، اصلاح یا تکمیل برای آنها ارسال می‌کند. با توجه به اینکه مؤدیان در روش جدید، تکالیف کمتری نسبت به روش فعلی دارند و فرایند تسلیم اظهارنامه نیز در این روش تسهیل شده است، پذیرش اجتماعی افزایش می‌یابد. برای مثال بررسی تجربه پیاده‌سازی این روش در کشور دانمارک نشان می‌دهد که در سالهای ۲۰۱۹ و ۲۰۱۸، حدود ۱۰۰ درصد از اظهارنامه‌های مالیات بر مجموع درآمد شخصی که توسط سازمان امور مالیاتی تهیه شده‌اند، بدون تکمیل یا اصلاح توسط مؤدیان، مورد تأیید قرار گرفته‌اند؛ بنابراین از نظر سطح درگیری سازمان امور مالیاتی با مؤدیان، در صورت استفاده از رویکرد جدید، سازمان امور مالیات سطح درگیری بسیار کمی با مؤدیان خواهد داشت. همچنین این روش با حذف رابطه ممیز و مؤدی، موجب کاهش احتمال فساد و نیز بهبود محیط کسب و کار می‌شود.

■ ایجاد بستر اجرایی لازم برای مالیات بر مجموع درآمد: لازمه اخذ مالیات بر مجموع درآمد، شناسایی تمامی درآمدها و هزینه‌های قابل قبول اشخاص است. از آنجا که برای اخذ مالیات بر عایدی سرمایه نیز باید این اطلاعات تولید و جمع‌آوری شود، بستر اجرایی طراحی شده برای مالیات بر عایدی سرمایه توانایی شناسایی مجموع درآمد و همچنین هزینه‌های قابل قبول مالیاتی اشخاص را نیز داراست. در بستر اجرایی طراحی شده، درآمدها و هزینه‌های قابل قبول اشخاص از طریق اشخاص ثالث به سازمان امور مالیاتی گزارش شده و امکان اخذ مالیات بر مجموع درآمد مهیا می‌شود. نظام مالیات بر مجموع درآمد با ایجاد درآمدهای با ثبات برای دولت می‌تواند موجب افزایش درآمد مالیاتی شکاف کسری بودجه شود. همچنین این نظام با مبنای گذشتن مجموع درآمد، موجب افزایش عدالت مالیاتی و کاهش فاصله طبقاتی خواهد شد.

■ کاهش فرار مالیاتی و افزایش درآمد مالیاتی دولت: یکی از مشکلات نظام مالیاتی فعلی، حجم گسترده فرار مالیاتی به خصوص از طریق استفاده از حسابهای شخصی است. برای مثال مالیات ابرازی عملکرد مشاغل مختلف مانند طلا و جواهر، نمایشگاه خودرو، موبایل فروشان، بنگاه املاک و وکلاد سال ۱۴۰۰ بین ۳۰۱ تا ۷ میلیون تومان بوده است در حالی که یک کارمند با حقوق ماهیانه ۱۰ میلیون تومان در همین سال، مجموعاً ۴۸ میلیون تومان مالیات پرداخت کرده است. این مسئله ضمن ایجاد تبعیض مالیاتی میان مشاغل و کارمندان، موجب کاهش درآمد مالیاتی، افزایش کسری بودجه و نهایتاً تورم در کشور می‌شود. بستر اجرایی معرفی شده در طرح مالیات بر عایدی سرمایه، با تولید و جمع‌آوری اطلاعات رویداد مالی و تطابق آن با نظام پرداخت، امکان شناسایی منبع تمامی مبالغ واریزی به حساب افراد را داراست و با قرارگیری آن در کنار سامانه مؤدیان، امکان تشخیص عملکرد هر یک از اشخاص و مشاغل وجود دارد. همچنین به دلیل وجود مالیات بر درآمد اتفاقی، اشخاص انگیزه‌های برای استفاده از حسابهای شخصی به جای حسابهای تجاری نخواهند داشت که این مسئله موجب جلوگیری از فرار مالیاتی از طریق حسابهای شخصی می‌شود. بنابراین درآمد حاصل از این طرح برای دولت محدود به درآمد ناشی از مالیات بر عایدی سرمایه نبوده و از محل کاهش فرار مالیاتی نیز شاهد افزایش درآمد مالیاتی هستیم.

مبارزه با قاچاق: در فرایند قاچاق، افراد بدون آنکه صورتحسابی صادر کنند، مبالغ به حساب بانکی آنها واریز می‌شود. در این مدل، از آنجا که این مبالغ به عنوان درآمد اتفاقی شناسایی می‌شوند، مشمول مالیات شده و منفعت حاصل از قاچاق را کاهش می‌دهد. همچنین با شناسایی افراد با درآمد

اتفاقی زیاد به عنوان اشخاص پرریسک،

کاهش انگیزه استفاده از سند عادی: در صورت استفاده از اسناد عادی در معاملات و همچنین عدم ثبت این اسناد نزد سازمان امور مالیاتی، از آنجا که شخص ثالثی وجود ندارد تا رویداد مالی مربوطه را به سازمان امور مالیاتی گزارش دهد، تراکنش واریزی به حساب فروشنده به عنوان درآمد اتفاقی شناسایی می‌شود. به دلیل اخذ مالیات بر درآمد اتفاقی از این تراکنش، فروشنده قسمتی از مبلغ معامله را از دست داده و انگیزه وی برای استفاده از اسناد عادی که به صورت سیستمی ثبت نمی‌گردد کاهش می‌یابد. شایان ذکر است در صورتی که سند عادی به سازمان امور مالیاتی ارائه شود، ضمن عدم شناسایی تراکنش واریزی برای فروشنده به عنوان درآمد اتفاقی، اطلاعات سند عادی ثبت شده و کارکرد غیر شفاف خود را از دست می‌دهد. بنابراین این طرح موجب کاهش عدم شفافیت ناشی از اسناد عادی خواهد شد.

در انتها گفتنی است با توجه به اهمیت موضوع طرح مالیات بر عایدی سرمایه، لازم است پیش از اجرایی شدن، ابعاد مختلف آن به خوبی تبیین شود. از مهم‌ترین موارد جهت تبیین طرح مذکور می‌توان به معافیت‌های گسترده و عدم درگیری عموم مردم به ویژه دهک‌های پایین درآمدی، معافیت‌های در نظر گرفته شده برای حمایت از تولید و اشخاص تجاری، آثار مثبت کاهش سودگری بر اقتصاد کشور، شکل گیری عدالت مالیاتی، مالیات ستانی هوشمند و حذف رابطه مؤدی و ممیز مالیاتی و نهایتاً افزایش ثبات اقتصادی از محل افزایش درآمدهای مالیاتی و کاهش کسری بودجه اشاره کرد.

جمع بندی

با توجه به شرایط کنونی کشور از جمله افزایش قابل توجه قیمت مسکن و تحت فشار قرار گرفتن اقشار ضعیف و متوسط جامعه و شرایط نابسامان بازار خودرو و همچنین با توجه به تجربه کشور در حوزه نوسانات قیمت طلا و نرخ ارز لازم است فعالیت‌های سوداگرانه کنترل شوند و نوسانات قیمتی ناشی از آن در این بازارها کاهش یابد. همچنین به منظور حمایت از تولید، لازم است با استفاده از ابزارهای مختلف اقتصادی که مهم‌ترین آنها مالیات است، ضمن افزایش هزینه نگهداری این نوع دارایی‌ها، با کاهش مزیت بازارهای دارایی در مقابل بازارهای تولیدی و مولد، شرایط را برای کاهش سوداگری و هدایت سرمایه به سمت فعالیت تولیدی مهیا کرد.

شایان ذکر است در ایران تولیدگران و کارمندان ملزم به پرداخت مالیات هستند در حالی که سرمایه‌داران و سوداگران، نسبت به عایدی کسب شده از سرمایه و سوداگری، مالیات پرداخت نمی‌کنند. این بی‌عدالتی مالیاتی موجب تشویق آحاد اقتصادی به سمت فعالیت‌های غیر مولد می‌شود. ابزار مالیات بر عایدی سرمایه می‌تواند ضمن افزایش عدالت مالیاتی میان سرمایه‌داران و کارمندان و کارگران، با کاهش بازدهی فعالیت‌های سوداگرانه در بازارهای دارایی، زمینه را برای ورود سرمایه به سمت تولید و رونق اقتصادی فراهم کند.

همچنین با توجه به حجم گسترده فرار مالیاتی در کشور و استفاده گروهبانهای مختلف اقتصادی از حسابهای شخصی برای فرار مالیاتی، پیاده‌سازی بستر اجرایی طراحی شده در این طرح می‌تواند با ساماندهی این حسابها و معاملات اقتصادی مرتبط با آنها، موجب کاهش قابل توجه فرار مالیاتی و در نتیجه کاهش کسری بودجه و تورم شود. از دیگر فواید بستر اجرایی می‌توان به ایجاد زیرساخت لازم برای مالیات بر مجموع درآمد، کاهش قاچاق و همچنین کاهش استفاده از اسناد عادی اشاره کرد. نهایتاً شایان ذکر است بستر اجرایی با حرکت از رویکرد الزام مؤدیان به اظهار اطلاعات به رویکرد ارائه خدمت به مؤدیان و استفاده از اشخاص ثالث جهت تولید اطلاعات رویداد مالی، گامی در جهت ارتقای نظام مالیاتی و حذف رابطه مؤدی و ممیز مالیاتی است.

با توجه به توضیحات بیان شده، تصویب طرح اصلاح برخی احکام قوانین مالیاتی (مالیات بر عایدی سرمایه) پیشنهاد می‌شود. شایان ذکر است که بر اساس شواهد آماری، بیش از ۹۵ درصد از خانوارهای کشور مشمول این مالیات نخواهند شد.

در گفت و گوی «مؤدی» با اعضا اتاق ایران زوایای مختلف اجرای مالیات عایدی سرمایه بررسی شد:

طرحی خوب با چشم اندازی بد

هر چند اجرای مالیات بر عایدی سرمایه سابقه ای طولانی در دیگر داراست، اما ایران به دلایل مختلف به ویژه اتکاء به درآمدهای نفتی بیش از تحریم و دشواری شناسایی مودیان واقعی و اخذ واقعی از طریق حضوری و... توجهی به این درآمدها نداشت تا اینکه طرح مالیات بر عایدی سرمایه پنجم خرداد ماه ۱۴۰۰ در مجلس تصویب شد در حالی که جزئیات آن بلا تکلیف باقی ماند اما اخیراً مزمه بازبینی این طرح در مجلس آغاز شده اما هنوز خبری جدیدی برای تصویب نهایی آن به گوش نرسیده است. به نظر می رسد علت اصلی تأکید دولت بر تصویب این طرح مقابله با روند افزایشی قیمت دلار، طلا و... در کشور باشد که باید در این ارتباط تأکید کرد اجرایی شدن این قانون نمی تواند اثر مستقیمی بر کاهش قیمت ها داشته باشد چون گرانی در بازارهای موازی تولید دلایل ریشه ای و اساسی تری دارد که با تصویب چنین قانونی در مان نخواهد شد. طرح مالیات بر عایدی سرمایه به دنبال تصمیم دولت برای تأمین بودجه از محل درآمدهای مالیاتی مانند بسیاری دیگر از پایه های نوین مالیاتی ارائه شد که مخالفان و موافقان بسیاری را نیز به دنبال داشته است. گروهی این طرح را شاخصی برای اجرای عدالت اجتماعی می دانند که در صورت اجرا خواهد توانست سرمایه های سرگردان و غیر عادلانه به مسیر تولید و فعالیت های اقتصادی مولد بازگرداند. از سوی دیگر برخی از افراد حقیقی و حقوقی معتقدند که اجرای این طرح هنوز از پشتوانه مطلوب قانونی و اجرا بر خور دار نیست و مشخص نیست به چه چیزها و با چه سقف ارزش مالی تعلق می گیرد و به همین دلیل علاوه بر احتمال ناعادلانه اجرا شدن آن امکان فرار سرمایه های به خارج از مرزها و در بازارهایی نظیر خرید و فروش ملک در کشورهای همجوار و... رایج دنبال داشته باشد. فقدان پایانه های فروشگاهی در تعامل با نظام مالیاتی؛ نبود زیرساخت تجهیزات و نرم افزارهای مناسب اجرای این طرح، فرارهای مالیاتی گسترده در لایه های پنهان و آشکار کشور، معافیت های مالیاتی منطقی و غیر منطقی افراد حقیقی و حقوقی و برخی از بنیادها و نهادها و... از جمله پارامترهایی محسوب می شود که به نظر مخالفان اجرای این طرح را با شکست مواجه می سازد. با دو تن از اعضای اتاق بازرگانی در این خصوص گفت و گو کرده ایم.





حمیدرضا صالحی عضو اتاق بازرگانی ایران در این باره به خبرنگار ما گفت: اجرای طرح مالیات بر عایدی سرمایه بدون توجه به تبعات و خلائهای موجود در این طرح فقط خواسته های ناشی از سیاست های هیجانی و بدون کارشناسی و در نظر گرفتن پیامدهای آتی آن بر آورده می کند، گرچه دریافت مالیات در هر نظام اقتصادی رویکردی مطلوب و بدیهی است که در فرآیند ارائه خدمات مطلوب دولتی اخذ مالیات را ضروری می سازد اما دریافت پایه های مختلف مالیاتی بدون توجه به وضعیت اقتصادی و زیرساخت های لازم برای اخذ آن به جای اینکه راهگشا باشد مشکلات زیادی را برای مردم و اقتصاد کشور ایجاد می کند. اجرای طرح مالیات بر عایدی و ثروت نیز از جمله موارد اشاره شده در این حیطة است که مخالفت برخی از اقتصاددانان و فعالان تجاری را با خوانش متفاوت به سوداگری و مخالف با اصل این طرح قلمداد کرده اند. اما آنچه که باید به طور جدی به آن پرداخت این است که موضوع مالیات بر عایدی سرمایه دارای نواقض و خلائهای جدی است که در صورت پرداختن به آن و رفع آنها مورد حمایت این گروه از افراد نیز قرار می گیرد. او افزود: اجرای هر طرح در حوزه های مختلف نیاز به بررسی دقیق پستتر و زیرساخت های آن با توجه به شرایط و اقلیم فرهنگی - اقتصادی - سیاسی و ... هر کشوری دارد. قطعاً اجرای طرح مالیات بر عایدی سرمایه به عنوان ابزاری برای کنترل سوداگری و سفته بازی مطلوب است اما در حالی که هیچیک از ابزارهای تشویقی برای فعالیت در عرصه های مختلف وجود ندارد و یا اینکه بسیاری از قرارها و معافیت های مالیاتی در سایه سار ناظران در حوزه های مختلف فعالیت می کنند و حتی هیچ پرونده مالیاتی نیز برای آنها وجود ندارد با کدامین توجیه تیغ تیز مالیات ستانی را برگرده فعالان اقتصادی فعال در شرایط سخت پسا کرونا، تحریم و دیگر شرایط سخت فشار می دهیم یا با استناد به کدام قوانین آنها را ملزم به پرداخت مالیات هایی می کنیم که پیش از آن در لایه های مختلف دیگر ملزم به پرداخت تکراری همان مالیات ها شده اند؟ الزام در پرداخت مالیات برای گروهی، در کنار معافیت های بدون توجیه گروهی دیگر و فرار مالیاتی مهره های در سبب بدون پرونده، از رکن اصلی در نظام مالیاتی یعنی «عدالت محوری» کاملاً دور است. وجود ابهامات در این خصوص و همچنین ابهاماتی که در مورد سرمایه گذاری اشخاص حقیقی در صندوق های سرمایه گذاری و بحث مالیات بر سرمایه گذاری این افراد مطرح است از جمله مسائلی است که باید پیش از اجرای طرح مالیات

بر عایدی به آن پرداخت تابیش از این از مسیر عدالت دور نشود.

افزایش افسار گسیخته تورم و گره محاسبه های مالیاتی

از سویی دیگر افزایش لحظه ای تورم دیگر مجالی برای محاسبه نرخ مالیات بر عایدی سرمایه همزمان با در نظر گرفتن نرخ استهلاک اقلام خریداری شده چون خودرو و ... را باقی نخواهد گذاشت چرا که افزایش قیمت بسیاری از کالا و وسایل ناشی از افزایش واقعی نرخ آنها نیست بلکه ناشی از افزایش قیمت کاذب در فضای اقتصاد بیمار کشور است که معلوم نیست با استفاده از چه ابزار یا استناد به چه قانونی می توان نرخ آن را محاسبه کرد؟

صالحی ادامه داد: در عین حال شرایط دشوار اقتصادی فضای کسب و کار را به قدری برای فعالان در حوزه های مختلف سخت کرده است که ادامه حیات اقتصادی برای آنها را غیر ممکن ساخته است در نتیجه بهتر است فرصت های تولید اقتصادی را بیش از پیش برای این گروه هموار کرد و در چنین شرایطی فقط به دنبال یافتن روزنی برای تحقق درآمدهای دولت از محل درآمدهای مردمی نبود چرا که در غیر این صورت دولت در اندیشه یافتن سهم کوچکی از سهم مالیات از بین فعالان اقتصادی در شرایط انقباضی، سهم مشارکت در تولید و کسب منافع ملی را از دست خواهد داد، هر چند بدیهی است فعالیت پنگاه های خرد و کلان اقتصادی در کشور برای دولت از اهمیتی وافر برخوردار است. از سویی دیگر ایجاد نظام هوشمند مالیاتی در کشور نیاز به ابزارهایی دارد که در حال حاضر ایران فاقد چنین سیستمی است و در این راستا نمی توان توقع اجرای مالیات ستانی عادلانه از مودیان بود چرا که در سایه فقدان چنین تجهیزاتی رانت ها و تخلف و فسادهای بسیاری رخ می دهد که باز هم به دور شدن فرآیند مالیات ستانی از «عدالت واقعی» خواهد شد و بنا بر شواهد موجود هنوز فاصله بسیاری با دستیابی به ابزار لازم برای تحقق مالیات ستانی عدالت محور داریم. سامانه های مشترک دریافت مالیات، بانک جامع مودیان مشمول طرح مالیات ستانی، اخذ مالیات غیر حضوری و ... از جمله پارامترهای لازم در این طرح به شمار می آید که متأسفانه هنوز برای تجهیز به آن ها راه درازی در پیش رو داریم و دولت باید برای سهم خواهی خود از مالیات از هر طریقی دست برداشته و به انتظار اجرای تدریجی منطبق بر اصول منطقی با نگاهی به قوانین جهانی و با انطباق شرایط روز در جامعه بماند.

مالیات بر عایدی سرمایه ابزاری

برای هدایت سرمایه های غیر مولد

رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی پایه مالیاتی عایدی سرمایه را ابزاری برای هدایت سرمایه ها از بازارهای غیر مولد به بازارهای مولد دانست و تأکید کرد: در شرایطی که محیط کسب و کار در کشور به شدت نامساعد است و هزینه مبادله برای فعالیت های مولد بسیار بالاست، نمی توان انتظار داشت اخذ مالیات بر عایدی سرمایه، منجر به سوق یافتن سرمایه ها به بخش حقیقی اقتصاد شود بلکه

بیم آن می رود که عدم توجه به موارد ذکر شده، به خروج سرمایه از کشور منتهی شود. تجربه نشان داد که بدون تدوین یک قانون جامع و بدون ابهام و بدون آموزش کافی مجریان، دستیابی به اهداف قانون امکان پذیر نیست و اتفاقاً به ضرر بخش مولد و رسمی کشور تمام خواهد شد؛ بر همین اساس اتاق ایران به عنوان نماینده بخش خصوصی که از نزدیک با مشکلات و تنگناهای بخش های مولد آشنا است، بیم آن را دارد که تصویب قوانین ناکارآمد، نه تنها گرهی از مشکلات اقتصادی باز نکند که به گرفتاری های موجود نیز بیفزاید. بدیهی است به بارنشستن مطلوب هر طرح منوط به گذر از شرایط و مراحل پیش نیاز آن می باشد تا بتوان از نتایج خوب آن به درستی بهره مند شد.

تحقق بودجه با مالیات ها



حمید حسینی عضو اتاق بازرگانی ایران در این باره به خبرنگار ما گفت: تصمیم دولت جهت تأمین درآمدهای دولتی در سال جاری با تمهیداتی که در تعامل مجلس و دولت به کار گرفته شد به تحقق حدود ۴۵۰ هزار میلیارد تومان درآمدهای مالیاتی در سال جاری منجر شد و به گفته دولت این یکی از بخش های تأمین درآمدهای دولتی بوده است که تقریباً به طور کامل محقق شده است. از این رو مسئولین بر آن شدند تا در سال آینده به رقمی بیش از ۸۰۰ هزار تومان تحقق درآمدهای مالیاتی نیز نائل آیند که البته گروهی معتقد هستند که این رقم برای سال آینده با توجه به چالش هایی مانند درگیری مستمر با کرونا، تشدید تحریم ها و ... دور از ذهن و غیر قابل دسترس است اما با توجه به اقدامات صورت گرفته توسط دولت و آنچه که تا کنون انجام شده است، پروژه ای بسیار بزرگ و غیر قابل دسترس نخواهد بود چرا که بسیاری از معافیت های مالیاتی لغو شده و علاوه بر آن مودیان بسیاری نیز شناسایی خواهند شد و از سوی دیگر با گران شدن خدمات و کالاها در سال آینده به طور اتوماتیک رقم مالیاتی افزایش خواهد یافت.

او افزود: با وجود آنکه بر اساس پیش بینی های صورت گرفته حدود ۶۰۰ هزار تومان از درآمدهای دولت در بودجه سال آینده از محل نفت باید تأمین شود اما با توجه به اینکه رقم پیش بینی شده بودجه از محل نفت در سال جاری محقق نشد، به نظر می رسد این رقم در سال آینده از طریق نفت نیز محقق نشود. اما سیاست گذاری دولت با نیم نگاهی امیدوارانه به تحقق درآمدهای مالیاتی در سال جاری، تهاجمی تر از ۱۴۰۱ برای سال آینده در زمینه اخذ مالیات و تحقق درآمدهای دولتی از این کانال تنظیم شده است و به نظر می رسد که دولت به اهداف پیش بینی شده در این خصوص دست خواهد یافت.

بازادوکس گرانی ها و تورم دولتی
با مالیات بر عایدی سرمایه

حسینی در باره طرح مالیات بر عایدی و ثروت که از طرح های جدید نظام مالیاتی در کشور محسوب می شود نیز گفت: تاکنون مالیات تحت عناوین مختلف مانند مالیات بر ارزش افزوده، مالیات بر درآمد و ... اعلام شده و در صدد اجرای آن در جامعه بوده ایم و همچنین شرکت های مختلفی نیز بر اساس عملکرد خود در حال پرداخت مالیات هستند و برخی هم که به صورت غیر رسمی در کشور فعالیت می کنند به شکل مختلف از پرداخت مالیات فرار می کنند. اما اجرای طرح مالیات بر سرمایه در صدد این است تا بر ثروت های بادآورده مالیات تعلق گیرد تا شاهد عدالت مالیاتی و اجتماعی باشیم هر چند این طرح با موافقان و مخالفان بسیاری در کشور مواجه است اما چنانچه مالیات بر عایدی و سرمایه با در نظر گرفتن تمامی جوانب کار اجرایی شود از مطلوبیت مناسبی برخوردار خواهد بود.

عضو اتاق بازرگانی ایران ادامه داد: تخصیص مالیات بر ملک، خودرو و ... که توسط افراد حقیقی و حقوقی خریداری می شود طرح خوبی است اما اینکه با وجود تورم و گرانی و استهلاک و فرسودگی چقدر می توان محاسبه دقیقی در خصوص تعیین نرخ مالیات بر این موارد را داشت موردی است که محل اختلاف نظر گروه های مختلف است. چرا که این گروه معتقد هستند؛ دولت، خود موجب گرانی ها و افزایش قیمت و همچنین کاهش ارزش پول ملی شده است و فاصله عجیب و غریب مسکن، خودرو، ارز، سکه و طلا و ... در جامعه ناشی از همین موارد است.

وی درباره بهینه سازی اجرای این طرح در کشور برای اخذ نتیجه مطلوبتر گفت: ارائه تعاریف دقیق تر و شفاف تر در زمینه اجرای طرح مالیات بر عایدی و سرمایه می تواند شرایط اجرا را عادلانه و منطقی تر فراهم سازد. اینکه از اولین، دومین و چندمین خودرو یا ملک و یا با چه ارزش مالیاتی تحت عنوان مالیات بر سرمایه اخذ می شود بسیاری از ابهام ها را در اجرای احتمالی این رویکرد کاهش می دهد. در مجموع بهتر است در تعامل و بررسی هایی که با مجلس صورت خواهد گرفت مشخص شود که بهتر است در راستای اجرای این طرح به چه کالاها و خدمات و اقلامی مالیات تعلق می گیرد، اما پیش از این ضروری و مناسب است که دولت تلاش کند فرآیند و زیرساخت مناسب برای ثبت خرید و فروش ها و تهیه بانک اطلاعاتی کامل از داشته های افراد در حوزه های مختلف را تهیه کند تا بتواند بر اساس آن و فراهم کردن شرایطی برای رصد مستمر این پتانسیل های مالی امکان محاسبه مالیات بر درآمد افراد را به خوبی و عادلانه انجام دهد.

این عضو اتاق بازرگانی ایران معتقد است: شناسایی مودیان جدید مالیاتی و نظارت بر اجرای مالیات ستانی از گروه های خاص مانند پزشکان و یا اتصال شبکه های مالی نهادهای ذریعته مانند بانک ها، نظام مالیاتی، گمرکی و ... از جمله دیگر اقدامات ضروری محسوب می شود که دولت باید مدنظر قرار دهد هر چند بر اساس شواهد موجود دولت

تور مالیاتی خود را به صورت گسترده در جاهای مختلف پهن کرده است و به گفته مسئولان قصد افزایش پایه های مالیاتی در سطوح مختلف را ندارد بلکه در صدد این است تا با یافتن مودیان جدید و ممانعت از فرار های مالیاتی میزان مالیات اخذ شده در سال آینده را افزایش دهد و به ادعای تامین درآمدهای مالیاتی در کشور جامعه عمل ببوشاند.

شاخص های تاثیر گذار در تعیین مالیات ها

حسینی محاسبه تر اکنش های مالیاتی و ایجاد سامانه ها و ابزارهای لازم و همچنین شبکه ها و نرم افزارهای لازم که به صورت هوشمند به یکدیگر متصل باشند را شرط اجرای طرح مالیات ستانی ذکر و خاطر نشان کرد: فرار گسترده آگاهانه و یا مخفیانه مالیاتی، رصد میادلات ارزهای دیجیتال، ردیابی دقیق معاملات اقتصادی داخلی و خارجی و ... از جمله پارامترهای دقیقی است که در صورت توجه دولت می تواند فرصت خوبی برای کسب درآمدهای دولتی و اجرای عدالت اجتماعی - مالیاتی در کشور ایجاد کند.

او در باره معافیت های مالیاتی و نقش آن در بی انگیزه شدن پرداخت های مالیاتی از سوی مردم و یا رانت در کشور می شود گفت: بسیاری از مناطق و سازمان ها و نهادها در کشور از پرداخت مالیات محروم شده اند. مناطق محروم و افرادی که در این مناطق اقدام به فعالیت های اقتصادی می کنند تا زمانی که به سوددهی نرسند از معافیت های مالیاتی معاف هستند همچنین مناطق آزاد و ... از دیگر مناطق معاف از مالیات هستند تا با بهره مندی از سیاست های تشویقی دولت باعث رشد و توسعه اقتصادی و افزایش صادرات در ایران شوند. اما معافیت یک سری از ارگان ها و نهادهای دولتی و غیردولتی از پرداخت مالیات از دیگر گزینه های اعلام شده دولت برای معافیت های مالیاتی اعلام شده است که موجب اعتراضات فراوانی در این خصوص شده است. برخی از این شرکت ها و بنیادها از ابتدا مقرر شده بود که در صورت انجام فعالیت های اقتصادی از پرداخت مالیات معاف باشند اما برخی از این نهادها و بنیادها به تدریج به کار تل های بزرگ اقتصادی تبدیل شدند که همچنان از پرداخت های مالیاتی معاف هستند اما نه دولت و نه مجلس توان مقابله با آنها و اعمال قانون در این خصوص را ندارند.

این مقام مسئول تصریح کرد: هر چند بارها مجلس در خواست ارائه عملکرد مالی و فاکتورهای فعالیت های اقتصادی آنها را کرده است اما هیچ واکنشی از سوی این گروه دیده نشده است و همچنان در سکوت به مخالفت خود برای پرداخت مالیات ادامه می دهند، حتی در مقابل درخواست دولت برای پرداخت صورت های مالی این بنیاد یا نهادها به بورس نیز مخالف کرده و مجلس و دولت زورشان به آنها نرسیده است.

حسینی در باره احتمال اجرای طرح مالیات بر عایدی سرمایه و دیگر طرح های نظام مالیاتی در سال ۱۴۰۲ در کشور گفت: از سال ۹۸-۹۹ سازمان نظام مالیاتی کشور نوسازی ها در نظام مالیاتی کشور را آغاز کرده و خلاء های موجود در حوزه قانون و اجرا را بررسی و در صدد رفع

آنها شده است و نتایج آن پیشرفت نسبی مالیات ستانی در سال جاری محسوب می شود. دولت در این راستا سعی بر جمع آوری بانک اطلاعاتی جامع در این زمینه کرده و در صدد جمع آوری اطلاعات لازم از فعالان اقتصادی و ... است چرا که فقدان درآمدهای نفتی ناخواسته دولت را به سمت اخذ مالیات از طریق مالیات سوق داده است و البته برنامه ریزی های نسبتاً خوبی را تاکنون داشته است اما در بسیاری از طرح ها مانند طرح مالیات بر سرمایه بیش از مردم دولت باید از خود مالیات بگیرد! چرا که عامل همه گرانی ها و افزایش قیمت های قابل مشاهده در اموال خریداری شده از مردم، خود دولت است.

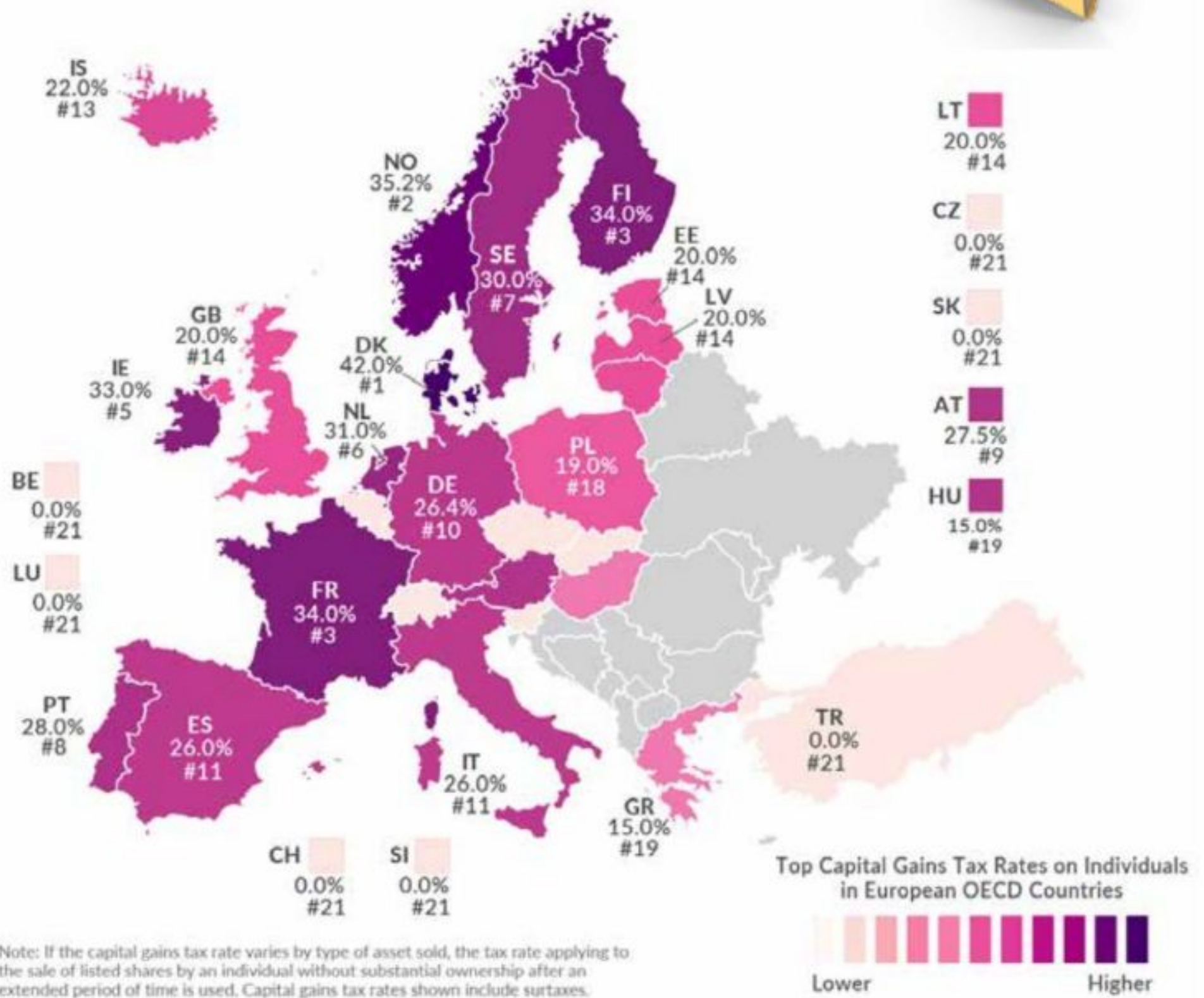
این کارشناس یادآور شد: دریافت مالیات بر عایدی سرمایه مانند هر قانون و مقرراتی می تواند تأثیرات قابل ملاحظه بر اقتصاد و تصمیم گیری فعالان اقتصادی بگذارد. برنامه ریزی فعالان بخش خصوصی برای کسب و کار خود و هم چنین نحوه هزینه کرد دولت از محل درآمدی این پایه مالیاتی نیز در اثر اعمال مالیات بر عایدی سرمایه تحت الشعاع قرار می گیرد. بنابراین آگاهی و پیش بینی از روندها و پیامدهای پیش رو در دنباله دریافت مالیات بر عایدی سرمایه، امری ضروری و مورد نیاز است.

عملکرد و هزینه کردها دولت در خصوص

درآمدهای مالیاتی

او اضافه کرد: عملکرد شفاف دولت در باره اطلاع رسانی به مردم در باره چگونگی هزینه کرد مالیات های مردمی از جمله اقدامات مهم محسوب می شود که دولت باید به منظور تسریع و تسهیل مالیات ستانی انجام دهد، در حالی که ۵۶۱ همت از درآمدهای کشور در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ از محل اخذ مالیات است و ۴۸۴ همت نیز از محل درآمدهای حاصل از فروش نفت اعلام شده است باید گفت که باید کاری کرد تا اخذ مالیات بر اساس درآمدهای فردی اخذ گیرد. در عین حال باید توجه کرد که با توجه به شرایط حاکم بر جامعه طرح های جدید مالیاتی مانند طرح مالیات بر عایدی سرمایه چنانچه نهایی و آماده عملیاتی شدن شود باید راه های اجرایی مناسبی برای آن پیش بینی کرد.

حسینی اجرای طرح های مالیاتی در کشور را با توجه به شرایط کنونی ممکن و در دسترس دانست و گفت: طرح مالیات بر عایدی سرمایه باید با در نظر گرفتن ملاحظات لازم به منظور ممانعت از تشدید اعتراض ها و عدالت اجتماعی اجرا شود. اجرای این طرح با توجه به داشته ها و اموال افراد صورت گیرد اما اگر نرخ های مالیات بر عایدی سرمایه به اندازه های بالا باشد که شخص با یک بدهی مالیاتی جدی روبرو شود، ممکن است از فروش دارایی اول منصرف شود. بدین ترتیب اعمال مالیات بر عایدی سرمایه موجب اختلال در تصمیمات سبب دارایی اشخاص می شود. خصوصاً زمانی که نرخ های مالیاتی نیز بالاست در زمان تصمیم گیری درباره میزان مالیات ستانی از عایدی سرمایه، توجه به این موضوع که وضع این مالیات ها در راستای دستیابی به چه هدفی است، بسیار کمک کننده و راهگشاست.



نرخ مالیات بر عایدی سرمایه در اروپا

برگردان: ابوالفضل اسدی

می کند. نروژ با ۳۵٫۲ درصد دومین بالاترین مالیات بر عایدی سرمایه را اعمال می کند. فنلاند و فرانسه هر کدام با ۳۴ درصد در رتبه های بعدی قرار دارند. تعدادی از کشورهای اروپایی برای فروش سهام طولانی مدت مالیات بر عایدی سرمایه وضع نمی کنند. بلژیک، جمهوری چک، لوکزامبورگ، اسلواکی، اسلوانی، سوئیس و ترکیه از جمله این کشورها هستند. از میان کشورهایی که مالیات بر عایدی سرمایه وضع می کنند، یونان و مجارستان با ۱۵ درصد کمترین نرخ را دارند. به طور متوسط، کشورهای اروپایی سود سرمایه مالیاتی ناشی از فروش سهام فهرست شده را با ۱۹٫۴ درصد پوشش دادند.

بفروشید، بابت سود ۲۰ دلاری خود مالیات بر عایدی سرمایه می پردازید. نرخ های مالیات بر عایدی سرمایه نشان داده شده در نقشه، بالاترین نرخ های نهایی مالیات بر عایدی سرمایه هستند که با در نظر گرفتن معافیت ها و مالیات های اضافی، از افراد وضع می شوند. اگر نرخ مالیات بر عایدی سرمایه در کشوری بر اساس نوع دارایی فروخته شده متفاوت باشد، از نرخ مالیاتی که برای فروش سهام فهرست شده پس از یک دوره زمانی طولانی اعمال می شود، استفاده می شود. دانمارک بالاترین مالیات بر عایدی سرمایه را در بین تمام کشورهای تحت پوشش با نرخ ۴۲ درصد اعمال

۸ مارس ۲۰۲۲
کریستینا ایناچی
در بسیاری از کشورها، درآمد سرمایه گذاری، مانند سود سهام و سود سرمایه، با نرخی متفاوت از درآمد دستمزد مشمول مالیات است. نقشه امروز بر نحوه مالیات بر عایدی سرمایه متمرکز است و نشان می دهد که چگونه نرخ مالیات بر عایدی سرمایه در کشورهای اروپایی OECD متفاوت است. هنگامی که شخصی متوجه سود سرمایه ای می شود - یعنی دارایی را برای سود می فروشد - با مالیات بر آن سود مواجه می شود. به عنوان مثال، اگر یک سهم را به قیمت ۱۰۰ دلار بخرید و آن را به قیمت ۱۲۰ دلار

برترین نرخ‌های مالیات بر عایدی سرمایه نهایی
برای افرادی که دارای سهام طولانی مدت بدون مالکیت قابل توجه هستند (شامل مالیات‌های اضافی)

| کشور اروپایی OECD | نرخ مالیات بر عایدی سرمایه نهایی | توضیحات |
|----------------------|-------------------------------------|--|
| اتریش (AT) | ۲۷٫۵۰٪ | - |
| بلژیک (BE) | ۰٫۰۰٪ | سود سرمایه تنها در صورتی مشمول مالیات می‌شود که به عنوان درآمد حرفه‌ای در نظر گرفته شود. |
| جمهوری چک (CZ) | ۰٫۰۰٪ | سود سرمایه‌ای که در PIT گنجانده شده است، اما در صورتی که سهام یک شرکت سهامی حداقل سه سال نگهداری شود، معاف است (اگر شرکت با مسئولیت محدود پنج سال). |
| دانمارک (DK) | ۴۲٫۰۰٪ | سود سرمایه مشمول PIT است. |
| استونی (EE) | ۲۰٫۰۰٪ | سود سرمایه مشمول PIT است. |
| فنلاند (FI) | ۳۴٫۰۰٪ | - |
| فرانسه (FR) | ۳۴٫۰۰٪ | مالیات ثابت ۳۰ درصدی بر عایدی سرمایه، به علاوه ۴ درصد برای افراد با درآمد بالا. |
| آلمان (DE) | ۲۶٫۳۸٪ | مالیات ثابت ۲۵ درصدی بر عایدی سرمایه، به اضافه ۵٫۵ درصد اضافه هزینه همبستگی. |
| یونان (GR) | ۱۵٫۰۰٪ | - |
| مجارستان (HU) | ۱۵٫۰۰٪ | سود سرمایه مشمول نرخ ثابت PIT ۱۵٪ است. |
| ایسلند (IS) | ۲۲٫۰۰٪ | - |
| ایرلند (IE) | ۳۳٫۰۰٪ | - |
| ایتالیا (IT) | ۲۶٫۰۰٪ | - |
| لتونی (LV) | ۲۰٫۰۰٪ | - |
| لیتوانی (LT) | ۲۰٫۰۰٪ | سود سرمایه مشمول PIT، با نرخ بالای ۲۰٪ است. |
| لوکزامبورگ (LU) | ۰٫۰۰٪ | اگر دارایی منقول (مانند سهام) حداقل به مدت شش ماه نگهداری شود و متعلق به سهامدار غیر بزرگ باشد، عایدی سرمایه از مالیات معاف است. اگر کمتر از ۶ ماه نگهداری شود، با نرخ‌های تصاعدی مشمول مالیات می‌شود. |
| هلند (NL) | ۳۱٫۰۰٪ | ارزش خالص دارایی‌ها با نرخ ثابت ۳۱٪ در بازده سالانه تلقی می‌شود (بازده سالانه تلقی شده بر اساس ارزش کل دارایی‌های تحت مالکیت متفاوت است). |
| نروژ (NO) | ۳۵٫۲۰٪ | سود سرمایه مشمول PIT است (یک عامل تعدیل اعمال می‌شود). |
| لهستان (PL) | ۱۹٫۰۰٪ | - |
| پرتغال (PT) | ۲۸٫۰۰٪ | - |
| اسلواکی (SK) | ۰٫۰۰٪ | سهام در صورتی از مالیات بر عایدی سرمایه معاف است که بیش از یک سال نگهداری شود و جزء دارایی‌های تجاری مؤدی مالیاتی نباشد. |
| اسلوونی (SI) | ۰٫۰۰٪ | نرخ سود سرمایه ۰٪ در صورتی که دارایی بیش از ۲۰ سال نگهداری شود (نرخ تا ۲۷٫۵٪ برای دوره‌های کمتر از ۲۰ سال). |
| اسپانیا (ES) | ۲۶٫۰۰٪ | - |
| سوئد (SE) | ۳۰٫۰۰٪ | - |
| سوئیس (CH) | ۰٫۰۰٪ | عواید سرمایه در دارایی‌های منقول مانند سهام معمولاً از مالیات معاف هستند. |
| ترکیه (TR) | ۰٫۰۰٪ | سهامی که در بورس اوراق بهادار معامله می‌شود و حداقل به مدت یک سال نگهداری می‌شود، معاف از مالیات (دو سال برای شرکت‌های سهامی) است. |
| بریتانیا (GB) | ۲۰٫۰۰٪ | - |



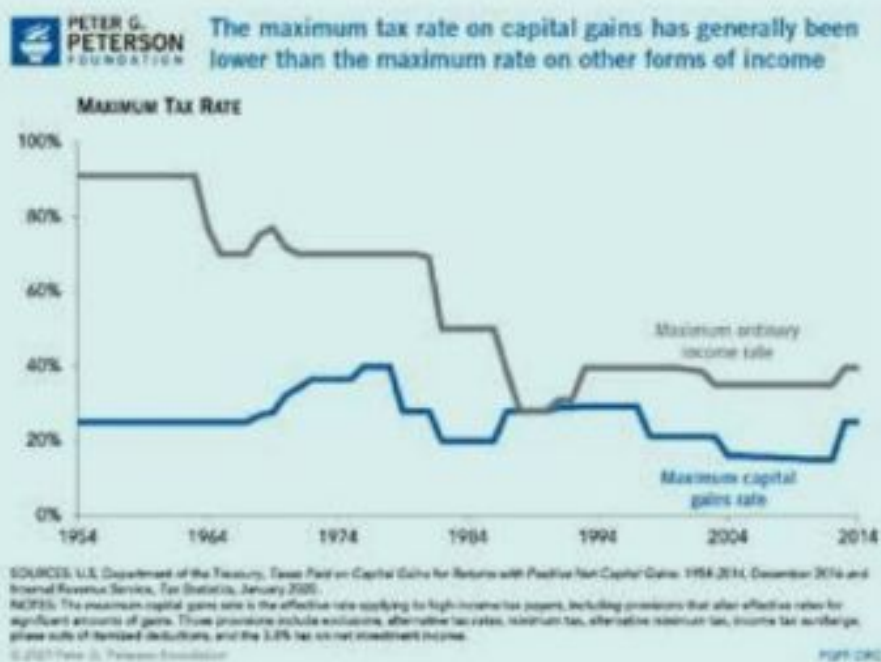
چگونه اجرامی شود مالیات بر عایدی سرمایه در آمریکا

برگردان: صبور ارمضانی

مالی و اقتصادی کشور داشته باشد. در زیر نگاهی کوتاه به نحوه عملکرد مالیات بر عایدی سرمایه، چه دارایی‌ها و اشخاصی بیشتر تحت تأثیر آن و پیامدهای مالی برخی از تغییرات رایج مورد بحث است.

است. در حالی که درآمدهای دریافتی از مالیات بر عایدی سرمایه اندک است و ۱۱ درصد از درآمدهای مالیات بر درآمد افراد را تشکیل می‌دهد، تغییرات مالیات می‌تواند پیامدهای قابل توجهی برای سلامت

مالیات بر عایدی سرمایه مالیاتی است بر سود دریافتی از فروش دارایی سرمایه‌ای. این سود که به عنوان سود سرمایه شناخته می‌شود، با نرخ نهایی کمتری نسبت به درآمد عادی مشمول مالیات



مالیات بر عایدی سرمایه چگونه کار می‌کند؟

سود سرمایه زمانی محقق می‌شود که دارایی سرمایه‌ای برای سود فروخته شود. به عنوان مثال، اگر سهام شرکت‌ها به قیمت ۱۰۰,۰۰۰ دلار خریداری شده و ۱۰ سال بعد به قیمت ۲۰۰,۰۰۰ دلار فروخته شود، سود ۱۰۰,۰۰۰ دلاری سود سرمایه محسوب می‌شود و از نرخ مالیات ترجیحی برخوردار می‌شود. علاوه بر این، اگر دارایی سرمایه‌ای با زیان فروخته شود، ممکن است تمام یا قسمتی از آن زیان سایر سودها را جبران کند یا از درآمد مشمول مالیات کسر شود. در نهایت، اگر صاحب دارایی فوت کند و آن را به دیگری واگذار کند، ارزش مالیاتی برای منعکس کننده ارزش فعلی آن در آن زمان تعدیل خواهد شد که تنظیم مجدد در ارزش به عنوان پایه افزایشی شناخته می‌شود.

عایدی سرمایه از دارایی‌هایی که کمتر از یک سال نگهداری می‌شوند به عنوان سود سرمایه کوتاه مدت شناخته می‌شوند و در حال حاضر با همان نرخ درآمد عادی برای افراد مشمول مالیات می‌شوند. سود سرمایه در دارایی‌هایی که بیش از یک سال نگهداری می‌شوند به عنوان سود سرمایه بلندمدت شناخته می‌شوند و بیشتر آنها با نرخ‌های ۱۵.۰ یا ۲۰ درصد بسته به درآمد افراد مشمول مالیات می‌شوند. از لحاظ تاریخی، نرخ مالیات بر عایدی سرمایه برای دارایی‌های بلندمدت کمتر از حداکثر نرخ مالیات بر درآمد عادی بوده است.

PETER G. PETERSON FOUNDATION Stocks and mutual funds account for most of the transactions subject to the capital gains tax

TRANSACTIONS BY ASSET TYPE (% OF TOTAL TRANSACTIONS)

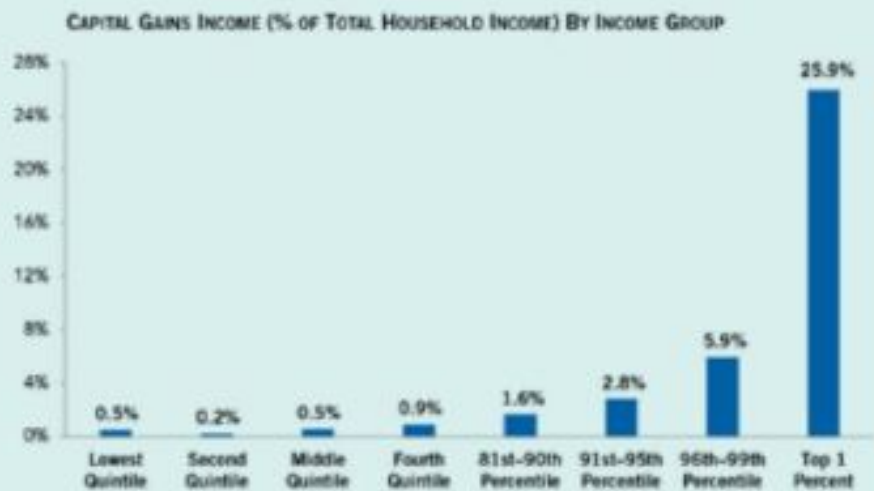


چه نوع دارایی‌هایی مشمول مالیات بر عایدی سرمایه هستند؟

بسیاری از آنچه که یک فرد در اختیار دارد، از جمله اوراق بهادار مانند سهام و اوراق قرضه یا حتی دارایی‌های «سخت» مانند املاک و مستغلات، می‌تواند یک دارایی سرمایه‌ای در نظر گرفته شود. با این حال، بیشتر معاملات مشمول مالیات بر عایدی سرمایه شامل سرمایه‌گذاری‌هایی مانند سهام و صندوق‌های سرمایه‌گذاری است. در سال ۲۰۱۲، آخرین سالی که داده‌ها در دسترس است، ۷۵ درصد از معاملات مشمول مالیات از سهام و صندوق‌های سرمایه‌گذاری بود.



PETER G. PETERSON FOUNDATION High-income individuals receive a greater portion of their income from capital gains



چه کسی مالیات بر عایدی سرمایه را پرداخت می کند؟
 در حالی که مالیات بر عایدی سرمایه بر هر کسی که دارایی سرمایه‌ای را می‌فروشد تأثیر می‌گذارد، افراد با درآمد بالاتر معمولاً بیشتر از آمریکایی‌های معمولی مشمول مالیات می‌شوند. در سال ۲۰۱۷، افراد یک درصد برتر حدود ۲۶ درصد از درآمد خود را از سود سرمایه دریافت کردند. این رقم با کمتر از ۱ درصد درآمد برای افراد در صدک ۸۰ پایین مقایسه می‌شود.

افزایش نرخ مالیات بر عایدی سرمایه: چنین افزایشی می‌تواند برای یک یا چند نرخ مالیات بر عایدی سرمایه اعمال شود. با این حال، برخی از کارشناسان پیشنهاد می‌کنند که هر چه نرخ مالیات بر عایدی سرمایه بالاتر باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که افراد منتظر فروش دارایی‌های سرمایه‌ای خود باشند، بنابراین مالیات متعلق را به تعویق می‌اندازند. با در نظر گرفتن چنین مبادلاتی، مدل بودجه پن وارتون تخمین زد که افزایش نرخ بالاتر از ۲۰ درصد به ۲۴٫۲ درصد باعث افزایش درآمد ۶۶ میلیارد دلاری در یک دوره ۱۰ ساله می‌شود.

حذف مبنای «افزایش» افزایش سرمایه در هنگام مرگ: در حال حاضر، اگر صاحب یک دارایی سرمایه‌ای فوت کند و آن دارایی را به شخص دیگری وصیت کند، مبنای دارایی به گونه‌ای تنظیم می‌شود که منعکس کننده ارزش فعلی دارایی در آن زمان باشد. به عنوان مثال، دارایی‌ای که به قیمت ۱۰۰۰،۰۰۰ دلار خریداری شده، به ارزش ۱۸۰۰،۰۰۰ دلار به ارث رسیده و بعداً به قیمت ۲۰۰۰،۰۰۰ دلار فروخته شده است، تنها ۲۰۰،۰۰۰ دلار سود سرمایه خواهد داشت. حذف این مبنای افزایشی، سود کامل ۱۰۰۰،۰۰۰ دلاری را مشمول مالیات بر عایدی سرمایه می‌کند. در سال ۲۰۱۹، کمیته مشترک مالیات بر آورد کرد که چنین سیاستی باعث افزایش درآمد ۱۰۵ میلیارد دلاری در یک دوره ۱۰ ساله خواهد شد.

مالیات بر عایدی سرمایه بر مبنای تعهدی: به جای مالیات بر عایدی سرمایه در هنگام فروش یک دارایی، یک سیستم تعهدی بر افزایش سالانه ارزش دارایی مالیات می‌پردازد، حتی اگر دارایی فروخته نشود (همچنین به عنوان سیستم مارک به بازار نیز شناخته می‌شود). در حالی که چنین سیستمی شامل ارزیابی سالانه دارایی‌های سرمایه‌ای می‌شود و احتمالاً به منابع قابل توجهی از خدمات درآمد داخلی نیاز دارد، مقدار سود سرمایه‌ای که به تعویق می‌افتد را محدود می‌کند و مقدار قابل توجهی از درآمد را افزایش می‌دهد. کارشناسان سیاست مالیاتی در دانشگاه نیویورک تخمین زدند که یک سیستم تعهدی محدود به دارایی‌های قابل فروش فقط برای یک درصد از خانوارها در طی ۱۰ سال حدود ۱٫۷ تریلیون دلار افزایش می‌دهد.

نمایه سازی سود سرمایه با تورم: در حال حاضر، سود سرمایه برای تورم در طول مدت نگهداری دارایی تعدیل نمی‌شود. چنین تعدیلی باعث کاهش درآمد مشمول مالیات و در نتیجه کاهش بار مالیات بر عایدی سرمایه می‌شود. به عنوان مثال، خرید ۱۰،۰۰۰ دلاری در ژوئن ۲۰۰۸ قدرت خریدی برابر با ۱۱،۵۱۶ دلار در ژوئن ۲۰۱۸ داشت. اگر در آن تاریخ به قیمت ۲۰،۰۰۰ دلار فروخته شود، فروشنده مشمول مالیات بر عایدی سرمایه ۸،۴۸۴ دلاری خواهد بود که برخلاف سود ۱۰،۰۰۰ دلاری اصلی است. مرکز سیاست مالیاتی تخمین زد که چنین تغییری می‌تواند درآمدهای فدرال را ۲۰ میلیارد دلار در سال کاهش دهد.

نتیجه

مالیات بر عایدی سرمایه جزئی نسبتاً کوچک اما حیاتی سیستم مالیاتی آمریکا است. اصلاح رفتار مالیاتی عایدی سرمایه یکی از راه‌هایی است که دولت فعلی برای جمع‌آوری درآمدهای بیشتر برای جبران هزینه‌ها پیشنهاد کرده است. بحث در مورد بنیاد مالی ما بحث مهمی است. در حالی که کشور از این بیماری همه گیر بهبود می‌یابد، قانونگذاران باید به درآمد و هزینه‌های بودجه نگاه کنند و برای یافتن راه‌حلی که مسیر مالی پایدار تری را ترسیم می‌کند، با یکدیگر همکاری کنند.

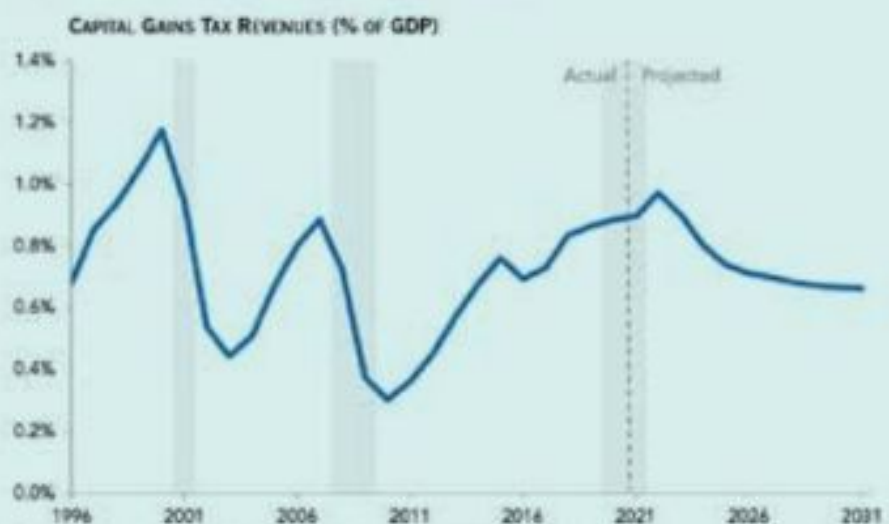
دولت چقدر از مالیات بر عایدی سرمایه در یافت می‌کند؟

درآمدهای حاصل از مالیات بر عایدی سرمایه به عنوان بخشی از درآمدهای مالیات بر درآمد افراد طبقه بندی می‌شود، اما عموماً بخش کوچکی از این مجموعه هارا تشکیل می‌دهند. در سال ۲۰۱۹، آخرین سالی که داده‌ها تحت تأثیر تحریف‌های موقتی ناشی از همه‌گیری قرار نگرفتند، مالیات‌های ناشی از عایدی سرمایه حدود ۱۱ درصد از درآمد مالیات بر درآمد افراد را تشکیل می‌داد که در مجموع ۱۸۳ میلیارد دلار یا ۰٫۹ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) بود. درآمدهای حاصل از مالیات بر عایدی سرمایه می‌تواند نوسان داشته باشد که منعکس کننده تغییرات در فعالیت اقتصادی - به ویژه در دوران رکود است. به عنوان مثال، درآمد حاصل از افزایش سرمایه از ۱۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ به ۵۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ کاهش یافت که تنها در یک سال ۴۱ درصد کاهش داشت. همین الگو در طول بحران مالی بیش از یک دهه پیش رخ داد، با کاهش ۴۹ درصدی درآمدهای عایدی سرمایه از ۲۰۰۸ تا ۲۰۰۹. با این حال، این روند در طول رکود فعلی تکرار نشد. انتظار می‌رود که درآمدهای حاصل از افزایش سرمایه در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ به دلیل رشد سریع فروش مسکن - که شاهد افزایش ۶ درصدی فروش خانه‌های موجود در سال ۲۰۲۰ بود - و بازار سهام در سال ۲۰۲۰ رشد ۱۶٫۳ درصدی را تجربه کرد، اندکی افزایش یابد. علیرغم رشد اخیر درآمدهای حاصل از سرمایه، دفتر بودجه کنگره آمریکا پیش‌بینی می‌کند که دریافتی از این مالیات تا سال ۲۰۲۱ به ۰٫۷ درصد تولید ناخالص داخلی یا ۷ درصد از درآمدهای مالیات بر درآمد افراد کاهش یابد.

چگونه مالیات می‌تواند تغییر کند و چگونه بر وضعیت مالی ما تأثیر می‌گذارد؟

اخیراً، دولت بایدن اصلاحاتی را پیشنهاد کرد که بالاترین نرخ مالیات بر درآمد نهایی را به ۳۹٫۶ درصد بازگرداند و برای خانوارهایی که بیش از ۱ میلیون دلار در سال درآمد دارند، این نرخ را برای سود سرمایه بلندمدت اعمال کند. این طرح همچنین خواستار حذف مبنای افزایشی است. به طور کلی، طرفداران افزایش بار مالیاتی خاطر نشان می‌کنند که این امر می‌تواند درآمدهای اضافی را افزایش دهد و سیستم مالیاتی عادلانه تری را ارتقا دهد که با انواع مختلف درآمد به طور یکسان برخورد می‌کند. از سوی دیگر، مدافعان کاهش تأثیر مالیات استدلال می‌کنند که انجام این کار ممکن است رشد اقتصادی را افزایش دهد و کارآفرینی را ارتقا دهد. در زیر تعدادی از تغییرات بالقوه - از جمله تغییرات پیشنهادی توسط دولت بایدن - که در سال‌های اخیر مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند و تأثیرات مالی آنها وجود دارد:

PETER G. PETERSON FOUNDATION Revenues from the capital gains tax have been volatile, especially during recessions



SOURCE: Congressional Budget Office, The Budget and Economic Outlook 2021 to 2031, February 2021.
 NOTE: The grey shaded areas represent economic recessions and are based on the National Bureau of Economic Research's classification.
 © 2021 Peter G. Peterson Foundation



نرخ مالیات بر عایدی سرمایه در بریتانیا

معمولاً برای فروش خانه اصلی خود نیازی به پرداخت مالیات بر سرمایه ندارید. نرخ CGT بانرخ های مالیات بر درآمد متفاوت است و تا حد زیادی به دارایی هایی که می فروشید بستگی دارد - بنابراین احتمالاً جواهرات براق شما بانرخ متفاوتی نسبت به خانه دوم شما مشمول مالیات می شوند. پس از بودجه پاییز نوامبر، برخی تغییرات (و مسدود کردن) در نرخ ها و آستانه های مالیات شخصی اعلام شده است. از جمله CGT، مالیات بر درآمد، بیمه ملی، مالیات بر ارث، سود سهام و غیره. وبلاگ مارا بررسی کنید تا در مورد تغییرات جزئیات بیشتر بدانید.

برای سال مالیاتی ۲۰۲۲/۲۰۲۳ نرخ های مالیات بر عایدی سرمایه عبارتند از:

- ۱۰٪ (برای ملک مسکونی) برای کل سود سرمایه. اگر درآمد کلی سالانه شما کمتر از ۵۰۲۷۰ پوند باشد.
- ۲۰٪ (برای ملک مسکونی) برای کل سود سرمایه. اگر درآمد کلی سالانه شما بالاتر از آستانه ۵۰۲۷۰ پوند باشد.

افراد دارای ۱۲۳۰۰ پوند کمک هزینه مالیات بر عایدی سرمایه هستند. این بدان معناست که سود سرمایه شما تا ۱۲۳۰۰ پوند بدون مالیات است.

در بریتانیا هنگامی که از فروش دارایی های ارزشمند سود می کنید، باید مالیات بر عایدی سرمایه (CGT) بپردازید - این شامل موارد زیر است:

- سهام
- ارزهای رمزنگاری شده
- هنر
- عتیقه های منتخب
- جواهرات زیبا
- نرخ مالیات بر عایدی سرمایه در بریتانیا برای سال ۲۲/۲۰۲۳

کمک هزینه معاف از مالیات

| کمک هزینه برای | مبلغ معافیت سالانه |
|----------------|--------------------|
| اشخاص حقیقی | ۱۲۳۰۰ پوند |
| اعتمادها | ۶۱۵۰ پوند |

نرخ مالیات بر عایدی سرمایه

| نوع دارایی | نرخ پایه | نرخ بالاتر |
|------------------------|----------|------------|
| سهام | ۱۰٪ | ۲۰٪ |
| ملک مسکونی | ۱۸٪ | ۲۸٪ |
| بیت کوین / ارز دیجیتال | ۱۰٪ | ۲۰٪ |
| دیگر | ۱۰٪ | ۲۰٪ |

- مبلمان
- امداد دفع دارایی های تجاری

وقتی کسب و کار یا درصدی از کسب و کار خود را می فروشید، باید مالیات بر عایدی سرمایه بپردازید. ناامید نشو! ممکن است به دلیل کمک به دفع دارایی های تجاری - که قبلاً به عنوان امداد کار آفرین شناخته می شد از نرخ ثابت CGT ۱۰٪ برخوردار شوید. فقط دو شرط برای واجد شرایط بودن برای این کاهش وجود دارد. تو باید:

- یک تاجر انحصاری باشید
- دو سال است که صاحب کسب و کار خود هستید

- شما یک دارایی غیر قابل شارژ را فروخته اید

هدر دادن دارایی ها

شما مجبور نیستید برای تمام دارایی هایی که می فروشید، مالیات بر عایدی سرمایه بپردازید. دارایی هایی که عمر آنها کمتر از ۵۰ سال است کمتر متحمل سود می شوند، بنابراین به آنها دارایی های هدر رفته می گویند. این شامل:

- ماشین ها
- منابع طبیعی مانند زغال سنگ و گاز طبیعی
- دستگاه

از دست دادن سرمایه

خوشبختانه، اگر با فروش دارایی خود ضرر کرده اید، می توانید این موضوع را به سازمان مالیاتی گزارش دهید و ممکن است حق دریافت تخفیف مالیاتی را داشته باشید. این تلفات مجاز نامیده می شود، با این حال، یک گرفتاری جزئی وجود دارد. اگر:

- شما یک دارایی را فروخته اید یا به همسرتان بخشیده اید
- شما یک دارایی را فروخته اید یا به یکی از اعضای خانواده داده اید
- شما یک دارایی را به یک فرد مرتبط فروخته اید یا به آن داده اید، یعنی یک شریک تجاری یا همسر



بررسی وضعیت ارتباط سازمان امور مالیاتی با نخبگان در گفت و گو با دکتر مهدی صادقی شاهدانی:

مدیران گوش شنوا داشته باشند

کمک کنند. از آنجا که نخبگان با آحاد جامعه در ارتباط هستند، اگر ما بتوانیم از ظرفیت نخبگان استفاده کنیم، به راحتی می‌توانیم فرهنگ‌سازی مالیاتی کنیم. یکی از مشکلات موجود این است که فرهنگ‌سازی مالیاتی آن طور که باید و شاید نیست. نخبگان به جهت ارتباطی که با سایر اقشار جامعه دارند در جهت فرهنگ‌سازی مناسب می‌توانند کمک کنند.

اگر نخبگان در جهت فرهنگ‌سازی به سازمان مالیاتی کمک کنند، این اصطلاحاتی که بین بنگاه‌های اقتصادی و مؤدیان با نظام مالیاتی وجود دارد، بسیار کم خواهد شد. حرفی که نخبگان می‌زنند، به نظر من برای آحاد جامعه حجیت دارد و ما در جهت فرهنگ‌سازی مالیاتی می‌توانیم از ظرفیت نخبگان استفاده کنیم.

از نظر حضر تعالی نخبگان و دایره نخبگان

چه کسانی را شامل می‌شود و تعریف شما از این گروه چیست؟ آیا ما می‌توانیم به سمتی برویم که جامعه نخبگانی به همان سلبریتی‌ها برای مردم تبدیل شوند و در همان جایگاه، تأثیر گذاری داشته باشند؟

دکتر صادقی: نخبگان ورزشی و هنری جایگاه خودشان را دارند. در طیف نخبگان ما می‌توانیم نخبگان را به نخبگان عملیاتی، نخبگان علمی و دانشگاهی، نخبگان هنری و نخبگان ورزشی در حیطه مالیات طبقه‌بندی کنیم. حتی دایره نخبگان را از این وسیع‌تر باید در نظر بگیریم. نخبگانی که در جرگه مؤدیان هستند یا مثلاً نخبگانی که در یک نهاد خاصی مثل اتاق‌های بازرگانی و اتحادیه‌ها حضور دارند. اگر سازمان مالیاتی بخواهد با مشاغل و بنگاه‌های اقتصادی ارتباط برقرار کند، بخشی از این ارتباطات می‌تواند از طریق اتحادیه‌ها و اتاق‌های بازرگانی و مجموعه‌هایی باشد که به صورت کلی اسم آنها را تشکل‌های صنفی می‌گذاریم.

ما در تشکل‌های صنفی تجاری، تولیدی و خدماتی، یک

مالیاتی می‌خواهیم به بخشی کمک کنیم، دولت هیچ راهی برای این کمک ندارد، مثلاً شما می‌خواهید به بنگاه‌های مناطق محروم کمک کنید، دولت باید درآمدها را ابتدا به دست بیاورد که این درآمد را صرف حمایت از بنگاه‌های خاصی بکند که در مناطق محروم سرمایه‌گذاری می‌کنند. بنابر این نظام مالیاتی در جهت اهداف تخصیصی - توزیعی و تأمین مالی دولت نقش بسزایی دارد.

نخبگان در زمینه اینکه چه کاری انجام بدهیم تا بتوانیم این اهداف را به بهترین وجه دنبال کنیم، مؤثر هستند. نخبگان مالیاتی از نظام مالیاتی ای که در سایر کشورها حاکم است مطلع هستند.

نخبگان مالیاتی می‌توانند با مطالعاتی که دارند، به سازمان در جهت تسهیل‌گری برای مالیات‌ستانی کمک کنند.

همچنین نخبگان مالیاتی می‌توانند در جهت این که چگونه مافزار مالیاتی را کمتر کنیم کمک کنند.

نخبگان مالیاتی می‌توانند الگوهایی را ارائه بدهند که ما به سمت مالیات عادلانه حرکت کنیم و در جریان مالیات‌ستانی مرتکب ظلم نشویم. یعنی مالیات را از کسی دریافت نکنیم که نباید پرداخت می‌کرد. از آن طرف، مالیات را از کسی که می‌توانستیم دریافت کنیم، فراموش نکنیم. یعنی افرادی که استحقاق و توانایی پرداخت مالیات دارند را باید شناسایی کنیم.

یکی از کارهایی که نخبگان مالیاتی می‌توانند انجام بدهند کمک به سازمان در جهت تولید فکر و روش و همچنین آگاهی‌سازی برای سازمان نسبت به اقداماتی است که در نظام مالیات‌ستانی باید پیاده‌سازی شود.

وقتی می‌گوییم نخبگان، شامل دانشگاهی‌ها هم می‌شود. بعضی وقت‌ها در خود نظام اجرایی هم ما نخبگانی داریم که باید از ظرفیت اینها استفاده کنیم.

نخبگان در جهت فرهنگ‌سازی مالیاتی هم می‌توانند

یک مشکل همیشگی که زیاد روی آن

تأکید می‌شود، عدم ارتباط مراکز دولتی با نخبگان است. موضوع مالیات‌ستانی و مشارکت نخبگان در بهبود فرآیند آن از اهمیت بسیاری برخوردار است. ارزیابی آن از وضعیت ارتباط سازمان امور مالیاتی با جامعه نخبگان کشور را بفرمایید.

دکتر صادقی: باید این نکته را مورد توجه قرار بدهیم که نخبگان ظرفیتی هستند که در جهات مختلف می‌توانند به سازمان امور مالیاتی کمک کنند. یک قسمتی که خیلی تأثیرگذار است بحث کمک به جریان مالیات‌ستانی و الگوهایی است که در این جهت وجود دارد. مالیات‌ستانی کشور ما در سال‌های گذشته تحول پیدا کرده ولی با تحولی که باید شاهد می‌بودیم راه درازی داریم. بخشی از این تحولات مسیرش شروع شده ولی باید سعی کنیم این تحولات در حیطه مالیاتی را به مرحله اکمل برسانیم تا نظام مالیاتی بتواند نقش خودش را در موضوع تأمین درآمدهای دولت و در حیطه تخصیص و توزیع درآمد داشته باشد.

نظام مالیاتی ابزار مناسبی است برای اینکه بتواند توزیع درآمد را متعادل کند، اگر توزیع درآمد ناعادلانه است، از نظام مالیاتی جهت بهبود توزیع عادلانه درآمد استفاده کنیم. درآمدی را از گروهی که صاحب درآمدهای قابل توجه هستند بگیریم و بیاوریم جزو درآمدهای مالیاتی دولت و از این طرف، دولت این درآمدهای مالیاتی را به گروه‌هایی که لازم است اختصاص بدهد و حتی اگر لازم است اهداف تخصیصی را هم دنبال کنیم. نظام مالیاتی این توانایی را دارد که اهداف تخصیصی را هم هدف خودش قرار بدهد.

اهداف توزیعی مشخص است، یعنی از گروه‌هایی با درآمد بالا مالیات را بگیریم و در قالب بودجه‌های سنواتی به افراد با درآمد پایین منتقل کنیم. اهداف تخصیصی مورد توجه این است که ما اگر در نظام

داشته باشد و برای آنها وضعیت موجود نظام مالیاتی و تحولات مدنظرش را تشریح کند. بعضاً مردم و بخصوص نخبگان علمی، نسبت به تحولاتی که در سازمان مالیاتی اتفاق افتاده بیگانه‌اند. یعنی نمی‌دانند تحولاتی که در نظام مالیاتی رخ داده به لحاظ مقررات و تأثیراتی که در جامعه می‌گذارد در چه مرحله‌ای است.

ما باید برویم در مجموعه اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها بخصوص دانشکده‌های مرتبط و بگوییم نظام مالیاتی الان وارد یک عرصه جدیدی شده و شما را به عنوان نخبگان علمی مورد توجه قرار داده است. قسمت‌های مختلف نظام مالیاتی متحول را به نخبگان دانشگاهی معرفی کنیم. مثلاً بگوییم ویژگی‌های پایانه‌های فروشگاهی چیست و چه مزایایی دارد.

چگونه ما توانسته‌ایم با فرارهای مالیاتی مقابله کنیم. همیشه این نکته در ذهن نخبگان دانشگاهی وجود دارد که سازمان امور مالیاتی از ما مالیات می‌گیرد ولی از بقیه مالیات نمی‌گیرد. به عبارتی نخبگان دانشگاهی نگران فرار مالیاتی هستند. ما باید به آنها بگوییم که موضوع فرار مالیاتی را چگونه رصد می‌کنیم و خواستار ارئه راه حل از سوی نخبگان شویم.

معمولاً در ذهن نخبگان صنفی اینگونه تلقی ایجاد شده است که سازمان امور مالیاتی به صنوف و بنگاه‌های اقتصادی اجحاف می‌کند، در صورتی که ما باید برویم و بگوییم ما داریم برنامه‌ای را پیش می‌بریم که کمترین اجحاف به مؤدیان در صنوف مختلف صورت بگیرد. اگر این حرکت از سمت سازمان به سوی جریان‌های مختلف نخبگان اتفاق بیفتد، نخبگان مالیاتی هم احساس تعلق نسبت به سازمان می‌کنند و از آن طرف ما دریافت‌هایی را هم به لحاظ فکری و ایده‌ای و هم بینشی از ناحیه نخبگان به سمت سازمان شاهد خواهیم بود.

پس ما نباید در سازمان بنشینیم و بگوییم نخبگان بیایند سراغ ما. ما باید برویم سراغ نخبگان و آنها را نسبت به مشکلاتی که در نظام مالیاتی در شرایط حاضر وجود دارد و تحولاتی که در آینده می‌خواهد اتفاق بیفتد، توجه کنیم.

جنابعالی به عنوان کسی که در محیط

دانشگاه حضور دارید نظر تان راجع به ایجاد رشته تخصصی مالیات در دانشگاه‌ها و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز سازمان امور مالیاتی طی یک پروسه چهارساله چیست؟

دکتر صادقی: وقتی شما رشته مالیات راه‌اندازی می‌کنید از یک جهت خوب است. نیروهای متخصص حوزه مالیات را در آن رشته تربیت می‌کنید. ولی به یک نکته هم توجه داشته باشید، اگر فارغ‌التحصیلان این رشته بیش از نیاز سازمان مالیاتی شد، آنجا خودش یک دلزدگی ایجاد می‌کند.

ما می‌توانیم بحث مشاور مالیاتی را هم

در کنار آن قرار بدهیم. یعنی اگر طراحی کنیم، امروز جامعه مشاوران می‌گوید کسانی که در این رشته‌ها مرتبط هستند و درس خوانده‌اند ولی سابقه‌ای ندارند، می‌توانند بیایند در دوره‌های جامعه مشاوران شرکت کنند و بعد به عنوان مشاور مالیاتی مشغول به فعالیت شوند.

دکتر صادقی: اگر شما ساختار تخصصی مالیات‌تان مثل جامعه مشاوران و مثل کارشناسان دادگستری بود اشکالی ندارد. الان کارشناسان رسمی دادگستری

کنند. ما از آن نخبگان باید استفاده لازم را ببریم برای اینکه متوجه بشویم اشکالات سازمانی مالیاتی در رابطه با مالیات‌ستانی و نگرش به نخبگان و منعکس کردن دیدگاه نخبگان به سازمان مالیاتی چگونه است و این نگرش‌ها می‌تواند به ما در تصحیح فرآیندها کمک کند. بعضی وقت‌ها فرآیندهای مالیات‌ستانی دارای اشکال است. زمان بر است و اطلاع رسیدگی داریم. مشاوران مالیاتی که نخبه هستند در این زمینه‌ها می‌توانند به سازمان مالیاتی کمک کنند تا ما با کمترین اطلاع رسیدگی و تشخیص درست، بتوانیم به مؤدیان خودمان خدمات لازم را ارائه بدهیم. اگر نکاتی وجود دارد که ما آن نکات را مورد توجه قرار ندادیم، از طریق مشاوران مالیاتی نخبه، آن نکات را به بدنه سازمان منتقل کنیم و نخبگان علمی هم برای ما طراحی کنند.

نظام هوشمند ما باید توسط نخبگان دانشگاهی مورد بررسی قرار گیرد. مثلاً نخبگان علمی ما بعضاً در حیطه نرم‌افزار کار می‌کنند. این که سامانه‌های ما، به لحاظ نرم‌افزاری باید چه ویژگی‌ها و امکاناتی داشته باشند و چگونه آن سامانه‌ها باید اصلاح شوند که نحوه استفاده مؤدیان و متخصصان و کارشناسان مالیاتی را از آن سامانه‌ها تسهیل کند. اینها مواردی است که به نظر من نخبگان دانشگاهی مرتبط با فضای نرم‌افزار به راحتی می‌توانند به سازمان کمک کنند.

به نظر شما سازمان امور مالیاتی برای

استفاده از ظرفیت نخبگان و برقراری ارتباط چه اقداماتی را باید انجام دهد. به نظر می‌رسد در وضعیت موجود مردم، اصناف و سازمان امور مالیاتی همگی ناراضی هستند و شاید بتوان گفت که ما در وضعیت باخت - باخت به سر می‌بریم. اگر سازمان بخواهد شبکه‌های خودش را برای شنیدن حرف‌های نخبگان صنفی و نخبگان دانشگاهی باز کند، به صورت عملیاتی چه کاری را باید انجام دهد؟

دکتر صادقی: سازمان باید طیب دوار باشد. یعنی باید برود سراغ افرادی که با سازمان درگیرند. مؤدیان با سازمان درگیرند، پس سازمان باید برود سراغ مؤدیان. سراغ همه مؤدیان که نمی‌تواند برود، ولی سراغ نظام‌ها و نهاد‌های صنفی می‌تواند برود. ما به عنوان سازمان مالیاتی باید نهاد‌های صنفی را نسبت به جریان مالیات و نسبت به قوانین مالیات توجه کنیم.

سازمان مالیاتی باید به نخبگان دانشگاهی مراجعه

سری نخبگان داریم. نخبگان از این جهت که نسبت به جریان مالیات و ضرورت پرداخت مالیات و اینکه مالیات چگونه باید پرداخت شود و تأثیری که بر جریان عمومی کشور دارد، مؤثر هستند و سازمان امور مالیاتی نباید از آنها غافل شود. اگر کسی در اتاق بازرگانی نسبت به جریان مالیات‌ستانی و ضرورت آن آگاهی کافی دارد، ما از او هم می‌توانیم به عنوان یک نخبه یاد کنیم و در جهت تقویت سازمان از ظرفیت او استفاده کنیم. بنابراین در میان همه قشرهای جامعه، نخبگانی را داریم که می‌توانند به نظام مالیاتی از جهت اینکه ذهن مخاطب را مطمئن و توجیه کنند، کمک بسزایی بکنند.

نخبگان عملیاتی کسانی هستند که در حیطه عملیات مالیات‌ستانی درگیر هستند. آنها برای بهبود نظام مالیاتی حرف‌هایی دارند و با توجه به اشکالاتی که در نظام مالیاتی وجود دارد و اصلاحاتی که باید در نظام مالیاتی صورت بگیرد، ما از ظرفیت نخبگان عملیاتی در جهت بهبود شرایط نظام مالیاتی و سازمان می‌توانیم استفاده کنیم. حرف‌هایی وجود دارد که از وسط میدان به دست می‌آید و در حیطه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری نظام مالیاتی می‌تواند به بهبود ساختار و عملکرد کمک کند.

نخبگان دانشگاهی با پشتوانه علمی‌ای که دارند می‌توانند در جهت توسعه الگوها و ساختارهای جدید برای مالیات‌ستانی کمک کنند. مجموعه نخبگانی که بیان شد برای کل فرآیند مالیاتی می‌توانیم از ظرفیت آنها استفاده کنیم.

جنابعالی چه پیشنهاداتی برای اجرای

شدن ارتباط دوسویه نظام مالیاتی و جامعه نخبگانی دارید؟

دکتر صادقی: اول باید بررسی شود که هر گروه نخبگانی در چه جهتی از جریان مالیات‌ستانی می‌تواند کمک کند. یک فردی که جزو مؤدیان است و در یک نهاد صنفی کار می‌کند، ما باید از او در جهت اینکه چطور با یک مؤدی باید تعامل کنیم استفاده کنیم. ما باید نوع تعامل با مؤدی را از طریق نخبگان پیدا کنیم. کسی که در یک نهاد صنفی به عنوان نخبه قلمداد می‌شود، به ما خواهد گفت. خیلی از برنامه‌هایی که مادر مالیات‌ستانی می‌خواهیم جلو ببریم، باید با یک شکل و شمایل خاصی آنها را جلو ببریم. نخبه‌ای که دارد در نظام صنفی کار می‌کند در این رابطه خیلی به ما کمک می‌کند تا بدانیم نحوه تعامل با مؤدیان چطور باید باشد. حتی اگر می‌خواهیم یک قانون جدیدی را ابلاغ کنیم حتماً این قانون را از طریق نهاد‌های صنفی ابلاغ کنیم و اگر قبل از آن هم می‌خواهیم مشورتی با آنها بکنیم، ظرفیت‌های نخبگانی در نهاد‌های صنفی به ما کمک می‌کنند.

بعضی وقت‌ها شما نیاز دارید در حیطه عملیات مالیات‌ستانی از نخبگان داخل سازمان استفاده کنید. افرادی هستند که در وسط میدان مشغول فعالیتند و در جهت بهبود مالیات‌ستانی دیدگاهی دارند. اشکالاتی که نظام مالیات‌ستانی دارد ممکن است بی‌عدالتی‌هایی را در نظام مالیات‌ستانی ایجاد کند که در اینجا نخبگان مالیاتی می‌توانند به نظام مالیاتی در جهت پیاده‌سازی جریان عملیات مالیات‌ستانی کمک کنند.

یک سری نخبه، نخبه بیرون از سازمان هستند. مثلاً در مجموعه مشاوران، مجموعه مشاوران با مؤدیان سر و کار دارند. ما در مجموعه مشاوران مالیاتی نخبگانی داریم که می‌توانند دیدگاه‌های مؤدیان را به ما منعکس

هر کدام یک شغل هستند، ولی در جامعه مشاوران، مشاور نمی‌تواند بگوید من یک شغل مستقل هستم چون ارجاعات مسائل مالیاتی ما مثل ارجاعات نظام قضایی به کارشناس دادگستری نیست. پس تازمانی که نتوانیم جامعه مشاوران را به میزان یک مجموعه کارشناس مالیاتی ارتقا بدهیم، آن نیرویی که شما در دانشگاه در رشته مالیات تربیت می‌کنید، وقتی فارغ‌التحصیل می‌شود باید جایگاه کاری داشته باشد. اگر نتوانید جایگاه کاری برای او درست کنید، بعد از مدتی سرخورده می‌شود. پس تازمانی که جامعه مشاوران ما ساختار کارشناسان رسمی مالیاتی را پیدا نکرده، راهش این است که این را به عنوان یک تخصص حرفه‌ای در نظر بگیریم؛ تخصص حرفه‌ای مثل خیلی از تخصص‌های حرفه‌ای که طرف از یک محیط دانشگاهی می‌رود و آن تخصص حرفه‌ای را هم یاد می‌گیرد. پس تازمانی که نتوانسته‌ایم اشتغال لازم را برای یک متخصص مالیاتی ایجاد کنیم، می‌توانیم برای کسانی که از رشته‌های مرتبط با نظام مالیاتی هستند، آموزش تخصصی و حرفه‌ای بگذاریم. آنجایی که شما آموزش حرفه‌ای می‌دهید، نتیجه‌ای را که مد نظر شماست می‌توانید بگیرید. در این صورت است که آموزش ضمن خدمت برای کارشناسان و هم‌زمان شما یک اصل است، آموزش تخصصی برای کسانی که می‌خواهند قضاوت کنند، مثل وکلا و قضات، این یک اصل اساسی است. الان قضات ما می‌خواهند روی پرونده‌ها حکم نهایی صادر کنند. قضات ما باید نسبت به آموزش فضای مالیاتی توجه باشند، ما می‌توانیم آموزش تخصصی و حرفه‌ای برای قضات در نظر بگیریم.

کسانی که در نهادهای مختلف مسئولیت دارند، هیأت‌مدیره هستند، اینها باید در همان ابتدای دوره مسئولیت شان حرفه مالیات را، چه مالیات‌ستانی و چه سایر قسمت‌ها، برایشان آموزش بدهیم. پس تقریباً می‌توانیم بگوییم تمام نهادهای صنفی ما هیئت‌مدیره‌هایشان و مسئولان شان باید آموزش‌های حرفه‌ای مالیاتی را بگذرانند.

منظور جنابعالی این است که گذراندن دوره‌های آموزشی برای این افراد الزامی شود؟
دکتر صادقی: بله، با الزام بگذاریم یا طوری عمل کنیم که خودشان احساس کنند این آموزش‌هایی که می‌بینند، به نفع آن نهاد صنفی‌شان است. به این مسئله آگاهی پیدا کنند و به واسطه همین آگاهی، کارشان در نظام مالیاتی راحت‌تر پیش برود.

س: به نظر می‌رسد اگر تحریم برای سازمان مالیاتی کشور فرصت ایجاد کرده است، هم توجه مسئولان را به این سمت آورده و هم باعث شده ما بتوانیم تا حدودی عقب‌ماندگی خودمان را نسبت به کشورهای دیگر که کل کشور را با مالیات اداره می‌کنند جبران کنیم. ما الان از سازمان این انتظار داریم که بیاید و بودجه کشور را با مالیات تأمین کند، به نظر شما این سازمان با این ساختار فعلی می‌تواند چنین نقشی را ایفا کند؟ برخی کارهای تحقیقاتی و کارشناسان بیان می‌کنند که سازمان مالیاتی باید تا حد معاونت ریاست جمهوری ارتقا پیدا کند تا بتواند یک سازمان مقتدر باشد و وظایفش را به درستی انجام بدهد، نظر جنابعالی در این خصوص چیست؟

دکتر صادقی: سازمان مالیاتی با توجه به نقشی که این سال‌ها پیدا کرده و نقش دوچندانی که در سال‌های



آینده باید پیدا کنند در تأمین منابع مالی عمده دولت، با این ساختار از چند جهت مشکلاتش به راحتی حل نمی‌شود.

یک: به جهت وضعیت نیروی انسانی، باید به نیروی انسانی در سازمان مالیاتی نگاه ویژه بشود. نگاه ویژه به نیروی انسانی در سازمان مالیاتی در قالب یک معاونت در داخل یک وزارتخانه امکان‌پذیر نیست. مثل خیلی از سازمان‌ها که نیروهایشان شرایط ویژه دارند. بنابراین ما باید سازمان مالیاتی را در حد یک سازمان مستقل و متکی به ریاست جمهوری ببینیم که ساختار نیروی انسانی‌اش و تعامل نیروی انسانی‌اش را با نظام پرداخت بتوانیم متفاوت تعریف کنیم. اینکه این ساختار چگونه باید تحول پیدا کند و رابطه نظام پرداخت با نیروی انسانی چگونه باید باشد، بحث مفصلی نیاز دارد.

از جهت این که سازمانی می‌تواند نقش لازم خودش را ایفا کند که سهم مالیات را بتواند در تولید ناخالص داخلی تا عدد ۳۰ درصد برساند، این منوط به این است که شما نیروهای داخل سازمان را چگونه نگاه می‌کنید. آیا یک نیرویی است در حد نیرویی که مثلاً در داخل وزارتخانه‌های دیگر کار می‌کند و یا اینکه نگاه به این نیرو باید متفاوت باشد. پس استقلال سازمان و قالب معاونت ریاست جمهوری این شرایط را به جهت اصلاح ساختار نیروی انسانی فراهم می‌کند.

دوم: مربوط به تعامل سازمان با سایر نهادهاست. تعامل سازمان با سایر نهادها، تعامل راحتی نیست. تمام اطلاعاتی که سازمان می‌خواهد ممکن است در اختیارش قرار نگیرد. اگر این سازمان به سطح معاونت

ریاست جمهوری ارتقا پیدا کند، به عنوان یک سازمان تأمین‌کننده منابع مالی دولت، اولاً تخصیص دهنده مهم در کشور و ثانیاً توزیع درآمد است.

لذا من فکر می‌کنم اگر ساختار اصلاح نشود، هر کدام از این وظایفش را که الان برای آن تعریف کرده‌ایم، یعنی تأمین منابع مالی دولت، توزیع عادلانه درآمد و همچنین تخصیص بهینه درآمد بین بخش‌های مختلف از طریق بودجه، این وظایف را به خوبی ممکن است نتواند انجام بدهد. اهداف توزیعی و اهداف تخصیصی را اگر جدا کنیم، اهداف تأمین مالی به این راحتی تحقق پیدا نمی‌کند، در نتیجه دولت همیشه با کسری بودجه مواجه خواهد شد.

برای تحقق اهداف، سازمان چه چالش‌های پیش‌روی خود دارد؟

دکتر صادقی: اول: یک چالش مربوط به دانش‌افزایی است. سازمان مالیاتی امروز باید به جهت سامانه‌های نرم‌افزاری، توسعه بسیار بالایی پیدا کند. دانش‌افزایی نیروهای انسانی نسبت به این سامانه‌ها خیلی مهم است. یک مثال بارز در رابطه با پایانه‌های فروشگاهی وجود دارد. افراد مختلفی که در سایر قسمت‌های این سازمان دارند فعالیت می‌کنند و با موضوع پایانه‌های فروشگاهی ارتباط دارند، باید دانش‌افزایی لازم را داشته باشند.

دوم: در جهت اینکه ما ارتقای دانشی ایجاد کنیم، به نظر من باید بیش از پیش سرمایه‌گذاری کنیم. چون نظامات مختلف ما، مرتباً رو به پیشرفت هستند و حتی مدیران بالای سازمان و مدیران رده‌های پایین‌تر، باید نسبت به

اگر ما ذهن یک نخبه را نسبت به مطلبی روشن کنیم، مثل این است که ذهن ۵۰ هزار نفر را روشن کرده ایم، چون آن نخبه با افراد مختلفی در ارتباط است. اعم از این که این نخبه، نخبه صنفی، تولیدی، خدماتی، علمی و یا عملیاتی در داخل سازمان باشد. اگر یک پزشک بگوییم مالیاتی که از پزشکان می گیریم در جهت توسعه حوزه بهداشت و درمان هزینه می کنیم او هم می رود جامعه پزشکی را توجیه می کند و بیمارستانی می سازد که محل کار خودش هم آنجا خواهد بود. در این صورت من فکر می کنم ما به راحتی می توانیم فرهنگ سازی مالیاتی را در کنار سرمایه اجتماعی سازمان مالیاتی ارتقا بدهیم

دکتر صادقی: ما در رابطه با سرمایه اجتماعی سازمان که مرتبط با مردم است، باید گام های بلندی را برداریم. سازمان مالیاتی در موضوع فرهنگ سازی صرفاً القا کرده است که مردم باید مالیات بدهند به جهت اینکه کشور به مالیات نیاز دارد. ولی یک جریان اقناعی برای این القائاتی که انجام می دهد، صورت نگرفته است. جریان اقناعی یعنی این که من پولی که از شما می گیرم، می برم در مسیری که مدنظر شماست هزینه می کنم. سازمان امور مالیاتی باید در نظام بودجه یزی دقیقاً بگوید که مثلاً برای بیماران خاص، ما از نظام مالیاتی چقدر برداشت کرده ایم؟ یا نظام مالیاتی برای توسعه سلامت چقدر نقش داشته و پروژه ها دقیقاً مشخص باشد. این ۱۰ تا پروژه بیمارستانی از منابع مالیاتی تأمین شده است. در هر شهرستان باید پروژه هایی که مردم از عواید آنها استفاده می کنند، معلوم باشد که اینها به واسطه همان درآمدهای مالیاتی است که سازمان مربوطه جمع آوری کرده است. به عبارتی ما باید اعتماد عمومی را نسبت به هزینه هایی که برای جامعه می کنیم از محل درآمدهای مالیاتی کسب کنیم. راهش هم این است که شفاف سازی کنیم. بعضی وقت ها نگاه مردم این است که ما این پول را به یک عده که می روند سفر خارج از کشور می دهیم. من مؤدی اگر ذهنیت این بشود که دولت این پول ها را می گیرد ولی در مسیرهایی که مدنظر ماست خرج نمی کند، اعتمادش از بین می رود.

چه اشکالی دارد که به مؤدیان بزرگ خودمان بگوییم تو که این مالیات را می دهی، نظرت این است که این پول در کدام پروژه استفاده شود و بعد هم به او گزارش بدهیم. در این صورت من فکر می کنم ذهن مردم نسبت به جریان مالیاتی روشن تر می شود و آنجاست که سرمایه اجتماعی سازمان مالیاتی ارتقا پیدا خواهد کرد.

اگر ما ذهن یک نخبه را نسبت به مطلبی روشن کنیم، مثل این است که ذهن ۵۰ هزار نفر را روشن کرده ایم، چون آن نخبه با افراد مختلفی در ارتباط است. اعم از این که این نخبه، نخبه صنفی، تولیدی، خدماتی، علمی و یا عملیاتی در داخل سازمان باشد. مثلاً ما در مجموعه نظام پزشکی باید یک تعداد نخبه داشته باشیم که نسبت به جریان های مالیاتی توجیه شوند. اگر یک پزشک نسبت به بحث مالیات توجیه شود و به او بگوییم مالیاتی که از پزشکان می گیریم در جهت توسعه حوزه بهداشت و درمان هزینه می کنیم او هم می رود جامعه پزشکی را توجیه می کند و بیمارستانی می سازد که محل کار خودش هم آنجا خواهد بود. در این صورت من فکر می کنم ما به راحتی می توانیم فرهنگ سازی مالیاتی را در کنار سرمایه اجتماعی سازمان مالیاتی ارتقا بدهیم.

مالیاتی در یک زمان مشخصی باید از هر جهت به جواب برسد. پس الان بار زیادی روی دوش سازمان مالیاتی است. هر روز هم که می گذرد، این بار سنگین تر می شود. یک وقت هست که شما می گوید این بار را باید با نیروی انسانی بیشتر و استخدام نیروی انسانی بیشتر به انجام برسانیم، استانداردهای جهانی نشان می دهد که مثلاً به ازای این تعداد پرونده، ما نیروی انسانی کافی داریم، ولی به یک نکته باید توجه کرد، در نظام های مالیاتی مختلف همه این جریان مالیاتی و مالیات ستانی را خود سازمان عهده دار نیست و موضوعی به نام برون سپاری در دستور کار قرار دارد. بنابراین اگر می خواهیم جریان مالیات ستانی ما خیلی خوب به سرانجام برسد، باید بخشی از این کارها به فضای بیرون سازمان سپرده بشود.

مثلاً شما می گوید از مجموعه مشاوران ما یک عده را انتخاب می کنیم که شرایط کارشناسی مالیاتی دارند مثل کارشناس دادگستری. الان به کارشناس دادگستری کار را محول می کنند، قاضی می گوید این موضوع به کارشناس دادگستری ارجاع می شود. کار قاضی اینجا خیلی سبک تر می شود. ما در رابطه با پرونده های مالیاتی هم می توانیم یک چنین اقداماتی را انجام بدهیم. بخشی از این فرآیند به کارشناس مالیاتی واگذار می شود. در این صورت من فکر می کنم تسهیل گری در جریان مالیات ستانی خیلی بهتر خواهد شد و رضایت خاطر مؤدی و همچنین کارشناس حاصل خواهد شد و در این صورت است که نظام مالیاتی ما می تواند خودش را برای یک پرش بزرگ آماده کند. اگر این برون سپاری اتفاق نیفتد، حجم پرونده ها بالاتر می رود و رسیدگی هایمان طولانی تر می شود. وقتی صحبت از برون سپاری می شود، باید همه این مسائل آماده شود. فقط لفظ برون سپاری مشکل را حل نمی کند. وقتی می گوئیم برون سپاری باید به این نکته توجه داشته باشیم که اگر می خواهد برون سپاری صورت گیرد، مسیرها چگونه خواهد بود، بسترها چگونه خواهد بود، باید بسترها را فراهم کنیم، والا این که بگوییم ما آماده برون سپاری هستیم ولی وقتی طرف می خواهد بیاید فعالیت را عهده دار شود، ما مسیری برای او تعریف نکرده باشیم، مشکلی حل نخواهد شد.

مردم به عنوان سرمایه اجتماعی سازمان، اگر همراه باشند خیلی از این مشکلات حل می شود. ارزیابی شما از وضعیت سرمایه اجتماعی سازمان امور مالیاتی چگونه است و در حوزه فرهنگ سازی اگر قرار باشد ۳ کار اصلی پیشنهاد بدهید که گرها باز شود وضعیت بهبود یابد، چه کاری باید انجام شود؟



خیلی از مسائل آموزش های لازم را ببینند. در رابطه با آشنایی با سامانه های مختلف و این که چگونه این سامانه های مختلف را باید ارتقا بدهند و استفاده کنند، این هم موضوعی است که باید در دستور کار قرار گیرد. هوشمندسازی نظام مالیاتی در این رابطه، باید در دستور کار جدی سازمان قرار بگیرد. الان قرار گرفته، ولی باید چندین برابر گذشته موضوع هوشمندسازی در دستور کار قرار گیرد. این که بدنه سازمان نسبت به تحول نظام مالیاتی کاملاً همراه باشد، بنابراین مشارکت دادن نیروی انسانی و بهره مند کردن نیروی انسانی از این تحول سازمانی باید در دستور کار قرار گیرد و این یک چالش اساسی است. نیروهای سازمان ممکن است احساسشان این باشد که حال که سازمان دارد تحول پیدا می کند، من چه سهم مادی از این تحول دارم؟ اگر ما نیروهای انسانی سازمان را در تحول نظام مالیاتی شریک کنیم، برای نیروهای انسانی سازمان انگیزه کافی ایجاد می شود تا در جهت تحول نظام مالیاتی، به سازمان کمک کنند.

نظر شما راجع به برون سپاری وظایف سازمان چیست و اینکه برای این کار چه اقداماتی می شود انجام داد؟

دکتر صادقی: ما یک سری کارهای عقب مانده داریم که الان بر زمین مانده است و بدنه کارشناسی سازمان مالیاتی فرصت این را ندارد که به آن کارها در زمان تعیین شده برسد. این که شما مثلاً یک پرونده را مشمول اطلاع رسیدگی کنید و بعد بگویید ما چاره ای نداشتیم، این به نظر من حرف قابل قبولی نیست. یک پرونده

پارادوکس الگوهای غربی و زیرساخت‌های ناقص بومی!



مالیات ستانی بر افسار کم درآمد یا درآمد متوسط بهتر است پیکان تیز در یافت مالیات خود را متوجه شرکت‌های بزرگ اقتصادی کند. البته اخذ مالیات از ثروتمندان در راستای اجرای طرح مالیات بر عایدی سرمایه نیز در صورت توجه به نکات مهم در اجرا و همچنین قانون گذاری می‌تواند مسیر عدالت اجتماعی در دایره مالیات ستانی را نیز هموار کند هر چند همگان معتقد هستند که اجرای موفق پایه‌های مالیاتی از سوی دولت مشروط به

ریزی دقیقی است که نیاز به زیرساخت‌های قوی دارد این در حالی است که ایران طی سالیان اخیر به دلیل اتکاء به درآمدهای نفتی برنامه دقیقی برای مالیات ستانی در حوزه‌های مختلف نداشته است از سویی دیگر شرایط پساکروناایی و درگیری بنگاه‌های اقتصادی خرد و کلان با چالش‌های اقتصادی از یک سو و اعمال تحریم‌های زیاد بسیاری از توان و ظرفیت‌های اقتصادی کشورها را خنثی کرده است. کارشناسان معتقدند دولت به جای تمرکز

کاهش درآمدهای نفتی دولت در نتیجه تحریم و محدودیت‌های حضور در بازار میزان درآمدهای مالیاتی در کشور از سوی دولت را هر ساله افزایش داده است. این در حالی است که به گفته کارشناسان دولت نمی‌تواند فقط با الگو برداری صرف از قوانین و نحوه اجرا در کشورهای دیگر قصد اجرای آن در کشور را داشته باشد چرا که اجرای قوانین در کشور با توجه به مقتضیات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... نیازمند برنامه

فراهم آوردن زیرساخت‌های مناسب در این حوزه و همچنین هوشمندسازی نظام مالیاتی خواهد بود و این رویکرد در پروسه زمانی دو تا سه ساله قابل دسترس خواهد بود. در صورت بی‌توجهی دولت به نحوه اجرای صحیح مالیات ستانی در مدل‌های مختلف مالیات فقط اجرای ناموفق و نیمه‌کاره طرح‌ها، دور شدن از مسیر عدالت اجتماعی، هدف قرار گرفتن اقسشار و دهک‌های آسیب‌پذیر به جای جامعه هدف مدنظر دولت و همچنین نارضایت عمومی جامعه را شاهد خواهیم بود. اجرای مالیات بر خانه‌های خالی، مالیات بر خودروها و خانه‌های لوکس و لاکچری و ... از جمله نمونه‌های طرح‌هایی به شمار می‌آید که به دلیل نبود سامانه‌های قوی جهت ثبت معاملات و همچنین پنهان ماندن بسیاری از معاملات مشمول فرارهای مالیاتی شده‌اند و دست دولت از اجرای عادلانه طرح‌ها کوتاه مانده است. بدیهی است دست‌های پنهان در اجرای ناقص طرح‌ها بسیار موثر بوده‌اند. در عین حال بی‌توجهی به خواسته‌های مردمی در ازای پرداخت مالیات از جمله دیگر دلایل عدم تمایل مردم به مشارکت در طرح‌های مالیاتی تلقی می‌شود که نیازمند عملی‌شدن مفهوم نمایندگی دولت و مجلس در تمام امور از جمله «مالیات ستانی» و اجرای خواسته‌های آنهاست.

«دولت» اولین ظرفیت صرفه‌جویی‌های بودجه‌ای

مرتضی افقه کارشناس اقتصادی با تأکید بر اهمیت دریافت مالیات در کشورها با هدف اجرای پروژه‌های عمرانی و کسب درآمدهای دولتی به «مودی» گفت: به دنبال از دست دادن بازار صادراتی نفت و اعمال تحریم‌های آمریکا و حذف درآمدهای نفتی دولت طی سالیان گذشته بر درآمدهای مالیاتی متمرکز شده و درصدد شناسایی مودی‌بان بیشتری در این زمینه است هر چند پیش از این به دلیل وجود منابع درآمدی حاصل از فروش نفت و سختی‌هایی که در اخذ درآمد وجود داشت کمتر به سراغ مالیات ستانی رفته بود و از این رو در حوزه اجرا و قوانین موجود در این خصوص بسیار عقب‌تر اما تصمیم دولت در تحقق درآمدها خود از محل مالیات به ویژه در دولت سیزدهم افزایش یافته است. هر چند من تصورم این است که تحقق نرخ درآمدهای مالیاتی برآورد شده در سال ۱۴۰۲ از سوی دولت محقق نخواهد شد و باز هم با کسری بودجه و مشکلات معنابه آن مواجه خواهیم شد چرا که میزان درآمدهای ملی در حوزه‌های دیگر مانند فروش املاک و دارایی‌های دولت و همچنین فروش اوراق نیز کاهش یافته است و تأکید دولت به اخذ درآمد از طریق مالیات با توجه به وضعیت اقتصادی موجود مقدور نخواهد بود چرا که دیگر نه ظرفیتی برای افزایش مالیات وجود ندارد و هم اینکه وضعیت اقتصادی فعالان بخش خصوصی و نیمه خصوصی با اعمال تحریم‌های اقتصادی و قرار گرفتن در دوران بعد از کرونا به قدری نامطلوب است که دیگر تاب و تحمل فشارهای دیگر در عرصه افزایش کمی و کیفی مالیات‌ها را نخواهد آورد. اگر قرار است تمرکز مالیاتی صورت بگیرد باید بر چند شرکت بزرگ و زیربخش صنعت صورت بگیرد نه بخش‌های

کوچک و متوسط. بخش‌های کوچک و متوسط دیگر ظرفیت مالیات ستانی ندارند چون درآمد آنها کاهش پیدا کرده است. ویروس کرونا هم که به جان تولید افتاده و یک بخش‌هایی را مختل کرده و بخش‌های دیگر را فعال‌تر کرده است. بخش‌های خدماتی هم که مانند حمل و نقل و سایر قسمت‌ها دیگر مالیات معمولی را هم نمی‌توانند پرداخت کنند. بنابراین می‌توان گفت که منابع درآمدی در بخش مالیات دچار مشکل است.

افقه افزود: مسازاد درآمدهای دولت منبع خوبی برای کسب درآمد بود اما این منبع پایان یافته و اوراق بدهی و مشارکت نیز به انتهای ظرفیت خود رسیده، استتقراض از بانک مرکزی نیز به دلیل پیامدهای تورمی مورد توجه دولت قرار ندارد بنابراین متمرکز شدن روی مالیات تنها راه باقی مانده دولت به شماره می‌آید که دولت و مجلس در تعامل با یکدیگر در صدد تعریف صورت‌های جدید اخذ مالیات از مردم هستند.

اما بدیهی است که نگرش دولت در خصوص اخذ مالیات از مردم نباید با این عقیده آمیخته باشد که دریافت مالیات از مردم در شرایط دشوار اقتصادی فقط به مثابه محلی برای دریافت منابع مالی بدون اینکه در اندیشه تامین رفاه آنها باشد نیست، بلکه اهرم‌های فشار در مرحله نخست باید متوجه خود دولت و کاهش هزینه‌ها و همچنین حذف معافیت‌های مالیاتی و قرار گرفتن سازمان‌های دولتی و نزدیکان دولت و دولتمردان در شرایط سخت و صرفه‌جویی از اولویت‌های نظام مالیاتی در اجرای مالیات ستانی باشد.

این کارشناس اضافه کرد: در حقیقت تلاش دولت برای افزایش در حوزه‌های مختلف بدون بررسی ظرفیت‌های موجود چالش‌هایی را به وجود خواهد آورد، چرا که تورم حدود ۴۵ درصد کنونی که حتماً سال آینده افزایش نیز خواهد یافت و افزایش حقوق ۲۰ درصدی در سال آینده چنان عرصه را بر مردم به ویژه قشر کارمندان و کارگران تنگ خواهد کرد که مجالی برای افزایش نرخ مالیات باقی نخواهد گذاشت، از سویی دیگر افزایش مالیات به افزایش قیمت کالاها از سوی فروشندگان خواهد انجامید و این چرخه نهایتاً باعث افزایش قیمت در سطوح مختلف خواهد شد و فشاری غیرقابل تحمل با تبعات غیرقابل پیش‌بینی برای مردم و کشور ایجاد می‌کند.

افقه اضافه کرد: اعتراض‌های مردمی به اخذ مالیات از طریق تراکنش‌های مالیاتی نشان از این دارد که مردم در صورت هر گونه تعریف جدیدی از مالیات ستانی آماده اعتراض به این رویه در شرایط تحریم و تورم هستند و مالیات‌های بیشتر را به منزله فروپاشی کسب و کار تلقی می‌کنند. در حقیقت افزایش درآمدهای مالیاتی به جای درآمدهای نفتی تصویری اشتباه است که از سوی کسانی مطرح شده که گویا با واقعیت‌های موجود جامعه فاصله بسیاری دارند و گویا دولت تصمیم گرفته است به هر قیمتی درآمدهای مورد نیاز خود را از محل مالیات اخذ کند، این در حالی است که به اعتقاد کارشناسان دولت نباید به دلیل کسری بودجه تمام فقدان منابع اعتباری خود را در درآمدهای مالیاتی جستجو کند.

این کارشناس معتقد است: یافتن مودی‌بان جدید مالیاتی، تحقق درآمدهای دولت از طریق توزیع عادلانه مالیات در سطوح مختلف، کسب درآمد از طریق پایه‌های جدید مالیاتی مانند: مالیات بر عایدی سرعاید و ... همگی در ظاهر قشنگ و گوش‌نواز هستند اما همواره کسانی که درآمدهای انبوه دارند از پرداخت مالیات فرار می‌کنند یا با نفوذ و ارتباطات گسترده با دستگاه‌های مختلف دولتی در صدد عدم پرداخت مالیات بر می‌آیند و در نهایت هدف اصلی دولت که اخذ مالیات از منابع مالی و ثروت‌های زیاد و سرگردان در جامعه است عملیاتی نمی‌شود و به جای آن قشر کارمندان و کارگران که همواره در دسترس هستند در معرض اعمال انواع طرح‌های مالیاتی به عنوان خوش‌قولان اجباری پرداخت مالیات قرار می‌گیرند در حالی که بسیاری مطلوب است دولت هزینه‌های خود را کاهش دهد و با فروش املاک و دارایی‌ها خود میزان اتکاء خود به درآمدهای مردمی را کاهش دهد و یا شرایط لازم برای اجرای طرح‌هایی مانند طرح مالیات بر عایدی ثروت یا درآمدهای بادآورده را فراهم آورد و از کسانی که به واقع مستحق دریافت مالیات‌های گزاف هستند مالیات بستاند.

دست‌های پنهان در اجرای ناقص مالیات ستانی

او اضافه کرد: طی دو تا سه دهه اخیر قوانین مالیاتی در جهت افزایش سهم مالیات در بودجه کشور پیش رفته است اما به دلیل ناکارآمدی‌های موجود آن چنان که باید سهم مالیات در بودجه افزایش نیافته است. یکی از دلایل عدم رشد سهم مالیات این است که برخی از افراد صاحب درآمدهای بالاتر با روابط ناسالمی که وجود دارد از پرداخت مالیات فرار می‌کنند. از طرف دیگر سیستم اداری و اجرایی نیز توانایی لازم برای اخذ مالیات از صاحبان درآمدها را نداشته است. دولت بر اساس تسلطی که از طریق حسابداران در این حوزه دارد، مشکلی برای جمع‌آوری مالیات‌های این بخش نداشته است اما وقتی آمارهای فرار مالیاتی را می‌بینیم، می‌توان نتیجه گرفت که سیستم اجرایی مالیات نتوانسته از ظرفیت‌های موجود به خوبی استفاده کند که همین مسئله نیز سبب وابستگی بیشتر بودجه به نفت شده است.

افقه فرارهای مالیاتی را از جمله شاخص‌های تأثیرگذار در عدم تحقق درآمدهای مالیاتی در کشور و کاهش میل مشارکت‌های مردم در پرداخت مالیات دانست و گفت: فرارهای مالیاتی را در دو بخش: فرار مالیاتی قانونی و فرار مالیاتی معافیت‌های قانونی می‌توان ارزیابی کرد فرار مالیاتی قانونی یعنی یک منبع دیده نشده در قانون داریم که برای خنثی‌سازی قانونی داریم؛ مثلاً در آمد حاصل از خرید و فروش و واسطه‌گری خانه و ماشین. فرار مالیاتی معافیت‌های قانونی زمانی صورت می‌گیرد که معافیت‌های مالی (یا همان کمک به تولید) در شرایط ویژه وضع می‌شود و افراد به دلایلی معافیت‌داشته‌اند ولی از این معافیت در شرایط مختلف بهره می‌گیرند؛ مثلاً معافیت در زمان جنگ برای مناطق جنگی یا مناطق محروم یا معافیت مناطق آزاد در یک برهه زمانی

در نظر گرفته میشود، اما گاهی این معافیت استمرار میابد و مورد بهره برداری سودجویان قرار میگیرد. این معافیتها تبعیض ایجاد می کند و معافیت های قانونی نباید دائمی باشند.

این کارشناس اقتصادی با اشاره به طرح افزایش حدود ۵۰ درصدی مالیاتی طرح شده از سوی معاون حقوقی وزیر اقتصاد و دارایی گفت: هزینه های سرسام آور دولت از یک سو و داده های ۴۰ ساله ای که در دسترس است، موجب میشود بر روی این آمار به عنوان بحث کارشناسی ایراد باشد و فکر می کنم این بحث جای تعامل بسیار دارد.

راهکار تحقق واقعی سهم نفت

و افزایش درآمدهای مالیاتی

این استناد دانشگاه در باره راهکارهای پیش روی نظام مالیاتی و کاهش سهم نفت در بودجه کشور گفت: موضوعاتی مانند رفع موانع تولید و اصلاح نظام اداری کشور باید به صورت جدی در برنامه های دولت دیده شود. تولید خود زمینه مالیات است، این بدین معنا است که اگر تولید وجود نداشته باشد و درآمدهای ملی رشد نکنند، طبیعتاً مالیاتی نیز قابل اخذ نخواهد بود. در حال حاضر طبق آمارهای اعلام شده بخش قابل توجهی از واحدهای صنعتی در کشور ۴۰ تا ۵۰ درصد پایین تر از ظرفیت تولید می کنند، این مسئله نشان می دهد که ساز و کارهای اداری خود موجب ایجاد موانع برای تولید شده است. مشکلات سیستم بروکراسی ریشه در طریقه انتخاب مدیران و کارکنان دارد، این بدین معنا است که انتخاب و انتصابها بر اساس شایستگی نیست. در کنار آن گفته می شود که ۱۷ هزار قانون مرتبط با بخش تولید وجود دارد که این مسئله خود باعث سردرگمی دستگاههای اجرایی کشور است. بنابراین اگر دولت بخواهد نظام بروکراسی اداری را اصلاح کند باید موضوع انتصابات را در کشور جدی بگیرد که البته این مسئله در کوتاه مدت امکان پذیر نیست اما اگر دولت عزم کافی را داشته باشد، در بازه زمانی که تا انتهای دولت در اختیار دارد، می تواند اقدامات موثری را انجام دهد.

این استاد دانشگاه در ادامه گفت: کسری بودجه های پیاپی دولت ناشی از تخصیص ردیف های بودجه به افراد حقیقی و حقوقی بسیاری است که هیچ کمکی به تولید در عرصه های مختلف نمی کنند، یا با در نظر گرفتن معافیت های مالیاتی مانع از تحقق درآمدهای مالی فراوانی در بخش های مختلف می کند که این امر در بودجه سال جاری نیز قابل مشاهده است. این در حالی است که ما در نبود درآمدهای نفتی باید بسیاری از هزینه های اضافی در تلاش برای افزایش درآمدها برای رونق اقتصادی و رشد در این زمینه باشیم و در این راستا نمایندگان مجلس نیز باید نماینده واقعی مردم باشند و نه بر اساس سلیقه گروهی خاص بر قوانینی صحنه بگذارند که تنها دستاورد آن فشار بیشتر بر مردم به ویژه اقشار آسیب پذیر جامعه باشد. بهره وری پایین ساختار حاکمیتی، مدیریت های نامطلوب در برخی از حوزه ها باعث شده تا با سیاست گذاری های اشتباه فشار تحقق درآمدهای دولتی را با افزایش مالیات بر دوش افراد

کم در آمد جامعه متمرکز کنیم، در حالی که دیگر توانی برای پرداخت وجود ندارد.

پیش بینی تحقق واقعی درآمدهای مالیاتی

افقه با تاکید بر اینکه امسال و سال آینده درآمدهای مالیاتی پیش بینی شده دولت محقق نخواهد شد افزود: تقلید اشتباه ما از کشورهای دیگر در نظام مالیاتی بدون توجه به زیرساخت ها و ابزار لازم در فرآیند مالیات ستانی نه تنها ما را به هدف اصلی خود نمی رساند بلکه منجر به تحریم سطوح مختلف جامعه خواهد شد و در نهایت صدمات اجرای طرح های ناقص مالیاتی بیشتر از منافع آن برای کشور و دولت و مردم خواهد بود. در نظام مالیات ستانی در کشورهای دیگر با نظام مالیاتی موفق، دولت نماینده واقعی مردم در راستای تحقق خواسته های مردمی هستند و در مسیر تامین امور رفاهی مردم و اجرای خواسته های آنها به شکل کاملاً شفاف حرکت می کند از این رو اجرای سیاست های مالیاتی با تعامل هرچه بیشتر دوسویه مردم و دولت اجرای می شود اما با توج به ساختار سیاسی - اقتصادی ایران سلیقه و خواسته های پرداخت کنندگان مالیاتی مورد بی توجهی و بی مهری حاکمان قرار می گیرند و مطالبه اکثریت در سایه اقلیت گم می شود بنابراین قیاس نام آنچه در مالیات ستانی در کشورهای دیگر با ایران قیاس باطل و انحرافی است و اجرای موفق این طرح نیاز اصلاح و تغییرات بسیاری هم در نظام مالیاتی هم در حوزه های دیگر دارد.

افقه یادآور شد: از سویی دیگر افزایش درآمدهای مالیاتی باید همسو با افزایش خدمات و امکانات رفاهی و... در کشور همراه باشد در حالی که همگان کمتر نشانی از این خدمات را در راستای افزایش نرخ کمی و کیفی مالیات های پرداخت شده خود مشاهده می کنند، در عین حال سازمان های دولتی به دلیل بهره وری پایین و به کار گرفتن نیروی انسانی که گاهی ناکارآمد هم هستند بدون اینکه به رفاه جامعه بیفزایند فقط نرخ بودجه در این حوزه ها را افزایش می دهند و در مقابل به افزایش مالیات برای جبران هزینه های می اندیشند، لذا تغییر و اصلاحات در نظام مالیاتی همزمان با اصلاحات ساختار اقتصادی - سیاسی ضرورتی غیر قابل انکار است.

او با تاکید بر اینکه مالیات یکی از ابزارهای قدیمی دولت ها برای کسب در آمد است گفت: در صورت به کار گیری صحیح از این ابزار می توان در مقابل فقر و بی عدالتی ایستاد و مسلماً مردم و بخش خصوصی نیز در این زمینه سهم دارند که تا کنون به دلیل تکیه دولت به درآمدهای نفتی و گازی و بازار انرژی توجه چندانی به آنها نشده بود اما توجه به درآمدهای مالیاتی بدون آسیب رسانی به بدنه آسیب پذیر جامعه در غیاب درآمدهای نفتی می تواند باعث رشد اقتصادی و تامین خواسته های مردم از مطلوبیت عمومی برخوردار باشد. در این راستا ایجاد تحول در نظام مالیاتی با رویکرد تحقق درآمدهای دولتی از محل مالیات نیاز نگرش جامع در لایه های مختلف جامعه دارد تا بدون سوء برداشت از طرح های مشابه آن در خارج از مرزها

برنامه های دولت به هدف واقعی خود یعنی ثروت های بادآورده بر خورد کند. اینکه برخی مسئولان به تقلید از رویه های حاکم بر کشورهای پیشرفته (عمدتاً) اروپائی اعلام می کنند که چون اکثر در آمد بودجه آن ها از مالیات تأمین می شود و از برخی پایه های مالیاتی بعضاً تا ۷۰ درصد مالیات اخذ می شود، در ایران نیز باید همین رویه حاکم باشد. این توصیه البته به طور نسبی درست است اما این اقتصادخوانده ها نسبت به نحوه هزینه کرد بودجه و نیز خدمات بی کیفیت یا ناچیز حاکمیت در مقایسه با میزان مالیات های دریافتی از مردم غافل یا بی اعتنا هستند. این شیوه آدرس غلط دادن باعث شده تا دولت ها به خصوص دولت فعلی (به دلیل خلاء درآمدهای نفتی) با افزایش تعداد پایه ها و بعضاً میزان مالیات، در پی تأمین کسری بودجه خود باشند؛ بدون آنکه نسبت به بهبود یا افزایش خدمات خود به جامعه تعهدی بر عهده بگیرد.

شرط موفقیت مالیات بر عایدی سرمایه

او درباره اجرای طرح مالیات بر عایدی به عنوان یک پایه جدید اخذ مالیات گفت: طرح مالیات بر عایدی سرمایه چنانچه موجب هدایت سرمایه از بازارهای راکد و غیرمولد به تولید شود می تواند مثبت باشد چرا که علاوه بر اینکه پول های بادآورده ثروتمندانی که در بازار غیرمولد به دست آورده اند در قالب مالیات به دولت می رسد فرصتی برای توزیع عادلانه ثروت و عدالت اجتماعی و اقتصادی و مالیاتی فراهم می شود. به عبارتی مالیات بر عایدی سرمایه در صورتی که افرادی که ثروت های هنگفت را دارند هدف قرار دهد و مانع از فرار های مالیاتی آنها شود از مقبولیت عام نیز برخوردار خواهد بود و به اهداف از پیش تعیین شده خود یعنی کسب در آمد برای دولت و همچنین مواجهه با رکود و تورم نیز نائل خواهد شد.

این کارشناس اقتصادی استفاده صحیح از ابزارهای صحیح و همچنین نظارت دقیق با استفاده از تجهیزات هوشمند را شرط موفق اجرای این طرح ذکر و خاطر نشان کرد: ثروتمندان و مالکان سرمایه های راکد تاکنون به روش های مختلف از پرداخت مالیات فرار کرده اند و چنانچه دولت از مسیر و با امکانات مناسب وارد نشود هیچ تغییری در این راستا ایجاد نخواهد شد و تنها جامعه هدف این طرح اقشاری خواهند بود که در مسیر اجرای ناقص بیش از پیش متضرر خواهند شد. در غیر این صورت باید این رویه در یافت مالیات باید متوقف شود چرا که فقط به افزایش نارضایتی و فشار اقتصادی به مردم و حتی تعطیلی واحدهای اقتصادی خواهد شد. نبود خدمات مناسب انگیزه فرار مالیاتی را زیاد می کند هنگامی که مردم مالیات های متفاوتی پرداخت می کنند انتظار دارند که در قبال مالیات، خدمات جدیدی هم داشته باشند اما در بسیاری مواقع بهره وری دستگاه های دولتی پایین بوده و متناسب با مالیاتی که دریافت می کنند خدمات ارائه نمی دهند همین مسئله باعث می شود انگیزه فرار مالیاتی زیاد شود.



دیوان عدالت اداری و مردم

افریبا کمیجانی | کارشناس اقتصادی

صلاحیت شعب دیوان و به موجب ماده ۱۲ همان قانون صلاحیت هیات عمومی دیوان مشخص شده است که به اختصار، دیوان عدالت اداری مرجع رسیدگی به شکایات مردم و اشخاص حقوقی (صلاحیت دار) علیه سازمان ها، ماموران و آیین نامه های دولتی است. بدیهی است طبق قانون دیوان، سازمان های دولتی یا عمومی غیردولتی در دیوان در مرحله بدوی نمی توانند در مقام شاکی باشند و صرفاً می توانند در مرحله تجدیدنظر در مقام معترض به رای بدوی دیوان شکایت کنند. لازم به ذکر است سازمان های دولتی امکان طرح درخواست های اعمال ماده ۷۹ و اعلام تعارض آرا و ابطال مصوبه را نیز دارند.

توجه داشته باشید در هنگام شکایت، شما بعنوان شاکی، خودتان طرف شکایت نباشید برای مثال شرکتی که ۵۵ درصد سهام خود متعلق به دولت است، دولتی محسوب شده و خود نمی تواند ابتدا به ساکن شاکی باشد.

نکته دیگر که باید مورد توجه قرار بگیرید موضوع شکایت می باشد که وفق ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری بیان شده است.

برای مثال موضوع شکایت شما نمی تواند برگ قطعی مالیاتی یا برگ اجرایی یا برگ تشخیص مالیاتی باشد شما باید از یک رای قطعی به دیوان شکایت کنید، به بیان ساده تر: ۱- رای حل اختلاف مالیاتی که در هیئت های حل اختلاف مطرح و منجر به رای گردیده است (رای قطعی نه برگ قطعی) (آرا قطعی هیئت بدوی - تجدیدنظر - شعب شورای عالی مالیاتی - ۲۱۶ - ۲۴۳ - ۲۵۱ مکرر و...)

۲- سایر اعتراضات مالیاتی (مانند اقدامات ماموران واحد دولتی) که در هیئت های رسیدگی به تخلفات اداری

۳- تضییع حقوق استخدامی

آزادی اجتماعات یکی از آزادی های اساسی انسان در جوامع بشری است، تک تک ما اثر گذار در سرنوشت جامعه خواهیم بود. تاسیس و تشکیل حزب، گروه، تشکل، انجمن، سندیکا و... برای اهداف خاص که برآیند عام دارد و دغدغه و خواسته های عمومی را مطرح می کند از موارد حقوق بشر است.

قانون دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۶۰/۱۱/۱۴ تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت و در طی این سالها در مقاطع مختلف موادی از آن اصلاح، تبصره هایی به آن الحاق و آیین دادرسی ویژه ای برای آن تصویب شده است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دو اصل مهم در مورد دیوان عدالت اداری دیده شده است. اصل ۱۷۳ و اصل ۱۷۰.

در اصل ۱۷۳ که پایه دیوان بنا شده است بیان می دارد «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مامورین یا واحدها با آیین نامه های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام «دیوان عدالت اداری» زیر نظر رئیس قوه قضاییه تاسیس گردید. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می کند.

طبق ماده ۱۰ قانون آئین دادرسی، رسیدگی نخستین به دعاوی، حسب مورد در صلاحیت دادگاه های عمومی و انقلاب است مگر در مواردی که قانون مرجع دیگری را تعیین کرده باشد.

در اصل ۱۵۹ قانون اساسی نیز رسیدگی به دعاوی را به طور کلی در اختیار دادگستری گذاشته ولی ترتیب اعمال تقسیم آن را میان دادگاه ها بر عهده قوانین عادی واگذار نموده است که به موجب ماده ۱۰ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ که امور خاص را به مراجع صلاحیت دار محول شده است.

اصولاً عمده علت تشکیل مراجع خاص، به دلیل تخصصی بودن موضوع میباشد و افراد متخصص خود را میطلبند از طرفی با اختصاصی کردن اینگونه مراجع به علت گستردگی و زیاد پرونده های دادگستری، موجب تسریع در رسیدگی می شود.

به صورت کلی مراجع دادرسی به مرجع

۱- «قضایی» که اعضای آن دارای صلاحیت قضا هستند - مانند دیوان عدالت اداری
 ۲- «شبه قضایی» حداقل یکی از اعضا دارای صلاحیت قضا میباشد اگر چه کلیه اعضا در امر قضاوت دخیل هستند - مانند هیات های حل اختلاف مالیاتی، کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری ها

۳- «مرجع اداری» که هیچ یک از اعضا شرایط قضاوت و ابلاغ از قوه قضائیه ندارد (قاضی نیست) اما در هر صورت امر قضاوت نیز در این مرجع، در جریان است مانند شورای عالی مالیاتی، هیات عالی انتظامی مالیاتی.

به موجب ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۰

| |
|---|
| طرف شکایت/آدرس پستی: |
| سازمان امور مالیاتی کشور |
| عنوان خولستف در رسیدگی: |
| اعتراض به رای هیات موضوع ماده ۲۱۶ قانون مالیات های مستقیم |
| موضوع خولستف: |
| شماره و تاریخ تصمیم / رای مورد اعتراض: ۱۴۰۰/ - ۰۰۰۰ |

مجددا می توانید شکایت کنید، این بار دیوان، بصورت ماهوی وارد عمل می شود می تواند مالیات را، تشخیص دهد و رای نهایی را صادر کند.

شما جهت شکایت به دیوان، میتوانید از طریق سایت دیوان عدالت اداری اقدام نمائید ولی از قبل باید در سامانه ثنا ثبت نام داشته باشید. جهت ثبت دادخواست های بدوی - تجدیدنظر - اعاده دادرسی - ورود ثالث - اعتراض ثالث و ثبت در خواست ابطال مصوبه لازم است قبلا امضای خود را در سامانه ثنا ثبت کرده باشید. در غیر این صورت به دلیل عدم وجود امضا، سامانه ساجد به شما اجازه ثبت دادخواست را نخواهد داد. (ظرفیت ارسال مدارک با پست، حضوری و دفاتر خدمات قضایی نیز می تواند مدنظر قرار گیرد).

فرمت های قابل پذیرش در سامانه ساجد - PDF - JPG - PNG - BMP - می باشد. شکایت در دیوان شامل هزینه دادرسی است، این هزینه نیز هر ساله در قانون بودجه اعلام می شود.

متن شکوائیه خود را در کادر مخصوص خود تایپ و مستندات خود را در کادر مخصوص بارگزاری نمائید. موارد ماده ۲۸ قانون دیوان را رعایت کرده تا مانع رد دادخواست شوید.

نکته ایی که قابل ملاحظه می باشد این است که اگر از آرا هیات های حل اختلاف مالیاتی شکایت دارید امعان نظر به این که طرف شکایت به درستی انتخاب شود، ضروری است.

برای مثال، جهت اعتراض به هیات های حل اختلاف، طرف شکایت - اداره کل / اداره امور مالیاتی - می باشد و در آرا صادره از شعب شورای عالی مالیاتی - سازمان امور مالیاتی کشور / شورای عالی مالیاتی طرف شکایت قرار می گیرید و از آرای هیئت های موضوع ماده ۲۵۱ مکرر - وزارت امور و اقتصادی و دارایی طرف شکایت قرار می گیرد.

اگر بخواهیم از نوع رسیدگی در این مرجع صحبت کنیم می توان به دو بخش تفکیک کرد که در مرحله اول رسیدگی که بصورت شکلی است، بدین صورت که شما از رای هیئت های مالیاتی (از تاریخ ابلاغ برای اشخاص شاکی در ایران ۳ ماه و برای اشخاص خارج از ایران ۶ ماه مهلت شکایت) شکایت می کنید حال فرض می کنیم رای دیوان عدالت اداری به نفع شما ورود شکایت می باشد در واقع اظهار نظر اولیه صورت گرفته برای رسیدگی دقیق تر به هیئت موضوع ماده ۲۵۷ ق.م.م.ا راجع می دهد.

حال هیئت موضوع ماده ۲۵۷ ق.م.م.ا (هیات معترض) بصورت شکلی - ماهوی می تواند شروع به رسیدگی نماید اگر شما همچنان پس از رای هیئت ۲۵۷ ق.م.م.ا معترض بودید

(نمونه ایی از دادخواست بدوی)

| | | | | | |
|---|---------------------------|---|-------------|---|--------------------------------|
| امضا رئیس / معاون دیوان عدالت اداری | | تاریخ تقدیم دادخواست: شماره ثبت: | | شماره ثبت ساجد: | |
| ۱ | | ۵ | |  پروتکل وزارت عدالت اداری برگ دادخواست بدوی | |
| * قبل از ارائه دادخواست به دیوان عدالت اداری، اخذ کاربری ثنا الزامی است | | | | | |
| مشخصات شاکی حقیقی | نام | نام خانوادگی | نام پدر | شماره ملی * | تاریخ تولد * (روز / ماه / سال) |
| مشخصات شاکی حقوقی | نام شرکت / موسسه / سازمان | شماره ثبت شرکت * | کد اقتصادی | نام و نام خانوادگی دارندگان حق امضا | |
| آدرس پستی: | | کارتبری ثنا | | | |
| تهران - تهران - استان تهران - شهرستان تهران - شهر تهران - خیابان | | شماره همراه | | | |
| وکیل یا نماینده قانونی | | شماره ملی | کارتبری ثنا | شماره پروانه وکالت | تاریخ اعتبار پروانه وکالت |
| طرف شکایت / آدرس پستی: | | آدرس پستی / الکترونیک / شماره تلفن همراه (وکیل) | | | |
| سازمان امور مالیاتی کشور | | شماره وکالت | | | |
| موضوع شکایت / آدرس پستی: | | | | | |
| موضوع خواسته در رسیدگی | | | | | |
| اعتراض به رای هیات موضوع ماده ۲۱۶ قانون مالیات های مستقیم | | | | | |
| موضوع خواسته: | | | | | |
| شماره و تاریخ تصمیم / رای مورد اعتراض | | | | | |

می تواند دولت، شهرداری ها و موسسات عمومی غیردولتی باشد و موضوع شکایت نیز ابطال قواعدی که بصورت کلی لازم الاجرا هست، می باشد.

سوالی که شاید ذهن شما را می تواند درگیر کند این باشد که، آیا امکان ابطال مصوبات جامعه مشاوران رسمی مالیاتی یا جامعه حسابداران رسمی در این مرجع وجود دارد؟ در جواب به استناد تبصره ۲ ماده واحده قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه ایی حسابداران ذیصلاح به عنوان حسابدار رسمی ۱۳۷۲/۱۰/۲۱ - جامعه حسابداران رسمی ایران، موسسه غیردولتی - غیرانتفاعی و دارای استقلال مالی و شخصیت حقوقی مستقل شناخته شده است و وفق همین ماده رای هیئت عمومی مبنی بر عدم صلاحیت دیوان به رسیدگی دعوی به طرفیت این موسسه صادر شده است.

پس به نظر می رسد از آنجا که جامعه مشاوران رسمی مالیاتی با فرض مستقل بودن هم موسسه غیر دولتی - غیر انتفاعی است نیز از این حکم مستثنی نباشد. دیوان عدالت اداری جهت جلوگیری از نارضایتی مردم از دستگاه های دولتی تشکیل شد و امید است در آینده همواره شاهد موفقیت و همچنین بهبود و تسریع امور مربوط به این مرجع باشیم.

سوال: موضوعی که همیشه مورد سوال است:

۱- آیا میتوان به طور همزمان به شورای عالی مالیاتی و دیوان عدالت اداری شکایت کرد؟
 ۲- آیا میتوان به طور همزمان به هیئت موضوع ماده ۲۵۱ مکرر و دیوان عدالت اداری شکایت کرد؟

بطور کلی امکان طرح شکایت به صورت همزمان در این مراجع وجود دارد (به استناد آرا تعارض دیوان).

چنانچه شاکی همزمان اقدام به طرح شکایت نسبت به مالیات قطعی شده عملکرد یا دوره مشخص در هیات موضوع ماده ۲۵۱ مکرر قانون و دیوان عدالت اداری نموده باشد به منظور جلوگیری از صدور آرا متعارض رسیدگی به پرونده در مرکز تا زمان تعیین تکلیف در دیوان عدالت اداری متوقف و مراتب به شاکی و اداره کل امور مالیاتی ذیربط اعلام می شود.

اگر یک نگاه اجمالی هم به صلاحیت هیات های عمومی دیوان داشته باشیم، ابطال مصوبات عام الشمول، صدور رای وحدت رویه و صدور رای ایجاد رویه را به اختصار می توان برشمرد که در اینجا شاکی می تواند هر شخصی باشد و طرف شکایت وفق ماده ۱۲ اشاره شده فوق



قانون جدید مالیات بر ارزش افزوده - معافیت‌های مالیاتی

در این قسمت با جناب استاد غفارزاده به گفتگو درباره قانون جدید مالیات بر ارزش افزوده نشستیم. در این قسمت به صورت اختصاصی موضوع معافیت‌های مالیاتی و تغییراتی که در معافیت‌ها ایجاد شده را بررسی کردیم.



معاذات‌های مالیاتی

معاذات‌های مالیاتی یکی از پیچیده‌ترین موضوعات در حوزه مالیات است. در این پادکست با همراهی آقای رستگار، مدرس و مشاور مالیاتی از این حوزه و هر آنچه درباره‌ی آن باید بدانید صحبت می‌کنیم. در قسمت اول این سری به تعریف معافیت مالیاتی و نرخ صفر پرداختیم. در ادامه به این سوال مهم پاسخ دادیم که چه موضوعاتی مشمول معافیت‌های مالیاتی می‌شود و هیچ تکلیفی هم ندارند.



نحوه ثبت معاملات در سامانه مودیان

امروز می‌خواهم درباره نحوه ثبت معاملات و محاسبه مالیات بر ارزش افزوده در سامانه مودیان رو برات توضیح بدم، اما بزار قبلاً برات بگم صورتحساب الکترونیکی چیه؟ صورتحسابیه که یک شماره منحصر بفرد مالیاتی داره و اطلاعات درج شده در آن در حافظه مالیاتی فروشنده ذخیره می‌شه. خوب حالا بریم سراغ نحوه ثبت معاملات در سامانه مودیان، برای این کار اولین گام اینه که فروشنده به صورتحساب الکترونیکی صادر می‌کنه و ...



دادرسی مالیاتی

موضوع این پادکست دادرسی مالیاتی است. در این قسمت تعریفی از مفهوم دادرسی مالیاتی داریم و مراجع حل اختلاف مالیاتی رو به صورت مختصر توضیح دادیم.



فراخوان‌های ثبت نام در سامانه مؤدیان

ثبت‌نام در سامانه مؤدیان از تاریخ ۱ آبان ۱۴۰۱ برای شرکت‌های بورسی اجباری شد و از ۱ فروردین ۱۴۰۲ برای سایر اشخاص حقوقی نیز لازم‌الاجرا خواهد شد. به همین دلیل دعوت کردیم از آقای سید علی سرحدی تا درباره مراحل اجرای این قانون و وظایف مدیران مالی و حسابداران در رابطه با سامانه مؤدیان با ما گفتگو کنند.



مالیات بر ارث

در این قسمت در مورد موضوع مالیات بر ارث صحبت می‌کنیم. مالیات بر ارث گونه‌ای مالیات مستقیم و از نوع مالیات بر دارایی است. اگر پس از درگذشت شخصی، مالی از وی به وارثان برسد، این دارایی، مشمول پرداخت مالیات می‌گردد. در قوانین ایران، هرگاه مالی از متوفی به ورثه برسد، ورثه یا نماینده قانونی آن‌ها موظفند ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ فوت متوفی، به سازمان امور مالیاتی مراجعه و با ارائه اسناد مربوطه، صورت اموال و بدهی‌های وی را در اظهارنامه مخصوص مالیات بر ارث گزارش نمایند.

موزی

موضوع: مالیات، سلامت و بهداشت

این قسمت: عرق



بدانید و آگاه باشید
 مالیات اهرمی برای کنترل مصرف کالاهای آسیب رسان به سلامت،
 و مشوق برای ارتقای سطح بهداشت است.





ماجرای مالیات جدید در فروش خودروسازان چیست؟ / هزینه خودرو آلوده را مصرف کننده باید بپردازد! (به عبارت دیگر خودروسازها یک خودرو یا آلودگی با آن تولید می کنند و بعد باید مالیات آلودگی آنها را بپردازند در حالی که هزینه آن عمدتاً جاسا به مالیات می تواند سید هگانه کند و سود بکشد. در نهایت کذا)

خشت خام

اجرای مؤثر قوانین مالیاتی عمدتاً به سادگی و پذیرش عمومی آنها بستگی دارد. اگرچه در اصل ساده به نظر می‌رسد، اما مالیات بر عایدی سرمایه پیچیدگی‌های زیادی را در قوانین مالیاتی ایجاد می‌کند که ممکن است در نگاه اول آشکار نباشد. الزامات اداره مالیات بر عایدی سرمایه به عنوان یکی از دلایل عدم تمایل بریتانیا قبل از سال ۱۹۶۵ برای اتخاذ مالیات بر سود بلندمدت ذکر شده است. مالزی مالیات بر عایدی سرمایه خود را در سال ۱۹۶۶، یک سال پس از تصویب آن، عمدتاً به دلایل اداری لغو کرد. غنا همچنین مالیات بر عایدی سرمایه خود را در سال ۱۹۶۷ لغو کرد که عمدتاً به دلیل عملکرد ضعیف بود. مشکلات اداری مالیات بر عایدی سرمایه با (۱) شناسایی مالیات دهندگان، (۲) مشکل ارزش گذاری، و (۳) جنبه‌های بین‌المللی آن درگیر است.

شناسایی مالیات دهندگان

مشکل اداره مالیات بر عایدی سرمایه با این واقعیت تشدید می‌شود که معاملات سود یا زیان سرمایه عمدتاً غیر تکراری است. از آنجایی که فهرست مودیان دارای سود یا زیان سرمایه از سالی به سال دیگر متفاوت است، ثبت نام مودیان به اندازه مودیان مالیات بر درآمد یک ابزار اداری مفید نیست. اطلاعات مربوط به معاملات سرمایه باید به دست آید و هوشیاری منابع غیر مستقیم باید حفظ شود.

جستجو برای بدهی مالیات بر عایدی سرمایه ممکن است با دسترسی به منابع زیر تسهیل شود:

اظهارنامه مالیات بر درآمد، به ویژه آنهایی که درآمدهای بالا یا درآمد حاصل از املاک و سرمایه گذاری‌های دیگر را نشان می‌دهند.

اظهارنامه‌های ما به منظور مالیات بر ثروت خالص و اظهارنامه‌های ما و بدهی‌های ما گاهی اوقات برای همه کسانی که اظهارنامه مالیات بر درآمد ارائه می‌کنند، مانند آرژانتین، برزیل و فیلیپین مورد نیاز است.

سوابق نقل و انتقال اموال که توسط اداره ارزش گذاری یا توسط دفتر ثبت نقل و انتقالات عمومی نگهداری می‌شود.

سوابق فروش املاک که توسط دفاتر اسناد رسمی نگهداری می‌شود. برای مثال، در ونزوئلا، دفاتر اسناد رسمی «کارت‌های قرمز» را تهیه می‌کنند که در آن طرف‌های معامله و سایر اطلاعات را فهرست می‌کنند.

سوابق شهرداری که مالیات بر دارایی پرداخت شده، مجوزهای ساختمانی صادر شده و فهرست اطلاعات اجاره و غیره را نشان می‌دهد.

در بسیاری از کشورها، کشف سود حاصل از فروش اموال شخصی، به ویژه سهام و اوراق قرضه، دشوارتر از سود املاک و مستغلات است. فروش و انتقال اموال نامشهود را می‌توان به راحتی کتمان کرد، در حالی که فروش املاک و مستغلات نسبتاً آسان است. رواج سهام بی‌نام، به ویژه در آمریکای لاتین، مشکل خاصی ایجاد می‌کند، زیرا هیچ سابقه‌ای از معامله در دفاتر شرکت وجود ندارد. مشکل دیگر در انتقال حقوق به جای مالکیت بدون نیاز به ثبت است. مگر اینکه انتقال حقوق مالکیت به طور خاص یک رویداد تحقق تلقی شود، چنین نقل و انتقالاتی از مالیات بر عایدی سرمایه جلوگیری می‌کند. جدای از مشکل کشف معاملاتی که منجر به عواید مشمول مالیات تحقق یافته می‌شود، مشکل اجتناب از طریق نقل و انتقالات رایگان (بصورت بلاعوض) وجود دارد. پیشنهاد کالدور برای اصلاح مالیات بر عایدی سرمایه در هند در سال ۱۹۵۶/۱۵۷۱ این بود که نقل و انتقالات از دربار به عنوان معاملات عایدی سرمایه تلقی کند. اگر نقل و انتقالات از طریق هدایا، ارضیه و غیره معاف شوند، نه تنها بخش قابل توجهی از عایدی سرمایه از مالیات خارج می‌شود، بلکه به مالیات دهنده انگیزه ناسالمی داده می‌شود تا دارایی

شود که از زمان تصویب قانون تحصیل شده باشد. به دلایل حقوق صاحبان سهام، اگر دارایی قبل از این تاریخ تحصیل شده باشد، اکثر کشورها ارزش بازار در تاریخ تصویب مالیات استفاده می‌کنند. با این قاعده، در هر صورت، وقتی معامله مشمول مالیات صورت می‌گیرد، مشکلات اداری در ردیابی مبنای مالیات بر اموال به وجود می‌آید. ممکن است لازم باشد سال‌ها به عقب برگردیم تا ارزش آن در تاریخ تصویب قانون، اغلب بر اساس سوابق ناکافی، بازسازی شود. در برخی کشورها - از جمله فیلیپین و برخی از کشورهای آمریکای لاتین - ممکن است ارزش کاداستر به کار گرفته شود. اما این امر به دلیل اختلاف گسترده‌ای که اغلب بین ارزش‌های کاداستر و ارزش‌های بازار وجود دارد قابل اعتماد نیست، به ویژه زمانی که اخیراً تجدید ارزیابی نشده است. به همین دلیل، تصویب مالیات بر عایدی سرمایه باید با یک بررسی کاداستری جدید همراه باشد که تمام ارزش‌های املاک را به روز می‌کند. گاهی اوقات این امر با استفاده از ضرایب اعمال شده برای یک ارزش کاداستری قدیمی انجام می‌شود. فرمول‌های مختلفی برای به روز رسانی هزینه اصلی یا ارزش‌های کاداستر اتخاذ شده است. به عنوان مثال، در جمهوری مالاگازی، ارزش اولیه با ضریبی تعیین می‌شود که با تاریخ کسب تغییر می‌کند. بر این اساس، اگر دارایی قبل از ۱ ژانویه ۱۹۲۰ خریداری شده باشد، هزینه اصلی در ۵۰٪ ضرب می‌شود. ۲۰٪ اگر قبل از ۱ ژانویه ۱۹۳۹؛ ۱۰٪ اگر قبل از ۱ ژانویه ۱۹۴۵؛ اگر قبل از ۱ ژانویه ۱۹۴۹؛ ۱۰٪ اگر قبل از ۱ ژانویه ۱۹۵۷ باشد. این رویکرد تغییرات در نرخ تغییر در ارزش‌های فردی را نادیده می‌گیرد و کاملاً دلخواه است. اما این ویژگی را دارد که امکان تغییرات سریع در ارزش املاک را فراهم می‌کند. در آرژانتین، تجدید ارزیابی اختیاری دارایی‌های ثابت در سال ۱۹۶۰ انجام شد که به موجب آن ضرایب ثابتی که از امارهای رسمی برای تغییرات قیمت‌های داخلی به دست می‌آمد، به بهای تمام شده اصلی اعمال شد. مشکل ارزش گذاری نیز هنگام فروخته شدن دارایی به وجود می‌آید. به دلیل سهولتی که می‌توان قیمت ملک را پنهان کرد، چک مستقل اغلب ضروری است. بهار گاوا اشاره کرده است که در هند سودهای دریافتی اغلب بسیار بیشتر از آنچه به مقامات مالیاتی گزارش شده است. با این حال، در بحث این مشکل بهار گاوا بیان می‌کند هنگامی که فروشنده سعی می‌کند قیمت محقق شده توسط خود را کم بیان کند، باید توجه داشت که علاقه خریدار این است که برای فرار از مالیات بر عایدی سرمایه زمانی که او به نوبه خود اقدام به فروش کرد، قیمتی را که پرداخت کرده است، بیش از حد اعلام کند. این تضاد بین منافع خریدار و فروشنده قوی‌ترین محافظ منافع دولت بود و هیچ خریداری به نفع خود موافقت نمی‌کرد که قیمت خریدی کمتر از آنچه واقعاً پرداخت کرده بود، اعلام کند. دشواری تعیین قیمت واقعی فروش یک دارایی منجر به استفاده از قیمت فروش فرضی شده است که ممکن است به عنوان عاملی از هزینه تحصیل، ارزش کاداستر یا ارزش بازار در تاریخ تصویب قانون بیان شود. قیمت فروش فرضی معمولاً منعکس‌کننده تغییرات ارزش دارایی در طول دوره نگهداری دارایی است. رویکرد فرضی خودسرانه و پر زحمت است و کم استفاده می‌شود. خود سود سرمایه نیز ممکن است مستقیماً با رویکرد فرضی تعیین شود. سود مشمول مالیات بر درآمد معینی از عواید فروش بدون توجه به سود واقعی تثبیت می‌شود. در میان کشورهای حاضر در این مطالعه، غنا از این روش به عنوان روشی جایگزین برای تعیین سود استفاده کرد. اگر هزینه تاریخی را نمی‌توان تعیین کرد، گفته می‌شد که سود سرمایه ۲۵٪ در صد از قیمت فروش منتهای کمک هزینه برای تغییرات، بهبودها و هزینه‌های دفع است. این روش از محاسبه مقادیر اولیه اجتناب می‌کند، اما همچنان مستلزم بررسی صحت قیمت فروش است. مشکل اصلی این است که چه درصدی از قیمت فروش باید نشان دهنده سود باشد. این را می‌توان به صورت تجربی بر اساس معاملات نمونه تعیین کرد. هنگامی که ضریب تعیین می‌شود، فقط باید به طور دوره‌ای تجدید نظر شود تا تغییرات قیمت را منعکس کند.

های خود را دستکاری کند تا به سود خالص تحقق نیافته تبدیل شود. تا حد امکان بزرگ باشد، زیرا تمام سودهای تحقق نیافته برای مقاصد مالیاتی از بین می‌رود که دارایی‌ها از بین بروند. این معافیت‌ها ممکن است به راحتی بازده بلندمدت بالقوه مالیات را به میزان دو سوم یا سه چهارم کاهش دهد و به نظر نمی‌رسد که آنها بر اساس هیچ اصل عدالت توجیه شوند.

با این حال، به دلایل اداری، دولت‌ها معافیت از انتقال بلاعوض را ادامه داد. استدلال شده است که سود سرمایه‌ای که از طریق نقل و انتقالات بلاعوض از مالیات فرار می‌کند، مشمول مالیات هدیه و ارث می‌شود، زیرا این مالیات‌ها بر ارزش کل ثروت، از جمله افزایش ارزش سرمایه، اخذ می‌شود. با این حال، در کشورهایی که مالیات هدیه و ارث بسیار پایین است، جایگزین مناسبی برای مالیات بر عایدی سرمایه نخواهند بود.

دروپکرد برای پرداختن به رفتار مالیاتی انتقال بلاعوض در نظر گرفته شده است:

(۱) بر خورد با اموالی که در هنگام فوت یا هدیه منتقل شده است به عنوان تحقق (تحقق فرضی)

(۲) حمل هزینه به متوفی به منظور تحقق محاسبه مالیات بر عایدی سرمایه در اموال منتقل شده مشکلات اداری هر دو رویکرد مستلزم تجدید ارزیابی دارایی‌ها و گزارش دهی قابل توجهی از دارایی‌ها است.

مشکل ارزش گذاری

مالیات بر تغییر ارزش دارایی در یک دوره زمانی، به دلیل نیاز به تعیین ارزش اولیه و ارزش فروش یا واگذاری دارایی فروخته شده، یک مشکل جدی در ارزیابی ایجاد می‌کند. معرفی مالیات بر عایدی سرمایه این سوال را مطرح می‌کند که چه ارزش‌های اولیه دارایی باید شناسایی شود. این برای تعیین مبنای مالیاتی دارایی‌هایی که سود سرمایه با توجه به آن اندازه گیری می‌شود، ضروری است. دو احتمال وجود دارد: (۱) هزینه تحصیل و (۲) ارزش بازار در یک روز تعیین شده، معمولاً تاریخ تصویب مالیات. گاهی اوقات سود با اعمال نسبتی به ارزش فروش تعیین می‌شود که منعکس‌کننده میانگین تغییرات قیمت‌ها در طول دوره است.

ارزش اولیه دارایی ممکن است به عنوان هزینه تحصیلی یا هزینه اصلی برای مالیات دهنده بیان شود. بهای تحصیلی به عنوان مقدار یا ارزش مابهای است که شخص برای دارایی پرداخت کرده است، همراه با هزینه‌های جانبی تحصیل دارایی به اضافه مخارج سرمایه‌ای روی دارایی پس از تحصیل. برای دارایی‌ای که خریداری نمی‌شود، اما ایجاد می‌شود (مثلاً حق چاپ)، هزینه‌ای که مالیات دهنده به طور کامل و منحصر برای ایجاد چنین دارایی متحمل شده است، هزینه تحصیل آن تلقی می‌شود. با این حال، در عمل، هزینه تحصیل دارایی برای مالیات دهنده تنها زمانی به عنوان مبنای ارزش اولیه در نظر گرفته می‌



افزایش سه برابری نرخ مالیات بر عایدی سرمایه در کنیا

مقصد سرمایه گذاری در آفریقا و کاهش جذب سرمایه گذاری خارجی خواهد شد. همچنین آنها افزایش سه برابری نرخ مالیات را بسیار تند و منتج به کاهش تعداد معاملات می دانند که در نهایت باعث می شود دولت از هدف خود در دسترسی به درآمدهای مالیاتی بیشتر باز بماند. همچنین این موضوع یکی از دستور کارهای اصلی دولت کنیا مبنی بر تأمین مسکن ارزان قیمت برای مردم را به دلیل کاهش سرمایه گذاری ها با مشکل مواجه خواهد کرد.

در نهایت منتقدان بر این باورند که دولت این موضوع را در نظر نگرفته است که بخشی از عایدی حاصل از فروش املاک ناشی از تورم شدید در دو سال اخیر است. بنابراین ضمن پذیرش این موضوع که نرخ مالیات بر عایدی سرمایه در کنیا نسبت به کشورهای همسایه بسیار پایین است، معتقدند وزارت اقتصاد کنیا ابتدا باید گام هایی را در جهت تعدیل تورم و رسیدن به قیمت های عادلانه بردارد و سپس به صورت پلکانی به میزان ۷٫۵ درصد، ۱۰ درصد و سپس ۱۵ درصد نرخ مالیات را افزایش دهد. با این حال، دولت معتقد است نرخ ۱۵ درصد مالیات بر عایدی سرمایه در کنیا به دلیل پایین بودن در مقایسه با کشورهای شرق آفریقا، تأثیر چندانی بر کاهش جذب سرمایه گذاری خارجی نخواهد گذاشت و بازار مستغلات در کنیا همچنان قابل رقابت است.

چشمگیری داشته است. این بخش در زمان همه گیری کرونا، به دلیل ناتوانی مردم از خرید ناشی از کاهش فعالیت های اقتصادی، احتیاط بانک ها در پرداخت وام و عدم تمایل سرمایه گذاران به سرمایه گذاری، بیشترین رکود را تجربه کرد. اما با افزایش تقاضا، به دنبال از سرگیری فعالیت های اقتصادی، قیمت املاک و مستغلات به شدت افزایش پیدا کرده و به همین دلیل یکی از بخش های جذاب جهت افزایش درآمدهای مالیاتی برای دولت است.

وزارت اقتصاد کنیا در این خصوص عنوان کرد نرخ مالیات بر عایدی حاصل از فروش سرمایه، در کشورهای همسایه بسیار بیشتر از کنیا است. به عنوان مثال در تانزانیا نرخ مالیات بر عایدی سرمایه ۲۰ درصد برای شرکت های خارجی و ۱۰ درصد برای شرکت های محلی و در اوگاندا و رواندا نیز نرخ مالیات ۳۰ درصد است. این وزارتخانه عنوان کرده است دولت کنیا در حال توسعه ی استراتژی برای بهبود سیستم مالیاتی، افزایش درآمدهای مالیاتی و پیوند دادن مالیات ها به نیازهای توسعه ای کشور است. این موضوع نگرانی ها در خصوص آسیب به بخش املاک و مستغلات، سرمایه گذاری ها در این بخش و نیز خرید و فروش سهام را در پی داشته است. منتقدان بر آنند افزایش نرخ مالیات بر عایدی سرمایه منجر به اثرات منفی بر رقابت پذیری کنیا به عنوان مرکز اقتصادی و

طلیعه احمدی | کارشناس اقتصادی سفارت ج.ا.ایران در نایروبی

دولت کنیا از ابتدای سال ۲۰۲۳ میلادی مالیات بر عایدی سرمایه (CGT) به معنای مالیات بر عایدی فروش املاکی چون زمین، ساختمان و سهام بدون قیمت را از ۵ درصد فعلی به ۱۵ درصد افزایش خواهد داد. قیمت املاک و مستغلات در نایروبی و حومه آن در سال جاری و به دلیل بالا رفتن میزان تقاضا افزایش چشمگیری داشته و به همین دلیل یکی از بخش های جذاب جهت افزایش درآمدهای مالیاتی برای دولت است. این موضوع نگرانی هایی را در خصوص آسیب به بخش املاک و مستغلات، کاهش جذب سرمایه گذاری خارجی و رکود در بخش مسکن را به دنبال داشته است.

این تصمیم توسط پارلمان سابق کنیا و در چارچوب بودجه سال مالی ۲۰۲۲-۲۰۲۳ اتخاذ شده و به سازمان درآمدهای کنیا (KRA) اجازه داده شده تا مالیات های جدید را از ژانویه ۲۰۲۳ جمع آوری کند. دولت کنیا امیدوار است افزایش درآمدهای مالیاتی به تأمین بودجه ۳٫۳ تریلیون شیلینگ این کشور کمک و منابع مالی مورد نیاز جهت اجرای پروژه های توسعه ای و نیز ایجاد اشتغال بدون اتکاء به استقراض تأمین کند.

قیمت املاک و مستغلات در نایروبی و حومه ی آن در سال جاری و به دلیل بالا رفتن میزان تقاضا افزایش



جنگ اقتصادی چین و آمریکا



اما، اگر با دقت طراحی شود، مالیات کربن در واقع می تواند در بهبود محیط زیست ما و همچنین اقتصاد بسیار پایدارتر و کارآمدتر باشد. در اینجا سه اصل برای طراحی مالیات کربن سالم وجود دارد:

اول، مالیات کربن باید وسیع ترین طیف ممکن از فعالیت های آلاینده را پوشش دهد. این بدان معناست که از همه انتشار کربن در منبع خود مالیات گرفته شود، نه اینکه فقط یک صنعت یا فعالیت را هدف قرار دهد.

در مرحله بعد، این مالیات باید جایگزینی برای مقررات موجود مانند استانداردهای خودرو و لوازم خانگی باشد، که مزایای زیست محیطی جزئی را با هزینه بالا فراهم می کند. مالیات کربن کافی می تواند نتایج زیست محیطی مشابه یا بهتری را با هزینه بسیار کمتر به دست آورد.

در نهایت، از آنجایی که مالیات به خودی خود به نفع محیط زیست است، درآمد حاصل از آن می تواند برای تامین مالی اولویت های دیگر مانند کاهش مالیات بر درآمد افراد یا شرکت ها، بهبود رفتار مالیاتی برای سرمایه گذاری تجاری یا مقابله با کسری فزاینده فدرال بازیافت شود. هر سیاستی دارای معاوضه هایی است، اما مالیات کربن که به خوبی طراحی شده باشد، پتانسیل محافظت از محیط زیست را بدون آسیب رساندن به مصرف کنندگان یا مشاغل دارد.

خرد اقتصادی می گوید: "اگر چیزی کمتر می خواهید، از آن مالیات بگیرید." و یک چیزی که همه ما کمتر از آن می خواهیم انتشار گازهای گلخانه ای است که به محیط زیست ما آسیب می رساند.

راه حل های فعلی زیست محیطی ما شامل مقرراتی است که اقتصاد را خفه می کند و یارانه هایی که به طور نامتناسبی به نفع افراد پردرآمد و صنایع خاص است.

هر دو گران هستند و تأثیر محدودی بر محیط زیست دارند.

اما رویکرد دیگری وجود دارد که اغلب نادیده گرفته می شود و آن مالیات کربن است.

مالیات بر کربن هزینه ای را برای انتشار گازهای گلخانه ای ایجاد می کند که باعث می شود هر محصول و خدماتی که از سوخت های فسیلی به دست می آید برای تولید و خرید مصرف کنندگان گران تر شود. این قیمت های بالاتر منجر به مصرف کمتر و تشویق به ایجاد و اتخاذ منابع انرژی پاک تر می شود. این یک پیروزی برای محیط زیست است و همچنین می تواند درآمد قابل توجهی ایجاد کند. اما مالیات کربن - مانند هر مالیات دیگری - راه حل کاملی نیست. اگر این مالیات ضعیف طراحی شود، می تواند هزینه ها را به ویژه برای خانواده های کم درآمد افزایش دهد و در نهایت باعث کندی اقتصاد شود.

انتشار گازهای گلخانه ای - در درجه اول دی اکسید کربن اما همچنین متان، اکسید نیتروژن و گازهای F- باعث تغییرات دمای جهانی شده و هزینه هایی را بر سیستم های اقتصادی، انسانی و طبیعی تحمیل کرده است. مالیات کربن نوعی قیمت گذاری کربن است و به عنوان یک رویکرد مبتنی بر بازار، به طور کلی به عنوان روشی مقرون به صرفه برای کاهش انتشار گازهای گلخانه ای در نظر گرفته می شود. مالیات بر محتوای کربن سوخت های فسیلی اخذ می شود. این اصطلاح همچنین می تواند به مالیات بر انواع دیگر گازهای گلخانه ای مانند متان اشاره کند. مالیات بر کربن قیمتی را برای این گازهای گلخانه ای تعیین می کند تا مصرف کنندگان، مشاغل و دولت ها را به تولید کمتر از آنها تشویق کند.

در میان مذاکرات آب و هوایی دو حزبی در کاپیتول هیل، مجدداً درخواست هایی برای مالیات بر کربن وجود دارد. مالیات های کربن مدت ها مغناطیسی برای بحث های سیاسی بوده است. اما از منظر اقتصادی، آنها شایسته جدی گرفتن هستند و مانند هر چیزی در سیاست مالیاتی، جزئیات و طراحی بسیار مهم است. تئوری اقتصادی پشت چنین مالیات هایی ساده است، اما تبدیل این نظریه به یک سیاست دنیسای واقعی چالش برانگیزتر است.



رقابت پذیری آمریکا

الکس مورسیانو | شان بری

اقتصاددانان تمایل دارند مالیات کربن را به عنوان یک راه حل سیاستی ایده آل برای رسیدگی به تغییرات آب و هوا ترجیح دهند. با واداشتن بازار به انعکاس هزینه‌های اجتماعی انتشار کربن، چنین مالیاتی باعث کاهش انتشار و نوآوری می‌شود، بدون اینکه جهت گیری خاصی برای یا علیه فناوری‌های مختلف ایجاد کند.

اما نحوه تعامل مالیات کربن با اقتصاد جهانی پیچیده تر است. برای مثال، این امکان وجود دارد که مالیات کربنی که فقط در آمریکا وضع می‌شود، به جای کاهش سطح کلی انتشار کربن، صرفاً فعالیت‌های آلاینده را به خارج از کشور منتقل کند.

علاوه بر این، افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی با چین و اختلالات زنجیره تامین مرتبط با همه‌گیری کووید-۱۹ و تهاجم روسیه به اوکراین، علاقه‌مندی به بازگرداندن عملیات‌های تولیدی به‌ویژه در صنایع با فناوری پیشرفته یا دارای اهمیت استراتژیک را به ایالات متحده افزایش داده است. در آن زمینه، مالیات کربن می‌تواند مانع توسعه یا توسعه مجدد پایه تولید داخلی در صنایعی شود که هم از نظر استراتژیک و هم انرژی‌بر مهم هستند. راه‌هایی برای طراحی مالیات کربن برای رفع این مسائل وجود دارد. مالیات کربن تعدیل شده در مرزها که بخشی از درآمد را برای اصلاحات مالیاتی طرفدار سرمایه‌گذاری

استفاده می‌کند، می‌تواند این مشکلات را حل کند و حتی ایالات متحده را رقابتی‌تر از وضعیت موجود کند. با این حال، همه بسته‌های مالیات کربن یکسان نیستند. برخی می‌توانند به رقابت پذیری ایالات متحده آسیب بزنند. نحوه استفاده از درآمد مالیات کربن و رویکرد مالیات به واردات و صادرات هر دو تأثیرگذار هستند.

سیاست زیست محیطی و نشت

یکی از نگرانی‌های مشترک در سراسر سیاست زیست محیطی نشت کربن است - جایی که سیاستی که برای کاهش انتشار داخلی طراحی شده است منجر به افزایش انتشار کربن در بقیه نقاط جهان می‌شود که منجر به کاهش خالص کمتری در انتشار جهانی می‌شود. نشت کربن هدف نهایی تغییر سیاست را تضعیف می‌کند.

ادبیات اقتصادی به طور کلی نشان می‌دهد که تأثیر کلی سیاست کاهش انتشار بر رقابت‌پذیری جهانی مضر اما کم است. مدل‌های اعمال مالیات کربن بر صنایع تولیدی نشان می‌دهد که تنها یک ششم کاهش تولید به دلیل تغییر عملیات در خارج از کشور است. سهم محدودی از انتشار گازهای گلخانه‌ای در سراسر جهان در تجارت

جهانی وجود دارد و در اقتصادهای بزرگی مانند ایالات متحده، اکثریت قریب به اتفاق انتشارات ناشی از مصرف داخلی از تولید داخلی ناشی می‌شود.

با این وجود، به دلایل متعدد، نشتی همچنان موضوعی است که باید به حداقل برسد. نشت حتی اگر متوسط باشد، باز هم اثر بخشی یک سیاست زیست محیطی (شامل مالیات کربن) را تضعیف می‌کند. نشت همچنین به معنای هزینه‌هایی برای صنعت و اشتغال آمریکاست که ممکن است در مجموع برای اقتصاد کوچک باشد اما برای مناطق یا صنایع خاص، به‌ویژه تولید، بزرگ باشد.

چندین نوع نشت کربن وجود دارد. اولین و از نظر سیاسی برجسته‌ترین کانال رقابت است: مالیات کربن هزینه‌های تولید را در حوزه قضایی که در آن اجرا می‌شود افزایش می‌دهد و شرکت‌ها را به سمت برون سپاری تولید به سایر حوزه‌های قضایی بدون مالیات کربن یا مقررات زیست محیطی قابل توجه سوق می‌دهد. همچنین کانال بازار انرژی وجود دارد که در آن با کاهش تقاضا برای سوخت‌های فسیلی در داخل، مالیات کربن داخلی به طور جزئی تقاضای جهانی برای سوخت‌های فسیلی را کاهش می‌دهد، در نتیجه قیمت جهانی سوخت‌های فسیلی را کاهش می‌دهد و منجر به افزایش استفاده از سوخت‌های فسیلی در حوزه‌های قضایی غیرقانونی می‌شود.

همچنین پتانسیل نشت سودمند وجود دارد - زمانی که مالیات در یک حوزه قضایی منجر به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در سایر حوزه‌های قضایی بدون مالیات شود. سرریزهای فناوری یک مثال است: مالیات بر کربن می‌تواند منجر به توسعه فناوری جدید کم‌انتشار شود که پس از آن حتی در بازارهای بدون قیمت گذاری کربن قابل دوام می‌شود. در حالی که ردیابی این نشت دشوار است، نوآوری ناشی از قیمت‌های انرژی بالاتر به خوبی مستند شده است. این اثرات سال‌ها طول می‌کشد تا قابل توجه شوند، بنابراین حتی اگر سطوح متوسطی از نوآوری و انتشار فناوری ناشی از نشت خالص کربن منفی باشد، این نوع نشت با در نظر گرفتن تأثیرات فوری یک سیاست کمتر مرتبط است.

کاهش در انتشار گازهای گلخانه‌ای خارجی نیز می‌تواند از طریق اثرات درآمد و شرایط تجارت رخ دهد، اگرچه اعتقاد بر این است که این اثر کوچک است. از آنجایی که مالیات کربن درآمد را در داخل کاهش می‌دهد، تقاضای داخلی برای محصولات خارجی کاهش می‌یابد، که پس از آن به کاهش درآمد در خارج و در نتیجه کاهش انتشار منجر می‌شود. این اثر احتمالاً اندک است و ارتباط آن با سیاست‌گذاری به دلایل متعدد ضعیف است. اولاً، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای خارجی از این کانال احتمالاً با افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای خارجی از کانال رقابتی کم‌رنگ می‌شود. دوم، درآمد مالیات بر کربن داخلی از بین نمی‌رود؛ اگر این درآمد به خوبی بازیافت شود، مالیات کربن به معنای کاهش درآمد داخلی نیست. مهم‌ترین کانال از منظر سیاست اقتصادی کانال رقابتی

است. اندازه ضرر رقابتی که سیاست انتشار گازهای گلخانه‌ای ایجاد می‌کند موضوع اصلی بحث است. شواهد محکمی وجود دارد مبنی بر اینکه مالیات‌های کربن در مجموع برای اقتصاد مضر نیستند، وقتی به کل اشتغال یا رشد اقتصادی نگاه می‌کنیم. شواهد برای تأثیر مالیات کربن بر بخش تولید متفاوت است. تجزیه و تحلیل مالیات کربن بر پیش کلمبیا از نظر درآمد خنثی نشان داد که این اصلاحات باعث افزایش اشتغال در مجموع شد، اما همچنین اشتغال را از صنایع تجاری فشرده و گازهای گلخانه‌ای و به سمت صنایع خدماتی تغییر داد.

اکنون، اشتغال در بخش تولید نباید اولین معیار قدرت بخش تولید، به ویژه برای اقتصادهای ثروتمند و توسعه یافته باشد. رشد بهره‌وری و اتوماسیون به این معنی است که بازده تولید می‌تواند ثابت بماند یا حتی رشد کند، حتی با کاهش اشتغال در تولید. سنگاپور یکی از نمونه‌های کشور پردرآمدی است که سهم بخش تولیدی آن از نیروی کار کاهش یافته است، حتی با وجود اینکه تولیدات تولیدی نه تنها به صورت مطلق بلکه به عنوان سهمی از تولید ناخالص داخلی کشور رشد کرده است. از سوی دیگر، در بریتیش کلمبیا، کاهش اشتغال در بخش تولید بیشتر منعکس کننده تولید بخش پایین تر بود.

نگاهی به تأثیر مالیات کربن بر بریتانیا بر بخش تولید این کشور نشان داد که این مالیات باعث کاهش اشتغال یا تعطیلی کارخانه‌ها نمی‌شود، حتی اگر به میزان قابل توجهی شدت انرژی و مصرف برق را کاهش دهد. با این حال، با توجه به نرخ سریع صنعتی‌زدایی بریتانیا

قبل از معرفی مالیات کربن (حتی در مقایسه با سایر کشورهای ثروتمند و توسعه یافته غربی)، شاید نمونه کمتر متقاعدکننده‌ای از یک بخش تولیدی باشد که تحت مالیات کربن شکوفا می‌شود.

تنظیمات مرز: راه حل ۴

مالیات کربن با تعدیل مرزی به معنای مالیات بر مصرف کربن ایالات متحده به جای تولید است که بین کالاهای داخلی و وارداتی خنثی است. در این مورد، این به معنای اعمال مالیات بر محتوای کربن وارداتی (مصرف داخلی) است، در حالی که محتوای کربن صادراتی (غیر مصرف داخلی) را معاف می‌کند. این تعرفه نیست، زیرا بین مصرف داخلی و بین‌المللی بی طرف است.

همه کالاها را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: کالاهای تولید شده در داخل و مصرف داخلی، کالاهای تولید داخل و مصرف در خارج (صادرات)، کالاهای تولید شده در خارج از کشور و مصرف داخلی (واردات) و کالاهای تولید شده در خارج از کشور و مصرف در خارج از کشور. یک مالیات پایه کربن بر تمام انتشار کربن در ایالات متحده را در نظر بگیرید. این امر بر انتشار دو دسته کالا مالیات می‌دهد: کالاهای تولید و مصرف داخلی و صادرات. با این حال، انتشار گازهای گلخانه‌ای از واردات تحت این مثال بدون مالیات است. در نتیجه، تولیدکنندگان داخلی هم در بازارهای داخلی و هم در بازارهای جهانی با یک نقطه ضعف روبرو هستند: کالاهای داخلی مشمول مالیات هستند در حالی که کالاهای خارجی مشمول مالیات نیستند.

مالیات کربن بدون تعدیل مرزی ضرر تولید داخلی را دارد

| تولید خارج از کشور | تولید داخل | مصرف داخلی |
|--------------------|--------------|-------------------|
| مالیات نمی‌شود | مشمول مالیات | مصرف داخلی |
| N/A | مشمول مالیات | مصرف خارج از کشور |

مشکل با تنظیم حاشیه قابل حل است. بر اساس تعدیل مرزی، شرکت‌ها برای مالیات بر انتشار گازهای گلخانه‌ای مربوط به تولید صادرات تخفیف دریافت می‌کنند، در حالی که کالاهای وارداتی با مالیات بر محتوای کربن خود مواجه هستند. در نتیجه، پایه مالیات از تولید داخلی به مصرف داخلی تغییر می‌کند.

مالیات کربن با تعدیل مرز با تولید داخلی و بین‌المللی به طور مساوی رفتار می‌کند

| تولید خارج از کشور | تولید داخل | مصرف داخلی |
|--------------------|----------------|-------------------|
| مشمول مالیات | مشمول مالیات | مصرف داخلی |
| N/A | مالیات نمی‌شود | مصرف خارج از کشور |

خودروهایی که در کارخانه‌های با سوخت زغال سنگ در چین ساخته می‌شوند رقابت کنند، اما هیچ مکانیسم مستقیمی برای تنظیم این تفاوت محیطی بر اساس مقررات صرفاً وجود ندارد. سیاست گذاران در هر دو طرف راهرو تعرفه کربن را در نظر گرفته‌اند. این سیاست که اغلب هزینه واردات آلاینده یا (به اشتباه) تعدیل مرزی نامیده می‌شود، بر واردات کربن فشرده، بدون قیمت کربن داخلی متناظر، مالیات می‌دهد.

در حالی که خود سیاست تجاری نیست، مالیات کربن تعدیل شده بر اساس مرز از مشکلات ایجاد شده توسط برخی از اشکال مقررات اقلیمی جلوگیری می‌کند. بسیاری از مقررات مانند استانداردهای تولید انرژی پاک را نمی‌توان به راحتی در مرز تنظیم کرد. یک کارخانه خودروسازی آمریکایی را در نظر بگیرید که با یک کارخانه گران‌تر و در عین حال تمیزتر کار می‌کند. خودروهایی که کارخانه تولید می‌کند باید با

نکته مهم این است که اگرچه تعدیل مرزی با سیاست تجاری در تعامل است، اما مشابه اقدامات حمایتی کشورها نیست. زمینه بازی برابر برای کالاهای تولیدی خارجی و داخلی در بازارهای خارجی و داخلی ایجاد می‌کند. در بازارهای داخلی، هم کالاهای تولید داخل و هم کالاهای تولید خارجی با مالیات مواجه هستند، در حالی که در بازارهای خارجی نه کالاهای تولید داخل و نه کالاهای تولید خارج از کشور مشمول مالیات هستند.

تعرفه کربن بدون قیمت کربن داخلی یک تعدیل واقعی مرزی نیست

| تولید خارج از کشور | تولید داخل | مصرف داخلی |
|--------------------|----------------|-------------------|
| مشمول مالیات | مالیات نمی‌شود | مصرف داخلی |
| N/A | مالیات نمی‌شود | مصرف خارج از کشور |

در نهایت، حتی زمانی که مقررات موجود انتشار گازهای گلخانه‌ای را به عنوان قیمت داخلی محاسبه می‌کنیم، تعرفه تعدیل مرز واقعی را تشکیل نمی‌دهد زیرا تخفیفی برای صادرکنندگان ارائه نمی‌کند. [۲۴] در عوض، معادل مالیات کربن یا تعرفه خواهد بود.

دشوار است، به ویژه زمانی که ایالت‌ها و حتی محلی‌ها مجموعه جداگانه‌ای از مقررات انتشار گازهای گلخانه‌ای خود را دارند. بدون قیمت واقعی کربن داخلی، می‌تواند با قوانین تجارت بین‌المللی مغایرت داشته باشد.

برخی از طرفداران این ایده معتقدند که راه‌هایی برای ایجاد معادلی بین سیاست‌های اقلیم غیر مالیاتی که در داخل کشور اجرا می‌شوند و مالیات اعمال شده بر کالاهای وارداتی وجود دارد. این ایده چند مشکل دارد: ایجاد یک معادل قیمت برای مقررات داخلی کربن

مالیات و تعرفه کربن داخلی بدون تخفیف صادراتی همچنان ضرر تولیدکنندگان داخلی را دارد

| تولید خارج از کشور | تولید داخلی | مصرف داخلی |
|--------------------|--------------|-------------------|
| مشمول مالیات | مشمول مالیات | مصرف داخلی |
| N/A | مشمول مالیات | مصرف خارج از کشور |

علیرغم وضع مالیات بر واردات، این ترکیب سیاست همچنان تولیدکنندگان داخلی را در مضیقه قرار می‌دهد. در حالی که در بازار داخلی هر دو کالای داخلی و وارداتی به طور مساوی مشمول مالیات می‌شوند. اما در بازارهای خارجی، صادرات آمریکا همچنان با

برابر کالاهای داخلی کربن فشرده است، به طور موثر با نرخ متوسط ۱۹،۲ دلار به ازای هر تن گازهای گلخانه‌ای، نسبت به مالیات ۵۰ دلاری به ازای هر تن گازهای گلخانه‌ای که برای داخلی‌ها با آن مواجه است، مشمول مالیات می‌شوند. ناهمگونی در شرکت‌های واردکننده نیز در این شرایط مشکل‌ساز خواهد بود، زیرا این مالیات منعکس‌کننده انتشار گازهای گلخانه‌ای در سطح شرکت نیست، و عملاً منجر به پرداخت نسبتاً کمتری نسبت به شرکت‌های چینی با آلاینده‌گی فشرده‌تر می‌شود که مالیات بیشتری به ازای هر تن آلاینده‌گی پرداخت می‌کنند. با این حال، به استثنای موضوع تعدیل مرز، مالیات کربن هزینه‌های اداری و انطباق کمتری به ازای هر دلار از درآمد حاصله در مقایسه با سایر مالیات‌ها، به ویژه مالیات بر درآمد افراد، خواهد داشت. مالیات کربن مشابه مالیات مالیات غیر مستقیم و مصرف است که نسبتاً آسان است. به عنوان مثال، مالیات بر ارزش افزوده، درآمد زیادی را نسبت به هزینه‌های اداری خود افزایش می‌دهد و مکانیزمی را برای معافیت صادرات و از جمله واردات در بر می‌گیرد. بنابراین، حتی اگر توسعه راه‌های پیشرفته‌تر برای ردیابی انتشار گازهای گلخانه‌ای خارجی دشوار و پرهزینه باشد، مالیات کربن همچنان می‌تواند از منظر اداری و انطباق کمتر از مثلاً مالیات بر درآمد شخصی باشد.

انطباق سازمان تجارت جهانی

یک تنظیم مرز کربن در یک منطقه خاکستری در مورد قوانین تجارت بین‌المللی وجود دارد. کنوانسیون‌های سازمان تجارت جهانی در صورتی که مالیات‌های یکسانی را بر کالاهای وارداتی و داخلی وضع کنند، تعدیل مرزها را مجاز می‌دانند. نقطه ابهام این است که آیا تعدیل مرز بر اساس انتشار کربن، مالیات‌های «یکسان» را تشکیل می‌دهد - به عبارت دیگر، اگر مالیات تعدیل مرز که بار بیشتری را بر واردات کربن فشرده‌تر وارد می‌کند، قوانین را نقض می‌کند. همچنین یک معافیت احتمالی از قوانین سازمان تجارت جهانی برای مسائل زیست‌محیطی وجود دارد، اما استفاده از این معافیت بحث برانگیز است.

کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در خارج از کشور
انتقاد عمیق‌تری از مالیات‌های کربن در بازارهای بین‌المللی وجود دارد که فراتر از نشئت است - یعنی آمریکا، اگر چه مسئول انتشار قابل توجهی است، اما بخش

بهبودی نسبت به وضعیت موجود نظارتی است که به ضرر صنعت آمریکاست.

اندازه‌گیری محتویات وارداتی

چالش اصلی اداری تعدیل مرز، برآورد میزان کربن واردات است. ارزیابی انتشار کربن بالادستی یا میان‌دستی در اقتصاد داخلی نسبتاً آسان است، اما ارزیابی انتشار گازهای گلخانه‌ای مربوط به تولید واردات دشوارتر است. بین کارایی جزء مالیات بر واردات و سهولت اداره آن، معاوضه‌ای وجود دارد. از طرف دیگر، کشورها می‌توانند بر واردات کربن فشرده به گونه‌ای مالیات دهند که گویی محتوای کربن مشابه کالاهای تولید داخلی را دارند، یا مالیات را بر اساس میانگین شدت کربن بخش خارجی قرار دهند. صنایع شیمیایی را در نظر بگیرید. بر اساس تجزیه و تحلیل اخیر، صنعت محصولات شیمیایی و دارویی چین حدود ۲،۶ برابر بیشتر از صنایع شیمیایی و محصولات دارویی ایالات متحده کربن فشرده است. ردیابی انتشار کربن شرکت‌های شیمیایی داخلی نسبتاً ساده است. این به این معنی است که این مالیات به میزان یکسان ۵۰ دلار به ازای هر تن، تمام انتشار دی‌اکسید کربن داخلی از صنایع شیمیایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما برای شرکت‌های خارجی، مقامات مالیاتی ایالات متحده باید تقریبی را برای تخمین انتشار مواد شیمیایی وارداتی از چین انتخاب کنند.

یکی از گزینه‌ها، مالیات بر واردات مواد شیمیایی چینی بر اساس میزان کربن فشرده صنعت شیمیایی چین است. اگر صنعت شیمیایی چین ۲،۶ برابر صنایع شیمیایی ایالات متحده کربن فشرده باشد، مالیات بر کالاهای شیمیایی وارداتی چینی باید ۲،۶ برابر بیشتر باشد، به این معنی که نرخ مالیات به ازای هر تن گازهای گلخانه‌ای یکسان است. با این حال، صنعت شیمیایی چین همگن نیست. برخی از شرکت‌ها کربن فشرده‌تر از سایرین در صنعت هستند، بنابراین مالیات بر واردات بر اساس میانگین شدت کربن این بخش به این معنی است که برخی از واردات مواد شیمیایی چینی (یعنی آنهایی که کربن فشرده‌تر هستند) با مالیات بر تن کربن بالاتری نسبت به داخلی مواجه خواهند شد. کالاهای در حالی که واردات کربن فشرده‌تر با مالیات بر تن کربن کمتر مواجه خواهد شد. رویکرد مالیات بر واردات با برخی مشابه با میانگین تولید داخلی معادل نیز آشکارا کوتاه است. در این مثال، جایی که واردات چینی ۲،۶

مزایا و چالش‌های یک تعدیل مرز

کاهش نشئی

مروری بر چندین تحلیل از تأثیرات تعدیل کربن مرزی، تأثیر متوسط کاهش نرخ نشئت را به میزان یک سوم، از ۱۲ درصد کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای داخلی به تنها ۸ درصد، نشان داد. متاآنالیز دیگری از ۲۵ مطالعه نشان داد که نشئت کربن از میانگین ۱۴ درصد بدون تنظیم مرز به میانگین ۶ درصد با تنظیم مرز می‌رسد. برآوردهای دیگر حدود ۵۰ درصد کاهش در نرخ نشئی را نشان می‌دهند که برخی از آنها حذف کامل نشئی را یافته‌اند. علاوه بر این، نشان داده شده است که تنظیمات مرزی در کاهش نشئت بسیار کارآمدتر از سایر افزودنی‌های مالیات کربن است، مانند تخصیص بر اساس خروجی یا معافیت‌ها برای صنایع خاص انرژی‌بر. با این حال، یک تعدیل مرز به تنهایی احتمالاً به طور کامل از نشئت جلوگیری نمی‌کند.

بهبود نسبت به مقررات فعلی

مالیات کربن تعدیل شده بر اساس مرزها نیز با صنایع آمریکایی بهتر از رویکردهای نظارتی در صحنه بین‌المللی رفتار می‌کند. تعدیل مرز یک سیاست تجاری نیست، زیرا هم در بازارهای داخلی و هم در بازارهای خارجی در رابطه با منشأ محصول خنثی است و باعث بهبود نحوه رسیدگی بیشتر مقررات در حال حاضر به این موضوع می‌شود.

یک کارخانه ویجت در ایالات متحده را در نظر بگیرید که به دلیل مقررات بخش برق در سطح ایالت از برق یک تأسیسات انرژی تجدیدپذیر استفاده می‌کند. یک کارخانه چینی که همان ویجت را می‌سازد، از برق تولید شده از زغال سنگ ارزان‌تری استفاده می‌کند. در هر دو بازار داخلی و خارجی، ویجت تولید شده در ایالات متحده هزینه مقررات را متحمل می‌شود. اما با مالیات کربن تعدیل شده در مرز، هر دو کالا در بازار داخلی مشمول مالیات می‌شوند و هیچ کدام در بازارهای خارجی مشمول مالیات نمی‌شوند.

اقتصاد ایالات متحده نسبت به بسیاری از شرکای تجاری خود بسیار کمتر کربن فشرده است - که در زمینه بحث مالیات بر کربن، گاهی اوقات «مزیت کربن آمریکا» نامیده می‌شود. با این حال، فکر کردن به تعدیل مرز به عنوان راهی برای مزیت صنعت آمریکا اشتباه خواهد بود. تعدیل مرز نسبت به صنعت آمریکا خنثی است، که

نسبتاً کوچکی از کل جهانی است. بنابراین، رویکردی که بر انتشار گازهای گلخانه‌ای ایالات متحده متمرکز باشد (مانند مالیات کربن) ناکافی خواهد بود و ارزش هزینه‌های آن را ندارد. در پاسخ، برخی از حامیان تعدیل مرزها خاطر نشان می‌کنند که اقدامات آب و هوایی ایالات متحده، با همکاری اتحادیه اروپا و سایر اقتصادهای توسعه یافته، می‌تواند به کشورهایی مانند چین فشار بیاورد. با این حال، در حالی که تعدیل مرز می‌تواند زمینه‌بازی برابر بین تولیدکنندگان آمریکایی و خارجی را هم در بازارهای داخلی و هم در بازارهای خارجی حفظ کند، اما تأثیری جزئی بر انتشار گازهای گلخانه‌ای خارجی خواهد داشت، زیرا حتی در کشورهایی مانند چین، صادرات (غیر قابل ذکر است) صادرات به ایالات متحده به تنهایی بخش نسبتاً کوچکی از مشخصات انتشار آنها است. پتانسیل قوی‌تر برای مالیات کربن داخلی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در خارج از کشور از طریق توسعه فناوری جدید کم انتشار است که بعداً در خارج از کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مطالعه موردی: ETS و CBAM اتحادیه اروپا

در سال ۲۰۰۵، اتحادیه اروپا یک مکانیسم قیمت گذاری کربن داخلی به نام سیستم تجارت انتشار را اجرا کرد. این مکانیسم سقف و تجارت محدودیتی را بر میزان انتشار گازهایی که شرکت‌ها مجاز به حذف آن هستند، تعیین می‌کند. سپس قیمت کربن در بازار توسط شرکت‌های «پاک‌تر» تعیین می‌شود. کمک هزینه رایگان به اپراتورهای اتحادیه اروپا با خطر نشت کربن برای کاهش هزینه‌های انطباق با سیستم تجارت انتشار داده می‌شود. این کمک هزینه‌ها برای کمک به اپراتورهای اتحادیه اروپا در رقابت با تولیدکنندگان مستقر در کشورهای دیگر طراحی شده است. اتحادیه اروپا در حال توسعه یک مکانیسم تنظیم مرز کربن است که به اختصار CBAM نامیده می‌شود. برای تکمیل سیستم تجارت انتشار با قرار دادن قیمت کربن برای برخی از واردات به اتحادیه اروپا از کشورهای ثالث مانند روسیه یا ایالات متحده طراحی شده است که بر کربن در سطح مورد تایید اتحادیه اروپا مالیات نمی‌دهند. [۴۵] هدف اعلام شده اتحادیه اروپا حفظ رقابت پذیری تولیدکنندگان اروپایی نسبت به تولیدکنندگان خارجی و جلوگیری از «نشت کربن» است.

قیمت تعدیل مرز بر اساس میانگین قیمت هفتگی مزایده‌های سیستم تجارت انتشار محاسبه می‌شود. با انجام این کار، قیمتی که تولیدکنندگان خارجی برای انتشار کربن می‌پردازند برابر با قیمتی است که تولیدکنندگان اروپایی بدون بار اداری محاسبات روزانه می‌پردازند. مکانیسم تنظیم مرز کربن همچنین پس از یک دوره حذف تدریجی، کمک هزینه سیستم تجارت انتشار رایگان را برای تولیدکنندگان اتحادیه اروپا جایگزین خواهد کرد. کمیسیون اروپا تخمین می‌زند که درآمد مکانیسم تنظیم مرز کربن از سال ۲۰۲۶ تا ۲۰۳۰ حدود ۱ میلیارد یورو در سال باشد. در طول مرحله انتقال و جمع‌آوری اطلاعات از ۲۰۲۳-۲۰۲۵، انتظار نمی‌رود که مکانیسم تنظیم مرز کربن درآمدی را افزایش دهد.

در حال حاضر، شورای اتحادیه اروپا و پارلمان اروپا در حال مذاکره درباره نسخه اصلاح شده پیشنهاد اصلی کمیسیون هستند که احتمالاً تا پایان سال ۲۰۲۲ به نتیجه می‌رسد. سه تفاوت کلیدی می‌تواند بر پایه

مالیات، بار اداری و نشت کل کربن تأثیر بگذارد.

اول، پیشنهاد کمیسیون پنج محصول را پوشش می‌دهد. تولید آهن و فولاد، سیمان، کود، آلومینیوم و برق. کمیسیون معتقد است این پایه مالیاتی محدود نشان دهنده پنج محصولی است که بیشتر در معرض خطر نشت کربن هستند. شورا از این پایه مالیاتی در موضع سیاست اتخاذ شده خود حمایت کرد. با این حال، نسخه پارلمان اروپا با گنجاندن محصولات ساخته شده از مواد شیمیایی آلی، پلاستیک، هیدروژن و آمونیاک دامنه را گسترش می‌دهد. علاوه بر این، دامنه را گسترش می‌دهد تا «انتشارهای غیرمستقیم» (انتشار برق مورد استفاده در طول فرآیند تولید محصولات داخلی) را در بر گیرد. دوم، پیشنهاد کمیسیون شامل تخفیف صادراتی برای محصولات ساخته شده در اتحادیه اروپا که در خارج از کشور مصرف می‌شود، نمی‌شود. پارلمان اروپا اصلاحیه‌ای را برای ادامه دادن تخصیص رایگان به تولیدکنندگان اتحادیه اروپا تحت سیستم تجارت انتشار برای محصولاتی که برای صادرات به کشورهای در حال توسعه بدون مکانیسم قیمت گذاری کربن مشابه سیستم تجارت انتشار هستند، پیشنهاد کرد. در اصل، این پیشنهاد از سیستم تجارت انتشار برای دادن تخفیف صادراتی به اپراتورهای اتحادیه اروپا استفاده می‌کند. شورا هنوز در مورد این ایده موضعی اتخاذ نکرده است و مشخص نیست که آیا اتحادیه اروپا با این سیاست مطابق سازمان تجارت جهانی خواهد بود یا خیر. سوم، کمیسیون پیشنهاد کرد که مدیریت مکانیسم تنظیم مرز کربن باید در سطح کشورهای عضو انجام شود. پارلمان اروپا ایجاد یک «مرجع مکانیسم تنظیم مرز کربن» جداگانه در سطح اتحادیه اروپا را به جای داشتن مقامات در هر کشور عضو پیشنهاد کرد. شورا پیشنهاد کرد که یک ثبت مرکزی اتحادیه اروپا از اظهارکنندگان مکانیسم تنظیم مرز کربن ایجاد شود، نه اینکه هر مرجع ملی ثبت خود را داشته باشد، اما همچنان در هر کشور عضو مرجع جداگانه‌ای داشته باشد.

موضع کمیسیون نشان دهنده مالیات کربن با تعرفه مرزی و پایه محدود است، زیرا مکانیسمی برای تخفیف صادرکنندگان اتحادیه اروپا برای محصولات مصرف شده در خارج از کشور ندارد. همچنین تنها پنج محصول اصلی را پوشش می‌دهد. این احتمالاً منجر به نشت کربن بیشتر توسط تولیدکنندگان اتحادیه اروپا می‌شود که تولید خود را به خارج از کشور به حوزه‌های قضایی با مالیات کربن کمتر منتقل می‌کنند.

موضع شورا همچنین پایه محدودی دارد و شامل تخفیف صادراتی برای تولیدکنندگان اتحادیه اروپا نمی‌شود. از نظر اداری، شورا سعی می‌کند برخی از بخش‌ها را در سطح کشورهای عضو و برخی در سطح اتحادیه اروپا داشته باشد. مشخص نیست که این کار چقدر برای تولیدکنندگان سنگین خواهد بود.

موضع پارلمان دارای پایگاه گسترده‌تری است، شامل تخفیف صادراتی در پشتی است و مدیریت را در سطح اتحادیه اروپا ساده می‌کند. با این حال، با گنجاندن انتشار غیرمستقیم در محاسبه، این موقعیت می‌تواند بار اداری را افزایش دهد. از نظر تئوری، نشت باید تحت این موقعیت محدود شود زیرا صادرات تخفیف دارد.

یکی از جنبه‌های مهمی که می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر ایالات متحده داشته باشد، زمانی است که تعدیل مکانیسم تنظیم مرز کربن اعمال می‌شود. اتحادیه اروپا

گفته است که تعدیل مرزی برای محصولات وارداتی که تولیدکننده خارجی قبلاً مالیات کربن معادل آن را پرداخت کرده است، اعمال نخواهد شد. با این حال، مشخص نیست که از چه معیارهایی برای تعیین برابری استفاده می‌شود و چه مرجعی در نهایت تصمیم خواهد گرفت که آیا مالیات کربن ایالتی یا فدرال آمریکا کافی است یا خیر.

باز یافت در آمد مالیات کربن و تأثیرات بخش به بخش

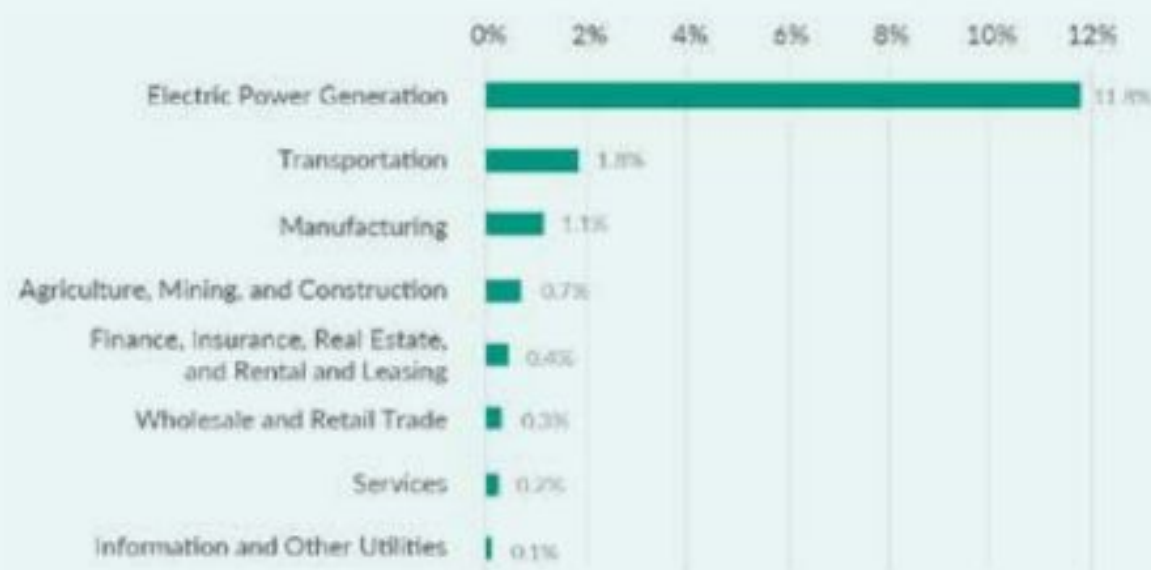
تعدیل‌های مرزی سیاست خوبی هستند، اما مسائل رقابت‌پذیری را به طور کامل خنثی نمی‌کنند، به ویژه در نسخه‌های ضعیف‌شده‌ای که از نظر اداری امکان‌پذیر است. این موضوع مجدداً بر اهمیت باز یافت درآمد در عملکرد اقتصادی مالیات کربن تأکید می‌کند. طرفداران مالیات بر کربن اغلب به ایده اثر سود دوگانه مالیات بر کربن اشاره می‌کنند - این مالیات می‌تواند هم منافع زیست‌محیطی را در بلندمدت ایجاد کند و هم منافع اقتصادی را در کوتاه‌مدت ایجاد می‌کند، زیرا می‌تواند از درآمد برای کاهش سایر موارد استفاده کرد. مالیات‌های تحریف‌کننده‌تر این مفهوم معمولاً به تأثیر مالیات کربن و کاهش مالیات همراه در کل اقتصاد اشاره دارد. همانطور که مدل مالیات و رشد بنیاد مالیات نشان داد، مالیات کربن و هزینه برای سرمایه‌گذاری می‌تواند ترکیبی قوی باشد. ما دوام را برای استهلاک ۱۰۰ درصدی پاداش برای تجهیزات و بازگرداندن هزینه‌های سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه (R&D) با مالیات ۵۰ دلاری کربن در دو بسته مختلف (یکی متمرکز بر پرداخت‌های انتقال نقدی و دیگری متمرکز بر کاهش کسری بودجه) جفت کردیم. در خالص، هر دو بسته تأثیر مثبت خالص بر رشد اقتصادی داشتند و درآمد را صرف اولویت‌های دیگر کردند.

با این حال، می‌توان چارچوب مشابهی را برای تأثیر مالیات کربن و باز یافت درآمد بر صنایع خاص اعمال کرد. تحقیقات موجود در مورد پتانسیل این اثر مختلط است. تحقیقات گیلبرت متکالف اقتصاددان نشان داده است که جفت کردن مالیات کربن با کاهش مالیات بر سرمایه می‌تواند از تولید حمایت کند، زیرا شدت سرمایه‌نسیبی تولید به معنای کاهش گسترده مالیات بر سرمایه‌گذاری است. زمانی که مالیات ۲۰ دلاری به ازای هر تن کربن با ۱۰ درصد اعتبار مالیاتی سرمایه‌گذاری (که بخش نسبتاً کمی از درآمد تولید شده را به خود اختصاص می‌دهد) جفت می‌شود، حدود یک سوم صنایع تولیدی شاهد کاهش مالیات خواهند بود. زمانی که درآمد مالیات کربن با کاهش نرخ شرکت به اندازه یکسان همراه شد، تولید به طور کلی شاهد کاهش مالیات بود. قابل ذکر است که این رویکرد برای تولید بسیار سودمندتر از استفاده از درآمد برای کاهش مالیات حقوق و دستمزد است. در حالی که مدل بنیاد مالیات در حال حاضر نمی‌تواند مالیات کربن را بر اساس صنعت به صنعت مدل کند، ما می‌توانیم آنچه را که مطالعات دیگر در رابطه با تأثیر مالیات کربن در بین صنایع پیدا کرده‌اند با مدل‌سازی خود در مورد تأثیر گزینه‌های باز یافت درآمد ممکن بر صنایع مختلف مقایسه کنیم.

به عنوان مثال، یک مطالعه EY در سال ۲۰۱۸ تأثیر مالیات بر کربن را در بخش‌ها مورد بررسی قرار داد و دریافت که مالیات کربن بالاترین هزینه‌ها را برای تولید انرژی الکتریکی افزایش می‌دهد و بخش‌های حمل‌ونقل و تولید بسیار عقب مانده‌اند.

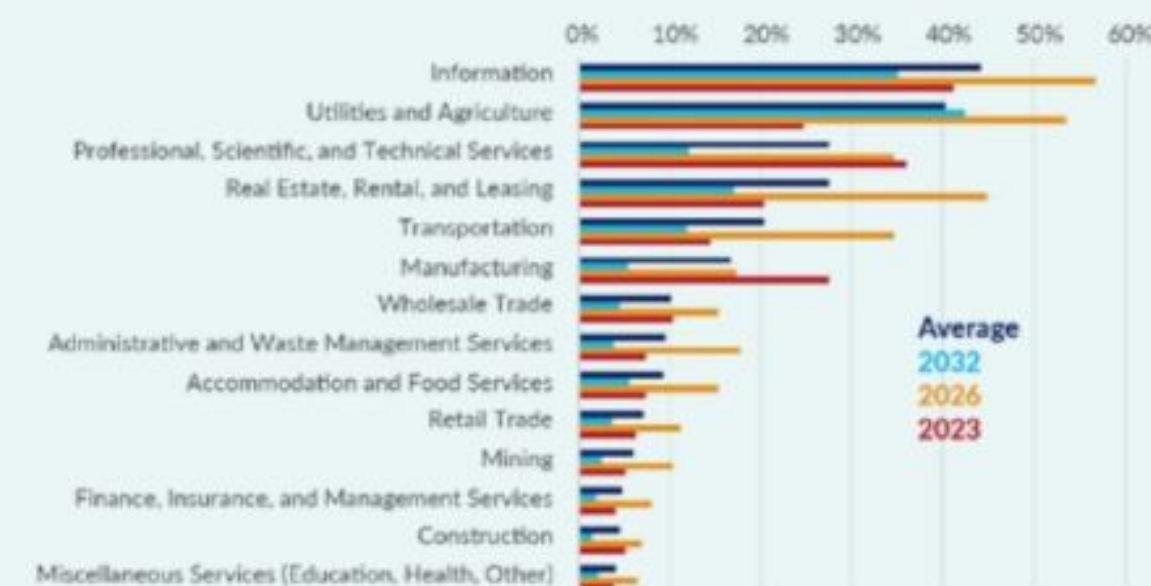
EY Study: Electric Power Generation Would See Largest Increase in Production Costs under Carbon Tax

Change in Industry Production Costs Under a \$25 per ton Carbon Tax



Some Industries with High Carbon Tax Burdens Would Benefit Significantly from Expensing Provisions

Percent Reduction in Tax Liability Under Permanent Bonus Depreciation and R&D Expensing



می‌کنند، چگونه است. اما می‌توانیم ببینیم که بسیاری از صنایعی که بیشترین افزایش هزینه‌ها را تحت مالیات کربن خواهند دید، کاهش مالیات قابل توجهی از هزینه‌های باز یافت درآمد متمرکز بر تحقیق و توسعه و سرمایه‌گذاری تجهیزات را نیز خواهند دید.

نتیجه

مالیات کربن روشی کارآمد برای کاهش انتشار کربن است اما چالش‌های متعددی را در اقتصاد جهانی ایجاد می‌کند. نشست یا خارج کردن فعالیت‌های اقتصادی با کربن فشرده، مهمترین آنهاست. تحمیل مالیات کربن بر مصرف داخلی با تعدیل مرز کربن با معافیت از انتشار گازهای گلخانه‌ای مربوط به تولید صادرات آمریکا و مالیات بر محتوای آلاینده‌های وارداتی می‌تواند مسائل مربوط به نشست را برطرف کند، اگرچه اندازه‌گیری انتشار گازهای گلخانه‌ای از واردات چالش‌های اداری و قانونی ایجاد می‌کند.

مکانیزم تنظیم مرز در عمل ناقص خواهد بود. این امر بر اهمیت باز یافت درآمد مالیات کربن برای اصلاحات مالیاتی حامی رشد، مانند دائمی کردن استهلاک ۱۰۰ درصدی پاداش و لغو استهلاک تحقیق و توسعه، که بیشتر به اقتصاد ایالات متحده کمک می‌کند تارقاتی بماند، تأکید می‌کند.

از هر دو سیاست کاهش می‌یابد، زیرا هزینه‌های درآمدی پیشاپیش بارگذاری می‌شود.

این نتایج نشان می‌دهد که برخی از صنایع با افزایش زیاد در هزینه‌های تولید نیز به طور قابل توجهی از هزینه‌های تحقیق و توسعه و ماندگاری استهلاک پاداش سود می‌برند. به ویژه، شرکت‌های برق (از جمله تولید برق) شاهد کاهش قابل توجه مالیات تحت این دو کاهش مالیاتی خواهند بود که به طور هماهنگ اجرا می‌شوند، همانطور که تولید و حمل و نقل نیز شاهد آن هستند.

اگر با هم اجرا شوند، نمی‌توانیم تحلیل‌های موسسه‌های اقتصادی EY و Tax Foundation را برای تأثیر خالص نهایی این سیاست‌ها ترکیب کنیم. مقاله موسسه EY به هزینه‌های تولید صنعت می‌پردازد، در حالی که مدل بنیاد مالیات به بدهی مالیاتی می‌پردازد. علاوه بر این، در حالی که مدل موسسه EY فرض می‌کند ۱۰۰ درصد بار مالیات کربن به مصرف‌کنندگان منتقل می‌شود (مانند مدل سازی مالیات کربن توسط بنیاد مالیات)، بخش کوچکی از مالیات بر عهده تولیدکنندگان است. به این ترتیب، نمی‌توانیم حدس بزنیم که خود تولیدکنندگان و نه مصرف‌کنندگان چقدر صدمه خواهند دید، و این در مقایسه با مزایایی که از هزینه‌های تحقیق و توسعه و پایداری کاهش ارزش پاداش دریافت



ما می‌توانیم این نتایج را با تجزیه و تحلیل در سطح بخش از گزینه‌های باز یافت درآمد مقایسه کنیم، یعنی ماندگاری استهلاک ۱۰۰ درصدی پاداش برای تجهیزات و ماشین‌آلات (که در غیر این صورت در سال ۲۰۲۳ شروع به حذف تدریجی می‌کنند) و بازگشت به هزینه‌های سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه (در حالی که شروع می‌شود در این سال، شرکت‌ها ملزم به استهلاک هزینه‌های تحقیق و توسعه در طول پنج سال هستند).

این تحلیل به سه سال مختلف نگاه می‌کند زیرا مزایای نسبی این سیاست‌ها متفاوت است. در سال ۲۰۲۳، تغییر از استهلاک تحقیق و توسعه طی ۵ سال به هزینه‌ها، پیشرفت بزرگ تری نسبت به دائمی نگه داشتن استهلاک ۱۰۰ درصدی پاداش است، زیرا طبق قانون فعلی، شرکت‌ها همچنان می‌توانند بلافاصله ۸۰ درصد از سرمایه‌گذاری‌های خود را در تجهیزات کسر کنند. به این ترتیب، صنایعی که بیشتر در تحقیق و توسعه نسبت به تجهیزات سرمایه‌گذاری می‌کنند، سود بیشتری می‌برند.

برعکس، در سال ۲۰۲۶، ماندگاری استهلاک پاداش مزیت بیشتری نسبت به هزینه‌های تحقیق و توسعه دارد، زیرا در سال ۲۰۲۶ انتظار می‌رود استهلاک پاداش به طور کامل حذف شود. در همین حال، در سال ۲۰۲۳، کاهش مالیات ناشی



دلایل اهمیت
امتیازدهی پویای مالیاتی

تصویر واقعی از اثرات اقتصادی سیاست مالیاتی

اگرت واتسون | ۱۲ ژانویه ۲۰۲۳

امتیاز دهی متعارف نامیده می شود، فرض می کند که تغییرات مالیاتی هیچ تاثیری بر اقدامات کلان اقتصادی مانند تولید ناخالص داخلی، سرمایه گذاری و مشاغل ندارد (در حالی که می تواند باعث تغییر شغل و سرمایه گذاری شود - برای مثال از یک صنعت به صنعت دیگر - کل مشاغل را در خود جای می دهد.

در سال های اخیر، امتیازدهی پویا به عنوان ابزار ارزشمند دیگری برای قانون گذاران برای ارزیابی مبادلات در تغییرات سیاست های مالیاتی پدیدار شده است. امتیازدهی پویا نشان می دهد که مالیات دهندگان چگونه به تغییر مالیات واکنش نشان می دهند و این به نوبه خود چگونه بر اقتصاد کلان و بودجه فدرال تأثیر می گذارد و مفروضات استاندارد در مورد رفتار اقتصادی را در بر می گیرد (به عنوان مثال، نرخ مالیات نهایی بالاتر بر درآمد نیروی کار چگونه ساعات کار را کاهش می دهد).

در نتیجه، امتیازدهی پویا تصویر واقعی تری از اثرات اقتصادی تغییرات سیاست مالیاتی ارائه می دهد. مهمتر از همه، امتیازدهی پویا اطلاعاتی را در اختیار قانونگذاران قرار می دهد که آنها برای تعیین اینکه چگونه سیاست مالیاتی ممکن است اقتصاد را رشد (یا کوچکتر) کند و چگونه این امر بر جمع آوری درآمدهای مالیاتی تأثیر می گذارد، ارائه می دهد.

به عنوان مثال - با استفاده از مدل مالیات و رشد بنیاد مالیات - متوجه می شویم که تغییرات مالیاتی با هزینه ثابت درآمد یکسان می تواند اثرات بسیار متفاوتی بر تولید ناخالص داخلی، سرمایه گذاری، مشاغل و درآمد فدرال داشته باشد.

مدل های مالیاتی مختلف می توانند منجر به نتایج متفاوتی شوند که اغلب به دلیل تفاوت در روش شناسی و مفروضات است. تفاوت ها باعث ایجاد بحث ها و بحث های پربار در مورد روش ها، رویکردها و مفروضات هنگام ارزیابی گزینه های سیاست مالیاتی می شود. کمیته مشترک مالیات و دفتر بودجه کنگره مدل های پویا پیچیده ای دارند که به طور دورهای در طول سال ها استفاده کرده اند، و مهم است که با در دسترس قرار گرفتن اطلاعات و

اوایل سال جدید میلادی، مجلس نمایندگان آمریکا بسته قوانین خود را برای کنگره ۱۱۸ تصویب کرد. یک تغییر قابل توجه در قوانین، دفتر بودجه کنگره و کمیته مشترک مالیات را ملزم می کند تا تخمین هایی از «اثرات بودجه ای تغییرات در تولید اقتصادی، اشتغال، موجودی سرمایه و سایر متغیرهای کلان اقتصادی» ارائه دهند. قانون همچنین به عنوان امتیازدهی پویا شناخته می شود. این قوانین از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ قبل از حذف آنها اعمال می شد.

ادغام مجدد امتیازدهی پویا در روند قانونگذاری مجلس، فرصتی است برای یادآوری اینکه چرا برآوردهای پویا اهمیت دارند. قانونگذاران باید از جامع ترین ابزارهای تحلیلی در دسترس خود مانند امتیازدهی پویا برای تصمیم گیری آگاهانه در مورد تغییرات سیاست استفاده کنند. توماس سوول، اقتصاددان، زمانی گفت: هیچ راه حلی وجود ندارد، فقط معاضه وجود دارد. این درس به ویژه در سیاست مالیاتی و در انتخاب هایی که قانونگذاران باید در تامین مالی سرمایه گذاری های عمومی انجام دهند صادق است. به عنوان یک قاعده کلی، سیاست مالیاتی دارای سه اهرم است که قانونگذاران باید تعادل ایجاد کنند: درآمد، حقوق صاحبان سهام و رشد اقتصادی. هر یک از عوامل همیشه نمی توانند به طور مساوی تعادل داشته باشند.

به عبارت دیگر، قانونگذاران باید تصمیم بگیرند که کدام یک از همه مهمتر است:

- (۱) چقدر درآمد مالیات افزایش می یابد،
- (۲) پیشرفت، یا چه کسی بار مالیات را به دوش می کشد،
- (۳) تاثیر مالیات بر رشد اقتصادی چه خواهد بود

امتیازدهی پویا به درک قانونگذاران از هر معامله کمک می کند.

امتیازدهی پویا درک جامع تری از اثرات پیش بینی شده قانون مالیات ارائه می دهد. سیاستگذاران در کاپیتول هیل به طور تاریخی تغییرات در اداره مالیاتی ایالات متحده را با استفاده از روشی تخمینی به نام امتیازدهی استاتیک ارزیابی کرده اند. همچنین به عنوان

راه های بهتر و بدتری برای افزایش یک دلار درآمد وجود دارد. این به این دلیل است که هیچ دو مالیاتی بر اقتصاد یکسان تأثیر نمی گذارند، حتی اگر طبق برآوردهای متعارف، هر دو درآمد مساوی داشته باشند. یکی از راه هایی که می توان در مورد آن فکر کرد، سلسله مراتبی است: کدام مالیات ها برای رشد بلندمدت اقتصادی بیشترین و کمترین ضرر را دارند؟ سلسله مراتب با توجه به اینکه کدام عوامل متحرک تر هستند و در نتیجه نسبت به نرخ های مالیاتی حساس تر هستند، تعیین می شود. به عبارت دیگر، چه فعالیت های اقتصادی، در صورت مشمول مالیات، می توانند به راحتی جابجا شوند، کاهش یا تغییر داده شوند تا از آن مالیات اجتناب شود؟ مالیات بر متحرک ترین عوامل اقتصاد مانند سرمایه بیشترین انحراف را ایجاد می کند و بیشترین تأثیر منفی را دارد. مالیات بر عواملی که به راحتی قابل جابجایی نیستند، مانند زمین، پایدارترین و کمترین تحریف هستند. سیاست مالیاتی صحیح نباید تصمیمات شخصی یا تجاری را تشویق و یا دلسرد کند. هدف مالیات ها افزایش درآمد مورد نیاز است، نه به نفع یا تنبیه صنایع، فعالیت ها و محصولات خاص. به حداقل رساندن ترجیحات مالیاتی، پایه مالیاتی را گسترش می دهد تا دولت بتواند درآمد کافی را با نرخ های پایین تر به دست آورد. راه دیگر برای اندیشیدن در مورد تأثیرات مختلف تغییرات سیاست مالیاتی این است که در نظر بگیرید کدام مالیات ها بیشترین تأثیر را بر اقتصاد به ازای هر دلار از درآمد جمع آوری شده دارند - نوعی تحلیل "ارزش پول". به عنوان مثال، ما دریافتیم که هزینه کامل دائمی سرمایه گذاری باعث رشد اقتصادی بیشتر و درآمد بالاتر پس از مالیات برای افراد متوسط به ازای ۱۰ میلیارد دلار از دست رفتن درآمد نسبت به گزینه های جایگزین، مانند کاهش مالیات بر درآمد فردی می شود.

متدولوژی های جدید، به استفاده و اصلاح آن ها ادامه دهند. با اطلاعات جامع تر ارائه شده توسط امتیازدهی پویا، قانون گذاران می توانند بین سیاست هایی که ممکن است با استفاده از روش های مرسوم مشابه به نظر برسند اما اثرات بسیار متفاوتی بر رشد اقتصادی دارند، تفاوت قائل شوند.

۲. تغییرات مالیاتی در خلاء رخ نمی دهد

قانون گذاران باید به دقت در مورد مشوق هایی که از طریق قانون مالیات ایجاد می کنند فکر کنند. مالیات بر رفتار تأثیر می گذارد و بنابراین می تواند عواقب ناخواسته ای داشته باشد، حتی بر اقتصاد به عنوان یک کل تأثیر بگذارد.

متأسفانه، امتیازدهی ایستا با ثابت نگه داشتن اندازه اقتصاد، تصویر ناقصی را برای قانون گذاران فراهم می کند، و قانون گذاران باید مبادلات اقتصادی و درآمدی بین سیاست ها را ارزیابی کنند. به عنوان مثال، مالیات دهندگان با تغییر تصمیمات خود برای خرج کردن یا پس انداز، مصرف یا خودداری به تغییرات در نرخ های مالیاتی حاشیه ای پاسخ می دهند. امتیازدهی قانونی باید این واقعیت را منعکس کند.

۳. راه های بهتر و بدتر برای افزایش درآمد وجود دارد

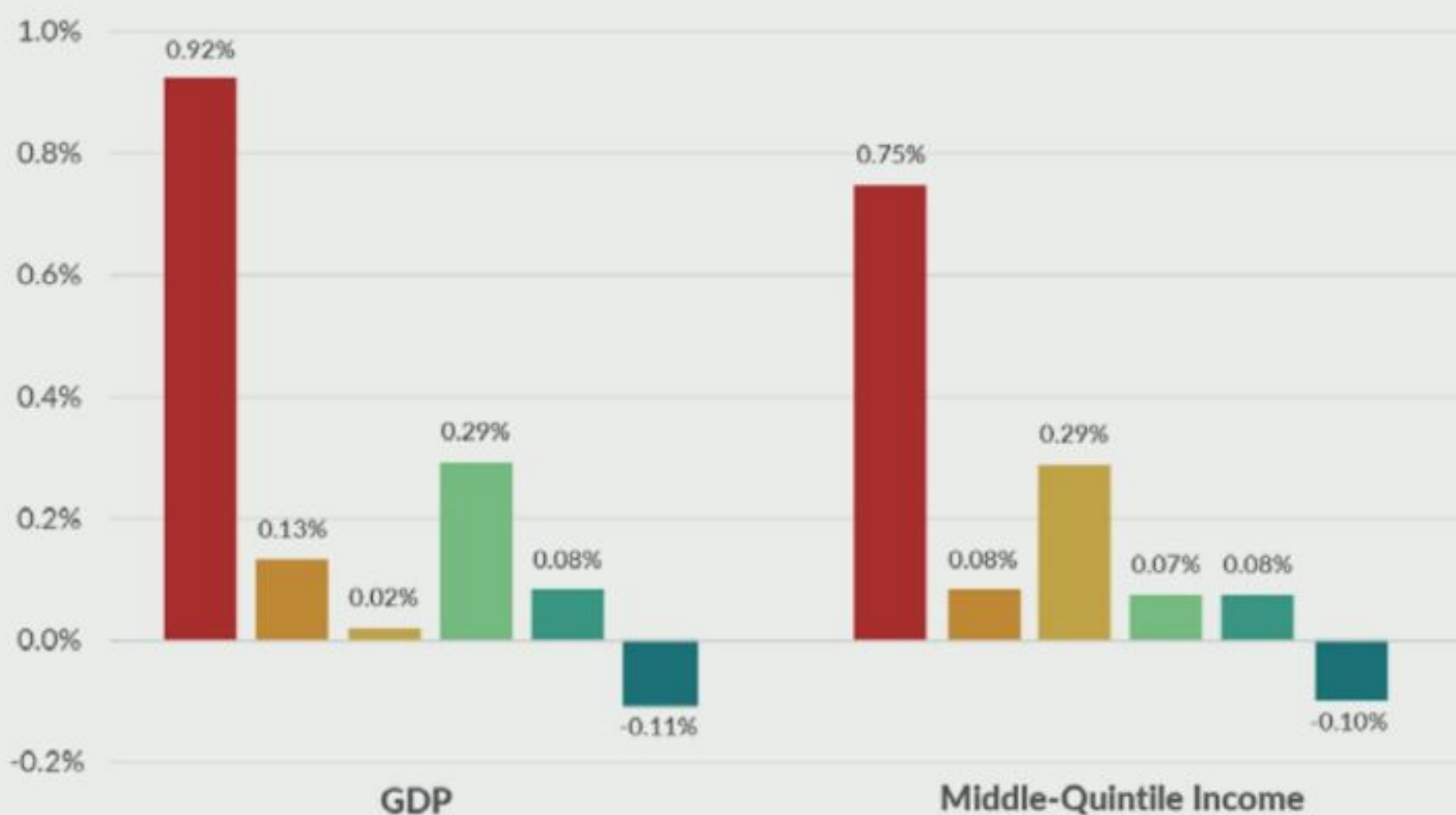
با در نظر گرفتن تغییرات رفتاری و کلان اقتصادی، امتیازدهی پویا بحث مالیات را از یک بحث ساده در مورد اینکه چقدر درآمد باید به دست آوریم به بحث مهمتری در مورد چگونگی افزایش درآمد تغییر می دهد.

Full Expensing Offers the Biggest "Bang for Your Buck"

Percentage Change in Gross Domestic Product and After-Tax Income for the Middle Quintile per \$10 Billion of Revenue

Bonus Individual \$500 Increase CTC

Universal Savings Accounts 20% CIT Biden-Style Minimum Tax



سیاست مالیاتی تماماً در مورد مبادلات است و امتیازدهی پویا ابزاری ضروری برای سیاست گذاران برای درک و تعیین کمیت مبادلات است. از آنجایی که راه های بهتر و بدتری برای افزایش درآمد دولت وجود دارد، قانون گذاران شایسته درک جامع تری از اثرات پیش بینی شده قانون مالیات بر اقتصاد، درآمد دولت و مالیات دهندگان روزمره هستند. هرگونه تغییر در کد مالیاتی باید بر اساس اصول سیاست مالیاتی صحیح هدایت شود: سادگی، شفافیت، بی طرفی و ثبات، و امتیازدهی پویا از این تلاش ها پشتیبانی می کند.

این نوع اطلاعات برای سیاست گذاری حیاتی است. این یک تغییر خوشایند است که آن را از کمیته مشترک مالیات و دفتر بودجه کنگره برای قوانین اصلی الزام کنیم. همچنین مهم است که به یاد داشته باشید در حالی که برآوردهای پویا درآمد ممکن است به دلیل رشد اقتصادی بالاتر و درآمد مالیاتی بالاتر، میزان کمتری از دست دادن درآمد را نسبت به امتیاز معمولی نشان دهد، امتیازدهی پویا نشان می دهد که کاهش مالیات به خودی خود جواب نمی دهد.



فرصت رقابتی کردن
رژیم مالیاتی هند در سطح جهانی

ستاره در حال ظهور

دولت باید از فرصت برای حل و فصل مسائل مالیاتی دراز مدت در بودجه ۲۰۲۳ استفاده کند. رژیم مالیات بر درآمد شخصی باید برای همه طبقات مالیات دهندگان ساده شود، مالیات بر عایدی سرمایه ساده شود و سیاست‌ها کمتر مورد اعتراض قرار گیرد. هند یک ستاره در حال ظهور در فلک اقتصادی جهان با نرخ رشد قابل قبولی بالا، به ویژه در میان اقتصادهای بزرگ است.

بودجه ۲۰۲۳ احتمالاً آخرین بودجه کامل قبل از انتخابات در ماه مه ۲۰۲۴ خواهد بود. این بودجه دهمین بودجه دولت خواهد بود و نقطه عطفی در تاریخ اقتصادی هند خواهد بود. هند یک ستاره در حال ظهور در فلک اقتصادی جهان با نرخ رشد قابل قبولی بالا، به ویژه در میان اقتصادهای بزرگ است. این کشور امروز پنجمین اقتصاد بزرگ و سومین در برابری قدرت خرید است.

اقتصاد به شدت از اثرات همه گیر کووید-۱۹ بهبود یافته است. برآوردهای قبلی از تولید ناخالص داخلی اسمی سال مالی ۲۳ برابر با ۲۷۲ لک کروور بود. اقتصاد می تواند ۶ تا ۷ درصد به صورت واقعی و ۱۱ تا ۱۲ درصد به صورت اسمی در سال مالی ۲۴ رشد کند - یعنی حدود ۳۲ میلیون روپیه در تولید ناخالص داخلی اضافه شده، که مقدار قابل توجهی است.

بودجه ۲۰۲۳ باید عزم دولت را برای کاهش کسری مالی همانطور که وعده داده بود از ۶.۴ درصد به حدود ۶ درصد نشان دهد. درآمدهای مالیاتی به طور استثنایی خوب عمل می کند و ممکن است از برآورد بودجه ۲۸ لک کروور روپیه فراتر رود تا به ۳۲ تا ۳۳ میلیون روپیه کروور در سال مالی ۲۳ برسد. شناسایی مالیات در سال مالی ۲۲ و همچنین زمانی که درآمدها ۵ میلیون روپیه فراتر رفتند. تداوم شناوری مالیات در سال مالی ۲۴ می تواند درآمد را به ۳۷ تا ۳۸ میلیون روپیه افزایش دهد.

در روند هزینه های فعلی، یارانه ها همچنان جزء مهمی هستند و انتظار می رود در مجموع به ۶

مالیاتی طولانی مدت در بودجه ۲۰۲۳ استفاده کند. نرخ های مالیات بر درآمد شخصی با وجود تورم بالا برای یک دوره مداوم تقریباً ثابت مانده است. طبقه متوسط مالیات دهندگان به درستی انتظار گسترش سطوح مالیاتی را دارند. ساختار فعلی مملو از معافیت ها و کسورات برای مسکن، پس انداز، بهره و غیره است که هدف آن افراد ۲۵ تا ۵۵ ساله است که در حال ساخت خانه و پس انداز برای آینده هستند. این ساختار برای افراد بالای ۵۵ سال و بازنشستگان کاربرد کمی دارد.

دو سال پیش، دولت تلاشی بی سابقه برای ساده سازی ساختارهای مالیاتی و حذف معافیت ها انجام داد. فقط تعداد کمی از مالیات دهندگان آن را مفید یافتند. اکنون، انتظار می رود که دولت سطوح مالیاتی را با چیزی شبیه به - بدون مالیات بر درآمد تا سقف ۵ میلیون روپیه ساده کند. ۱۰ درصد مالیات برای برآکت ۵ تا ۱۰ میلیون روپیه؛ ۲۰ درصد برای ۱۰-۲۰ میلیون روپیه؛ ۳۰ درصد برای بالای ۲۰ میلیون روپیه؛ و اضافه بهای

میلیون روپیه کروور برسد. یارانه های غذایی و کودها به ترتیب ۳ لک کروور و ۲.۵ لک کروور روپیه به عنوان اجزای اصلی باقی می ماندند. داده ها نشان می دهد که یارانه ها به طور قابل توجهی در سال جاری فراتر خواهد رفت. با این حال، کاهش اخیر در قیمت کود و گاز در سطح جهانی و سیاست جدید در مورد یارانه های مواد غذایی می تواند کل یارانه ها را تا ۲ میلیون روپیه در سال مالی ۲۴ کاهش دهد.

مخارج سرمایه (سرمایه) ۷.۵ میلیون روپیه کروور انتظار می رود در پایان سال مالی به دست آید. سرمایه هدف گذاری شده ۱۰ لک کروور در سال مالی ۲۴ بر شتاب رشد بیشتر در کشور خواهد بود. رشد مداوم سرمایه باعث بهبود ظرفیت تولیدی کشور و ایجاد اشتغال در مقیاس بزرگ خواهد شد.

ساده سازی رژیم مالیات بر درآمد دولت باید از این فرصت برای حل و فصل مسائل

های قابل مقایسه، همان کاری است که در سطح جهانی انجام می شود. به عنوان مثال، اوراق بهادار فهرست شده و غیر بورسی باید به عنوان دارایی های مشهود مانند طلا، زمین و ساختمان ها برابر در نظر گرفته شوند. این حرکت باعث افزایش انطباق مالیاتی خواهد شد.

کاهش دعاوی مالیاتی

سال مالی ۲۰۲۴ باید به عنوان سال حل و فصل دعاوی مالیاتی تلقی شود، زیرا دادخواهی مالیاتی به یک مشکل مهم تبدیل شده است. دیوان عالی دو شعبه برای رسیدگی به پرونده های مالیاتی تشکیل داده است که این اتفاق خوشایند است. بخش مالیات بر درآمد باید از این مزیت کامل استفاده کند و اطمینان حاصل کند که دعاوی و اختلافات مالیاتی به حداکثر میزان در سال مالی کاهش می یابد. محدودیت های پولی برای تجدید نظر باید افزایش یابد، بنابراین دعاوی مالیاتی کاهش می یابد.

پلتفرم های فناوری کارایی فرآیندهای تشکیل پرونده مالیاتی و بازپرداخت را به میزان قابل توجهی بهبود بخشیده اند که باعث خوشحالی بیشتر مالیات دهندگان شده است. اکثر ارزیابی شوندهگان اکنون ظرف ۳۰ روز پس از تشکیل پرونده بازپرداخت دریافت می کنند که قابل توجه است. جمع آوری مالیات اضافی بازپرداخت سریع را تضمین کرده است و بازپرداخت ها به دلیل نیاز به برآورده کردن اهداف مالیاتی، بی دلیل متوقف نمی شود.

یکی دیگر از مسائل جدی، روند افزایش مالیات توسط مقامات مالیاتی است که در دادگاه ها کاهش یا لغو می شود. این نتیجه از یک سیستم طولانی مدت تعیین اهداف جمع آوری مالیات سالانه است که منجر به هدر رفتن پول و زمان مالیات دهندگان و همچنین وقت دادگاه می شود و امور اداری هند را مختل می کند. اگرچه میزان ترور بسم مالیاتی کاهش یافته است، اما همچنان یک موضوع مهم است. مقاماتی که به طور مداوم ارزیابی های بالایی انجام می دهند که بعداً در دادگاه کاهش یا لغو می شوند، باید شناسایی و پاسخگو باشند. اسناد بودجه نشان می دهد که اختلافات مالیاتی به ارزش ۱۲ لک کروور روییده در حال بررسی است، در مقایسه با ۴.۵ میلیون روییه در سال ۲۰۱۴. هر تلاشی باید برای رسیدگی سریع به این موضوع و رفع علل اساسی این مشکل انجام شود. مقابله با ترور بسم مالیاتی یکی از اقدامات دولت است.

در مورد مخارج، تخصیص بودجه ۲۰۲۳ باید تضمین کند که تمام طرح های اجتماعی دولت (مسکن، گاز، آبیاری، تامین آب لوله کشی و غیره) به هر شهروندی که به آنها نیاز دارد برسد. تمام وعده ها در مورد امکانات رفاهی و بهبود کیفیت زندگی باید تا مارس ۲۰۲۴ تکمیل شود.



های تولیدی جدید) یک مزیت برای صنعت بوده و صنعت هند را در سطح جهانی رقابتی کرده است. این امر باعث افزایش اقلام تعهدی داخلی، کاهش بدهی ها و تجدید توانایی برای سرمایه گذاری در سرمایه شده است. کاهش مالیات شرکت ها هند را در دو سال گذشته متحول کرده و جمع آوری ناخالص را افزایش داده است. دولت باید اقدامات مشابهی را برای ادامه بهبود سهولت انجام تجارت هند انجام دهد. به عنوان مثال، لغو مالیات باز خرید و مالیات بر عایدی سرمایه به شیوه ای منصفانه، رقابت پذیری شرکت ها را در بازارهای عمومی افزایش می دهد و ترغیب کنندگان بیشتری را به ماندن در هند و فهرست کردن شرکت های خود در اینجا تشویق می کند. مالیات بر عایدی سرمایه بر دارایی های مختلف باید ساده شود، زیرا سردرگمی های زیادی ایجاد کرده است و حجم عادلانه ای از دعاوی را ایجاد کرده است. برای این کار، باید اطمینان حاصل شود که عایدی سرمایه مشمول مالیات بر دارایی

اسمی ۱۲ درصد بالاتر از آن. هزینه های اضافی که نرخ مالیات را به ۴۳ درصد می رساند باید کنار گذاشته شود، زیرا مالیات های بیش از حد منجر به مهاجرت افراد با ثروت بالا به سمت رژیم های مالیاتی مطلوب تر مانند سنگاپور، دبی و ایالات متحده شده است. در حالی که در سخنرانی بودجه بیان شده بود که اضافه هزینه فقط بیش از مقدار آستانه قابل اعمال است، قانون متعاقب آن را بر کل درآمد اعمال کرد. نه فقط بالای آستانه بودجه ۲۰۲۳ فرصتی برای تنظیم این موضوع است.

این باز آری ساختار مالیاتی را ساده تر می کند و همه معافیت ها به جز ۸۰G برای کمک های عالی و ۸۰D برای بیمه سلامت را از بین می برد. این می تواند جایگزینی برای افرادی باشد که می خواهند پرونده مالیاتی خود را ساده کنند. دولت می تواند سودمندی ساختار جدید را با مقایسه نرخ پذیرش آن با نرخ حفظ ساختار موجود ارزیابی کند. تا آنجا که به مالیات شرکت ها مربوط می شود، نرخ مالیات ۲۵ درصد (با ۱۵ درصد برای شرکت

مالیات نامرئی

دارای زنجیره‌های تامین هستند که از چندین مرز عبور می‌کنند و هر مرزی که عبور می‌کند می‌تواند هزینه‌های بالاتری را به دلیل تعرفه‌ها به دنبال داشته باشد.

بار تعرفه‌ها بر دوش کیست؟

در حالی که تعرفه‌ها اغلب به عنوان مالیات بر مشاغل خارجی توصیف می‌شود، هزینه‌ها اغلب بر عهده مصرف کنندگان در کشوری است که تعرفه‌ها را اعمال می‌کند. تعرفه‌ها به طور مستقیم با افزایش مصنوعی قیمت واردات، هزینه فروش داخلی را افزایش می‌دهند. اثرات توزیعی تعرفه (بار اقتصادی که بر خانوارها در سطوح درآمدی تحمیل می‌کند) تمایل به قهقراپی دارد و خانواده‌های کم درآمد را بیشتر از خانوارهای با درآمد بالاتر تحمیل می‌کند.

تعرفه‌ها قبل از اینکه به عنوان جبرانی برای نهاده‌های عامل (کارگران و سرمایه) توزیع شود، از درآمد کسب و کار خارج می‌شود. این امر بین آنچه کارگران و سرمایه تولید می‌کنند و مقدار دریافتی آنها فاصله ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، شکافی بین قیمت مصرف کننده و قیمت تولید کننده، تعرفه‌ها در نهایت بر عوامل تولید می‌افتد و درآمد نیروی کار و سرمایه مالیات دهندگان را کاهش می‌دهد. این امر با افزایش قیمت‌ها یا کاهش درآمد دستمزد و سرمایه اتفاق می‌افتد. تعرفه‌ها تمایل به قهقراپی دارند، زیرا میانگین سهم منابع درآمدی که تحت فشار تعرفه‌ها قرار دارند برای مالیات دهندگان کم درآمد بالاتر است. تجزیه و تحلیل تعرفه‌های تحمیلی و تهدید شده ایالات متحده (از دسامبر ۲۰۱۸) نشان می‌دهد که خانوارهای با درآمد پایین و متوسط افت نسبتاً بیشتری در درآمد پس از مالیات تجربه می‌کنند.

این عدم شفافیت همچنین پیامدهای ناخواسته تعرفه‌ها را پنهان می‌کند.

اگرچه تعرفه‌ها بر کالاهای خارجی اعمال می‌شود، اما در واقع این شرکت‌ها و مصرف کنندگان داخلی هستند که بیشترین بار را به دوش می‌کشند.

کالاهای داخلی که متکی به مواد خارجی هستند، مانند چوب، تولید گران تر می‌شوند.

به توبه خود، این مشاغل داخلی آسیب می‌بینند، که می‌تواند منجر به مشاغل کمتر و دستمزد کمتر برای کارکنان آنها شود.

آنها همچنین ممکن است با افزایش قیمت‌ها، هزینه‌های افزایش یافته خود را به شما، مصرف کننده منتقل کنند.

در مجموع، تعرفه‌ها باعث می‌شود کالاها برای مصرف کنندگان داخلی کمتر مقرون به صرفه باشند، به کسب و کارهای داخلی لطمه بزنند و اقتصاد را کوچکتر کنند.

حتی اگر تعرفه‌ها نامرئی هستند، اثرات آنها به وضوح قابل مشاهده نیست. آنها ممکن است به عنوان ابزاری برای تقویت اقتصاد فروخته شوند، اما تعرفه‌ها فقط مالیات‌هایی هستند که وضعیت همه را بدتر می‌کنند.

تعرفه‌ها چگونه کار می‌کنند؟

زمانی که کالا یا خدماتی به کشوری وارد می‌شود، تعرفه‌ها پرداخت می‌شود. اگر یک خودروساز موتورهایی را وارد کند که در خودروها مورد استفاده قرار می‌گیرند، تعرفه‌های آن موتورهای وارداتی باعث افزایش هزینه تولید و هزینه مصرف کننده می‌شود. هزینه‌های تعرفه منجر به بارهای بیشتر بر تجارت بین‌المللی می‌شود که می‌تواند به تولید آسیب برساند. بسیاری از کسب و کارها

تعرفه‌ها مالیات‌هایی هستند که توسط یک کشور بر کالاها یا خدمات وارد شده از کشور دیگر اعمال می‌شود. تعرفه‌ها موانع تجاری هستند که قیمت‌ها را افزایش می‌دهند و مقادیر موجود کالاها و خدمات را برای مشاغل و مصرف کنندگان ایالات متحده کاهش می‌دهند.

تعرفه‌ها به منظور رقابتی تر کردن کالاها و خدمات داخلی از طریق گران شدن محصولات وارداتی است. اما در واقع، تعرفه‌ها بر مشاغل داخلی و مصرف کنندگان سنگینی می‌کند.

تولید کالاهای داخلی که از مواد خارجی استفاده می‌کنند گران تر می‌شوند و در نتیجه سود کمتر، دستمزد کمتر و مشاغل کمتری ایجاد می‌شود.

افزایش هزینه‌های تولید منجر به قیمت‌های بالاتر برای مصرف کننده می‌شود، که نمی‌تواند متوجه شود که افزایش هزینه ناشی از تعرفه است، نه کیفیت، عرضه یا عوامل دیگر.

این اثرات با کاهش انگیزه برای کار و سرمایه گذاری اقتصاد را کوچک می‌کند.

یکی از اصول کلیدی سیاست خوب مالیاتی، شفافیت است. مهم است که بدانید چه چیزی مشمول مالیات می‌شود و چه نرخ دارد، بنابراین می‌توانید انتخاب‌ها و تصمیم گیری‌های معناداری داشته باشید.

اما برخی از مالیات‌ها تقریباً نامرئی هستند - به حدی که ممکن است حتی متوجه نشوید که آنها را پرداخت می‌کنید. مانند تعرفه‌ها.

اما از آنجایی که تعرفه‌ها به طور نامرئی در قیمت کالاها نقش می‌بندد، برای شما تقریباً غیرممکن است که به دو محصول نگاه کنید و بدانید که آیا تفاوت قیمت نتیجه کیفیت، عرضه یا تعرفه است.

تأثیر توزیعی ترکیبی تعرفه‌های تحمیلی و تهدید شده ایالات متحده از دسامبر ۲۰۱۸

| تغییر در درآمد پس از مالیات | درصد درآمد |
|-----------------------------|-------------------------|
| ۱۳۷٪- | کمترین پنجم (۰٪ تا ۲۰٪) |
| ۱۳۲٪- | پنجم دوم (۲۰٪ تا ۴۰٪) |
| ۱۳۷٪- | پنجم میانی (۴۰٪ تا ۶۰٪) |
| ۱۳۱٪- | پنجم چهارم (۶۰٪ تا ۸۰٪) |
| ۱۱۴٪- | پنجم برتر (۸۰٪ تا ۱۰۰٪) |
| ۱۲۲٪- | ALL |
| الحاقیه: | |
| ۱۲۵٪- | ۸۰ تا ۹۰ درصد |
| ۱۲۴٪- | ۹۰ تا ۹۵٪ |
| ۱۱۸٪- | ۹۵ تا ۹۹٪ |
| ۰/۹۵٪- | ۹۹ تا ۱۰۰٪ |



اجت
بانکداری، حسابداری، مالیاتی ایران
INTA



فراخوان همکاری آموزشی

جامعه مشاوران رسمی مالیاتی ایران در راستای شفاف سازی قوانین و مقررات مالیاتی و ارتقاء سطح دانش مالیاتی مودیان، از جوانان خبره، دانش آموختگان دارای ایده نو و فرهیختگان و خبرگان حوزه مالیات دعوت به همکاری می نماید علاقمندان میتوانند با استفاده از شیوه های نوین تدریس مواد قانونی با اهمیت و چالش برانگیز را به صورت فیلم یا پادکست تهیه و آثار خود را به آدرس c.smta.ir حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۱/۱۰/۳۰ ارسال نمایند.

شناسنامه اثر

ابتدای اثر ارسالی حتما متن زیر را بیان نمایید.

اینجانب به شماره
تلفن همراه اثر خود را با
موضوع ارسال می نمایم

شاخص های ارزیابی فایل ارسالی

● کیفیت مناسب صدا اعم از وضوح صدای گوینده

● انتخاب موضوع مناسب مالیاتی در ارزیابی اثر
حائز اهمیت است

آثار برتر با نام پدید آورنده منتشر خواهد شد

برگزاری همایش : ۱۴۰۲/۳/۱۵

intamedia.ir
iactc.ir

آخرین مهلت ارسال آثار : ۱۴۰۲/۲/۱۵

رسم در دستکاری

عملکردی را بدون رسیدگی قطعی کردیم و پذیرفتیم و برای ۱,۸ میلیون مودی مالیاتی اوراق قطعی صادر و ارسال شد. باید بتوانیم صرفاً ۵ تا ۱۰ درصد مودیان را کنترل کنیم آن هم به صورت تصادفی و تلاش ما متمرکز بر کنترل کامل مودیان پرریسک است. همچنین تلاش شد تا در سال جاری برای فاقدین اظهارنامه، اظهارنامه های برآوردی را تولید کنیم؛ یعنی مودیانی که اظهارنامه خود را تسلیم نکرده، کنترل می‌کنیم و برای آنها اظهارنامه برآوردی تولید می‌شود. بنابراین همه مودیان ما از همه معافیت‌های مقرر در قانون بهره‌مند می‌شوند و کسانی که اظهارنامه خود را تکمیل نمی‌کنند و برای آنها اظهارنامه برآوردی تولید می‌کنیم، جریمه در نظر گرفته می‌شود و از معافیت‌های مقرر در قانون برخوردار نخواهند شد؛ البته اکثر مودیان ما قانونمدار و منضبط هستند. تلاش می‌کنیم که بتوانیم مودیان جدیدی را شناسایی کنیم تا منجر به وصول بیشتر مالیات و تأمین مالی بیشتر برای دولت شود.

داود منظور: رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور

فعالیت اقتصادی همه فعالان اقتصادی است و به یمن آنها، تولید ملی و تولید ثروت و اشتغال آفرینی صورت خواهد گرفت. بنابراین ما به عنوان شریک ۱۸ درصدی در سال آینده علاقه‌مند هستیم که مودیان مالیاتی خوب عمل کنند و معتقد به مودی محوری و مودی مداری هستیم و امیدواریم بتوانیم فرایندها را در سازمان امور مالیاتی به گونه‌ای بازطراحی کنیم که فضای خاطر را در جمع مودیان بیش از گذشته داشته باشیم و بیشترین تلاش ما بر این موضوع استوار است که خدمات را الکترونیکی کنیم. درگاه ملی خدمات الکترونیکی گواه این مدعاست و هفته گذشته از سکوی نرم‌افزاری «مالیات من» برای تلفن همراه رونمایی شد که یکی از اقدامات مهم در این زمینه است تا هر شخصی بتواند در گوشی همراه خودش از راه دور و بدون مراجعه به ادارات از سوابق مالیاتی خود آگاه شود. همچنین اعتماد به خوداظهاری‌ها یک اصل مهم برای سازمان امور مالیاتی است و رئیس‌جمهور و معاون اول ایشان بنا را بر اعتماد به خوداظهاری‌ها گذاشته‌اند؛ صرفاً می‌بایست حسابرسی‌های متمرکز روی مودیان پرریسک باشد. ما در سال جاری ۷۷ درصد اظهارنامه‌های

برای سازمان امور مالیاتی توفیقی بود که بتواند در مراسم «رسم در دستکاری» و آیین تجلیل از فعالان پیشنهاد اقتصاد ایران و رونمایی از سامانه تشخیص و تشویق فعالان اقتصادی قانونمند و خوش حساب «تراز»، از مودیان نمونه که سرمایه‌های نظام مالیاتی و کشور هستند، تقدیر و تجلیل کند.

رویکرد اصلی سازمان امور مالیاتی تحول و تعامل حداکثری با جامعه مودیان است و در همین راستا ۷۷ درصد از اظهارنامه‌های مالیاتی عملکرد ۱۴۰۰ بدون رسیدگی پذیرفته شده است.

بخش بزرگ جامعه مودیان مالیاتی خوش حساب هستند که پرداخت مالیات را وظیفه ملی، شرعی و قانونی خودشان می‌دانند و این موضوع کار سازمان امور مالیاتی را تسهیل می‌کند. دولت به دنبال تأمین مالی پایدار است و مالیات در این زمینه نقش خودش را به خوبی ایفا می‌کند؛ ما در این زمینه گام‌های مهمی برداشته ایم.

تأکید می‌کنم که رویکرد ما در این دوره، تحسول مالیاتی و تعامل حداکثری با جامعه مودیان است، ما باید دیوار پیش روی سازمان امور مالیاتی و نظام مالیاتی یا مودیان مالیاتی را برداریم. نظام مالیاتی شریک



